

گزارش‌نهایی

سیاست‌های توسعه و تجارت جمهوری اسلامی ایران

(اقتصادی-مالی، اجتماعی-فلسفی، قضائی-کالبدی)

نخست‌وزیری
دقترجهای انقلاب



۱۵۷۷۱

فصل ۱ - پیش گفتار

۵	صفحه	<u>۱۱۰ - روش مطالعه در تدوین سیاستها</u>
۹		<u>۱۲۰ - فشرده‌ای از مهمترین فرضیات ، مسائل و پیشنهادات</u>
۲۴		<u>۱۳۰ - برخی از ویژگیهای اجتماعی - اقتصادی جامعه اسلامی</u>
۲۷		<u>۱۴۰ - مراحل زمانی اعمال سیاستهای توسعه و تکامل کشور</u>
		<u>۱۵۰ - اصول مورد توجه در مراحل زمانی اعمال سیاستها</u>
۲۸		۱۵۱ - اصول مورد توجه در کوتاه مدت (مرحله اول)
۲۸		۱۵۲ - اصول مورد توجه در میان مدت (مرحله دوم)
۲۹		۱۵۳ - اصول مورد توجه در دراز مدت (مرحله سوم)

فصل ۲ - بخشهای بنیادی

۳۱		<u>۲۱۰ - مقدمه</u>
۳۳		<u>۲۲۰ - بخش آزاد (مردمی)</u>
۳۷		<u>۲۳۰ - بخش مختلط (مردمی - دولتی)</u>
۳۹		<u>۲۴۰ - بخش دولتی</u>

۴۱ فصل ۳ - توزیع فضائی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی (آمایش)

۴۲ ۳۱۰ - مقدمه

۴۶ ۳۲۰ - آمایش ملی (توزیع فضائی کلیه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در سطح ملی)

۵۱ ۳۳۰ - آمایش منطقه (شامل محدوده یک یا چند استان)

۵۵ ۳۴۰ - آمایش محلی (شامل محدوده یک یا چند "بخش" یا دهستان فعلی)

۵۸ ۳۵۰ - جامعه شهری

۶۵ ۳۶۰ - جامعه روستائی

۷۱ فصل ۴ - بخش‌های اقتصادی

۷۲ ۴۱۰ - مقدمه

۷۵ ۴۲۰ - کشاورزی

۸۲ ۴۳۰ - صنایع و معادن

۹۲ ۴۳۱ - صنایع

۹۲ ۴۳۲ - نفت و گاز

۹۲ ۴۳۳ - معادن

۴۴۰ - خدمات

۱۰۴	۴۴۱ - آموزش و پرورش
۱۱۱	۴۴۲ - بهداشت و درمان
۱۱۹	۴۴۳ - تربیت بدنی و ورزش
۱۲۳	۴۴۴ - بازرگانی داخلی و خارجی
۱۲۷	۴۴۵ - نگهداری و توزیع فرآورده‌ها
۱۳۰	۴۴۶ - خدمات زیربنایی

فصل ۵ - عوامل محیطی

۱۴۳

۵۱۰ - مقدمه

۱۴۴

۵۲۰ - عوامل اجتماعی

۱۴۵	۵۲۱ - فرهنگ
۱۵۱	۵۲۲ - علوم و فنون (تکنولوژی)
۱۵۶	۵۲۳ - پژوهش

۵۳۰ - عوامل زیربنایی

۱۶۲	۵۳۱ - آب
۱۶۷	۵۳۲ - انرژی

۵۴۰ - عوامل سیاسی - نظامی

۱۷۲	۵۴۱ - نظام تصمیم‌گیری دولت و تفکیک مسئولیتها بین مرکز و استانها
۱۸۱	۵۴۲ - نظام برنامه ریزی
۱۸۵	۵۴۳ - امنیت و دفاع ملی

۵۵۰ - عوامل مالی

۱۹۱	۵۵۱ - منابع مالی
۱۹۴	۵۵۲ - حقوق و حداقل دستمزد

۵۶۰ - سایر عوامل محیطی

۱۹۷	۵۶۱ - مالکیت
۲۰۰	۵۶۲ - نیروی انسانی و اشتغال
۲۰۴	۵۶۳ - کیفیت زندگی و محیط زیست
۲۰۹	۵۶۴ - جمعیت و مهاجرت
۲۱۳	۵۶۵ - ایرانگردی و سیاحت
۲۱۶	۵۶۶ - اطلاعات و آمار
۲۱۹	۵۶۷ - مسکن
۲۲۵	صورت اسامی افرادی که در انجام مطالعات از شهریورماه ۱۳۵۸ تا اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ همکاری نموده اند .

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نخست وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران جهت جلب مشارکت کلیه مردم در تدوین سیاستهای درازمدت توسعه و تکامل (اقتصادی-مالی، اجتماعی-فرهنگی، فضائی-کالبدی) کشور و با شریک کردن مردم در طرح ریزی و سپس ساختن "خانه خود" سمت وزیر مشاور در طرحهای انقلاب را ایجاد نمودند. متعاقباً "اساسنامه شورای عالی طرحهای انقلاب در ۱۳۵۸/۱/۸ به تصویب هیئت دولت رسید و اعضاء این شورا تعیین گردیدند.

مواد ۱ و ۲ این اساسنامه به قرار زیر میباشد:

" ماده ۱ - هدف و ماهیت

شورای عالی طرحهای انقلاب بمنظور تعیین مشخصات و طرح ریزی نظامهای تشکیل دهنده جامعه آینده ایران در جمهوری اسلامی و بررسی راههای نیل به آن، زیر نظر و به ریاست وزیر مشاور در طرحهای انقلاب تشکیل میگردد و از لحاظ اداری و مالی وابسته به نخست وزیر می باشد.

" ماده ۲ وظایف

الف - تهیه طرح کلی نظامهای سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی جامعه ایران و تدوین قانون اساسی بر مبنای ضوابط اسلامی و رعایت اصول آزادی.

ب - برنامه ریزی برای پیاده کردن نظامهای طرح ریزی شده.

تبعیه - وظایف بندهای الف و ب بوسیله متخصصین و صاحب نظران و با جلب مشارکت مردم انجام میگردد.

پیرو دعوت نخست وزیر و وزیر مشاور در طرحهای انقلاب از متخصصان و کارشناسان جهت اظهار نظر در مورد سیاستهای درازمدت جمهوری اسلامی ایران حدود ۵۲۰ طرح و یا پیشنهاد در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره بدفتر طرحهای انقلاب واصل شد. تعداد زیادی از این طرحها مورد مطالعه قرار گرفت و جلسات متعددی در زمینه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، فضائی و زیربنائی با شرکت بعضی از این افراد، تعدادی از اساتید دانشگاهها و سایر متخصصان، کارشناسان و صاحب نظران تشکیل گردید.

نحوه کار شوراهای فوق الذکر به این ترتیب بود که ابتدا آرمانها و هدفها یا وضع مطلوب در جامعه اسلامی را تعیین و سپس روشهایی را که لازم است در مراحل مختلف زمانی دنبال کرد تا در نهایت باین وضع مطلوب و یا اهداف رسید معلوم نمود. نتیجه کار این شوراها که با مشارکت ۱۹۵ نفر از کارشناسان، صاحب نظران، صنعتگران و کشاورزان کشور و صرف بیش از ۴۰۰۰ ساعت وقت بود در مرداد ماه ۱۳۵۸ زیر عنوان "گزارش مقدماتی سیاستهای اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران" چاپ و در اختیار عدهای از متخصصان، صاحب نظران و سیاستگزاران جهت اظهار نظر قرار داده شد. این گزارش در مهرماه همان سال در چند شماره

روزنامه‌کپهان نیز بچاپ رسید و از مردم خواسته شد که نسبت به مفاد آن اظهار نظر نمایند .

چون همزمان با مطالعاتی که در دفتر طرح‌های انقلاب در زمینه تدوین سیاست‌های توسعه و تکامل کشور جریان داشت سایر دستگاه‌های اجرایی کشور و گروه‌ها و دستجات مختلف نیز مطالعاتی در این زمینه انجام میدادند، جهت تلفیق نظرات مردم و دیگر مطالعات انجام شده در قسمت‌های مختلف، شوراهای تخصصی از ۱ تا ۹ آبان ماه در نخست وزیری تحت عنوان‌های زیر بطور همزمان تشکیل گردید :

- ۱- بخش‌های بنیادی شامل اقتصاد کلان، مالکیت و مدیریت، منابع مالی، حقوق و حداقل دستمزد .
- ۲- توزیع فضائی فعالیتها و جمعیت شامل آمایش ملی، منطقه‌ای و محلی و جامعه شهری و روستائیی، کیفیت زندگی و محیط زیست، نیروی انسانی و اشتغال، جمعیت و مهاجرت، اپرا نگر دی و سیاحت .
- ۳- خدمات اجتماعی شامل آموزش، فرهنگ، بهداشت و درمان، تربیت بدنی و ورزش .
- ۴- خدمات زیربنائی شامل آب، راه، مسکن و مخابرات .
- ۵- خدمات بازرگانی و نگاهداری و توزیع کالا .
- ۶- کشاورزی .
- ۷- صنایع، معادن و انرژی .
- ۸- علوم و فنون و پژوهش .

در این شوراها ۵۱ نفر از اساتید دانشگاه‌های کشور، کارشناسان دستگاه‌های اجرایی نظیر سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی ایران، بانک توسعه کشاورزی، وزارت اقتصاد و دارائی، وزارت بازرگانی، وزارت راه و ترابری، وزارت صنایع و معادن، وزارت کشاورزی، وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت نفت، وزارت نیرو و سازمان حفاظت محیط زیست و عده‌ای از متخصصان و کارشناسان بخش خصوصی شرکت داشتند . نتیجه کار این شوراها و شوراهای دیگری که متعاقباً "در زمینه‌های اقتصاد کلان، نظام تصمیم‌گیری دولت و تفکیک مسئولیتها بین مرکز و استانها، انرژی و معادن تشکیل شد در کمیته‌ها هما هنگی با مشارکت آقایان دکتر علی برزگر، دکتر پرویز توفیقی، دکتر خسرو خسروی، دکتر حسن دبیری، مهندس علی اکبر صابری، دکتر عطاءاله صفائی، دکتر محمدجعفر مجرد و دکتر مصطفی معینی عراقی مورد بررسی قرار گرفت .

برای تسهیل کارشوراهای تخصصی کمیته‌ها هما هنگی که از اوایل شروع مطالعات مسئولیت هما هنگی و جمع بندی را برعهده داشت خط مشی و اصولی را برای هدایت مطالعه در نظر گرفت که توجه به آن روشنگر چگونگی شکل گرفتن آن بود . در مرحله نخست مسئله و هدف مطالعه که تمییه سیاست‌های توسعه و تکاملی برای جامعه نوین اسلامی ایران است مورد بررسی قرار گرفت و حدود و ثغور مطالعه و اجزاء آن تعیین گردید . در روش انجام مطالعه رعایت دو مسئله بطور همزمان مورد توجه بوده است : یکی آنکه در برخورد با مسائل بررسی و شناختی "تحلیلی" بدست آید و دیگر اینکه این شناخت حصول به تصویری "ترکیبی" از اجزا مسئله در زمینه کلی اجتماعی، اقتصادی و کالبدی را میسر سازد .

برای نظم دادن به مطالعه چهارچوبی کلی برای طرح مسئله در نظر گرفته شد که این چهارچوب شامل چهار زمینه اصلی زیر بود :

- ۱ - بخشهای بنیادی .
 - ۲ - توزیع فضائی کلیه فعالیتهای توسعه و تکامل ملی .
 - ۳ - بخشهای اقتصادی .
 - ۴ - عوامل محیطی .
- تقسیم بندیهای فوق حصول به تصویری ترکیبی در کل مسائل اجتماعی ، اقتصادی و کالبدی جامعه را تسهیل نمود .

برای جلوگیری از پراکندگی گزارش واز بین بردن تضادها و بیکپارچه کردن آن هریک از موضوع های مورد بحث در گزارش در ارتباط با مراحل مختلف فراگرد برنامه ریزی یعنی ، هدف گذاری و تعیین سیاستها ، تعیین برنامه ، تامین اعتبار ، اجرا و نظارت و ارزیابی و تجدید نظر از یک سو و پاسخگویی و رعایت زمینه های مختلف زیر از سوی دیگر هماهنگ گردید .

- ۱ - بخشهای بنیادی .
- ۲ - توزیع فضائی کلیه فعالیتهای توسعه و تکامل ملی .
- ۳ - بخشهای اقتصادی .
- ۴ - تربیت نیروی انسانی و آموزش .
- ۵ - علوم و فنون (تکنولوژی) .
- ۶ - ارزشهای فرهنگی و ساخت و نظام اجتماعی .

در بهمن ماه سال ۱۳۵۸ یک گزارش نیمه نهائی بتعدادی محدود تهیه و جهت اطلاع و اظهار نظر اعضای محترم شورای انقلاب اسلامی ایران و چند نفر دیگر از صاحب نظران کشور ارسال گردید . چند نفر از این آقایان در باره گزارش مذکور اظهار نظر نمودند که در تدوین این گزارش نهائی مورد استفاده قرار گرفت .

این گزارش بترتیب شامل مقدمه و یا فشرده ای از مهمترین فرضیات ، مسائل و پیشنهادات بوده و سپس شامل برخی از ویژگیهای جامعه اسلامی ، مراحل زمانی لازم برای اعمال سیاستها ، اصول مورد توجه در این مراحل ، و بالاخره قسمتهای مختلف سیاستهای توسعه و تکاملی کشور میباشد . در هر موضوع ابتدا اهمیت ، محدودیتها و امکانات کشور در آن زمینه و سپس ویژگیهای وضع موجود ، بعد آرمانها و هدفها و بالاخره سیاستها و راهبردها که شامل سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول) و سیاستهای میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم) میشود ذکر شده است .

در بیان ویژگیهای وضع موجود سعی شده که تصویری کلی از نابسامانیهای امور اجتماعی و اقتصادی کشور که قبل از انقلاب اسلامی ایران وجود داشته و یا بعد از انقلاب بوجود آمده با ذکر علل این نابسامانیها ترسیم گردد .

برای انتقال جامعه کنونی و رسیدن به جامعه اسلامی مراحل زمانی مختلفی را بایستی طی کرد . آنچه که حائز

اهمیت میباشد حرکت صحیح و قرار گرفتن در مسیری است که بتواند جا معه را تبدیل به یک جامعه اسلامی نمونه بنماید. در حالی که در هر یک از امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی هدفهای درازمدت و وضع موجود بطور مختصر تشریح گردیده ولی سعی نموده است تا رهنمودهایی را برای مرحله زمانی کوتاه مدت (۲ ساله) و میان مدت (۸ تا ۱۲ ساله) و درازمدت (۱۲ تا ۱۶ ساله) مشخص نماید.

در انجام مطالعات، بررسیها و تدوین سیاستها جمعا "حدود ۲۴۰ نفر از اساتید دانشگاهها، متخصصان و کارشناسان، دانشمندان، صنعتگران و کشاورزان بخشهای دولتی و خصوصی به نحوی همکاری نموده و کلا "حدود ۷۸۰۰ ساعت از وقت خود را با کمال علاقه و دلسوزی و ایمان به انقلاب اسلامی ایران و آینده کشور و بطور افتخاری صرف کرده اند. نام ۱۹۵ نفر از این افراد که در انجام مطالعات مربوط به گزارش مقدماتی (منتشر شده در مرداد ماه ۱۳۵۸) همکاری داشتند در آن گزارش ذکر گردیده و نام ۶۴ نفر (که بعضی از آنان در مطالعات مقدماتی نیز شرکت داشتند) که از آن تاریخ به بعد در تکمیل مطالعات و بررسیها سهیم بوده اند در ضمیمه شماره ۱ این گزارش دیده میشود. لازم میدانم از کلیه این افراد و بخصوص آقایان دکتر علی برزگرو دکتر عطاءاله صفائی که در جمع بندی نهائی مطالعات، هماهنگی و تدوین این گزارش صمیمانه همکاری نموده و در پیشبرد آن سهم بسزائی داشته اند تشکر نمایم.

لازم میدانم از استاد گرامی جناب آقای مهندس مهدی بازرگان که انجام این مطالعات بنا به پیشنهاد ایشان بعنوان اولین نخست وزیر دولت جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید و پس از استعفاى دولت موقت زیر نظر شورای انقلاب و ایشان ادامه یافت، بخاطر علاقه فراوانی که نشان دادها اند و این که وجودشان نه تنها در سرپرستی این مطالعه بلکه با شرکت در جلسات کمیته هماهنگی مشوقی برای پژوهشگران بوده است صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

گزارش حاضر با تمام دقت و انرژى که برای تهیه آن صرف شده است مسلما "خالی از نقص و اشکال نیست. ولی بمصدق آیه شریفه

الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سلنا

تهیه کنندگان گزارش قدم باین راه گذاشتند و هرچه پیشتر رفتند با مسائل بیشتری آشنا شدند و در جهت تکامل گزارش کوشیدند. اما فراگرد تهیه و تکامل یک چنین مجموعه سیاستهایی باید یک کار مداوم و مستمر باشد. بدین خاطر است که در پیشنهاد سازوکارها به برنامه ریزی و روند تکاملی آن توجه خاص مبذول گردیده است. لذا این گزارش، گویانکه در این مرحله نهائی است، ولی کامل نیست و باید مستمرا "در جهت بهتر و به روز کردن و تکامل بخشیدن بآن چه از لحاظ تطابق با آرمانهای اسلامی و چه از لحاظ جنبه های تخصصی آن کوشش شود.

این گزارش بیاد دهها هزار نفر از مردم ایران که با نثار خون پاک خود درخت آزادی را در ایران بارور نمودند تقدیم ملت ایران میگردد.

مهدی بهادری نژاد

اردیبهشت ماه ۱۳۵۹

هدف انقلاب اسلامی ایران برقراری آزادی فردی و فراهم ساختن امکان مشارکت همه افراد در ساخت و تحول جامعه ، از بین بردن استعمار و سلطه خارجی‌ان از طریق رهایی عوامل تولید از وابستگی اقتصادی به آنان ، جلوگیری از اختناق و نفی هرگونه استبداد فکری و استثمار اقتصادی و سپردن سرنوشت مردم بدست خودشان بوده است (. . . و یضع عنهم اصرهم والاغلال التي كانت علیهم . . .)^{*}

هدف از حکومت اسلامی فراهم آوردن امکانات رشد انسان در حرکت بسوی نظام الهی است (والی اللّٰه المصیر) . این حرکت که در آن زمینه بروز و شکوفائی استعدادها بمنظور تجلی ابعاد انسان فراهم میآید درگرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه است .

به‌ثمر رسیدن انقلاب تنها از طریق مطالعه ، تعیین اهداف ، سیاست‌گذاری ، تعیین برنامه‌ها ، اجراء و نظارت ، ارزیابی و تجدیدنظر در کلیه زمینه‌های فوق در مسیری پویا برای تکامل بخشیدن به جامعه و فراهم ساختن امکان رشد افراد آن امکان پذیر خواهد بود . در این جهت ، مراد از گزارش حاضر تدوین یک رشته اهداف و سیاستهای متوازن و هماهنگی است که بتواند مبنائی برای برنامه‌ریزی قرار گیرد . لازم به تأکید است که در اینجا منظور ارائه برنامه و یا در حد جزئی‌تر ارائه طرحهای اجرائی نبوده است . برنامه‌ریزی و تهیه طرحها مراحل بعد از سیاست‌گذاری است . برخلاف گذشته که برنامه‌ریزی از طریق بودجه بخشها اعمال میگردید ه است و غالباً "دید جامعی نسبت به وضع مطلوب وجود نداشته ، در تهیه این گزارش کوشش شده است که دبدی کلی و فراگیر نسبت به جامعه در مقاطع زمانی مختلف و روابط افراد و گروهها و ارتباط آن با منابع و امکانات در مناطق مختلف فضای ملی کشور در یک فراگرد پویا بدست آید .

چگونگی تحول تاریخی

نخستین دیدگاه مطالعه درباره جهان خلقت مبتنی بر قرآن کریم است که عالم هستی بر اساس نظم و نسقی بوجود آمده و کل و جزء آن تابع قوانین الهی است . حرکت تاریخ نیز پیروی از قوانین دارد ، اما جبری نیست . یعنی انسان به‌عنوان وجودی که قدرت و شناخت قوانین طبیعی را دارد میتواند آگاهانه با استفاده از قوانین برجست حرکت تاریخ اثر بگذارد . بنا بر این انسان با علم و شناختی که نسبت به محیط خویش دارد میتواند برای دگرگون کردن آن در جهت مطلوب گام بردارد . این علم و آگاهی خود به انسان مسئولیت و رسالتی میدهد که جهت تغییر را از دیدگاه اسلامی مشخص میکند . از این روست که دید صرفاً "جبری حرکت تاریخ مورد قبول اسلام نیست بلکه علم و اراده انسان را عامل پویائی تحول تاریخی میداند . بدین ترتیب شناخت جامعه ، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مراحل منطقی در اعمال اراده انسانی بر تغییر در جهت مطلوب است . از این رو نظام دادن به حرکت جامعه بسوی وضع مطلوب تنها از طریق تشکل بخشیدن به نیروهای جامعه و استفاده از برنامه‌ریزی و روش منطقی میسر است .

* . . . و احکام پر رنج و مشقتی را که چون زنجیر بگردن خود نهاده‌اند همه را برمی‌دارد (و دیدن آسان و موافق فطرت بر خلق می‌آورد) . . . قرآن مجید ، سوره اعراف آیه ۱۵۷

نکته اصلی آنست که حرکت جامعه در چه جهتی و بسوی چه هدفی باید باشد. از دیدگاه اسلامی رسالت انسان در آنست که جامعه و نظام اجتماعی را بسوی کمال سیر دهد و این حرکت در عین حال هماهنگ و همگام با حرکت طبیعت نیز هست (والی الله المصیر). حرکت بسوی کمال در واقع حرکت بسوی تکامل انسان و تجلی اخلاق و صفات عالی و انسانی است. چون انسان نماینده خالق بر روی زمین است از وظایف اوست که جامعه انسانی نیز مظهر پاکی، عدالت، علم، آگاهی، قدرت، زندگی و پویائی باشد. در عین حال انسان یک وجود خاکی است و نیازها و تمنیات دنیوی وی را پای بند است. رسالت اسلام در آنست که جامعه‌ای بوجود آورد بر اساس شناخت از واقعیت وجود انسان، این وجود خاکی که میل به پرواز دارد، جامعه‌ای که نه بر اساس رهبانیت و ترک دنیا باشد و نه مادیت و دنیا پرستی، جامعه‌ای پویا، متحول و پیکار، که کوشادر رفع نیازهای مادی افراد خود باشد، در حالی که نفی مادیات، مهربانی، نیکوکاری، فداکاری، از خودگذشتگی، آزادی و بردباری و تحمل نظر دیگران را در آنان پرورش میدهد. جامعه‌ای که با تفکر و عقل سلیم انسان ساخته میشود و در عین وقوف بر خاکی بودن، عالی‌ترین منزل را هدف عروج انسان قرار میدهد.

شرایط اساسی

پیشنهاد یک رشته سیاست‌های توسعه و تکاملی طبیعتاً "می‌بایست مبتنی بر یک رشته فرضیات در وجود و استمرار شرایط باشد. چنانچه این شرایط تغییر کنند بالطبع سیاست‌های دیگری باید اتخاذ گردند. در این جهت لازم است شرایط عمده‌ای را که در این گزارش برای اجرای سیاست‌های پیشنهادی ضروری تشخیص داده میشود در این جا ذکر کنیم.

نخستین شرط آنست که امنیت داخلی برقرار بوده و دولت قوای قانونی کنترل لازم را بر امور کشور داشته، هرج و مرج از میان رفته و هرگونه تجاوزی در مقابل قانون پاسخگو باشد. دوم آنست که کشور در جنگ خارجی درگیر نباشد. چون الزامات و نوع بسیج امکانات در زمان جنگ و صلح با یکدیگر متفاوت اند. در عین حال این بدان معنا نیست که آمادگی دفاعی وجود نداشته باشد. بوجود آمدن یک چنین آمادگی و جبهه‌همت سیاست‌های پیشنهادی در این مجموعه است. سوم این که نظام اقتصادی و محیطه مالکیت فردی، تعاونی و دولتی مشخص گردد. گرچه چنین نظامی، هر چند کلی، در این گزارش پیشنهاد شده است اما شرط لازم برای موفقیت سایر سیاست‌ها روشن شدن و تثبیت حدود نظام مالکیت و نظام فعالیت‌های اقتصادی است. استمرار ابهام و بی‌تکلیفی در این زمینه عدم تعادل و تزلزل در سایر زمینه‌ها را فراهم خواهد کرد.

چهارم آنست که چون بسیاری از سیاست‌های پیشنهادی با توجه و در رابطه با درآمدهای ناشی از منابع نفتی است، گرچه در درازمدت هدف بوجود آوردن اقتصاد پویا و متحول و تحصیل ارز خارجی مورد نیاز از طریق صدور انواع کالاهای صنعتی و کشاورزی و خدمات است، در کوتاه و میان مدت این سیاست‌ها با فرض استمرار درآمدهای ناشی از منابع نفتی کشور استوار گردیده است. دیگر شرط اساسی برای اجرای سیاست‌های پیشنهادی طبیعتاً "باید استقرار نهادهای مناسب برای اجرای برنامه‌های توسعه و تکاملی کشور باشد. بدون وجود نهادهای اجرائی مناسب که باید با توجه به اهداف کلی و روح جامعه موجود و طبیعت جامعه مطلوب شکل گرفته باشند حصول هدف‌های توسعه و تکاملی امکان پذیر نخواهد بود.

در عین حال ضرورت توجه به برقراری توازن بین سهم برنامه‌ریزی فضائی، جغرافیائی و برنامه‌ریزی بخشی در تعیین جهت برنامه‌های توسعه و تکامل کشور و تخصیص اعتبارات نیز بر مبنای همین توازن چه در سطح ملی و چه در سطوح منطقه‌ای و محلی مورد تاکید قرار گرفته است. از این طریق است که بهره‌برداری بهینه از منابع، ایجاد تعادل در پیشرفت مناطق، عدالت اجتماعی، فراهم ساختن عوامل برخورداری مساوی کلیه افراد از امکانات، با در نظر داشتن یکپارچگی سرزمین امکان‌پذیر خواهد بود.

آزادی فردی و عدالت اجتماعی

برای این که انسان بتواند به این آرمانها و هدفهای مادی و معنوی برسد باید بصورت دستجمعی و یا جامعه عمل کند. یعنی انسان چه از لحاظ فردی و چه از لحاظ زندگی اجتماعی به تنهایی نمیتواند به کمال برسد و هرگونه عروج و یا افول وی در رابطه با جامعه است. در عین حال جامعه بایستی متشکل باشد و با پیروی از روشی عقلانی و طبق برنامه عمل کند. از سوی دیگر، جامعه بخودی خود دارای ارزش فطری و ارگانیک نیست بلکه هدف از تشکل جامعه آنست که آرمانهای افراد و گروهها تحقق یابند و به نیازهای آنان پاسخ داده شود. بنابراین نه تنها جامعه را باید در مقابل تعرض افراد پاسداری کرد بلکه حقوق و آزادیهای فردی را نیز نمیتوان بنام مصالح اجتماع و ارجحیت آن از میان برد. لذا جامعه باید از آزادیهای مفرط فردی و گروهی و اقتدار مطلق حکومتی هردو بر حذر باشد.

در نهایت، هدف رسیدن به جامعه‌ای است که آرمانهای آن در جهت تکامل شخصی افراد جامعه، آزادی، و ایثار در ادای مسئولیت به منافع گروه و اجتماع است. معیار ارزشها و میزان سنجش نهادها "خدائی بودن" یا به عبارت دیگر "انسانی بودن" آنهاست. یعنی آن ارزشهایی پسندیده است که در جهت تعالی مادی و معنوی جامعه و افراد آن باشد، و آن نهادهایی مورد قبول است که در تعارض با عدالت اجتماعی، آزادی و حرکت انسان در مسیر تکامل او نباشد و این حرکت را تسهیل کند. از این رو پیشداوری در عرضه شکل خاصی از حکومت مورد نظر نیست بلکه چگونگی عملکرد حکومت‌هاست که ملاک قضاوت است.

بنابراین، با روشن شدن مبنای ارزشی جامعه، آن نهادهایی مطلوب هستند که موثر باشند یعنی بتوانند بیشتر به ارزشهای مورد نظر تحقق بخشند. در این رهگذر نظام حکومتی و اجتماعی بیشتر بصورت فرهنگ و ارزشهای جامع و غالب مطرح میگردد تا ساخت‌های معین. از این دیدگاه شکل حکومت ممکن است در طول زمان تغییر کند تا با نیازها و شرایط زمان تطبیق یابد.

بدین لحاظ است که در قالب معیارهای فوق متعادل سازی و بهینه‌سازی نهادها و سازمانهای اجتماعی از اولویت خاصی برخوردار میباشند. از سوی دیگر، تجربه‌های سازماندهی و ساخت جوامع مختلف با تاکیدهای متفاوتی که در جوامع گوناگون به احتیاجات فردی و نیازها و ضروریات جامعه دارند بزمین زیاده شناخته شده است. بنابراین دشواری کاربرد بکار بردن ابتکار در خلق نظامی غیر عادی نیست، بلکه در بکار گرفتن دقت لازم برای بوجود آوردن نظامی متعادل و متوازن در رابطه با نیازهای فردی و

ضروریات جامعه است. بطوری که شرایط شکوفائی و خلاقیت و نوآوری همراه با آزادیهای فردی بنحوی فراهم گردد که فرد بتواند با نهایت و کمال قدرت درجهت تکامل و بهبود زندگی خویش فعالیت کند و هرچه این فعالیت و خلاقیت بیشتر باشد ثمره مادی و معنوی بیشتری نصیب وی گردد. در عین حال، نظام ارزشی جامعه بنحوی است که کسب مال و گردآوری ثروت برای فرد بخودی خود ارزش ندارد و همگام با کوشش و تلاش پیگیر، فرد از آنچه بدست آورده است انفاق میکند و در مسیری از خودگذشتگی حرکت میکند که نهایت آن ایثار است.

از ملزومات دیگر این تعادل و توازن، شرایط اجتماعی است. جامعه‌ای بهتر میتواند محیط را برای شکوفائی فرد فراهم کند که در آن شرایط آزادی فردی همراه با عدالت اجتماعی فراهم باشد، جامعه‌ای که شرایط محیطی و نظام اجتماعی لازم برای به حد اعلا رسانیدن کارآئی افراد و نهادهای اجتماعی رامهیا کرده و در عین حال از اسراف جلوگیری کند و جامعه‌ای که رفاه نسبی و امنیت فرد را در قبال تعرض افراد، گروهها و حکومت تضمین کرده باشد.

نظام اقتصادی، مالکیت و بخشهای بنیادی

نظام مالکیت و مشارکت مردم در امور اقتصادی جامعه از طریق سه بخش بنیادی "بخش آزاد، بخش مختلط و بخش دولتی" صورت میگیرد. این تقسیم بندی با توجه به اهمیت بکارگرفتن حداکثر نیروهای خلاقه فرد در فعالیتهای اقتصادی بمنظور بهبود وضع خویش و اجتماع بوده است. ضرورت پاسداری از منافع و مصالح جامعه و افراد آن ایجاب میکند که دولت به عنوان نماینده جامعه نقش محیط ساز و ارشاد کننده را ایفا کند.

بخش آزاد در برگیرنده واحدهای کوچک و متوسط تولیدی و خدماتی بصورت مالکیت فردی و یا گروهی و تعاونی میباشد. بخش مختلط شامل واحدهای تولیدی و خدماتی متوسط و بزرگ و نیز انحصارها و شبه انحصارهاست و ممکن است که دولت در سرمایه گذاری برخی واحدهای آن با مردم مشارکت نماید. بخش دولتی شامل واحدهای تولیدی و خدماتی سنگین مادر و راهبردی (استراتژیک) و یا واحدهائی که بدلالی مورد توجه دو بخش دیگر نیستند ولی وجودشان از دیدگاه جامعه ضروری است میباشد. با حفظ حق تصمیم گیری دولت در امور این نوع فعالیتها، در صورت تمایل، افراد جامعه نیز میتوانند در این بخش سرمایه گذاری کنند. باید توجه داشت که منظور از بخش دولتی همه دولت نیست. در تقسیم بندی بخشهای بنیادی واژه "بخش دولتی" به فعالیتهای تولیدی و خدماتی دولت در بخشهای مختلف اقتصادی مربوط میشود و واژه "دولت" بمعنای عام و در ظرفیت عرضه کننده خدمات عمومی از قبیل دفاع ملی، امنیت داخلی، آموزش، رفاه، حفاظت و هدایت محیط اقتصادی کشور، وضع و اجرای قوانین و غیره بکار میرود.

لذا دولت بمعنای عام موظف است که محیط اقتصادی کشور را برای فعالیت و رشد هر سه بخش بنیادی مساعد ساخته، درجهت تحقق کارآئی بالقوه هر بخش اقدامات لازم را بنماید. بنابراین نقش محیط ساز دولت در

قبال بخشهای بنیادی بصورت یکی از اساسی ترین کارهای دولت چه از نظر هدایت نظام اقتصادی در جهت مطلوب و چه از نظر پیش گیری از بروز مسائل اساسی (که شاید تنها راه حل آنها پیش گیری باشد) عنوان شده است . در رابطه با بخش آزاد ، نقش دولت عملاً همان محیط سازی است . در مورد بخش مختلط ، دولت علاوه بر محیط سازی برواحدهای این بخش نوعی نظارت مستقیم و یا غیر مستقیم (که طبیعت و حدود آن به وضع مشخص واحدها بستگی دارد) نیز اعمال میکند . در بخش دولتی ، علاوه بر محیط سازی و نظارت ، دولت نقش مجری را نیز بعهده دارد . از میان برداشتن موانع و ایجاد تسهیلات لازم در جهت بالابردن کیفیت و کمیت فعالیت های اقتصادی ایجاب میکند که دولت نقش مخصوص و ارشاد کننده ای را ایفا کند .

مالکیت " مشروع " ، " محدود " ، " مشروط " و " معقول " از زیربنای اقتصاد جامعه اسلامی است . در این جامعه فرد نه تنها میتواند از ثمرات مادی و معنوی دسترنج خود بهره مند شود بلکه تشویق میشود حداکثر کوشش خود را در این جهت بکار ببرد . از این رو حق اکتساب برای فرد از راههای " مشروع " محفوظ است و وی میتواند در زمان حیات خویش از ثمرات آن بهره مند گردد . علاوه بر این ، از طریق ارث فرزندان و بازماندگان هم میتواند از دسترنج پدران خویش استفاده کند . این قویترین تضمین برای پویائی و فعال بودن افراد و تکاثر سرمایه در سطح جامعه است . بنابراین ویژگی اقتصاد در جامعه اسلامی سلب مالکیت از افراد جامعه و دولتی کردن همه چیز نیست بلکه نظارت بر فعالیت سالم و مشروع افراد است .

علاوه بر این جامعه اسلامی نه تنها با نظام سرمایه داری دولتی بلکه با تمرکز ثروت در سطح فرد نیز مخالف است و اجازه نمیدهد که فرد با تمرکز ثروت مقدرات جامعه را دستخوش ناپایداری کند . در این جهت بمنظور جلوگیری از تمرکز ثروت در سطح فرد علاوه بر بذل داوطلبانه مال توسط افراد (انفاق) ، که از ملزومات فرهنگ اسلامی است ، جامعه از سازوکارهای مالیاتی نیز به عنوان عوامل بنیادی برای " محدود " کردن ثروت فرد استفاده میکند . سنجش محدودیت ثروت بصورتی پویا همیشه در ارتباط با میزان نیاز و سطح رفاه جامعه است . دیگر این که مالکیت در اسلام در زمینهای مختلف " مشروط " به نوع و درجه استفاده " معقول " از منابع میباشد . در این جهت تملک زمینهای کشاورزی در ارتباط با کشت و بهره برداری معقول از آنها مشروط شده است . در استفاده از منابع دیگر نیز شرط های نیاز ، عدالت و عقل بکار گرفته میشوند .

اهمیت بنیانی روشن شدن مسئله مالکیت در ارتباط با تداوم و استمرار اقتصاد کشور سیاست گزاران و تصمیم گیران را ملزم میسازد تا حدود مالکیت را در ارتباط با تمام بخشهای عمده اقتصاد (کشاورزی - صنایع و خدمات) و بخشهای جزئی درون هر یک بصورتی عینی دقیقاً مشخص و مدون کرده و هر چه زودتر اعلام نمایند . از این راه ابهام موجود و مسلط بر جامعه در مورد حدود مالکیت از میان رفته و باعث براه افتادن چرخهای اقتصادی و مشارکت مردم خواهد گردید .

کیفیت زندگی

از جمله نکات مهمی که در تدوین سیاست‌های توسعه و تکامل کشور شایسته توجه است جنبه‌های کیفی زندگی است . کیفیت زندگی از عوامل گوناگون از جمله از آزادی‌های فردی ، مشارکت ، حق کار ، آموزش ، فرهنگ ، مسکن ، بهداشت و سالم سازی فکر و بدن و محیط زیست سالم مایه میگیرد . افرادی که در شهرهای بزرگ با محیط زیست آلوده زندگی میکنند و افرادی که در روستاهای بدون آب آشامیدنی سالم و سایر امکانات بهداشتی سکنی دارند از کیفیت زندگی مطلوب محرومند . ابعاد آلودگی محیط زیست در شهرهای بزرگ ایران به ویژه تهران اکثراً " در سطحی خطرناک قرار داشته و بحدیست که در مواردی بهبود آن با صرف وقت و هزینه‌های هنگفت نیز دشوار است . بنابراین ، تدوین قوانین و مقررات جامع و معقول مربوط به حفاظت ، بهبود و بهسازی محیط زیست و بوجود آوردن ساز و کارهای موثری که بتواند اجرای آنها را تضمین کند از اهمیت خاصی برخوردار می باشد .

فرهنگ جامعه

نکته اساسی دیگری که در تدوین سیاست‌های اجتماعی - اقتصادی برای حرکت از وضع موجود بسوی وضع مطلوب شایسته توجه می باشد فرهنگ جامعه است . حرکت بسوی جامعه مطلوب نمیتواند از یک وضع فرضی آغاز گردد ، بلکه باید با شناختی از وضع موجود جامعه ، خاصه فرهنگ آن صورت گیرد . بدین لحاظ فرهنگ موجود جامعه (با کلیه خصوصیات مثبت و منفی آن) بایستی مورد نظر بوده و مبنای تفکر و تعقل در برنامه ریزی قرار گیرد . به ویژه این که افراد و نهادهائی که عهده دار هدایت جامعه نسبت بسمت مطلوب هستند نیز از تأثیرات فرهنگی برخوردار می باشند .

بنابراین با توجه به اهداف جامعه مطلوب ، نظام آینده میباید با در نظر گرفتن شخصیت و بینش اجتماعی فرد و گروهها و گرایشها و رفتارهای متداول استقرار یابد . این نظام باید شامل الوددهائی را بوجود آورد که پاداشهای لازم برای رسیدن به ارزشهای معنوی و مادی برای افراد و گروههای جامعه را در برداشته باشد . در عین حال علاوه بر ضرورت توجه به فرهنگ حاضر ، تغییرات نظام اجتماعی نمیتواند بدون در نظر گرفتن تغییر در معیارهای فردی و اجتماعی باشد . لذا باید ساز و کارهائی بوجود آید که تغییر در معیارهای فردی و اجتماعی را در رابطه با برقراری یک رشته پاداشهای مادی و معنوی تسهیل نماید .

در زمینه رفتارهای اجتماعی در تامین کیفیت زندگی ، علاوه بر محیط زیست طبیعی ، انسان به یک محیط زیست فرهنگی نیز نیاز دارد که پر داختن و توجه به آن کمتر از جنبه های مادی توسعه اقتصادی و اجتماعی نیست . طبقه حاکمه ایران در قرن کنونی دارای خصوصیات دوگانه حفظ میراثهای گذشته و دریافت سطحی از فرهنگ صنعتی بوده و با کسب برخی جنبه های مثبت و بیشتر جنبه های منفی در هر دو زمینه و التقاط و اشاعه یک سلسله ارزشهای فرهنگی نامناسب را در جامعه ایرانی باعث شده است . این ارزشها از یک سو فاقد مزایای فرهنگی سنتی و از سوی دیگر فاقد جنبه های مثبت فرهنگ صنعتی میباشند . در نتیجه ، در زمینه ارزشهای معنوی ، اعتقادات مذهبی سست گردیده و حتی در مورد گروههائی که ایمان مذهبی آنان دوام یافته نتایج عملی و

واقعی ایمان توحیدی آنطور که منظور شرع انور است تحقق نیافته و به یک سلسله رفتارهای مربوط به مراسم و مناسک ظاهری امور شرعیه محدود گردیده و در نتیجه مسئولیت و تعهد اجتماعی و روحیه اکتساب ، تعاون و همکاری ، انفاق و ایثار ، مروت ، جوانمردی ، صداقت و درستکاری در جمیع امور زندگی بدست فراموشی سپرده شده است .

در زمینه رفتارهای اقتصادی ، سودجویی ، احتکار ، تاکید بیش از حد بر منافع فردی و گرایش به مصروف بی رویه (در قشری خاص و محدود) ارزشهای مسلط را تشکیل داده و ناسامانیهای زیادی را باعث گردیده و به تمرکز بیش از حد سرمایه و ثروت در سطح فرد منجر شده است . ارزش کار ، خلاقیت و بدعت‌گزاری ، دقت در انجام امور ، توجه به کیفیت ، انفاق و ایثار ، و حفظ منافع طبیعی و بیت‌المال ، توجه به میراث‌های ملی و فرهنگی ، و جلوگیری از آلودگی محیط زیست نادیده گرفته شده است .

در زمینه رفتارهای سیاسی ، گرایش به روابط آمرانه ، احساس ناامنی ، بدبینی و بی‌اعتمادی و فرار از مسئولیت و بی‌میلی به مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی عناصر اصلی محیط فرهنگی جامعه را تشکیل می‌دهند . لذا ضروری است که محیط زیست فرهنگ سیاسی جامعه نیز در قالب ارزشها و نهاد های آن بازسازی شود و شرایطی بوجود آید که ارزشهای والای اسلامی و فرهنگ اصیل ایرانی که عدالت اجتماعی ، قسط ، آزادی فردی ، امنیت اجتماعی و نظام منطقی اداری از ویژگیهای عمومی و یکتا پرستی ، پویائی ، اکتساب ، انفاق ، ایثار ، کنجکاو علمی و هنری ، خلاقیت ، احساس مسئولیت و مشارکت سیاسی و اجتماعی از خصوصیات فردی آنست مستقر گردد . در عین حال برقراری آزادیهای فردی در عقیده ، بیان ، سکنا در هر منطقه از کشور ، اشتغال و حق کار ، و شرکت در اجتماعات ، قوانین و عمل افراد در اجتماع به نحوی باشد که در حین قبول حق حکومت اکثریت ، اجازه فعالیت به همه گروهها از کوچک و بزرگ داده شود تا بتوانند با شرکت آزادانه و دواز هرگونه محدودیت در فرآوردهای سیاسی ، امکان تبلیغ عقاید و دیدگاههای خود را داشته باشند و این روال به عنوان سنتی مستمر و قبول شده در جامعه برقرار گردد .

مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و اجرا

مهمترین اصلی که نه تنها در تدوین سیاستها و برنامه‌ها بلکه در اجرای آنها باید مورد توجه قرار گیرد آنست که جامعه‌ای موفق خواهد بود که بتواند مشارکت همه جانبه مردم را در هر دو زمینه برنامه‌ریزی و اجرا تضمین نماید . بدین لحاظ مشی مطلوب در زمینه برنامه‌ریزی آنست که هدفها ، سیاستها و خطوط کلی برنامه‌ها برای رسیدن به آرمانهای ملی در سطح کشور هماهنگ شده و با در نظر گرفتن وحدت فضائی و روابط بین بخشی تعیین گردد . از سوی دیگر برنامه‌ریزی از نیازهای مردم در سطح محلی سرچشمه گرفته و توسط ارگانهای منتخب خودشان به اجرا درمی‌آید . بدین ترتیب نه تنها برنامه‌ریزی در سطحی نزدیکتر به مردم و با نظر خود آنها انجام خواهد شد و ارگانهای مردمی در اجرای برنامه‌ها نیز نظارت خواهند داشت ، بلکه این برنامه‌ها در چهارچوب سازوکاری قوی از برنامه‌ریزی در سطح ملی هماهنگ و یکپارچه خواهد شد . علاوه بر این ، غیرمتمرکز بودن نظام تشخیص نیازها و تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ها از تمرکز اجرای همه

کارهای عمرانی در دست چند ارگان عمده مستقر در تهران که در گذشته رایج بوده است جلوگیری خواهد کرد و موجب تقویت واحدهای کوچک موجود و تشکیل دیگر واحدهای مشابه صورتی گسترده در سطح شهرها و روستاهای کشور خواهد شد. از این طریق کارها توسط مردم و در محل انجام گرفته، امکان نظارت و پاسخگویی را بالا برده و همزمان ارزش افزوده و درآمدهای این واحدها را با توجه به ضرورت اقامتشان در مناطق در اقتصاد محلی بگردش در آورده، تعادل بیشتری را بین مناطق بوجود آورده و موجب رونق اقتصاد محلی خواهد شد.

نظام اداری

با توجه به اهمیت نقش دولت در ایجاد دگرگونیهای اساسی و نوسازی کشور بازسازی نظام اداری اهمیت حیاتی دارد. تورم پرسنل، دخالتهای نامعقول و بی‌ثمر نظام اداری در امور اجرایی و مردمی کشور، نپرداختن به وظائف اساسی برنامه ریزی، عدم هماهنگی و محیط سازی و کارآ نبودن ارکان دولتی از مسائل اساسی است که باید در بازسازی نظام اداری مورد توجه قرار گیرد. بدین ترتیب هدف بوجود آوردن ساخت اداری است که بتواند با موفقیت تعداد افراد خود را با انتقال به بخشهای خدمات و تولیدات تقلیل داده و در عین حال با حذر کردن از تمرکز بیش از حد و دخالتهای بیجا در امور کشور وظائف اصلی خود را که برنامه ریزی، محیط سازی و هماهنگی امور کشور است به بهترین نحو انجام دهد.

کیفیت نیروی انسانی

تربیت و آموزش نیروی انسانی یکی از مسائلی است که در تمام بخشها از اهمیت ویژه برخوردار است. چون در هر مورد نه تنها بهبود کیفیت نیروی انسانی برای هر بخش ضروری است بلکه از نظر تکامل فردی نیز گسترش مرزهای علم، دانش و توانائیهای بدنی افراد این امکان را به آنها میدهد که از کیفیت زندگی بهتری برخوردار و از این رو تعالی کیفیت نیروی انسانی بالفطره دارای ارزش است.

بنابراین کمبودهای نیروی انسانی در هر بخش حکم می کند که نه فقط برنامه ریزی دقیقی برای تربیت نیروی انسانی لازم مورد توجه قرار گیرد بلکه برای استفاده حداکثر از متخصصان موجود در داخل و خارج کشور نیز باید تدابیر لازم اتخاذ گردد. در واقع یکی از چالشهای بزرگ آینده کشور فراهم آوردن امکانات استفاده از افراد متخصص است.

هدف اصلی برنامه های توسعه و تکامل کشور فراهم ساختن امکاناتی است که انسانها بتوانند به خود و جامعه خویش تکامل بخشند. در این رهگذر، انسانها نه تنها مهمترین هدف برنامه ها هستند بلکه مهمترین وسیله رسیدن به این اهداف نیز میباشند. از این رو اولویت اول برنامه های توسعه و تکامل کشور آماده ساختن انسانها در جهت تحقق بخشیدن به تکامل شخصی و اجتماعی است. در این جهت علاوه بر عامل محیط فرهنگی - اجتماعی که در فرد بصورت ارزشها متجلی میگردد و در بالا به آن اشاره گردید، سه عامل اصلی یعنی آموزش، بهداشت و تربیت بدنی درخور توجه ویژه میباشند.

آموزش

در زمینه آموزش، نه تنها کشور باید بتواند آموزش عمومی را که حداقل لازم برای زندگی هر فرد است بصورت رایگان و اجباری فراهم کند، بلکه آموزش تخصصی را نیز باید بر اساس استعداد و علاقه افراد بر مبنای نیازهای کشور اشاعه دهد. در این جهت مطلوبست که باید کار و آموزش در سطوح فنی و تخصصی حتی المقدور تلفیق گردیده و آموزش در همه سطوح با زندگی آمیخته شده و کاربرد علم در زندگی روزمره مکان و جایی واقعی داشته باشد. با توجه به این که هنوز بیش از نیمی از جامعه از سواد محروم است و میزان مهارت و تخصص و کارآئی افراد نیز در سطحی بالنسبه پائین قرار دارد، اهمیت توجه به آموزش بیشتر از همه مشهود است. از این رو اولویت اول برنامه ها باید بر رفع کمبودهای اصلی نظام آموزشی که تربیت معلم در راس آنها قرار دارد اختصاص داده شود.

بهداشت

در زمینه بهداشت، بخاطر موقعیت جغرافیائی کشور در منطقه و تنوع شرایط جوی و اقلیمی آن، مردم ایران اغلب در معرض انتشار بیماریهای گوناگون از منابع و کانونهای داخلی و یا خارجی قرار دارند. در بیش از ۸۰ درصد از روستاهای کشور آب آشامیدنی سالم وجود ندارد. فقر و تغذیه ناسالم و بیماریهای ناشی از آن به ویژه در مناطق روستائی و در گروههای کم درآمد شهری بمیزان گستردهای وجود دارد. بزرگترین وظیفه کشور مقابله با بیماریهای عفونی و انگلی است که در سطح وسیعی شایع است. میزان مرگ و میر کودکان (کمتر از یکسال) در مناطق روستائی و حتی شهری کشور چندین برابر کشورهای پیشرفته و بیشتر از برخی از کشورهای در حال توسعه است. بنا بر این توجه به سالم سازی آب آشامیدنی و محیط زیست، پیشگیری از وقوع و شیوع بیماریهای واگیر و بهبود کمی و کیفی تغذیه در مناطق روستائی و در میان گروههای کم درآمد شهری از اولویت خاصی برخوردار است.

تربیت بدنی

در قلموس هر برنامه توسعه و تکاملی بخصوص در جامعه های انقلابی تربیت بدنی باید مکان ویژه ای داشته باشد. برخلاف گذشته که برنامه تربیت بدنی کشور متوجه کسب حیثیت و تبلیغ برای هیات حاکمه بوده و در عین استیلای فقر و مسکنت عمومی در کلیه شئون ورزشی دست به اسراف کاریها و بلند پروازیها میزد، هدف ورزش در آینده باید اشاعه و تعمیم امکانات ورزشی اولیه به همه مردم کشور به ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان باشد. شرایطی باید فراهم شود تا با سالم سازی جسم افراد کشور توانائی بدنی و فکری آنها در اعلا ترین حد تضمین گردد.

نقش دولت

تصوری که در این گزارش نسبت به نقش دولت وجود دارد همانا نقش محیط ساز واز بین برنده موانع رشد، ترقی و تکامل اجتماعی است. تجاوزهایی که در گذشته بطور پنهان و آشکار از سوی سودجویان و معدودی افراد

ذینفوذ تحت حمایت دولت علیه منافع عموم شده، و خلع یدی که بعد از انقلاب از این افراد چه بصورت ملی شدن و چه بصورت مصا دره انجام گرفته، موجب شده است که دولت بیش از پیش مسئولیت اداره بخش‌های عظیمی از تولیدات و خدمات کشور را برعهده گیرد. بدین ترتیب این مسئولیت‌ها بروظائف اداره نظام سنگین، عظیم، کند و بی ثمر اداری و صنایع مادر و خدمات اساسی افزوده شده و در حال گسترش است. قبول این مسئولیت‌ها، در حالی که دولت هنوز مسائل اساسی نظام اداری را حل نکرده است، مشکلات عدیده‌ای را باعث گردیده است.

بدین جهت چاره‌جویی برای یافتن راه‌های جدید برای اداره امور صنایع و خدمات از طریق تجهیز کلیه نیروها و سپردن بیشتر کار به نهادهای مردمی الزامی است. هرچه بیشتر دولتی کردن تولیدات و خدمات نه تنها به لحاظ دشواریهای مربوط به بالا بردن کارآئی و کیفیت آنها مطلوب نیست بلکه حتی در صورت دست یافتن به کارآئی و کیفیت مورد نظر، خطرات دیوانسالاری مفرط و استبداد را بدنبال دارد. ولی مهمتر از همه آنست که "دولتی کردن" اموری که با توجه به اصول مالکیت در اسلام و اداره بهینه امور اقتصادی کشور الزامی در دولتی کردن آن وجود ندارد، باعث دلسردی و عدم مشارکت فعالانه مردم در امر اقتصادی میگردد و مسیر استدلالی این روال بخاطر دلسردی و عدم انجام کارها توسط مردم، دولتی کردن هرچه بیشتر و بیشتر امور میباید. نتیجه ادامه این روند منتهی شدن نظام اقتصادی کشور در بهترین وضع به نظام سرمایه‌داری دولتی و احتمالا "به نظام اقتصادی فاشیستی خواهد بود.

زیر بناها

با توجه به وسعت خاک کشور و منابع طبیعی یکی از تنگناهای اساسی کشور در کوتاه مدت و میان مدت دشواریهای زیربنائی است و کوشش در جهت توسعه هر بخش ناگزیر با مشکلات زیربنائی از جمله نا رسانی‌های سیستم ترابری، پست و تلگراف و تلفن، برق رسانی به مراکز جمعیتی شهری و روستائی، تامین آب آشامیدنی و سیستم‌های فاضلاب برای صنایع و شهرها و کمبود مسکن روبرو میباید. بنا بر این در زمینه زیربناها استراتژی مطلوب آنست که با پیش بینی احتیاجات، اقدامات لازم در جهت بوجود آوردن خدمات زیربنائی بنحوی باشد که خدمات پیشاپیش نیازها در حال گسترش باشند. در عین حال کوشش لازم بعمل آید که نیازهای در حال گسترش در شهرهای کوچک و متوسط در رابطه با توزیع بهینه فعالیتها هما هنگ شود تا از توسعه زیربنائی شهرهای بزرگ و ایجاد شوق برای مهاجرت بی رویه به آنها جلوگیری بعمل آید.

درآمد ملی

وجود منابع غنی نفت و گاز در ایران میتواند یکی از مهمترین عوامل در تضمین موفقیت برنامه‌های توسعه‌های عمرانی کشور باشد. در چند دهه گذشته از درآمد نفت نه تنها برای تامین اعتبارات مربوط به توسعه و عمران کشور استفاده میشده است بلکه تقریبا "تنها رقم قابل اتکاء در درآمدهای دولت برای پرداخت حقوقها و تامین سایر نیازهای مصرفی جامعه بشمار می‌آمده است. در سیاستهای پیشینها دی در این گزارش اساس قابل توجیه آنست که از درآمد منابع نفت و گاز و غیره صرفا "برای سرمایه‌گذاری و ایجاد عوامل تولید استفاده شود و مطالعات و

اقدامات ضروری برای بوجود آوردن صنایع لازم برای تبدیل نفت خام به فرآورده‌ها و مشتقات بعمل آید، بطوری که بتدریج صدور این فرآورده‌ها جای صدور نفت خام را بگیرد. بدین ترتیب نه تنها در زمینه تولیدات مربوط به نفت بلکه در همه زمینه‌ها و با اتخاذ سیاست‌های توسعه صنایع، کشاورزی و خدمات و موجبات تشویق صدور آنها شرایطی فراهم گردد که درآمد ملی در درازمدت به گستره‌ای از تولیدات و خدمات متکی باشد. بدین ترتیب نه تنها کشور در بسیاری از زمینه‌ها از خارج بی‌نیاز خواهد شد بلکه ارزش مورد نیاز خارجی را نیز از طریق صدور آنها بدست خواهد آورد.

تکنولوژی

مهمترین پایه و منشاء قدرت هر کشور توان علمی و تکنولوژیکی آنست و مسلماً "هیچگونه سیاست توسعه و تکاملی بدون توجه به این مهم موفقیت آمیز نخواهد بود. کوشش‌های جامعه ما چه در زمینه صنایع و کشاورزی و بالمال خدمات بستگی به ساختن زیربنائی قوی علمی و تکنولوژیک دارد. بنا بر این بزرگترین مبارزه بعد از انقلاب بازگرداندن روحیه علمی و فنی به جامعه و برقرار کردن ارتباط لازم میان نیازهای اجتماعی از یک سو و رهگشائی‌های علمی و فنی از سوی دیگر است. در دومقوله یکی تحت عنوان "علوم و فنون" و دیگری "پژوهش" زمینه‌های اساسی این مهم در این گزارش بررسی شده است.

نظام برنامه‌ریزی

اهمیت ویژه برنامه‌ریزی بدین لحاظ است که تنها از این طریق میتوان منابع را بطریقی عقلانی در جهت هدفهای تکاملی بکار گرفت و به آنها تحقق بخشید. در گذشته بدلائل متعدد از جمله بی‌اعتقادی مسئولان به برنامه‌ریزی، عدم مشارکت واقعی مردم و مناطق در برنامه‌ریزی و تخصیص منابع ملی، عدم سازوکارهای تضمینی در اجرای برنامه‌ها، نبود سازوکارهای مردمی ارزشیابی برنامه و اجرای آنها، عدم ارتباط و ناهماهنگی بین برنامه‌های فضائی و بخشی و اختیار بیش از حد سازوکار تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی بخشی در تخصیص اعتبارات عمرانی در مقایسه با سازوکارهای برنامه‌ریزی فضائی و تمرکز بیش از حد برنامه‌ریزی در سطح ملی، بوجود آوردن یک نظام برنامه‌ریزی مؤثر امکان پذیر نبوده است.

در این گزارش ضمن ارائه پیشنهادهائی برای بازسازی نظام برنامه‌ریزی کشور توصیه‌های تفویض اختیارات بیشتر به استانها در تهیه برنامه‌های عمرانی و در اختیار داشتن تخصیص منابع استانی، اجرای برنامه‌ها با استفاده از امکانات موجود هر منطقه و نظارت و ارزشیابی مردم در برنامه‌ها و اجرای آن، ایجاد تعادل بین شقوق برنامه‌ریزی و اختیارات مربوطه بخصوص در تخصیص اعتبارات بین برنامه‌های بخشی و فضائی مملکت، تقویت کادر برنامه‌ریزی در مناطق و تربیت همه جانبه نیروی انسانی متخصص و ماهر در این زمینه مطرح گردیده است. علاوه بر این، باید کوشش شود که نظام برنامه‌ریزی نوین کشور از استقلال، تداوم، قابلیت و آرمانخواهی شایسته‌ای برخوردار بوده و در سطحی بالاتر از تاثیر پذیری از خواسته‌های فردی و سلیقه‌ای سیاستمداران استقرار یابد.

توزیع فضائی فعالیت‌ها

آنچه باید همزمان باتدوین سیاست‌های توسعه و تکاملی بخشهای تولیدی و خدمات در نظر گرفته شود چگونگی توزیع فعالیت‌های بخشی در رابطه با فضای ملی است. اهمیت این مسئله از چند لحاظ قابل توجه است. یکی آنکه توزیع نامتعادل فعالیت‌های بخشی خود برخلاف عدالت اجتماعی است و موجب نرسیدن دوگانگی و اختلافات منطقه‌ای و سیاسی خواهد گردید. دیگر آنکه توزیع فعالیت‌های بخشی باید در رابطه با امکانات طبیعی، اقلیمی و استراتژیک مناطق باشد تا استفاده بهینه و معقول از عوامل میسر گردد. سوم اینکه در برخی از مناطق بخاطر عدم توجه در گذشته قابلیت‌ها و امکانات بمیزان مطلوب تکامل نیافته اند و دیدگاه فضائی این امکان را بوجود می‌آورد که این مناطق مورد توجه خاص قرار گیرند. چهارمین نکته قابل توجه در اهمیت دید فضائی آنست که در تعیین توجه به استعدادها، نیازها و امکانات متفاوت مناطق مختلف کشور در برنامه‌ریزی آمایش، سرزمین بصورت یک واحد یکپارچه با اجزاء متفاوت و در عین حال بهم پیوسته و درکنش و واکنش متقابل با یکدیگر مورد توجه قرار می‌گیرد. و بالاخره این که دید فضائی، برخلاف دید بخشی که توجه به کارآئی بخشها دارد، امکان دسترسی به بودجه عمرانی را بصورت متعادل و برابر با اهداف عدالت اجتماعی و بهره‌برداری بهینه امکان‌پذیر می‌سازد.

چون مراد از گزارش حاضر ارائه سیاست‌هایی است که باید مبنای برنامه‌ریزی قرار گیرند، در تدوین این سیاستها بطور کلی استراتژی و جهت‌گیری برنامه در سه مسیر مورد توجه بوده است. مرحله نخست مطالعه و شناسائی و اجرای برنامه‌های ضربتی است که در کوتاه مدت مورد نظر میباشد. در این جهت بوجه آوردن سازوکارهای مطالعاتی و اجرایی اولویت خاص دارد. در مرحله میان مدت، سیاست برنامه‌ها برگسترش زیربنایها بوده و بر کمیت تاکید دارد. در حالی که در دراز مدت جهت‌گیری برنامه متوجه گسترش رفاه است و تکیه بر کیفیت را وجه مهمت خود قرار داده است.

علاوه بر تاکید بر اهمیت بخشها در تدوین سیاست‌های حاضر کوشش شده است تا برای بهره‌گیری حداکثر از امکانات به توزیع فضائی فعالیت‌ها نیز توجه کافی مبذول گردد. در این جهت قسمتی تحت عنوان آمایش سرزمین به این مهم تخصیص داده شده است. در این دیدگاه برنامه‌ریزی نه تنها با توجه به امکانات طبیعی و نیروی انسانی، فعالیت‌های بین مناطق را تقسیم خواهد کرد بلکه از تمرکز در برخی از مناطق جلوگیری نموده امکان مشارکت کلیه آحاد ملت را در نوسازی مناطق خود میسر خواهد کرد.

جمعیت و مهاجرت

رشد بالای جمعیت که بیشتر کشورهای جهان سوم با آن روبرو هستند مشکلات عدیده‌ای را باعث گردیده که از جمله مسئله مهاجرت میباشد. در بسیاری از موارد تمایلاتی مبنی بر متوقف کردن مهاجرت و یا معکوس کردن جهت کنونی آن که از روستا به شهر است ابراز میگردد. لازم به توجه است که نه تنها در این روند تحولی از مهاجرت نمیتوان جلوگیری کرد بلکه بخاطر محدودیت‌های منابع کشاورزی، این منابع تنها قادر به جذب نیروی کار در حال رشد نخواهند بود بلکه جمعیت کنونی روستائی کشور را نیز نمیتوانند پاسخگو باشند. بنابراین

برنامه‌ریزی آینده کشور باید متوجه توسعه همه‌جانبه صنعت و خدمات برای ایجاد اشتغال کامل و جذب رشد بیرونی کار باشد. تنها با پراکنده کردن فعالیتهای صنعتی و خدماتی است که میتوان جمعیت را در مناطق مختلف کشور تا حدی تثبیت نموده و میزان و برد مهاجرت‌ها را هدایت و در حد مطلوب محدود کرد.

با برنامه‌ریزی عقلانی و توزیع مطلوب فعالیتهای در فضا امید است بتوان آهنگ رشد جمعیت را (که میتواند در صورت ادامه روند کنونی مشکلات اساسی در کند کردن میزان توسعه و تکامل کشور بوجود آورد) با اتخاذ برنامه‌های مربوط به تنظیم خانواده در حد مطلوب تثبیت کرد. علاوه بر این، آنچه در حال حاضر مشکل اساسی کشور است مهاجرت بی‌رویه بخصوص از مناطق روستائی به شهرهای بزرگ است که نه تنها مناطق بزرگی از کشور را که نمیتوانند بالقوه پایگاه فعالیتهای عمرانی و محیط‌های مناسب زندگی باشند از سکنه خالی کرده بلکه مشکلات بزرگی را در شهرهای عمده کشور از لحاظ کمبود خدمات زیربنائی، بیکاری و مشکلات عدیده دیگری بوجود آورده است. در این جهت با توسعه و گسترش کشاورزی و توزیع متناسب فعالیتهای عمرانی و عوامل محیط ساز علل مهاجرت‌های بی‌رویه از بین خواهد رفت و نرخ، جهت و برد مهاجرت‌ها بحد مطلوب خواهد رسید. نکته مهم دیگری که توجه به آن در رابطه با جمعیت و نیروی انسانی حائز اهمیت بسیار است استفاده از نیروی انسانی در رابطه با قابلیت‌های آنست. در این زمینه، برنامه‌ریزی برای استفاده از افراد متخصص ایرانی در داخل و خارج کشور در رابطه با تخصص‌های آنهاست. بدون استفاده بهینه از این سرمایه ملی اجرای برنامه‌های توسعه و تکاملی کشور امکان پذیر نخواهد بود. در این جهت برنامه‌ریزی برای استفاده معقول از نیروی زنان کشور که میتوانند کمک موثری در زمینه‌های مختلف برای بازسازی کشور باشد دارای اهمیت ویژه است.

نظام توزیع مراکز جمعیتی

در جهت ایجاد چهارچوبی برای استقرار فعالیتهای صنعتی و خدماتی واحداث زیربنای زیستی و تولیدی هم در جامعه شهری و هم در جامعه روستائی نظام مراکز جمعیتی مورد توجه قرار دارد. در حال حاضر جمعیت روستائی کشور در بیش از ۶۰ هزار روستا پراکنده شده است و جمعیت شهری نیز در نظامی غیرمتعادل در یک رشته از شهرهای بزرگ و کوچک با تفاوت کیفیت و کمیتی فاحش از لحاظ ارائه خدمات زیربنائی پراکنده میباشند. لذا برای بوجود آوردن ارتباطی عقلانی بین نظام مراکز شهری و روستائی از یک طرف و بهره‌برداری بهینه از کلیه منابع هماهنگ با توزیع عادلانه فعالیتهای عمرانی در سرزمین از طرف دیگر، شبکه‌ای از نظام شهری و روستائی پیشنهاد گردیده است. این شبکه در بالاترین سطح تهران و در سطوح دیگر شهرهای بزرگ اصلی، شهرهای متوسط و شهرهای کوچک در نظام مراکز شهری و در نظام روستائی مراکز بخشها، مراکز خدمت رسانی پائین‌تر از مراکز بخشها و روستاهای منفرد و مراکز تولید را در برمیگیرد.

انرژی

در جهان امروز که انرژی از مهمترین عوامل در توسعه و تکامل جوامع است و کمبود منابع انرژی آنسرا بصورت بحرانی به ویژه در کشورهای صنعتی که دارای مصرف بالائی هستند در آورده است، کشور ما در مقام مقایسه

با بیشتر کشورهای موقعت ممتازی را از لحاظ غنای این منابع دارا می باشد . استفاده صحیح و عقلانی از این منابع می تواند نقش تعیین کننده برای مدتی نسبتاً طولانی در آینده سازی کشور داشته باشد . در گذشته بخاطر عدم توجه به سرمایه گذاری لازم در زمینه تحقیقات و تربیت نیروی انسانی کارآمد در سطوح مدیریت و کارشناسی در امور انرژی قابلیت ها و زمینه های لازم برای خودگردانی صنایع موجود در کشور بوجود نیامده است . علاوه بر این تکیه بیش از اندازه بر یک منبع انرژی (نفت) ، عدم آگاهی و تجربه و توان تکنولوژیک ، و ناچیزی سرمایه گذاری در زمینه سایر منابع تمام نشدنی انرژی خاصه آفتاب ، باد ، آب و غیره و تحقیقات و اقدامات مربوط به شناسائی ، مهار کردن ، بهره برداری و کارآ کردن انواع انرژی در کلیه سطوح از کمیته های اساسی کشور در زمینه انرژی می باشد . بدین جهت در این گزارش بالا بردن ظرفیت و توان علمی و تکنولوژیک در زمینه انرژی ، شناسائی منابع انرژی ، بوجد آوردن نظام متعادل ، عقلانی و غیر متمرکز از تجهیزات ، تولید و مصرف بهینه کلیه منابع با تاکید بر استفاده هر چه بیشتر از منابع تمام نشدنی انرژی و بوجد آوردن سازوکار بررسی و تجدید نظر مداوم و مستمر و بهنگام کردن اهداف و استراتژی تامین انرژی کشور مورد تاکید قرار گرفته است .

آب

یکی از مشکلات اصلی کشور و در نتیجه پیشرفت برنامه های عمرانی محدودیت منابع آب می باشد . گزارشات موجود منابع آب سطحی و زیرزمینی قابل بهره برداری را بین ۱۰۵ الی ۱۳۵ میلیارد متر مکعب تخمین میزنند . این منابع بطور غیر متعادل در کشور توزیع گردیده است بطوریکه مناطق زیادی از کشور با کمبود آب و مناطقی چند نیز با فزونی آب بیش از نیاز و یا مصرفشان مواجه هستند . محدودیت آب یکی از عوامل عقب افتادگی بخش کشاورزی و محدودیت گسترش آن می باشد .

لزوم احیاء بخش کشاورزی و حیاتی بودن این منبع در کلیه شئون زندگی صنعتی ، کشاورزی و شهر نشینی ایجاب میکند که نهایت دقت در شناسائی کلیه منابع آب کشور بوجود آمده و برنامه ریزی دقیق در جهت بهبود کیفی انواع مصارف در کلیه شئون تولیدی و زیستی بکار گرفته شود و در این رهگذر از کوچکترین مقداری از این منبع اساسی صرف نظر نشود . منجمله مهار و مصرف کردن آبهای است که از طریق رودخانه های کشور به خارج جاری میگردد . در یک مورد (رودخانه سیروان) در حدود ده درصد کلیه آبهای سطحی کشور را شامل میگردد .

کشاورزی

یکی از هدفهای اساسی که در تدوین سیاستهای توسعه و تکامل مورد توجه بوده است احیاء کشاورزی است . خودکفائی در تولید مواد غذایی اصلی نه تنها استقلال اقتصادی کشور را امکان پذیر می سازد بلکه از لحاظ سیاسی و فرهنگی نیز موقعیت کشور را استحکام خواهد بخشید . علیرغم محدودیت هایی که از لحاظ کمی آب ، نازل بودن کیفیت اغلب خاکهای زراعی و پائین بودن سطح تکنولوژی و دانش فنی وجود دارد ، در صورت استفاده حداکثر از منابع و عوامل موجود با نگرشی دراز مدت ، خودکفائی در تولید مواد غذایی اصلی امکان پذیر می باشد . در این جهت گسترش سطح کشت آبی (۲ تا ۳ میلیون هکتار برای دوران چند برنامهدار از مدت) و توجه به نگهداری و احیاء مناطق

حاشیه‌ای در کوتاه مدت و میان مدت توصیه شده است. دیگر اینکه توسعه کشاورزی همزمان با بهبود همه‌جانبه وضع عشا پرکشور، این مکان را بوجود خواهد آورد که دامداری گسترش یابد. گسترش صنایع وابسته به کشاورزی که از اولویت‌های سیاست توسعه بخش صنعت نیز میباید همراه با سیاست استقرار این نوع صنایع در شهرهای کوچک و مناطق کشاورزی علاوه بر ایجاد اشتغال، تنوع لازم در فرآورده‌های غذایی و آبدانی مناطق کشاورزی را موجب میگردد.

صنعت

محدود بودن امکانات طبیعی توسعه کشاورزی از یکسو و غنای کشور از لحاظ مواد معدنی و عوامل گسترش صنعت، از جمله منابع سرشار و متنوع انرژی، از سوی دیگر و رشد بالای جمعیت و نیاز مبرم به ایجاد اشتغال مفید و موثر حکم میکند که صنعتی شدن رکن اساسی سیاست توسعه اقتصاد کشور باشد. علاوه بر این، با توجه به اینکه دولت در چند دهه گذشته اتکاء روزافزونی به درآمد نفت برای تامین هزینه‌های کشور داشته است و درآمد نزدیک هم این اتکاء را اقل از لحاظ تامین هزینه‌های سرمایه‌ای اجتناب ناپذیر بنظر میرسد، توسعه صنعتی تنها راه ممکن برای بی‌نیازی از درآمد نفت در درازمدت میباشد. دیگر اینکه حتی در درازمدت، با در نظر گرفتن اهداف تامین درآمد کافی و رفاه مناسب برای جامعه و روستائی و برابری نسبی درآمد کشاورزان با شهرنشینان، بخش کشاورزی تنها قادر خواهد بود که موجبات اشتغال حداکثر کمی بیش از یک میلیون خانوار را فراهم کند. بنابراین گسترش صنایع اهمیت خاصی را در رابطه با ایجاد اشتغال دارا میباشد که در حال و آینده قابل پیش بینی و از مسائل اولیه کشور میباشد و بالاخره، گسترش صنعتی همگام با توسعه اقتصادی زمینه را برای استقلال سیاسی و اقتصادی کشور فراهم خواهد ساخت. اولویت‌های قابل توجه در توسعه صنعتی بالابردن کارآئی صنایع از طریق افزایش توان و قابلیت مدیریت و سازوکار اداری، مستقل کردن صنایع وابسته بخارج، تکمیل صنایع موجه نیمه تمام موجود، احداث صنایعی که محصولات آنها بصورت مواد اولیه یا نیمه تمام در دیگر صنایع قابل استفاده باشد، گسترش صنایع مادر و صنایع ماشین سازی است. در مرحله نخست پاسخگوئی به نیاز صنعتی بخش کشاورزی و گسترش صنایع کوچک در کلیه نقاط کشور برای زمینه سازی و اشاعه فرهنگ صنعتی در کشور از پایه‌های اساسی فراهم کردن شرایط موفقیت برنامه‌های صنعتی کشور میباشد.

هدف انقلاب اسلامی ایران استقرار یک نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مبتنی بر تعالی و آرمانهای اسلامی بوده است.

در اینجا کوشش میشود که برخی از ویژگیهای آرمانی جامعه اسلامی را که در تدوین این گزارش در مد نظر بوده است برای روشنتر شدن خطوط کلی جامعه مطلوب باختصار بیان نماید، با این تفاهم که چنین فهرستی طبیعتاً "نمیتواند روشنگر همه مسائل و پاسخگو به همه سئوالها باشد."

در جامعه اسلامی مردم در جهت تقرب و نزدیکی بخدا گام برداشته، تمام اعمال و افکارشان در جهت خدا بوده، خدا را در تمام شئون زندگی خود حس کرده و جزا و نسیبند و جزا و نسیبند.

در این جامعه تقرب و نزدیکی بخدا و محسورشدن با او تنها با داشتن تقوی و خدمتگزاری بی ریا به مردم میسر است. افراد این جامعه خدمتگزاری به خلق را جز انجام یک وظیفه، تازه آنهم با کمال شرمندگی در پیشگاه خدا، چیز دیگری نمیدانند. افراد این جامعه خدا را مالک همه چیز و حتی جان و مال و زندگی خود دانسته و خود را امانت دار خدا نسبت به آنچه که در اختیارشان گذاشته شده است میدانند. آنها در پاسداری از این امانت منتهای دقت را بخرج داده و اجازه نمیدهند به این امانت لطمه وارد شده و در استفاده از آن اسراف و عمل آید.

در جامعه توحیدی نظام زندگی بر مبنای تعلق همه چیز به خدا و امانت دار بودن انسان نسبت به ملک خدا و استفاده از این مایملک برای تأمین نیازهای متعارف و معقول مادی جامعه بی هیچ حیف و میل و اسراف و در جهت سیر بسوی خدا استوار است.

در جامعه آرمانی اسلامی جنبه های مادی و معنوی زندگی عمیقاً "بیکدیگر همبسته اند و رستگاری انسان به سلامت و ارتباط این دو جنبه بستگی دارد. یعنی جامعه ای میتواند پویا، متحول و سالم باشد که پویائی و تحول را در هر دو زمینه مادی و معنوی تضمین کرده و تعادلی بین این دو بوجود آورد. در عین حالیکه فرد از جامعه جدا نیست، یعنی کارها و فعالیت های افراد جامعه نباید در تناقض با هدفها و آرمانهای کلی جامعه باشد. برخلاف دیدگاهها و مکاتب معتقد به اصالت فرد یا جامعه، از دیدگاه اسلام منافع اجتماع حاصل جمع منافع تصویری و غالباً "متناقض منافع یک فرد جامعه نیست. با وجود این اسلام به مطلق گرائی در مسلط کردن و تحمیل چیزی بعنوان منافع جامعه بر افراد هم معتقد نیست. بلکه از این دیدگاه باید شرایطی بوجود آید تا نه تنها منافع و مصالح مادی و معنوی جامعه محفوظ بماند بلکه فرد نیز این امکان را بیابد که حداکثر توانائی و خلاقیت خود را در جهت تعالی مادی و معنوی خویش و جامعه بکار بندد.

نکته دیگری که در جهت گیری کلی این جامعه آرمانی قابل توجه است آنست که برخلاف بسیاری از مکاتب که از نظر آرمانی رفاه انسان را هدف قرار میدهد و این رفاه عملاً "به جنبه های مادی زندگی

پایان می‌پذیرد در جامعه آرمانی اسلامی هدف تبلور آن خصوصیات انسانی است که وی را بسوی کمال و تقرب به خدا سوق میدهد. بدین جهت است که در عین حال که در این جامعه افراد تمام کوشش خود را در جهت تعالی جنبه‌های مادی زندگی بکار می‌برند وای تمام اعمالشان در جهت و بخاطر رضایت و نزدیکی به خداست.

در این جامعه آرمانی هر فرد خود را ملزم به رعایت حقوق افراد جامعه دانسته، در کار خود احساس مسئولیت کرده، حس از خودگذشتگی، ایثار، جوانمردی، میهن‌دوستی، انضباط، وظیفه‌شناسی و صرفه‌جویی در او تقویت شده و علاقه به مطالعه و حل مسائل از طریق علمی، اعتقاد به اهمیت کیفیت در او نهادی گردیده‌اند. در این جامعه هر فرد به کلیه افراد جامعه بخصوص آنهایی که به جامعه خدمت میکنند و از جمله به آنهایی که به او دانش یا حرفه‌ای آموخته‌اند احترام گذاشته و خود نیز از احترام شایسته برخوردار است. در این جامعه فردی را بردپگری برتری نیست و به مصداق "ان اکرمکم عندالله اتقیکم" مردم پرهیزگارترین و خدمتگزارترین را در بین خود عزیزترین میدانند.

- برخی از ویژگیهای کلی مورد نظر جامعه آرمانی اسلامی باختصار بشرح زیر میباشند:
- وظیفه‌شناسی، کار و کوشش، از خودگذشتگی، انفاق، ایثار و شهادت بر اساس مفاهیم و سنن اسلامی بمنظور تداوم روحیه انقلابی و تحقق بخشیدن به هدفهای انقلاب در جامعه وجود دارد.
 - هر فرد خود را در برابر خدا و جامعه بر اساس نهادهای مکتب توحیدی اسلام متعهد و مسئول میدانند.
 - حس برادری و رعایت برابری در حرمت و شان و منزلت در همه افراد جامعه وجود دارد.
 - حس بردباری و تساهل و تحمل عقاید و رعایت حقوق دیگران و احترام به آراء اکثریت در امور جمعی و احترام بنظریات و حقوق اقلیت در همه افراد جامعه وجود دارد.
 - حس مشارکت و مشاورت در کلیه امور اجتماعی که مستقیماً "با زندگی افراد جامعه ارتباط پیدا میکند در بین مردم وجود داشته و هر فرد خود را نسبت به رویه‌ها و ترتیباتی که برای مشارکت و مشاورت مورد قبول عام قرار گرفته متعهد و مسئول میدانند.
 - حس مسئولیت در برابر امور عمومی مردم و رجحان دادن منافع عمومی بر منافع خصوصی و نیـز رجحان دادن ضوابط و معیارهای قانونی بر روابط خصوصی در بین مردم وجود دارد.
 - احساس میهن‌دوستی بر اساس اعتلای میراثهای فرهنگی ایرانی و اسلامی در افراد جامعه وجود دارد.
 - داشتن یک اقتصاد شکوفای و پویا هدف نیست بلکه وسیله‌ایست در جهت حرکت انسان بسوی خداوند.
 - اصل لاضرر و لاضرار بر فعالیت‌های اقتصادی حاکم است.
 - اقتصاد در عین پویایی و شکوفائی نیازهای معقول و متعارف مادی افراد جامعه را جوابگوست و در عین حال افراد را از اسراف بر حذر میدارد.
 - انسانها درقبال استفاده از کلیه مواهب خدا دادی از امکانات برابر برخوردار میباشند.
 - محیط مناسب و انگیزه‌های مادی و معنوی برای بروز استعدادها، خلاقیت و ثمردهی افراد وجود دارد.
 - ثروت ملی بطور عادلانه برای بالابردن رفاه اجتماعی اقشار مردم بمصرف میرسد.

- جامعه برای کارو زمان ارزش قائل است و این ارزش از طریق یادداشهای معنوی و مادی نهادهای گردیده است .
- جامعه برای علم، پژوهش، تکنولوژی، برای احراز استقلال اقتصادی که پایه و اساس استقلال فرهنگی و سیاسی است ارزش قائل است .
- از نیروی انسانی و منابع طبیعی کشور استفاده سهینه بعمل می آید .
- جامعه در حفاظت محیط زیست، در قبال تخریب و آلودگی در رابطه با بهره برداری تولیدی و مصرفی بنحوی پویا و موثر عمل میکند .
- پویائی و انعطاف لازم در اقتصاد جهت رشد و تطابق با شرایط زمان و مکان و فرهنگ جامعه و نیازهای مردم وجود دارد .
- آموزش، پژوهش، نوآوری و توسعه جزء لاینفک کلیه فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی میباشد .
- کشور در جامعه جهانی از عدم وابستگی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به قدرتها و از حسن روابط سیاسی و اقتصادی با کلیه کشورها برخوردار است .
- برنامه ریزی به عنوان اصل و روش عقلائی برای حصول به آرمانهای جامعه پذیرفته شده است و اجرای برنامهها بستگی به سلیقه و نظر فردی سیاستمداران و مدیران ندارد .
- مالکیت مشروع و مشروط محترم است و افراد جامعه در کارهای اقتصادی و اجتماعی به تناسب فعالیت خود از ثمرات آن بهره مند میگرددند و از این طریق میتوانند با کار و فعالیت بیشتری زندگی بهتری داشته باشند .
- آزادی عقیده، بیان، اجتماع و حق سکنی در هر منطقه از کشور برای افراد و اجتماعات وجود دارد و موجب بوجود آمدن خلاقیت و پویائی زندگی و تفاهم در جامعه شده است .
- اصول حکومت بر آرمانهای اسلامی است که توسط نمایندگان منتخب مردم در ارگانهای دولتی و شوراهای مردمی تحقق می پذیرد و در حکومت رای هیچ فردی بالاتر از رای مردم و نمایندگان آنها نیست .
- روش حکومت بر اصل استمرار و موراجرائی در استانها و ایجاد هماهنگی در سیاستها و برنامه ریزی در سطح دولت مرکزی و در کلیه سطوح با همکاری نهادهای مردمی است .
- کشور از یک نظام دفاعی با قدرت لازم برای رفع خطرات احتمالی برخوردار است و این نظام دفاعی با نهادهای مردمی پیوستگی و همکاری نزدیک دارد .
- افراد و گروهها از اعمال غیر مشروع قدرت حکومت در امان هستند .
- همه افراد، اقشار و گروههای کشور از حمایت قانون برخوردار هستند و هیچکس حق ندارد افراد و یا گروهها را بدون رعایت حقوق قانونی از آزادی حق حیات و باحق مالکیت محروم نماید .

برای نیل با اهداف درازمدت مذکور در فوق سه مرحله کوتاه مدت ، میان مدت و درازمدت در نظر گرفته شده است . مرحله کوتاه مدت اول شامل دو سال (سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰) ، مرحله میان مدت دوم شامل ۲ تا ۳ برنامه چهارساله و مرحله درازمدت سوم شامل ۳ تا ۴ برنامه چهارساله میباشد .

برای مرحله کوتاه مدت اول سعی شده که قدمهائی را که لازم است بک برنامه ریز بردارد تا وضع موجود را در مسیر رساندن به وضع مطلوب بیاندازد با جزئیات کافی ولی بطور مختصر ذکر نماید . این مرحله بیشتر بمنظور ارزشیابی ، حذف و یا تکمیل بسیاری از طرحهای موجود و انجام یک رشته اقدامات ضربتی و ضروری پیش بینی شده است .

در مرحله میان مدت دوم که پیش بینی میشود بین ۸ تا ۱۲ سال طول بکشد (دوپایه برنامه چهار ساله که بستگی به پیشرفت برنامه های اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و نظامی کشور در سال جاری و سال بعد دارد) و مرحله درازمدت سوم که زمان آن را بین ۱۲ تا ۱۶ سال (منوط به پیشرفت های کلی مراحل قبلی) پیش بینی مینماید سعی شده است تا زهنمودهای کلی و قدمهائی را که بایستی برداشته شود ذکر نماید .

مرحله دوم بر مبنای ساختن یک پایه قوی اقتصادی و اجتماعی استوار بوده و در مرحله سوم توجه به بالا بردن تولید بلحاظ کمی و کیفی و رفاه اجتماعی خواهد بود . در حالیکه پیش بینی مراحل بعدی و زمانی که لازم است تا جامعه ایران را بیک جامعه آرمانی اسلامی تبدیل نمود کار بسیار مشکلی است ، رسیدن به بعضی از اهداف نظیر خود کفائی در محصولات عمده کشاورزی و تعدیل حقوق و دستمزدها و غیره در مدت کوتاهی و در مرحله دوم امکان پذیر باشد .

پیشنهاد مینماید که سال ۱۳۵۹ صرف جمع آوری آمار و اطلاعات دقیق و ارزشیابی کلیه طرحهای انجام یافته تا این تاریخ شده و در سال ۱۳۶۰ برنامه ریزی برنامه چهارساله اول جمهوری اسلامی ایران که از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ میباشد انجام گردد .

تداوم برنامه های توسعه و تکاملی کشور عملاً " باقراردادن دو سال اختلاف زمانی بین شروع دوره ریاست جمهوری و شروع برنامه بعدی حفظ خواهد شد . بدین ترتیب دولت در هر دوره چهارساله جمهوری یکسال فرصت خواهد داشت تا برای سیاستهای خود برنامه ریزی نموده و یکسال دیگر فرصت خواهد داشت که در برنامه های موجود تغییرات ضروری را تدریجاً " منظور نموده تا بتواند با اعمال سیاستهای خود نایل گردد . چنانچه بتوان استقرار هر دوره چهار ساله جمهوری را در اول فروردین ماه عملی کرد ، انطباق بیسن سال مالی و برنامه ریزی و دوران ریاست جمهوری آسانتر خواهد بود . انجام تمام انتخابات ریاست جمهوری در آبان یا آذرماه و استقرار جمهوری در اول فروردین ماه فرصت کافی برای آشنا شدن دولت جدید با محیط سیاسی و اقتصادی موجود را خواهد داد .

برای روشنتر شدن روش کار اصول مورد توجه در هر مرحله زمانی باختصار ذکر میگردد:

۱۵۱ - اصول مورد توجه در کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱ - امنیت ملی و تضمین حقوقی آزادی‌های فردی و اجتماعی .
- ۲ - ایجاد اعتماد در مردم به دولت و آینده کشور .
- ۳ - زمینه سازی برای ثبات اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی .
- ۴ - بوجود آوردن تحول لازم در نظام اداری بمنظور منطقی تر کردن ، کوچکتر کردن و کارآتر کردن آن .
- ۵ - جلب مشارکت و تجهیز و بسیج مردم در جهت سازندگی .
- ۶ - تقویت روحیه ایثار و از خودگذشتگی در جامعه بمنظور جلوگیری از اشاعه تمناهای غیر واقع بینانه مصرفی و تمایلات آنارشستی اجتماعی .
- ۷ - سازماندهی و بوجود آوردن نهادهای لازم برای تداوم حرکت انقلابی و اجرای برنامه‌ها .
- ۸ - انجام مطالعات اساسی و پایه‌ای لازم و شروع به اجرای آنها .
- ۹ - ادامه و اتمام طرحهای " موجه " قبلی .
- ۱۰ - شروع به ظرفیت و محیط سازی در زمینه‌های مختلف زیر :
 - الف - رابطه فرد و اجتماع ، رابطه بخش آزاد و مختلط و دولتی و کلیه قوانین و مقررات .
 - ب - زیربناهای فیزیکی .
 - پ - زیربناهای اجتماعی و بازرگانی .
 - ت - تربیت نیروی انسانی (انسان سازی)
 - ث - اطلاعات و آمار .
- ۱۱ - در نظر داشتن ذخیره‌ای از منابع برای آمادگی به جوابگوئی به مسائل پیش بینی نشده .

۱۵۲ - اصول مورد توجه در میان مدت (مرحله دوم)

- ۱ - استمرار در امنیت ملی و تامین حقوقی آزادی فردی و اجتماعی .
- ۲ - حفظ اعتماد مردم به دولت و آینده کشور .
- ۳ - بوجود آوردن و حفظ و تداوم ثبات اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی در کشور .
- ۴ - تحقق بخشیدن به اصل مشارکت مردم در امور مربوط به خود و کشور .
- ۵ - تداوم در تجهیز و بسیج مردم در سازندگی .
- ۶ - حفظ و تقویت روحیه ایثار در جامعه و جلوگیری از اسراف و توقعهای نامعقول .
- ۷ - استمرار در بررسی و پژوهش در مسائل مربوط به توسعه و تکامل کشور .
- ۸ - ادامه و گسترش و تکامل بخشیدن به فعالیتهای محیط ساز و ظرفیت ساز نظیر :
 - الف - رابطه بخش آزاد ، مختلط و دولتی و قوانین و مقررات اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی .

- ب - زیربناهای فیزیکی ، اجتماعی و بازرگانی .
- پ - تربیت نیروی انسانی .
- ت - جمع آوری اطلاعات و آمار .

۱۵۳ - اصول مورد توجه در درازمدت (مرحله سوم)

- ۱ - استمرار در امنیت ملی و تضمین حقوقی آزادی‌های فردی و اجتماعی .
- ۲ - تداوم حسن اعتماد مردم به دولت .
- ۳ - تداوم ثبات اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی در کشور .
- ۴ - تداوم و حفظ مشارکت مردم در امور مربوط به خود و کشور .
- ۵ - حفظ و تقویت روحیه ایثار و جوانمردی در مردم و هدایت جامعه در صرفه‌جویی و جلوگیری از اسراف و توقعات غیرمعقول .
- ۶ - استمرار در بررسی و پژوهش در حل مسائل مربوط به توسعه و تکامل کشور .
- ۷ - ادامه و تکامل بخشیدن به عوامل و فعالیتهای محیط ساز و ظرفیت ساز .
- ۸ - بالابردن کمیت و کیفیت تولید و رفاه جامعه .

فصل ۲ - بخشهای بنیادی

۲۱۰ - مقدمه

۲۲۰ - بخش آزاد (مردمی)

۲۳۰ - بخش مختلط (مردمی - دولتی)

۲۴۰ - بخش دولتی

از آنجاکه در عصر حاضر دولت در رابطه با توسعه و سلامت اقتصادی کشور دارای نقشی اساسی بوده، مختار، مسئول نهائی سیر اقتصادی جامعه است، ضروری است که محیط عمل دولت در این زمینه بدرستی شناخته شده نوع حدود و ثغور دخالت، هدایت و یارشاد دولت روشن گردد. بدین منظور نظام اقتصادی جامعه را میتوان به سه قسمت اصلی تقسیم نمود. بخش آزاد، بخش مختلط و بخش دولتی.

بخش آزاد دربرگیرنده واحدهای کوچک و متوسط تولیدی و خدماتی میباشد. بخش مختلط شامل واحدهای تولیدی و خدماتی متوسط و بزرگ و نیز انحصارها و شبه انحصارهاست و ممکنست که دولت در سرمایه گذاری برخی واحدهای آن بطور موقت و یا همیشگی مشارکت نماید. بخش دولتی شامل واحدهای تولیدی و خدماتی سنگین، مادر و راهبردی (استراتژیک) و یا واحدهائی که بدلائلی مورد توجه دو بخش دیگر نیستند و لی وجودشان از دیدگاه جامعه ضروری است میباشد. سه بخش فوق را در این گزارش بخشهای بنیادی مینامیم. شکل حقوقی واحدهای هر بخش (از قبیل تعاونی، شرکت سهامی، واحد انفرادی و غیره) امری است جداگانه بطوریکه در هر یک از دو بخش آزاد و مختلط این اشکال مختلف میتواند کناره هم پدید آمده فعالیت کنند. باید توجه داشت که منظور از بخش دولتی همه دولت نیست. در این گزارش واژه "دولت" بمعنای عام و در ظرفیت عرضه کننده خدمات عمومی از قبیل دفاع ملی، امنیت داخلی، آموزش، راه، حفاظت و هدایت محیط اقتصادی کشور، وضع و اجرای قوانین و غیره بکار میرود و واژه "بخش دولتی" مربوط میشود به فعالیت تولیدی و خدماتی دولت در بخش های مختلف اقتصادی. این تفکیک اساسی بوده و ضروری است که با دقت بآن توجه گردد. در حقیقت قسمتی از گزارش به بررسی نقش دولت (بمعنای عام) در قبـال بخشهای بنیادی (منجمله بخش دولتی) اختصاص یافته است.

دولت بمعنای عام موظف است که محیط اقتصادی کشور را برای فعالیت و رشد هر سه بخش بنیادی مساعد ساخته، در جهت تحقق کارآئی بالقوه هر بخش اقدامات لازم را بنماید. بنابراین نقش محیط ساز دولت در قبال بخشهای بنیادی مورد تاکید این گزارش بوده، بصورت یکی از اساسی ترین کارهای دولت چه از نظر هدایت نظام اقتصادی در جهت مطلوب و چه از نظر پیش گیری از بروز مسائل اساسی (که شاید تنها راه حل آنها پیش گیری باشد) عنوان شده است.

در رابطه با بخش آزاد، نقش دولت عملاً همان محیط سازی است. در مورد بخش مختلط، دولت علاوه بر محیط سازی بر واحدهای این بخش نوعی نظارت مستقیم و یا غیر مستقیم (که طبیعت و حدود و ثغور آن به وضع مشخص واحدها بستگی دارد) نیز اعمال میکند. در بخش دولتی، علاوه بر محیط سازی و نظارت، دولت نقش مجری را نیز بعهده دارد.

در بخش آزاد، تصمیم گیری های اقتصادی افراد در محدوده قوانین مدون جامعه آزاد بوده و هر کس در انتخاب شغل، محل، نوع، و مقیاس فعالیت خود مختار است. در این بخش عامل تنظیم و تعیین سطح تولید کالاها و خدمات مختلف مکانیسم بازار میباشد. بنابراین بخش آزاد از "خودمدیری" برخوردار بوده و فشار رقابت بازار تضمین کننده کارآئی کافی این بخش در بکارگرفتن منابع اقتصادی جامعه است.

لازم بتوضیح است که چنانچه دولت در نقش محیط سازی خود قصور بخرج دهد، بخش آزاد نه در جهت فوق بلکه در جهت معکوس یعنی سوء استفاده از منابع جامعه رشد خواهد یافت و همانند "بخش خصوصی" دوران قبل از انقلاب بصورت یک انگل بزرگ در خواهد آمد که نه تنها از هرج و مرج، تورم، رشد ناموزون بخشهای تولیدی، و سایر بلاهای اقتصادی جامعه تغذیه خواهد کرد بلکه خود عاملی در رشد بیشتر و ادامه این نابسامانیهها خواهد شد.

در رابطه با بخش مختلط و دولتی گزارش به کلیات اکتفا کرده است و تدوین طرح مفصل تر موکول به جمع آوری تجربیات عینی مدیران بخش دولتی از طریق سمینارها و گزارشهاست. اهمیت این مساله را نمیتوان دست کم گرفت. از دیدگاه تصمیم گیری اقتصادی چون در بخش مختلط نقش هدایت "خودکار" بازار غائب و یا ضعیف است، مکانیسم دستوری (فرمانی-اداری) حای آن را میگیرد. این امر تا حد زیادی اجتناب ناپذیر است ولی دولت باید اثرات آن کاملاً آگاه باشد و معیارهایی برای تخصیص منابع و تضمین کارائی واحدها و رشد متناسب و موزون آنها در رابطه با کل نظام اقتصادی تدوین نماید. واحدهای این بخش نباید در پشت این بهانه که هدف از ایجاد واحدهای بخش دولتی سودآوری نیست پنهان شده، عدم کارائی از خود نشان دهند. زیرا اگرچه در بسیاری از حالات سودآوری یگانه هدف نیست، اما یکی از معیارهای مورد نظر باید باشد. آن حدی هم که یک واحد از هدف سودآوری منحرف میگردد باید بدلیل ضرورت تحقق هدفهای دیگری که از نظر جامعه اولویت دارند باشد، نه آنکه بدون دلیل منابع جامعه ضایع و کم کاری و اسراف رایج گردد. بنابراین ضروری است که بر مبنای ملاحظات نظری و کلی که دیدگاه منافع عمومی جامعه را تاکید میکند و کارائی و توازن و تناسب داخلی نظام اقتصادی را مد نظر دارد از افراد باتجربه در واحدهای بزرگ برای تدوین معیارها و رهنمودهای عملی و قابل اجرا که کارائی و حرکت در جهت صحیح واحدهای بخشهای مختلط دولتی را تضمین نماید یاری گرفت. در این زمینه باید تا حد اکثر ممکن از راه حل های دستوری حذر کرده و راه حل های "خودکار" را بکار گرفت.

از آنجا که دولت وارث نظامی است که سخت اسیر روشهای کار، عادات، انتظارات و تباهی های دوران گذشته است، استراتژی خروج از بن بست اقتصادی کشور باید متکی بر ساز و کار "خودمدیری" و حذر کردن از برخورد های دستوری - فرمانی باشد. شکی نیست که در بسیاری از زمینه های تصمیم گیری دولت محبور است روی تقوای انسانها و مسئولین امور حساب کند. ولی در جامعه ای که در آن فرهنگ تقوی ضعیف است (و ایجاد آن خود یکی از هدفهای اساسی است) ضروری است که لا اقل در زمینه هایی که استفاده از راه حل های "غیر دستوری" امکان پذیر است از آنها استفاده شود.

بخش آزاد بالقوه میتواند تحت هدایت مکانیسم بازار در امر سازماندهی تولید جامعه بسیار موثر بوده در زمینه‌های ایجاد اشتغال، تولید، نوآوری، و تربیت نیروی انسانی لازم برای واحدهای بزرگ بخشهای مختلط و دولتی سهم قابل توجهی از فعالیتهای جامعه را بعهده گیرد. این بخش با تکیه بر "خودمدیری"، دولت را از ضرورت توجه به بسیاری از فعالیتهای اقتصادی فارغ کرده اجازه میدهد که دولت، نه از طریق درگیریهای اداری و اجرائی بلکه، از طریق اهرمهای عمومی سیاست مالی، اعتباری و سایر سیاستهای اقتصادی، اولویتهای خود را اعمال کند.

از آنجاکه دوران طولانی هرج و مرج و بی سرو سامانی اقتصادی قبل از انقلاب عادات و انتظارات نامعقول و ضد اجتماعی فراوانی در جامعه ایجاد کرده است و در چنین شرایطی بخش آزاد اقتصاد در جهت‌های مضر بحال جامعه رشد کرده است امکان هدایت آن در جهت منافع جامعه فقط از طریق برنامه‌های جامع و شناخت اصولی نقش بالقوه این بخش در اقتصاد کشور وجود دارد و سیاستهای منفرد، مجزا و فاقد تداوم و پیگیری قادر به انجام این مهم نخواهد بود.

فقدان محیط مناسب برای فعالیت آزاد باعث شده است که این بخش اقتصادی ضعیف، سوءاستفاده‌گرا، و انگل بارآید. عوامل اصلی محیط در این زمینه عبارتند از:

محیط حقوقی، محیط اداری دولتی، محیط اقتصادی و محیط زیربنای فیزیکی درون شهری و بین شهرها، مناطق و روستاها و محیط اطلاعاتی که خود شامل زیربنای فیزیکی فرستادن پیام‌های اطلاعاتی مانند تلفن، پست و تلگراف شهری و بین شهری و بین‌المللی است و نیز مسائل دیگری که به نحوه تولید، توزیع و استفاده از اطلاعات مربوط میشود.

عوامل تعیین کننده محیط حقوقی جامعه از یکطرف از مجموعه قوانین وضع شده و از طرف دیگر تجربه تاریخی جامعه و بنابراین سابقه ذهنی مردم آن در رابطه با محتوی و اجرای این قوانین بنا شده است، لذا آلودگی و نابابی محیط حقوقی هم به ذات، کیفیت و محتوای قوانین وضع شده و تضادهای و نارسائیهای آن و هم به سوء سابقه اجرائی دولت وضعها، تبعیضها، کم‌کاریها، سهل‌انگاریها و فقدان پیگیری منظم آن در اجرای قوانین بستگی دارد. نارسائیهای جدی در هر دو زمینه، یعنی هم کیفیت قوانین و هم اجرای آن باعث شده است که محیط حقوقی فاقد مشخصات ضروری برای فعالیت بخش آزاد در جهت منافع جامعه باشد و عملاً "بصورت یکی از تنگناهای (محیطی و بنابراین بسیار فراگیر و فلج‌کننده) رشد و توسعه سالم این بخش درآید، و نه تنها از نظر کمی آنرا ضعیف و ناتوان نگهدارد بلکه از نظر کیفی نیز آنرا از خدمت به جامعه منحرف و به‌گرایش‌های پلید ضد اجتماعی مبتلا سازد.

از آنجا که بخش آزاد برای فعالیت موثر خود نیاز به خدمات اداری در زمینه‌های مختلف دارد، سطح نازل خدمات اداری و وجود مداخلات بی رویه دولت و اجبار مردم به رجوع غیر ضروری به ادارات یک عامل بازدارنده در زمینه تحرک اقتصادی بخش آزاد است. فقدان یک نظام کنترل کیفیت خدمات دولت باعث شده است که مراجعین با رفتار غیرمسئول افراد دولتی مواجه شوند و عملاً " برای دریافت خدمات لازم (که حق مسلم آنها و مسئولیت قانونی دستگاه دولتی است) از عواملی چون آشنائی شخصی مستقیم و یا غیرمستقیم، توصیه و در شرائط بدتر، رشوه استنادده کنند. فساد دستگاه دولتی و رشوه خواهی و اشکال تراشیه‌ها و زدوبندها عامل مهمی در فلج کردن فعالیت‌های سالم بخش خصوصی و سوق دادن آن به سوء استفاده‌ها و اعمال خلاف و غارت و گروانی شده است.

در مورد محیط اقتصادی جامعه باید گفت که از طرفی ساخت اقتصادی جامعه و از طرف دیگر سیاست‌های نامناسب اقتصادی و اجرای توأم با هرج و مرج و چپاول این سیاست‌ها در دوران قبل از انقلاب باعث شد که قشرهای وسیعی از مردم در زیر منگنه حقوق و دستمزدها نسبتاً " ثابت در قبال تورم شدید قرار گرفته ظلم و جور اقتصادی را بحد اکثر ممکن تحمل کنند. در حالیکه قشر کوچکی از قبیل بساز و بفروشها، زمین بازان و خیل دلالهای گوناگون در ظرف مدت کوتاهی ثروت‌های افسانه‌ای بیاندوزند و چه بسا که مبالغ هنگفتی از این ثروت‌ها را از کشور خارج کرده هنوز هم که بیش از یکسال از انقلاب میگذرد بکار خود مشغول باشند.

فقدان محیط اطلاعاتی موثر تنگنایی است که بخش آزاد را از تحرک بالقوه خود باز میدارد. فقدان دفتر راهنمای تلفن و واحدهای اقتصادی در شهرها و روستاها، نارسائی در خدمات تلفنی، تلگرافی و پستی درون شهری و بیرون شهری و تغییر بی رویه اطلاعات در جامعه (از قبیل نام خیابانها و تغییر ساعات کار ادارات و بانکها) باعث میگردد که هزینه بدست آوردن خدمات اطلاعاتی بالا باشد. این خود بصورت یک عامل فراگیر در محدود کردن رشد کمی و کیفی اقتصاد کشور و مخصوصاً " بخش آزاد عمل میکند.

در سطح بالا و ویژگی‌های وضع موجود بیشتر در رابطه با دوران قبل از انقلاب ذکر شده‌اند. از آنجا که دولت جمهوری اسلامی و شورای انقلاب هنوز فرصت تدوین و اجرای سیاست‌های لازم برای تغییرات اساسی در اوضاع مشروحه را نداشته اند وضع حاضر در برخی از زمینه‌های مذکور با گذشته فرق چندانی نکرده است. در برخی زمینه‌ها از قبیل معاملات زمین دولت موفق شده است که پیشرفت زیادی بنماید ولی ضرورت یک برخورد جامع و بنیادی بکلیه مسائل بالا همچنان در دستور کار انقلاب باقی است.

هدف از ذکر نکات فوق در رابطه با " محیط مناسب " برای فعالیت بخش آزاد ارائه زمینه و نوع مسئله است نه طرح جامع مطلب که در این مختصر نمی‌گنجد.

۳-۲۲۰- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

۱- دولت نقش ساختن و حفظ و هدایت محیط را داشته و بخوبی آنرا ایفا میکند.

- ۲- نوع مالکیت آزادومردمی وبرطبق موازین اسلامی است ومیتواند انفرادی ویا اجتماعی (تعاونی ،سهامی وغیره) باشد .
- ۳- عامل هدایت وتنظیم بخش آزادسازوکاربازاراست ودولت درجائیهائی که عملکردبازار بامنافع اجتماعی درتضاد است ازطریق وضع قوانین ومقررات لازم منافع فوق الذکر را حفظ میکند .
- ۴- مشارکت نیروی کار درتصمیم گیری واحدهای بزرگ تحققیافته است .

سیاست ها وراهبردها (کوتاه مدت - میان مدت ودرازمدت)

۴ - ۲۲۰ - سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- محیط حقوقی مشخص وازتداوم وثبات برخوردارگردد ،"مخصوصا" وسیله قانونی صحیح برای دفاع از بخش آزاد دربرابراجحافها وسختگیریهائی بیحای ادارات دولتی بوجودآید .
- ۲- سیاست روشن وصریح درمورد ثروت ، مالکیت وسائل تولید ، حدود و شروط آن و مکانیسم های بازدارنده تمركز ثروت افراد تعیین واعلام گردد .
- ۳- مرحله اول تغییر ساخت ونقش دولت درزمینه محیط اداری مورد نیاز بخش آزاد پیاپیاده گردد .
- ۴- سیاستهای اقتصادی ،بازرگانی ، مالی واعتباری دولت دررابطه بابخش آزاد تدوین واعلام گردیده ، محیط اقتصادی ازتداوم وثبات برخوردارگردد .
- ۵- بولتن رسمی اقتصادی جمهوری اسلامی که سیاستهای اقتصادی دولت را اعلام میکند تاسیس وانتشاریابد .
- ۶- سیاست روابط کارگروکارفرما تدوین ومرحله اول پیاپیاده گردد .
- ۷- مرحله اول سیاست زیربنائی دولت بعنوان یک عامل اصلی گسترش وتکامل بازار داخلی وتکامل اقتصادی تدوین وپیاپیاده گردد .
- ۸- سیاست الزامی کردن تهیه راهنماها توسط موسسات مختلف خصوصی ودولتی تدوین واجراگشته دولت ملزم گردد که آمار واطلاعات موجود را در اختیار عموم قراردهد .
- ۹- دررابطه باتغییراتی که شهرداریها ویا دولت میخواهند از طریق تصویب قوانین ومقررات جدید درکشور ، منطقه ، شهر ویا محله ایجاد کنند نهاد شوربا ذینفعان ، ذیضران وصاحب نظران بوجودآید .

۵ - ۲۲۰ - سیاستهای میان مدت ودرازمدت (مرحله دوم وسوم)

- ۱- سیاستهای اتخاذ شده درمرحله اول ادامه یابد .
- ۲- اعتماد بخش آزاد به محیط اقتصادی جلب گردد بطوریکه افق برنامه ریزی سرمایه گذاری این بخش را متناسب با ذات وکیفیت هر طرح طولانی سازد . حتی طرحهایی با افق برنامه ریزی چندین ساله نیز وارد حیطه انتخاب سرمایه گذاری بخش آزاد بشوند .
- ۳- بیمه باید باتحرک ونوا فرینی زیادی انواع مختلف بیمه های صنعتی ،تجاری ، ایمنی ، شخصی ، عمر ، بازنشستگی وغیره را در دسترس بخش آزاد بگذارد وبعنوان یکی از ابزارهای پیشرفت اقتصادی جامعه از اولویت خاصی برخوردارگردد .

۴- اصل استانداردهای باید از طریق ترکیبی از قوانین دولتی و مقررات حوامع صنعتی در کلیه زمینه‌های تولیدی، بسته‌بندی و غیره تعمیم یابد.

۵- کلیه سیاستها، روشها و عادات دولت در زمینه مداخله با مکانیسم بازار مورد بررسی قرار گیرد و مخصوصاً "سیاست روشن درباره زیانکردهای دولت و اینکه این زیانکردها باید اساساً وجود داشته باشند یا خیر تدوین گردد و مشخص شود که حد و مقیاس هر مورد ضرر چقدر است و چه قشرهایی از جامعه تا چه حدی از این ضررها را متحمل میشود.

۶- چنانچه منافع ملی درهما هنگی با سیاستهای مربوط به بخشهای مختلط و یا دولتی ایجاب نماید واحدهای بخش آزاد در مرحله‌ای از رشد خود ممکن است تحت نظارت قرار گیرند و یا آنکه ملی گردند.

۲۳۰ - بخش مختلط (مردمی - دولتی)

۱- ۲۳۰ - اهمیت ، محدودیتها و امکانات

در یک اقتصاد ارشادی که دولت حیطة آزادیهای اقتصادی افراد را بر موازین اسلامی و طبق قانون تعریف کرده و محترم می شمارد ، پیدایش و رشد واحدهای اقتصادی بصورت انحصار و یا شبه انحصار امکان دارد . چون گرایش طبیعی چنین واحدهائی در امر تعیین سطح تولید ، قیمت ، و کیفیت کالاها و خدماتی که عرضه میکنند تا حدی فارغ از فشار رقابت بوده نتیجتاً " مکانیسم بازار نمیتواند در مورد آنها نقش کافی داشته باشد ، بر دولت است که به هدایت این واحدها در جهت منافع کمال جامعه اقدام نماید .

دولت از طریق وضع قوانین میتواند از پیدایش انحصارها و شبه انحصارهایی که نه بر مبنای ملاحظات اقتصادی مفید بحال جامعه (مانند ضرورت تولید در مقیاس بزرگ) بلکه بر مبنای روابط قسدرت و سلطه جوئی رشد میبایند تا حد زیادی جلوگیری نماید . در مورد واحدهائی که پیدایش و وجود آنها از دیدگاه جامعه قابل توجیه است ، ضروری است که نظارت دولت اعمال گردد .

۲- ۲۳۰ - ویژگیهای وضع موجود

این بخش به مفهوم مورد نظر وجود ندارد .

۳- ۲۳۰ - آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

- ۱- نقش دولت ساخت محیط و نظارت میباشد .
- ۲- نوع مالکیت و مدیریت مردمی و دولتی است .
- ۳- واحدهائی که بعلت طبیعت و یا مقیاس تولید خود قابل تنظیم یا مکانیسم بازار نیستند از طریق مقررات و نظارت دولت در زمینه های سطح تولید ، قیمت و غیره تنظیم میگردند .
- ۴- از نظر مالکیت دولت ، سرمایه گذاران خصوصی ، نهادهای دولتی و خصوصی ، شهرداریها ، بانکها ، شرکتهای بیمه و غیره در چهارچوب حقوقی " عام " میتوانند مشارکت نمایند .
- ۵- محیط حقوقی ، اداری ، اقتصادی ، زیربنائی و اطلاعاتی جامعه از ثبات و تداوم و کارائی برخوردار است و بصورت یک عامل مثبت در قبال واحدهای مختلط عمل میکند .
- ۶- دولت معیارهای مشخصی دارد تا واحدهائی که باید در هر یک از سه بخش بنیادی باشند در آن بخش فعالیت نمایند .

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴- ۲۳۰ - سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

۱- نهادی برای نظارت بر واحدهای مختلف در دولت ایجاد گردد که سیاست دولت را در این زمینه

تدوین و مرحله اول آنرا پیاده کند .

- ۲- "شورای نظارت بر بخش مختلط" جهت تعیین سطح تولید و قیمت واحد تولید و دیگر مسائل مربوط به هماهنگی بین این بخش و دیگر بخشهای بنیادی بوجود آید .
- ۳- این نهاد باید در دو سال اول واحدهائی را که فعلا "دولتی و یا خصوصی هستند ولی باید مختلط باشند شناسائی کند و تغییر سازمان دهد و تحت نظارت خود درآورد .
- ۴- قانون "ورافتادن" که در بخش آزاد خود بخود از طریق مکانیسم بازار واحدهای ناموفق را منحل میکند باید برواحدهای بخش مختلط نیز حاکم گردد و مکانیسم آنهم اقتصادی باشد نه فرمانی .

۵- ۲۳۰- سیاستهای میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

- ۱- حیطة عمل این بخش و وظائف و مسئولیتهايش که در دو سال اول این مرحله روشن گردیده از کارآئی و تحرک لازم برخوردار باشد .
- ۲- اعتماد سرمایهگذاران بخش آزاد و نهادهای و موسسات دولتی و غیردولتی و شرکتها با این بخش باید بحدی رسد که از سرمایهگذاری در واحدهای موجود یا در حال پیدایش در آن خودداری نوزند بلکه از آن استقبال کنند .
- ۳- قیمتهای این واحدها که معمولا "انحصار یا شبه انحصار هستند باید بر موزین اقتصادی تعیین و سود حاصله منصفانه باشد نه مبتنی بر قدرت انحصاری واحد مربوط . لذا فشار رقابتی از بازار بین المللی از یکطرف و تعیین سطح تولید توسط "شورای ناظر بر بخش مختلط" از طرف دیگر از عواملی هستند که باید بکار گرفته شوند .
- ۴- سهم سرمایهگذاری دولتی در این واحدها باید بتدریج و برحسب رغبت بخشهای غیر دولتی به سرمایهگذاری در آنها تا حد امکان تقلیل یابد .

علاوه بر ایجاد و حفظ و حراست محیط حقوقی، اداری و اقتصادی مناسب برای فعالیت بخش‌های بنیادی، دولت نقش رهبر و سرمایه‌گذار در صنایع سنگین، استراتژیک، و یانوپارانیز به‌عهده دارد. چون دولت از طریق انحصارات خود که مهمترین آنها نفت است منابع مالی عظیمی را در اختیار دارد سرمایه‌گذاری عمرانی در گذشته بعنوان یکی از راههای بگردش انداختن این منابع در اقتصاد کشور بوده است. ولی این روش هیچگاه بطور اصولی بررسی نگردیده و محدودیتها و امکانات آن سنجیده نشده است. یکی از نتایج سهمگین این روش در عمل پیدایش تعداد زیادی واحدهای تولیدی و خدماتی دولتی است که فاقد هرگونه توجیه اقتصادی و اجتماعی برای وجود خود میباشند و در حقیقت قبل از هر چیز کیسه‌هایی بوده اند که برای خزانه پیربرکت دولت دوخته شده‌اند.

امکانات واحدهای دولتی فراوان است و علی‌رغم آنکه هزینه‌های صرف شده برای ایجاد تاسیسات فیزیکی آنها چندین برابر میزان لازم بوده است بکارنگرفتن آنها ضایعات حتی سنگین تری را نیز باین هزینه‌ها اضافه خواهد کرد. چنانچه در امر نظام مدیریت شرکت‌های دولتی مطالعات اساسی صورت گیرد و روشها و معیارهای لازم ایجاد گردد، این واحدها میتوانند از تحرك اقتصادی برخوردار گشته در خدمت بازسازی اقتصادی جامعه قرار گیرند.

چنانچه این واحدها بجای بودجه دولتی از وام استفاده کنند، لزوم بازپرداخت وام بعنوان یک عامل کمکی در حفظ بازده مناسب عمل خواهد کرد.

۲- ۲۴۰ - ویژگیهای وضع موجود

منظور از بخش دولتی شرکت‌های دولتی و یا قسمتهایی از فعالیت دولت است که میتواند بصورت شرکت سازمان یابد. بخش اداری دولت که شامل وزارتخانه‌ها و فعالیتهای عمومی و خدماتی دولتی است در اینجا مورد نظر نیست.

شرکت‌های دولتی در حال حاضر عملاً "در کلیه زمینه‌های تولیدی و خدماتی وجود دارند و عموماً از مدیریت ضعیف و سوء استفاده‌گر برخوردارند و علی‌رغم آزادی زیاد در قیمت‌گذاری تولیدات خود و داشتن تسهیلات و امتیازات زیاد در مورد خرید مواد و خدمات مورد نیاز خود ضرر می‌دهند. کوششهای دولت جمهوری اسلامی در امر سرو سامان دادن به شرکت‌های تابعه و وابسته به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران تا این تاریخ عملاً "بی نتیجه مانده است.

۳- ۲۴۰ - آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

- ۱- دولت نقش محیط سازی و نظارت و اجراء را بخوبی ایفا مینماید.
- ۲- نوع مالکیت دولتی است و بشوراهای نظارت منتخب مردم جوابگو میباشد.

- ۳- سیاست دولت در رابطه با محیطه عمل شرکت‌های دولتی معین است و این شرکتها فقط در زمینه‌هایی که این سیاست ایجاد میکند تشکیل شده و میشوند و لا غیر .
- ۴- این واحدها دارای کارآئی اقتصادی هستند و کسب سودحه احتمالی آنها که توسط دولت جبران میشود بدلائل روشن بیهینه‌گرائی اجتماعی است نه عدم کارآئی مدیریت و رفتار غیراقتصادی .
- ۵- تشکیل این واحدها بیکی از دلائل زیر است :
- الف - زمینه تولیدی با منافع اجتماعی زیاد دولی سودناکافی برای جلب بخش آزاد و یا مختلط .
- ب - زمینه‌ای با سرمایه‌گذاری زیاد و دوره فراهم سازی یا باروری طولانی .
- پ - زمینه‌ای با اهمیت استراتژیک و با امنیتی و غیره .

سیاست‌ها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴ - ۲۴۰ - سیاست‌های کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- سیاست روشن برای شناسائی واحدهائی که باید دولتی باشند تدوین و از آن برای انتقال واحدهای دولتی به بخشهای دیگر و یا از بخشهای دیگر به بخش دولتی استفاده گردد .
- ۲- اصول و روشهای کار ساز برای تصمیم‌گیری اقتصادی و مدیریت شرکت‌های دولتی تعیین گردد .
- ۳- انتشار گزارشهای سالانه آمار و برنامهای دراز مدت و کوتاه مدت شرکت‌های دولتی با تکیه بر صحت آمار و اطلاعات و فراگیری اسناد منتشره بنحوی که صاحب نظران و گروههای اجتماعی و سیاسی بتوانند با بررسی آن شناخت واقعی از وضع حال و آینده این شرکتها بدست آورند الزامی گردد .

۵ - ۲۴۰ - سیاست‌های میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

- ۱- کلیه شرکت‌های دولتی تحت سرپرستی "شورای ناظر بر شرکت‌های دولتی" که خود تابع اهداف برنامه ریزی ملی است کار خواهند کرد .
- ۲- سطح تولید، قیمت، جهت و آهنگ سرمایه‌گذاری و توسعه این شرکتها تحت نظر شورای مزبور هماهنگ با سیاستهای ملی توسعه و تکامل کشور است . این سیاستها بنوبه خود مبتنی بر دید تلفیقی بخش‌های بنیادی، بخشهای اقتصادی و توزیع فضائی فعالیتها میباشند .
- ۳- تصمیمات شورای مزبور بطور مدون در بولتن‌های منظمی که جهت گزارش دادن فعالیت‌های شورا منتشر میگردد انعکاس می‌یابد و بدینوسیله اطلاعات کافی در باره جنبه‌های مهم فعالیت شرکت‌های دولتی در دسترس صاحب نظران قرار خواهد گرفت . برای تحقق این هدف قوانین و مقررات خاصی علیه ارائه اطلاعات نامربوط، ناقص و یا دیرتر از موقع مطلوب وضع گردد .

فصل ۳ - توزیع فضائی فعالیتهای اقتصادی ، اجتماعی و کالبدی (آمایش)

۳۱۰ - مقدمه

۳۲۰ - آمایش ملی (توزیع فضائی کلیه فعالیتهای اقتصادی ، اجتماعی و کالبدی در سطح ملی)

۳۳۰ - آمایش منطقه (شامل محدوده یک یا چند استان)

۳۴۰ - آمایش محلی (شامل محدوده یک یا چند " بخش " یا دهستان فعلی)

۳۵۰ - جامعه شهری

۳۶۰ - جامعه روستائی

برنامه‌ریزیهای عمرانی در ایران سابقه‌ای ۳۰ ساله دارد و مسیر تاریخی آن از شروع تا بحال تقریباً همگام با سیر تکاملی تئوریهای برنامه‌ریزی و روشهای گوناگون اجرا بوده است. بعد از جنگ دوم جهانی برنامه‌ریزی عمرانی در ایران گونه‌ای تقلیدی و شبیه به آنچه برخی از کشورهای صنعتی برای بازسازی و رشد اقتصادی انتخاب نموده بودند پایه‌گذاری شده است. این نوع برنامه‌ریزی در دودهم گذشته بازتابهای منفی اقتصادی برای برخی از گروههای جامعه داشته است. عوارض این نوع برنامه‌ریزی تنها در زمینه اقتصادی نبوده است بلکه مسائل اساسی اجتماعی را نیز نادیده گرفته است. این بازتابهای منفی موجب گردید تا برنامه‌ریزیهای بازسازی و رشد اقتصادی بسط و گسترش یافته و برنامه‌های استراتژی اقتصادی - اجتماعی تبدیل گردد که در برخی از کشورها هنوز برنامه‌ریزی در این ابعاد ادامه دارد.

همزمان با شروع تجدیدنظر در " برنامه‌های بازسازی و رشد اقتصادی " و تجزیه و تحلیل نتایج آن، عوامل اساسی که در اینگونه برنامه‌ریزی به آن توجه نشده بود شناسائی گردید. در این مسیر مکاتب مختلفی در پاسخگوئی به این کمبودها بوجود آمد. وجه مشترک این مکاتب در لزوم " جامعیت " برنامه‌ریزی با توجه به کلیه مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مالی، فیزیکی و کالبدی بود. در پاسخ به سئوالات مطرح شده در جهت جامعیت بخشیدن به برنامه‌ریزی مسائل توسعه و تکامل کشور در وسیعترین ابعاد کمی و کیفی مطرح گردید. در این جهت برنامه‌ریزی با دو دید " حال " و " آینده " در رابطه با نتایج مجموعه فعالیتهای عمرانی مورد توجه قرار گرفت و برنامه‌ریزی سنتی که صرفاً " به رشد اقتصادی توجه داشت بکنار گذاشته شد.

برخی از جوامع دیگر حاضر نبودند که ایجاد تضادهای فرهنگی، از بین رفتن معنویات، آلودگی محیط زیست، مصرف بی‌رویه منابع و فرآورده‌ها، یکنواختی کار و محیط، تفاوت درآمد و اختلاف طبقاتی شدید و دیگر مسائل اساسی جامعه را نتیجه اجتناب ناپذیر رشد اقتصادی بدانند و حل این مسائل را به بعد از دست یافتن به کمیّت اقتصادی موکول نمایند.

در این تفکر جدید مبنای برنامه‌های عمرانی دیگر صرفاً " برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی نبود. برنامه‌های کمی و کیفی توسعه و تکامل کل جامعه در مقاطع زمانی مختلف بر این فرض قرار داشت که مسائل اساسی فوق در کوتاه مدت قابل حل نیستند و حل و فصل آن نیز فوق العاده مشکل است و نمیتوان بروز این مسائل را صرفاً " از عوارض رشد اقتصادی دانست. این مسائل میبایستی در شروع برنامه‌ریزی مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته و برنامه‌ها جهت گیریهای اصلی را متاثر سازد و اهداف برنامه‌ها با چشم داشت به یافتن راه حل برای این مسائل تعیین گردد.

در این چهارچوب تفکر است که برنامه‌ریزی آمایش سرزمین مطرح میگردد. آمایش یعنی توزیع جغرافیائی - فضائی کلیه فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی - کالبدی در پهنه سرزمین. دیدگاههای آمایش بر چند اصل

زیراستواراست :

۱- دیدگاه فضائی-جغرافیائی : فضا و مکان در برگیرنده و تکیه‌گاه مشترک تمام تصمیمات و فعالیت‌های عمرانی است . تصمیم گیری در مورد تنوع و پراکندگی فعالیتها و مناسبات افراد به چگونگی سازماندهی اینگونه فعالیتها در فضا و مکان بستگی دارد . بعبارت دیگر ، فعالیت‌های اقتصادی از یکسومقید به سازمان فضائی موجود هستند و از سوی دیگر سازمان دهنده نظام فعالیت‌های آینده از فضا و مکان میباشند .

۲- دیدگاه کلی و همه جانبه : در برنامه ریزی برداشتی کلی و جامع که در برگیرنده کلیه عوامل " میان بخشی " ، " میان منطقه‌ای " که بانظری " چندرشته‌ای و چند انضباطی " مسائل رارزیایی مینماید لازم است . چه بسا کلیه اثرات مستقیم و غیرمستقیم یک فعالیت ، وقتی از دیدگاه یک بخش تولیدی و یا یک منطقه جغرافیائی و یا یک تخصص علمی بررسی شود کاملاً " شناسائی نمیگردد .

۳- دیدگاه درازمدت : تفکر و تفحص درباره سازمان فضا نمیتواند به افقی کوتاه مدت اکتفا کند زیرا در افق زمانی کوتاه تخیل از سنگینی بارگرایش‌های موجود آزاد نیست و نیز شکل گرفتن فعالیتها در فضا به زمانی طولانی احتیاج دارد .

۴- دیدگاه کیفی : بررسی مشکلات با دیدی کیفی مکمل برداشت کمی برنامه ریزی اقتصادی است . چنین بعدی ظاهراً " دقت اندازه گیری و بعد کمی را ندارد اما در ارزیابی نتایج فعالیتها الزاماً " بیش از برآوردهای کمی یک جانبه نیست . نتایج دید کمی در کوتاه مدت قابل لمس است ، لیکن در بیشتر موارد اثرات کیفی در درازمدت خود را آشکار میسازند .

۵- دیدگاه اجرائی : در برنامه ریزی آمایش به اجرائی بودن و به تحقق در آوردن راهبردها و سیاستها و برنامه‌ها اولویت تام داده میشود .

برنامه ریزی آمایش بر دو پایه اصلی تکیه دارد : نخست ، برنامه ریزی کلیه خدمات زیر بناهای فیزیکی - کالبدی . دوم و مهمتر ، قالب دادن به مجموعه فعالیت‌های توسعه و تکاملی جامعه از دیدگاه بهتترین بهره برداری از کلیه منابع انسانی و طبیعی در بعد جغرافیا و زمان ، همراه با فراهم ساختن امکان دسترسی به کار و خدمات اجتماعی و فرهنگی برای همگان و از بین بردن تفاوت درآمد است . این هدف از طریق ایجاد اشتغال در مناطق مختلف ، برقراری تعادل بین مناطق از طریق بهره برداری صحیح از منابع ، ایجاد فعالیت‌های جدید در تکمیل کمبودهای طبیعی مناطق ، فراهم سازی امکانات در جهت بوجود آوردن توازن و تعادل در رفاه اجتماعی و امکان دسترسی به آن از طریق توزیع عادلانه خدمات در پهنه سرزمین تأمین میشود .

تصویری که از آینده جامعه ایران از دیدگاه آمایش قابل ترسیم است آنست که در حین حفظ خصوصیات قومی و منطقه‌ای جامعه‌ای یکپارچه و بهم پیوسته ، با در نظر گرفتن تفاوت‌های کمی و کیفی منابع انسانی و طبیعی منطقه‌ای ، جامعه‌ای فارغ از تفاوت‌های ناعادلانه و غیر معقول اجتماعی - اقتصادی باشد . علاوه بر این همزمان با فراهم ساختن موجبات پاسخگویی به نیازها و استعدادها ی فردی به مسئولیت اجتماعی و

نیازهای جامعه درکل اولویتی انکارناپذیرمیدهد. برای تحقق این اصول درآینده آمایش میتواند بعنوان دیدگاه وروش برنامه ریزی اصلی مورد استفاده قرارگیرد.

ازدیدگاه آمایش سرزمین، برای نظم دادن به برنامه ریزی کشور، ایجادهماهنگی دراستقرارفعالیت‌های توسعه وتکاملی کشور بطور خاص جهت برخورداری ودسترسی هرچه بیشتر جمعیت به این فعالیتها، نیاز به مشخص نمودن دوجهارچوب جغرافیائی - فضائی دربرنامه ریزی کشور محسوس است:

اول - قبول نظامی از تقسیمات سیاسی، اداری کشور است که حداقل درپائین ترین رده این تقسیمات که واحد "بخش" باشد (محدوده دهستانهای فعلی) درعین حال تا حد امکان محدوده جغرافیائی این واحد ثابت نگهداشته شده وتابع تغییرات روزمره نباشد، واگر لزوم تغییراتی نیز تشخیص داده شد، درمیان مدت و درازمدت مورد عمل قرارگیرد.

دوم - قبول نظام مشخصی از شبکه‌ای از مراکز تجمع جمعیت در جوامع شهری وروستائی است. این نظام نیز در اصول نایستی تابع تغییرات دائم وشدید گردد.

۱- بدین منظور وبراساس مطالعات موجود، تقسیمات کشوری* در بالاترین سطح "استان" وسطح پائین تر "شهرستان" و "بخش" مورد قبول قرار گرفت. از لحاظ برنامه ریزی توسعه وتکاملی کشور محدوده‌هایی که در این گزارش به آن "منطقه" اطلاق گردیده، محدوده‌هایی است که شامل یک یا چند استان میگردد. نیت از محدوده "محلی" نیز محدوده جغرافیائی است که در هر صورت کوچکتر از استان، شامل یک یا چند شهرستان ویاصرفا "دویا چند بخش" باشد. بطور خلاصه نظام پیشنهادی تقسیمات سیاسی - اداری کشور به ترتیب زیر است:

- کشور

- استان

- شهرستان

- بخش (محدوده دهستانهای فعلی)

۲- استخوان بندی اصلی سیستم مراکز جمعیتی در جامعه شهری و روستائی بادر نظر گرفتن فراگرد تغییرات در مقیاس وماهیت این مراکز در رابطه با استقرار فعالیت‌های عمرانی وحرکت جمعیت وهمچنین در نظر گرفتن ویژگیهای منطقه‌ای ومحلی در نظامی سلسله مراتبی پیشنهاد گردیده است.

الف - نظام طبقه بندی مراکز جمعیت در جامعه شهری

در مورد جامعه شهری نظام سلسله مراتب این شهرها بایستی در هر مورد پاسخگوی ویژگیها و مسائل هر منطقه بوده وهادی اولویت در استقرار فعالیت‌های عمرانی باشد. تغییرات جمعیت و

* تقسیمات کشوری در حال حاضر شامل استان، شهرستان، بخش و دهستان میگردد. لیکن مطالعات و بررسیها نشان میدهد که در این تقسیمات بدلیل عدم وجود پایه‌های علمی واداری بخشها زائد میباشد، از این رودر تقسیمات جدید محدوده کنونی بخشها حذف شده و نام دهستان به بخش تبدیل گردیده است و با ثابت نگهداشتن این محدوده تغییرات مورد نظر در تقسیمات کشوری بر حسب نیاز و در مقاطع زمانی مختلف میتواند در سطح شهرستانها و استانها صورت گیرد.

عملکرد شهرها ، بخصوص شهرهای بزرگ اصلی و شهرهای متوسط ایجاب مینماید که طبقه بندی این نظام در دو مرحله زمانی انجام گیرد .
الف - ۱ - (کوتاه مدت و میان مدت) .

- تهران

- شهرهای بزرگ اصلی (از ۲۵۰ هزار نفر به بالا)

- شهرهای کوچک (بین ۵ هزارالی ۵۰ هزار نفر)

الف - ۲ - (دراز مدت) .

- تهران

- شهرهای بزرگ (از ۱ میلیون نفر به بالا)

- شهرهای متوسط - ۱ - (بین ۲۵۰ هزارالی ۵۰۰ هزار نفر)

- شهرهای متوسط - ۲ - (بین ۵۰ هزارالی ۲۵۰ هزار نفر)

- شهرهای کوچک (بین ۵ هزارالی ۵۰ هزار نفر)

ب - نظام طبقه بندی مراکز جمعیت و خدمت رسانی در جامعه روستائی

استخوان بندی پیشنهادی در مورد مراکز جمعیتی در جامعه روستائی بر سه محور اصلی قرار دارد .
(۱) شهرهای کوچک با جمعیت ۵ هزارالی ۵۰ هزار نفر که وظیفه برقراری ارتباط بین دو جامعه شهری و روستائی را ایفا مینمایند .

(۲) مراکز بخشها (مراکز دهستانهای فعلی) که هر یک در رابطه با کلیه شرایط اقلیمی ، اقتصادی و اجتماعی محدوده بخش ، بایستی مورد بازبینی مجدد قرار گیرد

(۳) شبکه ای سلسله مراتبی از مراکز خدمت رسانی . این مراکز بایستی با در نظر گرفتن مجموعه ها و منظومه های تجمع روستاها در داخل بخشها انتخاب شوند و در این سیستم در کل با شرایط هر منطقه انطباق داده شوند . این مراکز خدمات مورد نیاز را در نظامی بهم پیوسته به اکثریت جمعیت در جامعه روستائی بشرح زیر ارائه میدهد .

الف - شهرهای کوچک (۵ هزارالی ۵۰ هزار نفر)

این مراکز ارتباط اصلی بین دو جامعه روستائی و شهری هستند .

ب - مراکز بخشها (مراکز دهستانهای فعلی)

این مراکز بایستی با در نظر گرفتن ویژگیهای منطقه ای و بازبینی مجدد در محدوده بخشها مورد تجدید نظر قرار گیرند .

پ - مراکز خدمت رسانی

این مراکز بایستی با در نظر گرفتن خصوصیات مجموعه ها و منظومه های استقرار روستاها و ویژگیهای منطقه ای بطور سلسله مراتبی بوجود آیند .

ت - روستاهای منفرد و مراکز تولید

روستاها و یا مراکز تولیدی هستند که ادامه حیات آنها لازم تشخیص داده شده ولی در فاصله ای مناسب با مراکز خدمت رسانی قرار ندارند .

توزیع عقلائی فعالیتهای اقتصادی ، اجتماعی و کالبدی در کشور (آمایش) تنها راه برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی و فراهم آوردن موجبات یکپارچگی و بهم پیوستگی جامعه است .

آمایش نه تنها دسترسی به موهبت های طبیعی و انسان ساخته را برای همه افراد میسر میسازد بلکه شیوه ای از برنامه ریزی را که تکیه خاص به توزیع و تقسیم فعالیتهای تکاملی کشور دارد مورد تاکید قرار میدهد . از این طریق برنامه ریزی است که میتوان با شناسائی منابع کشور با نگرشی جامع و درازمدت در جهت تامین اهداف جامعه و نیاز گروه های اجتماعی گام برداشت . علاوه بر این آمایش به کیفیت انعکاس فعالیتهای توزیع و تقسیم آنها توجه داشته و هماهنگی لازم را در ایجاد اشتغال در مناطق بوجود آورده و از تمرکز بیش از حد و عقب افتادگی مناطق جلوگیری مینماید .

مهمترین محدودیت در مورد این شیوه از برنامه ریزی نوین بودن مفهوم "آمایش" و نا آشنا بودن برنامه ریزان کشور به این شیوه از برنامه ریزی است . بی اعتقادی تصمیم گیران بطور کلی به برنامه ریزی ، یکی دیگر از محدودیت های این شیوه از برنامه ریزی است . علاوه بر این تسلط کامل برنامه ریزی بخشی در نظام برنامه ریزی از طریق کنترل بر بودجه های عمرانی و جاری مانع از بوجود آمدن دید جامع و هماهنگ در برنامه ریزی کشور گردیده است . محدودیت دیگر نبود خدمات زیربنائی ، بازرگانی و خدمات اجتماعی بخصوص در مناطق عقب مانده کشور است . گسترش فعالیتهای موجود و یا آغاز فعالیتهای عمرانی جدید بدون وجود این گونه خدمات بدشواری میسر میگردد . پراکندگی منابع آب و خاک و روستاها نیز در مواردی مشکلات زیادی را باعث گردیده است .

از جمله امکانات موجود میتوان از تجربه سی ساله کشور در برنامه ریزی و سازوکار موجود در این شیوه از برنامه ریزی یاد کرد . از سوی دیگر تفاوت های اقلیمی و ویژگیهای فرهنگی منطقه ای تنوع جالبی به جامعه میدهد که میتواند زمینه های مناسبی را برای غنای فرهنگی جامعه در حال تکامل را فراهم آورد . در عین حال عدم سرمایه گذاری کافی در گذشته و شکل نگرفتن مناطق این امکان را پیش آورده است که در بعضی از موارد بتوان مناطقی را "نوسازی کرد و قبل از این که توازن جمعیت بین شهر و روستا تغییر کند تغییر جمعیت را در جهت وروال مطلوب هدایت نمود . این اقدام اگر بموقع صورت گیرد جلوگیری از بروز زاغه نشینی یا حاشیه نشینی شهری در مقیاس کشورهای جهان سوم بویژه امریکای لاتین را میسر میسازد .

توصیف وضع موجود را میتوان در کلمه " نابسامانی " تشریح کرد و این نابسامانی در کلیه زمینهها بچشم میخورد. در حال حاضر رشد طبیعی جمعیت اندکی کمتر از ۳ درصد و روند افزایش شهرنشینی نیز در حدود ۵ درصد در سال میباشد. تمرکز بیش از حد جمعیت در شهر تهران از یکطرف و پراکندگی جمعیت روستائی در تراکم پائین در نزدیک به ۶۵ هزار روستا از طرف دیگر مسائل عدیده ای را موجب گردیده است. از جمله این مسائل باید از نبود توازن و تعادل معقول بین سهم بخشهای عمده اقتصاد (صنایع - خدمات - کشاورزی) و عدم توجه به استقرار فعالیتهای صنعتی و خدماتی در جامعه روستائی یاد کرد. تمرکز زیاد فعالیتهای عمرانی در تهران هم یکی دیگر از ویژگیهای وضع موجود است. تمرکز شدید تصمیم گیری در مرکز همراه با نبود آگاهی کافی از کلیه منابع سرزمین امکان بهره برداری بهینه از این منابع را به حداقل رسانیده و باعث توسعه ناموزون مناطقی گردیده است. این روال در بعضی از موارد کیفیت زندگی و محیط زیست را به حدی جبران ناپذیر تنزل داده است. نبود ارتباط عقلائی بین فعالیتهای بخش نوین و بخش سنتی باعث گردیده است که در پیشرفت تکنولوژی بومی و سنتی وقفه ایجاد شده و تضادهای اجتماعی و فرهنگی نیز تشدید گردند.

عدم وجود سیاستهای مشخص در زمینه مهاجرت، شهرنشینی، مسکن، ارائه خدمات به جامعه روستائی، بهره برداری عقلائی از منابع طبیعی، و در کل عدم توجه به توزیع عقلائوسی فعالیتهای توسعه و تکاملی در سرزمین و تمرکز آن در تهران باعث بوجود آمدن بی عدالتهای اقتصادی و مسائل اجتماعی اساسی گردیده است. این بی توجهی باعث از بین رفتن فرصتهای مهمی در جهت بهترین تجهیز و بهره برداری از منابع طبیعی و انسانی در درازمدت گردیده است.

۳-۳۲۰- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

۱- با پیگیری و اعمال سیاستهای توسعه و تکامل در بخش کشاورزی و گسترش و توزیع عقلائی و همه جانبه بخشهای صنایع و خدمات و حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست، جمعیت در پهنه سرزمین چه در سطح منطقه و چه در جامعه شهری و روستائی بحالت تعادل رسیده است.

۲- امکانات زندگی فردی و اجتماعی با برخورداری از رفاه نسبی برای همگان در کلیه نقاط کشور بوجود آمده است.

۳- در حین بهره برداری بهینه از کلیه منابع انسانی و طبیعی کشور فعالیتهای جدید در تکمیل کمبودهای طبیعی مناطق عقب افتاده ایجاد و تاسیسات و خدمات مورد نیاز این مناطق جهت برقراری تعادل لازم بین مناطق و برقراری عدالت اجتماعی - اقتصادی بوجود آمده است.

۴- مهاجرتهای بی رویه مهار و هدایت شده، و جمعیت در نظامی از مجموعه بهم پیوسته شهر و روستا با برخورداری از شبکه زیربنائی مجهز و متناسب بشرح زیر استقرار یافته است.

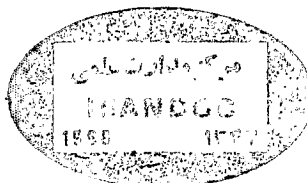
حدود ۱۵% در روستاها (با جمعیت کمتر از ۵۰۰۰ نفر)
 " ۱۵% در شهرهای کوچک (با جمعیت بین ۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ نفر)

حدود ۴۰%	در شهرهای متوسط (با جمعیت بین ۵۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ نفر)
" ۱۵%	در شهرهای بزرگ و اصلی (با جمعیت بیش از ۵۰۰۰۰۰ نفر)
" ۱۵%	در شهر تهران

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴-۳۲۰- سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- سازوکار برنامه ریزی موجود گسترش داده شده و این شیوه از برنامه ریزی مردم و تصمیم گیران در کلیه سطوح برنامه ریزی ، خاصه برنامه ریزی کلان و ملی شناسانده شود .
- ۲- بابت برداری از مطالعات موجود و بسط و گسترش آن اولویت تجهیز شهرهای بزرگ و اصلی متوسط و کوچک در سطح نظام طبقه بندی مراکز جمعیت در جامعه شهری تعیین گردد .
- استراتژی و نحوه انتخاب مراکز بخشها (مراکز دهستانهای فعلی) و دیگر مراکز خدمت رسانی و روستاهای منفرد و مراکز تولید کشاورزی در جهت غیر متمرکز کردن فعالیتها توسعه و تکاملی و نظام تصمیم گیری مشخص شود . همچنین به منظور ایجاد تعادل و توازن در سطح ملی و منطقه و محلی ، فعالیتها و عمرانی باید در این مراکز جمعیتی استقرار یابند . ضمناً " ضروری است که تا سیاست و زیر بناهای لازم برای پذیرائی فعالیتها و عمرانی در این مراکز پیش بینی شده و بوجود آیند .
- ۳- زمینه سازی برای شناسائی دقیق کلیه منابع از جمله منابع آب ، خاک ، مراتع ، جنگلها ، معادن و حیات وحش انجام گیرد و همزمان با در نظر گرفتن نیازهای صنعتی ، شهرنشینی و کشاورزی نقشه کاربرد زمین در سطح کشور تهیه و از استفاده بی رویه منابع طبیعی جلوگیری بعمل آید و نسبت به حفاظت از مناطق مهم اکولوژیک اقدام شود .
- ۴- نظام لازم برای تدوین قوانین و مقررات به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت سوق دادن فعالیتها و عمرانی به مناطق کم درآمد و عقب افتاده در مرحله نخست و دیگر مناطق مورد نظر در مراحل بعدی ایجاد گردد .
- ۵- عکسهای هوایی و ماهواره ای جهت شناسائی منابع ، نقشه های دقیق خاک شناسی ، زمین شناسی و مورفولوژی تهیه گردد .
- ۶- شناسائی و تهیه نقشه های دقیق کلیه منابع روزمینی و زیرزمینی از طریق تقویت و گسترش سازمانهای موجود بگونه ای مستمر تهیه گردد و زمینه سازی های لازم جهت بهنگام نگهداشتن کلیه اطلاعات بدست آمده از این طریق صورت گیرد .
- ۷- کلیه شبکه های خدمات اجتماعی (آموزش ، بهداشت ، تربیت بدنی و غیره) ، خدمات بازرگانی (بازرگانی داخلی ، انبارداری و بانگهداری کالا ، بیمه و غیره) و خدمات زیر بنائی (جاده سازی ، آب و برق ، مسکن و غیره) در رابطه با نظام طبقه بندی مراکز جمعیت در جامعه شهری و مراکز جمعیت و خدمت رسانی در جامعه روستائی طرح و تهیه گردد و در مجموع با در نظر گرفتن ویژگیهای مناطق (عقب افتادگی و اولویت برقراری عدالت اجتماعی) نظامی



یکپارچه و بهم پیوسته از شبکه‌های خدماتی بوجود آید ، بطوریکه هر منطقه‌ای از کشور بطور نسبی از کلیه این خدمات با کیفیت بالا برخوردار گردد و ارائه هر نوع شبکه و یا خدمات توسط بخشهای اقتصادی با در نظر گرفتن این نظام و در چهارچوب آن صورت گیرد .

۸- جهت تسهیل زمینه سازی و آماده سازی مناطق و محدوده‌های شهری و روستائی برای از بین بردن بی عدالتیها و ایجاد هماهنگی ، کلیه بودجه‌های عمرانی مربوط به توزیع فعالیتها در یکجا هماهنگ گردیده و سهم آن در بودجه عمرانی افزایش داده شود و کنترل تخصیص این قسمت از بودجه عمرانی و سهمی مشخص از بودجه بخشها نیز به این شیوه از برنامه‌ریزی محول گردد .

۵- ۳۲۰- سیاستهای میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

۱- به منظور توزیع متعادل فعالیتها در ارتباط با سیاست بلند مدت برنامه‌ریزی کشور و همگام با اصل بهره برداری منطقی از منابع طبیعی و حفظ محیط زیست ، قبلاً " آماده سازی و زمینه سازی‌های لازم در مناطق مختلف کشور جهت استقرار این فعالیتها صورت گیرد .

۲- با توجه به نیازهای گوناگون نظام مراکز جمعیتی و ضرورت پاسخگویی به آنها سیاست توجیهی تجهیز این مراکز در دو مرحله صورت گیرد .

مرحله نخست اولویت دادن به تجهیز شهرهای متوسط همزمان با مراکز بخشها (مراکز دهستانهای فعلی) ، و در مرحله دوم اولویت دادن به تجهیز شهرهای کوچک همزمان با تجهیز مراکز خدمت رسانی (سطوح پائین تر از مراکز بخشها) در جامعه روستائی .

۳- هماهنگی کامل بین سیاستهای ملی در بخشهای عمده اقتصاد (کشاورزی - صنایع - خدمات) بوجود آمده و سیاستهای آمایشی در ایجاد نظامی از شبکه‌های بهم پیوسته از مراکز جمعیتی در جامعه شهری و روستائی اتخاذ گردد .

۴- هماهنگی کامل بین حرکات مهاجرتی هدایت شده با سیاستهای اشتغال در بخشهای صنایع ، کشاورزی و خدمات در مناطق مختلف کشور در جهت جلوگیری از کوچ و مهار مهاجرت‌های بی رویه بوجود آید .

۵- " محورهای عمرانی " برخوردار از اولویت شناسائی شده و آماده سازی و زمینه سازی جهت استقرار فعالیت های نوین در مسیر این محورها صورت گیرد .

۶- کلیه مناطق و منابع کشور بخصوص مناطق و منابع حاشیهای شناسائی شده و سیاستهای لازم در جهت نگهداری ، بهبود و بهره برداری عقلانی از این مناطق و منابع طبق برنامه‌های مدون و بصورت مستمر و ارادی اتخاذ گردد و نقشه کاربرد زمین در سطح کشور به تمام رسیده و در انجام دقیق آن پشت نظر است .

۷- به منظور از بین بردن تفاوت های فاحش اقتصادی - اجتماعی موجود بین مناطق مختلف کشور و جامعه روستائی و شهری اقدامات لازم از طریق قائل شدن اولویت نخست جهت آماده سازی و تجهیز مناطق و محدوده‌های شهری و روستائی عقب افتاده بعمل آید .

- ۸- برنامه‌وسیعی درجهت آماده‌سازی و تربیت کادر مورد نیاز برنامه ریزی آمایشی با در نظر گرفتن احتیاجات و ویژگیهای مناطق مختلف کشور تهیه و بصورت مستمر به اجرا درآید .
- ۹- میزان کنترل از طریق برنامه ریزی آمایشی بر بودجه عمرانی کشور در مقایسه با شیوه‌های برنامه ریزی بخشی ، بصورتی عقلانی گسترش داده شود و همزمان با این اقدام سازوکارهای این شیوه از برنامه- ریزی در کلیه زمینه‌های هدف‌گزارى ، تعیین سیاست ، اجرا و نظارت و ارزیابی ، تجدید نظر و تقویت شوند .

یکی از خصوصیات ایران تنوع اقلیمی ، قومی ، فرهنگی و منابع طبیعی آن است . این تنوع موجب گردیده است که کشورداری مناطق متعدد با ویژگیهای مشخصی باشد . با در نظر گرفتن ویژگیهای منطقه‌ای و تکیه بر حداکثر بهره‌برداری از منابع آنها در درآمدت همزمان با پاسخگویی به نیازهای منطقه‌ایست که اهمیت طبقه‌بندی کشور به مناطق و استفاده از آمایش در برنامه‌ریزی مشخص میگردد .

در گذشته تقسیمات سیاسی-اداری کشور تا حد زیادی با خصوصیات منطقه‌ای تطبیق داشت و از دید برنامه‌ریزی شرایط مطلوب تری را ارائه میداد . در پنجاه سال گذشته تقسیمات کشوری بیشتر به لحاظ سیاسی مسیری دور از الزامات برنامه‌ریزی را طی کرد . بدین دلیل تقسیمات کشوری در حال حاضر در سطح استانها بجز مواردی چند که منطبق با "محدوده‌های منطقه‌ای" است ، در بیشتر موارد ارتباطی با ویژگیهای منطقه‌ای کشور ندارد . نبود ارتباط بین مرزبندی تقسیمات سیاسی-اداری و محدوده‌های منطقه‌ای کشور محدودیتهائی در برنامه‌ریزی بوجود آورده است . همچنین تفاوتها ی فاحشی را بین مناطق ، بخصوص در میزان برخورداری از نیروی انسانی ماهر و منابع طبیعی موجب گردیده است .

تفاوتهای اقلیمی - جغرافیائی ، قومی - فرهنگی و تنوع مناطق در برخورداری از نیروی انسانی و منابع طبیعی ، امکان ایجاد تنوع در محیط زیست و تخصصی کردن فعالیت‌های عمرانی مناطق را فراهم میسازد . علاوه بر این ، استفاده از منابع مشترک بین دو یا چند استان ، نظیر حوزه‌های آبی ، مراتع و معادن و غیره در جهت ایجاد هماهنگی و از بین بردن تفاوتها ی درآمدی و رفاهی بین آنها با در نظر گرفتن شرایط خاص منطقه‌ای و بهره‌برداری از این منابع از طریق برنامه‌ریزی منطقه‌ای از جمله امکانات روش آمایشی است .

۲- ۳۳۰ - ویژگیهای وضع موجود

۱- تمرکز شدید در استقرار صنایع و خدمات زیربنائی در بعضی از مناطق ، و عدم توجه به دیگر مناطق باعث گردیده است که اختلاف متوسط درآمد خانوار بین مناطق مختلف کشور از حد متعارف و قابل قبول گذشته و مشکلات اساسی اجتماعی را موجب شده و عقب افتادگی این مناطق را شدت بخشد .

۲- در حال حاضر ، ارگانهای قوی برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ارتباط با نیازهای برنامه‌ریزی کشور وجود نداشته و افراد محلی در تصمیم‌گیریهای مربوط به این شیوه از برنامه‌ریزی شرکت ندارند و ارتباطی عقلانی بین برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای از یکطرف و برنامه‌ریزی منطقه‌ای و محلی از

طرف دیگریه چشم نمیخورد .

۳- آنچه که اکنون بعنوان " برنامه ریزی منطقه‌ای " از آن صحبت میشود منحصر به توزیع اعتبارات محدودی تحت عنوان طرحهای " خاص ناحیه‌ای " است . همراه با این وضع " برنامه ریزی منطقه‌ای " پاتیه بودجه سالیانه استانها اشتباه شده است و دفاتر برنامه ریزی استانها به انجام وظیفه اصلی خود نمیرسند .

۴- عدم آگاهی کافی از مرز " محدوده‌های منطقه‌ای " بعلت نبودن آمار و اطلاعات کافی در مورد ویژگیها و خصوصیات طبیعی و منابع در مناطق مختلف کشور در ناموفق بودن برنامه ریزی های منطقه‌ای سهم زیادی داشته است .

۵- کمبود نیروی انسانی ماهر در زمینه‌های مدیریت ، برنامه ریزی و تخصص‌های مختلف در مناطق مختلف بوضوح مشهود است . فقدان امکانات لازم جهت تربیت ، جذب و نگهداری این افراد در سطح مناطق همزمان با تمرکز قدرت تصمیم‌گیری و دیگر امکانات مالی و عمرانی در تهران حرکات مهاجرتی بی‌رویه‌ای را باعث گردیده است .

۶- معاملات تجاری ، بازرگانی ، صنعتی و کشاورزی و دیگر خدمات اقتصادی بین مناطق در حدی ناچیز بوده و با وجود ندارد . در اکثر موارد مسیر ارتباطی بین مناطق از طریق تهران صورت میگیرد . از این جهت نیز سیستم ارتباطات کشور در زمینه‌های ترابری ، ارتباطات ، انبارداری و دیگر زیربنای عمرانی انعکاسی از تمرکز تصمیم‌گیری در تهران و عدم تشویق معاملات مستقیم در گذشته بین مناطق میباشد .

۷- در اغلب مناطق شبکه مراکز جمعیتی از تعادل و توازن مطلوب برخوردار نیست . در اغلب موارد این مناطق به یک شهر با کیفیت خدمات در سطح پائین متکی میباشد . بخصوص جامعه روستائی در بیشتر مناطق فاقد سیستمی از مراکز جمعیتی حساب شده برای رسانیدن خدمات مورد نیاز به این جامعه میباشد . وضع راهها و ارتباطات و تبادلات درون منطقه نیز در کیفیتی بسیار پائین قرار دارد .

۲- ۳۳۰- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

۱- تفاوتهای درآمدهای مناطق بحداقل رسیده و فعالیتهای عمرانی در تمام بخشهای عمده اقتصادی بصورت متوازن در مناطق توزیع شده است .

۲- خصوصیات منطقه در زمینه‌های فرهنگی ، اقلیمی ، جغرافیائی ، اجتماعی و منابع طبیعی در توسعه و تکامل به بهترین وجه مورد استفاده قرار گرفته است .

۳- مبادلات درون منطقه و بین مناطق متعادل و گسترش یافته است .

۴- جمعیت در درون مناطق بصورت متوازن توزیع و حرکات مهاجرتی بی‌رویه بحداقل رسیده و نظام شهری و روستائی در سطح منطقه متعادل و معقول گردیده است .

سیاست‌ها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴- ۳۳۰- سیاست‌های کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- تحکیم سازوکارهای برنامه‌ریزی آمایشی مناطق، بخصوص تقویت و گسترش سازوکارهای موجود برنامه‌ریزی در سطح استانها با حدیث هرچه بیشتر صورت گیرد. در حین لزوم استقلال سازوکارهای برنامه‌ریزی استانی، ایجاد این سازوکارها باید در هماهنگی با اهداف ملی در جهت برآورد نیازهای منطقه‌ای و ایجاد تعادل عمرانی در درون منطقه باشد.
- ۲- تعیین "محدوده‌های منطقه‌ای" در سطح ملی با در نظر گرفتن شرایط قومی، فرهنگی، اقلیمی، جغرافیایی، سیاسی - استراتژیک و عوامل اقتصادی و اجتماعی و الزامات اداری صورت گیرد.
- "محدوده‌های محلی" نیز با همکاری ارگانهای برنامه‌ریزی در سطح استان و با در نظر گرفتن ویژگیهای منطقه‌ای تعیین گردند. بدین ترتیب برنامه‌ریزی استانی با در نظر گرفتن خصوصیات منطقه‌ای که در آن قرار دارد صورت گرفته و برنامه‌ریزی در سطح بخش نیز با در نظر گرفتن ویژگیهای محدود محلی خود انجام میگیرد. از این طریق ارتباط و بهم پیوستگی لازم بین تقسیمات سیاسی - اداری کشوری و تقسیمات برنامه‌ریزی بصورت مستمر و عقلانی بوجود میآید.
- ۳- مطالعات و بررسیهای همه جانبه در جهت تکمیل شناسائی امکانات و محدودیتهای کلیه مناطق کشور صورت گیرد. در این شناسائی مشخصات بارز هر منطقه در کلیه زمینهها به منظور بهره برداری از این خصوصیات در حد بهینه و حداکثر مشخص گردد. به منظور تامین نیازهای مردم و بهره‌برداری بهینه بمنظور تخصصی کردن فعالیتهای اقتصادی هر منطقه در مجموعه فضای ملی مطالعه و اقدامات لازم صورت گیرد.
- ۴- زمینه‌های موجود در ایجاد موانع مبادلاتی بین مناطق شناسائی شده و در جهت رفع این موانع در مواردی که امکان پذیر است سریعاً اقدام گردد و در موارد دیگر با مطالعه و شناسائی زمینه‌سازی لازم برای رفع آنها بوجود آید.
- ۵- عدم تعادل‌های درون منطقه‌ای شناسائی و برای رفع موانع حاد در مرحله نخست و برای رفع دیگر موانع بطور حساب شده و همراه با تدوین قوانین و مقررات لازم اقدام گردد.

۵- ۳۳۰- سیاست‌های میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

- ۱- مطالعه و شناسائی منابع و امکانات و محدودیتهای مناطق و بهنگام کردن این مطالعات بطور مستمر ادامه یافته و تجدید نظر لازم در سیاست‌های عمرانی مناطق مختلف کشور انجام گیرد.
- ۲- تقویت و گسترش سازوکارهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای و استانی و مردمی کردن هر چه بیشتر این سازوکارها از طریق مشارکت مستقیم و غیرمستقیم آنان در تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ها، هماهنگ با اهداف ملی و یکپارچگی سرزمین صورت گیرد.
- ۳- طرحهای بنیادی در جهت تامین نیروی انسانی ماهر و کاردان در کلیه زمینه‌های تخصصی و مورد احتیاج مناطق با در نظر گرفتن خصوصیات و ویژگیهای منطقه‌ای تهیه و پیاده‌گردد. کلیه تسهیلات و

تاسیسات لازم جهت جذب و نگهداری این گونه افراد تامین گردد .

۴ - همزمان با تخصصی کردن فعالیتهای اقتصادی در مناطق پرمبناى مشخصات بارز هر منطقه توجه کافی به ایجاد تعادل و توازن بین بخشهای عمده اقتصادی (کشاورزی - صنایع - خدمات) و سهم هریخش در کل درآمد منطقه و اشتغال ناشی از آن مبذول گردد .

۵ - با توجه به نیاز بهم پیوستگی نظام جامعه شهری و روستائی در قالب سیاست درازمدت آمایش سرزمین و در نظر گرفتن ویژگیهای هر منطقه ، تخصیص اولویت در جهت تجهیز کیفی خدمات شهرهای اصلی منطقه در مرحله نخست ، و گسترش کمی این شهرها در مرحله دوم مورد توجه قرار گیرد .

۶ - در تجهیز شهرهای متوسط که مراکز مناطق کوچکتری میباشد و با بصورت ماهواره شهرهای بزرگ هستند و یاروی محورهای عمرانی قرار گرفته اند ، اولویت نخست باید به کمیت خدمات ارائه شده در آنها داده شود و در مرحله بعدی به بالا بردن کیفیت این خدمات توجه گردد .

۷ - در جهت ایجاد تعادل های لازم درون منطقه ای با در نظر گرفتن سیاستهای درازمدت آمایش سرزمین لازمست شبکه منظمی از مراکز جمعیتی و در هر مورد منطبق با خصوصیات و ویژگیهای مناطق بوجود آید . با در نظر گرفتن راهبردهای ملی در توزیع فعالیتهای عمرانی ، تجهیز منظم شهرهای بزرگ و اصلی و شهرهای متوسط و تقویت اساسی شهرهای کوچک و تکمیل شبکه مراکز خدمت رسانی در جامعه روستائی صورت گیرد .

اهمیت توجه به برنامه ریزی آمایش در سطح محلی که برنامه ها بمرحله اجرا نزدیک میشوند از چند لحاظ قابل توجه است. یکی آنکه در این سطح است که دخالت مردم در تدوین ، احرا و ارزیابی برنامه ها امکان پذیر میگردد . دیگر آنکه خصوصیات محلی در چهارچوب عوامل جغرافیائی ، اقتصادی ، اجتماعی و غیره قابل شناسائی میباشد و بدین وسیله میتوان الگوهای مناسب را جایگزین الگوهای که در انطباق با این خصوصیات نیستند نمود .

از عمده محدودیتهای این روش آنست که وسعت کشور و عقب ماندگی زیاد برخی از مناطق و تفاوتهای فاحشی که بین مناطق از لحاظ فرهنگی ، اقتصادی ، اجتماعی ، زیربنائی و اقلیمی وجود دارد در برنامه ریزیهای متعدد و متنوعی را الزامی می سازد در حالی که اگر محدوده ها مشابه بودند یک الگوی برنامه ریزی در همه مناطق قابل اجرا می بود . از محدودیتهای دیگر این روش یعنی برنامه ریزی در سطح محل آنست که بخاطر کمبود افراد متخصص ، عدم شناسائی دقیق آماری و علمی از محدوده های محلی بالطبع برنامه ریزی نیز دچار اشکال خواهد شد .

از امکانات ویژه برنامه ریزی محلی آنست که علی رغم محدودیتها این روش این امکان را بدست میدهد که میتوان با هر محدوده با روشی متناسب با ویژگیهای خاص آن روبرو شد و سابقه تاریخی بعضی از محدوده ها که قدمت آن در بعضی موارد به بیش از چند صدسال میرسد مبین این خصلت است . علاوه بر این جو انقلابی موجود و آمادگی مردم بویژه جوانان در بدست گرفتن امور مربوط به خود و مشارکت در امر سازندگی امکان موفقیت این مهم را فزونی می بخشد . و دیگر اینکه با تطبیق برنامه ها با ویژگیهای محلی ، امکان بهره برداری حداکثر از منابع را در درازمدت میسر میسازد .

در حال حاضر تفاوتهای فاحشی در سطح محلی میان نقاط مختلف کشور وجود دارد . اما بطور کلی میتوان گفت که کمبودهای اساسی در زمینه های زیربنائی نظیر آب ، برق ، راه ، مسکن ، آموزش و بهداشت سمیزان وسیعی وجود دارد . علاوه بر این کمبود نیروی انسانی ماهر برای اجرای برنامه های توسعه و تکاملی ، عدم امنیت و شیوع بی نظمی در مناطق مختلف کشور و نداشتن سابقه در برنامه ریزی در سطح محلی از ویژگیها و مشکلات عمده فرا راه موفقیت برنامه های عمرانی در این سطح است . البته مطالعات کافی و لازم هم برای اجرای برنامه های توسعه ای با دید بلندمدت و بطور مستمر نیز انجام نشده و سازوکارهای اجرائی و تصمیم گیری مناسب برای نظارت بر تضمین موفقیت برنامه ها نیز وجود ندارد . در عین حال وسعت و تعدد محدوده های محلی و تفاوتهای اقلیمی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی موجود میان آنها نیز به دشواری انجام کار می افزاید . لیکن جو انقلابی در مملکت و عدم موفقیت برنامه های ملی

و دیگر برنامه‌های عمرانی در تامين نیازهای محلی اغلب مناطق کشور و فراهم ساختن زمینه‌های مشارکت مردم در امور مربوط به خود، اقدام در این سطح در جهت تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه و تکامل را الزامی می‌سازد.

۳- ۳۴۰- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

- ۱- حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ واحد " بخش " در سطح کشور وجود دارند که تکیه گاه برنامه ریزی در سطح ملی می‌باشند.
- ۲- واحدهای برنامه ریزی و اجرایی مردمی و خودجوش در سطح تقسیمات سیاسی - اداری همسراه با شوراهای دهات برای تجهیز کلیه عوامل و نیروها و وسیله بازخورد اجرای برنامه‌ها در سطح محلی بوجود آمده و بطور مؤثری در برنامه ریزی و اجرا فعالیت دارند.
- ۳- در سلسله مراتب تقسیمات سیاسی و اداری کشور یعنی استان، شهرستان و بخش، چه به لحاظ سیاسی - اداری و چه به لحاظ برنامه ریزی و چه به لحاظ آماری و چه از نظر قدمت و تاریخی " بخش " بصورت واحدی مطلوب برای برنامه ریزی و اجرا عمل میکند و بصورتی ارگانیک از دید اجتماعی، اقتصادی فرهنگی و جغرافیایی یکپارچه است.
- ۴- برنامه ریزی در سطح محلی در عین در نظر داشتن به تصمیمات و ویژگیهای محلی و تضمین مشارکت مؤثر مردم از هماهنگی لازم با برنامه ریزی منطقه‌ای و با مال برنامه ریزی در سطح ملی برخوردار است.
- ۵- مشارکت مردم در تدوین برنامه‌ها و اجرای آنها، باعث آبادانی کلیه محدوده‌های محلی شده و از تفاوت‌های فاحش دیگر اثری وجود ندارد و منابع محلی در حد اعلا مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و درازمدت)

۴- ۳۴۰- سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- تمام عوامل محلی و ملی در جهت خودیاری و خودسازی تجهیز و سازوکارهای مشارکت واقعی مردم در تمام سطوح از مرحله برنامه ریزی تا اجرای برنامه‌ها از طریق مردم و منتخبین مردم ایجاد گردد.
- ۲- بخش کشاورزی در تمام فضاها با هدف بالابردن تولید و درآمد روستائیان در مرحله نخست احیاء و زمینه سازی برای ایجاد و گسترش فعالیتهای عمرانی در بخش صنعت و خدمات بمنظور حصول به تنوع فعالیتهای اقتصادی در سطح محلی بعمل آید.
- ۳- اولویت های محلی توسط شوراهای محلی چه در سطح شهرستان و یا بخش شناسائی شوند.
- ۴- مطالعه و شناسائی کامل بخشها، و ارتباط نظام شهری و روستائی در این واحد فضائی انجام گردد و نمونه‌هایی برای اجرای برنامه‌های کامل و ارزشیابی نتیجه‌ها قبل از فراگیر کردن برنامه‌ها بطور همه جانبه در مورد کلیه بخشها انتخاب شوند.
- ۵- نوسازی روستاها در برنامه‌های سنجیده و مرتبط با دیگر برنامه‌های کشور بصورت یک نهضت ملی آغاز و پی‌گیری شود.

۶- کلیه برنامه‌های محلی در ارتباط و هماهنگی با برنامه‌های منطقه‌ای میباشند که خودجزئی از برنامه‌های توسعه و تکامل ملی هستند. در این توجه به خصوصیات و ویژگیها در سطح محلی و هماهنگی با کل یعنی برنامه‌های ملی است که برنامه‌ریزی آمایش محلی مفهوم واقعی خود را پیدامیکند.

۵- ۳۴۰- سیاستهای میان مدت و درازمدت (مرحله دوم و سوم)

۱- در هماهنگی با سیاست‌های ملی و پاسخگوئی به نیازهای محلی، مراکز مناطق محلی جهت گسترش سریع از لحاظ خدماتی تجهیز گردیده و آماده پاسخگوئی به گسترش فعالیت‌های تولیدی و در نتیجه جلب جمعیت بیشتر گردد. در این مراکز نیز برگسترش کمی فعالیت‌های زیربنائی و خدماتی (در مقایسه با بالابودن کیفیت آنها) تاکید گردد.

۲- در این مرحله هدف سیاستها متوجه هدایت مهاجرت و حرکات جمعیتی در حد امکان در سطح محلی، بوجود آوردن تنوع در اشتغال با استقرار فعالیت‌های بخشهای صنعتی و خدمات خاصه در محیط روستائی و بحداقل رساندن تفاوت درآمدگروهها گردد.

۳- برنامه ریزی و اجرای برنامه‌ها در سطح محلی از طریق شوراهای و توسط مردم صورت گیرد و سازوکارهای موجود تقویت گردند.

۴- "بخش" بعنوان کوچکترین فضای برنامه ریزی انتخاب و تثبیت گردد و هرگونه تغییرات و تقسیمات کشوری بخیراز موارد استثنائی و پیش بینی شده شامل این محدوده فضائی نگردد.

جامعه شهری ایران (مراکز جمعیتی ۵ هزار نفر به بالا) در حال حاضر نیمی از جمعیت کشور (در حدود ۱۸ میلیون نفر) را در بر گرفته است . در ایران رشد جامعه شهری و روستائی از ۵ سال گذشته بنفع جامعه شهری در تغییر بود و در ۳۰ سال گذشته آهنگی ناسالم بخود گرفت . بطوریکه این جامعه در دهه گذشته با رشدی حدود ۵ درصد در سال در حال افزایش بوده است . ادامه چنین روندی برای مدتی طولانی برای نظام شهری غیر قابل تحمل و باعث ازدرون متلاشی شدن آن میگردد ، که نمونه های بارز آن بصورت کمبود مسکن ، ترافیک ، آلودگی محیط زیست و هزار مسئله اجتماعی ، اقتصادی سیاسی دیگر بوضوح نمایان است . روند اقتصادی در سیستمهای اقتصادی مختلف جهان و سیر تکامل اقتصاد کشورهای صنعتی شده و در حال صنعتی شدن نشان میدهد که کلیه جوامع بطرف شهری شدن گرایش دارند . لکن اگر این گرایش رشدی شتابان و مستمر بخود بگيرد میتواند باعث دگرگونیهای اجتماعی بصورت ناسازگار و مخرب باشد . با در نظر گرفتن اهداف جامعه ، امکانات و محدودیتهای مالی ، طبیعی و انسانی کشور و در نظر گرفتن روند افزایش جمعیت ، جامعه شهری در حدود ۸۵ درصد از جمعیت کشور (در حدود ۵ میلیون) برای سالهای ۱۳۹۰ در بر خواهد گرفت . یعنی جمعیتی در حدود ۲/۵ برابر جمعیت شهرنشین فعلی . با در نظر گرفتن این ارقام توجه به جامعه و زندگی شهری و اهمیت برنامه ریزی برای آن بوضوح روشن میگردد . سایه وحشتناک مناطق حاشیه نشین شهری در کشورهای در حال صنعتی شدن بخاطر عدم توجه به این مسئله در مقیاسی است که دستیابی به راه حل مستلزم تغییرات اساسی و بنیانی در نظام اقتصادی ، اجتماعی آنان میباشد .

خوشبختانه حاشیه نشینی شهری در کشور هنوز ابعاد گسترده ای بخود نگرفته ، لکن با در نظر گرفتن روند کنونی مهاجرت ، چنانچه برنامه های از بین بردن دلائل مهاجرت در مبدأ تهیه و اجرا نگردد و همزمان آمادگی برای پذیرائی مهاجران در شهرها بوجود نیاید ابعاد حاشیه نشینی در شهرهای کشور بصورتی شبیه آنچه که در کشورهای آمریکای جنوبی بچشم میخورد (در حدود ۵ درصد جمعیت شهری) گسترش خواهد یافت .

مهاجرت تعداد زیادی از روستائیان بمناطق شهری در جستجوی کار و معیشت نه تنها فشار زیادی بر خدمات شهری وارد آورده ، بلکه آماده نبودن شهرها برای پذیرائی این خیل عظیم و تراکم جمعیت در حاشیه شهرها و نقاط مهاجر پذیر فقیرنشین و مسائل مختلف آن موجب بروز شیوع اعتیاد ، بیماری ، فقر و جنایت و فحش شده است . علاوه بر این از میان رفتن نهادهای کشاورزی در روستاها و بیشتر بودن دستمزد در شهرها موجب شده است که کارگران فصلی بطور دائم به شهرها بویژه تهران و چند شهر بزرگ دیگر کوچ کنند . ادامه این روند بدون این که جامعه شهری بتواند تناسبی را در میزان و چگونگی توزیع این جمعیت مهاجر بوجود آورد خطرات جدی اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی برای کشور در بر خواهد داشت .

باتوجه به این که در جامعه شهری جمعیت بصورت متراکم زندگی میکنند این امکان وجود دارد که خدمات اجتماعی (بهداشتی ، آموزشی و فرهنگی) با سهولت بیشتری در اختیار تعداد زیادتری از افراد قرار گیرد . علاوه بر این تراکم جمعیت و فراوانی نیروی کار خود بوجود آمدن مراکز خدماتی و صنعتی را نیز تسهیل خواهد کرد . بنابراین در صورتیکه بتوان در جامعه شهری بر مشکلاتی نظیر آلودگی محیط ، حمل و نقل ، مسکن ، تراکم بیش از حد جمعیت در برخی نقاط و کمبود فضای سبز فائق آمد ، زندگی شهری میتواند از کیفیت بالایی برخوردار گردد و همزمان با اشاعه تحولات فرهنگی ، انعکاسی از سیر تکامل تمدن جامعه باشد .

تفاوت های اقلیمی شدید ، تنوع فرهنگی و سنتی همراه با سابقه تاریخی طولانی در مجموع شرایطی را بوجود آورده که بابت بهره برداری صحیح از این امکانات میتوان نظام شهری را بوجود آورد که در حیطه تنوع و جالب بودن شهرها از لحاظ معماری و شهرسازی ، پاسخگوی نیازهای مناطق مختلف ایران باشد .

۲-۳۵۰- ویژگیهای وضع موجود

۱- در حال حاضر نیمی از جمعیت کشور در جامعه شهری زندگی میکنند و انتظار میرود که این نسبت اضافه گردد .
 ۲- درسی سال گذشته همگام با اضمحلال اقتصاد کشاورزی ، روند مهاجرت به شهرها که از نیم قرن پیش آغاز شده بود بمیزان خطرناکی روبه افزایش گذاشت بطوریکه جمعیت تهران بزرگ از ۱/۶ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۵ میلیون نفر در حال حاضر رسیده است . ادامه روند کنونی در سال ۱۳۷۱ جمعیت تهران را به بیش از ۹ میلیون میرساند . رشد سریع شهرنشینی بخاطر سیاستهای عمرانی کل نظام شهری را در بر گرفت . مراکز جمعیتی بیش از ۵ هزار نفر که در سال ۱۳۳۵ تعداد ۱۹۹ شهر بود ، در سرشماری ۱۳۵۵ به ۳۶۵ شهر رسید .

۳- همزمان با شتاب مهاجرت از روستاها مسائل و مشکلات شهرهای بزرگ نیز چندین برابر شده است و با توجه به عدم شناخت و آگاهی نسبت به طبیعت این مسئله در مدیریت شهری و نبود اعتبار و اقتدار لازم و این که این مسائل قبل از این که مسائل شهری باشند مسائل مملکتی هستند اقدامی اساسی در روبرو شدن با مسائل اصلی بعمل نیامده است . در عوض با توسل به اقداماتی نظیر وضع محدوده های شهری تنها کوششی در جهت مقابله با عوارض نابسامانی های بزرگتر جامعه شده که این خود نیز مزمورد سوء استفاده های فراوانی قرار گرفته است .

۴- در سه دهه گذشته با توجه به افزایش بی رویه جمعیت در شهرها کیفیت خدمات شهری از جمله آموزش ، بهداشت ، فرهنگ و حمل و نقل شهری روبه تنزل نهاده است . آلودگی محیط زیست و هوا و کمبود فضای سبز در شهرهای بزرگ نیز از دیگر ویژگیهای وضع موجود است .

۵- با افزایش بی رویه جمعیت و عدم توجه به نگهداری و ترمیم ساختمانها ، اماکن و معابر بسیاری از نقاط شهری روبه ویرانی گذاشته است که نیاز مبرم به بازسازی دارد . البته بازسازی این مناطق را نمیتوان مستقلاً بدون توجه به ساکنان آنها انجام داد ، چون در واقع ویرانی این مناطق خود باعث پریشانگی ساکنان آن بوجود آمده است . بنابراین بازسازی مناطق ویران و مخروبه شهری باید همگام و با احتیاط بعد از برنامه های موفق مبارزه با اعتیاد و جنایت و همه عوارض فقر جامعه انجام گردد .

عـ اکثریت ساکنان فعلی شهرهای بزرگ ایران مدت زمان کمتر از یک نسل است که شهرنشین شده‌اند و عادات و رفتار مردم شهرنشین راهنوز فرانگرفته‌اند و مشکلات بسیاری از لحاظ ترافیک، و آپارتمان نشینی، استفاده معقول از پارکها و نظایر آن از این رهگذر در شهرهای بزرگ ایران بخصوص تهران بوجود آمده است.

۷- تمرکز بیش از حد فعالیت‌های صنعتی، خدماتی، تجاری، مراکز مالی و قدرت تصمیم‌گیری در شهر تهران باعث جذب بیش از ۴۰ درصد سرمایه‌گذارهای ملی و ۶۰ درصد سرمایه‌گذارهای صنعتی گردیده است. بیش از ۷۵ درصد سپرده‌های بانکی در تهران متمرکز و نزدیک به ۸۵ درصد از وام مسکن در این شهر به مصرف رسیده است. نزدیک به ۶۰ درصد از فارغ التحصیلان دانشگاهی از موسسات آموزشی عالی تهران هستند و بیش از ۵۵ درصد از محصلین کشور در تهران به تحصیل اشتغال دارند. نزدیک به ۶۰ درصد از تخت بیمارستان‌های کشور در تهران و به همان میزان از پزشکان کشور در تهران فعالیت میکنند. در حدود ۴۰ درصد از صنایع بزرگ در تهران مستقر میباشد و ۴۰ درصد از اشتغال در خرده‌فروشی و ۶۰ درصد از اشتغال در عمده‌فروشی در شهر تهران صورت میگیرد.

۸- تمرکز شدید کلیه فعالیت‌ها در تهران باعث گردیده که دیگر نقاط کشور بهره‌مندی زیادی از پیشرفت‌های اقتصادی نداشته باشند و اگر تصمیمات لازم در این زمینه صورت نگیرد، این امر در درازمدت رشد اقتصادی کشور را تهدید مینماید.

۹- در مسیر نوین‌سازی اقتصاد بخصوص در مورد بخش صنایع اقدامی در جهت ترکیب بخش سنتی و نوین در این زمینه نگردیده و بخش سنتی از نوآوری‌های این بخش بهره‌مند نشده است. مناطق صنعتی بعلت مسائل مربوط به زمین از شهرها دور قرار گرفته‌اند و در مواردی در مقیاس‌های بیش از حد لازم زمین‌های شهری را بخود اختصاص داده‌اند. در مواردی نیز گسترش صنعتی بصورت یک بعدی بوده و اقدامات لازم در جهت بوجود آوردن محیط زندگی و تلفیق آنها در محیط سنتی شهری صورت نگرفته است.

۱۰- عدم وجود سیاست مشخص و مدون در مورد توسعه و تکامل نظام شهری کشور بچشم میخورد و اگر مطالعات و بررسی‌هایی نیز صورت گرفته، نتایج آن مورد استفاده قرار نمیگیرد. نبود راهبردی و خط مشی در زمینه سیاست شهرنشینی منجر به یک سری اقدامات عجولانه و برنامه‌های ضربتی شده است. در بیشتر موارد این اقدامات خنثی‌کننده یکدیگر بوده و نه تنها دردی را دوا نکرده‌اند بلکه در مجموع به هرج و مرج شهرها نیز افزوده‌اند. عدم هماهنگی بین مسئولان نظارت بر عمران و توسعه شهری و دست‌اندرکاران توسعه اقتصادی کشور بوضوح به چشم میخورد. این عدم هماهنگی تقریباً "در رابطه با اقدامات کلیه بخش‌های عمرانی در شهرها بچشم میخورد.

۱۱- نبود سیاست مشخص ملی در مورد مسکن، خانه‌های ارزان قیمت در شهرها، احیاء و بازسازی مسکن روستائی، سیستم اعتباری معقول و کارآ در این زمینه از دیگر مشخصات عمده وضع فعلی جامعه شهری است.

۳-۳۵۰- آرمانها، هدفها (وضع مطلوب)

۱- نظامی از شهرهای بزرگ، اصلی، متوسط، کوچک که بصورت متعادل کلیه سرزمین را پوشانده است

وجود دارد. در این نظام تهران در حدود ۱۵ درصد از جمعیت شهری کشور را بخود تخصیص داده و بقیه جمعیت شهری کشور در سطوح دیگر این نظام مستقر میباشند. در این نظام، شهرهای بزرگ و اصلی مراکز منطقه وسیعی از کشور بوده و ارائه خدمات مورد نیاز آن رابعهده دارند. شهرهای متوسط مراکز در حد دوم منطقه هستند و مراکز منطقه محدود میباشند و یا اینکه شهرهای اقماری شهرهای بزرگ میباشند و یا اینکه شهرهایی هستند که در مسیر محورهای عمرانی برای پذیرائی فعالیت‌های نوین صنعتی بوجود آمده‌اند. بالاخره در پائین ترین سطح این نظام شهرهای کوچک قرار دارند که این شهرها مراکز محدوده‌های محلی و یا مراکز بخش‌ها را تشکیل میدهند و اولین رابط بین جامعه شهری و روستائی هستند.

۲- از تمرکز جمعیت در چند شهر بزرگ جلوگیری بعمل آمده، ایجاد تعادل در توزیع جمعیت در کلیه نظام مراکز شهری هادی سیاست‌های توسعه و عمران شهری میباشد. توزیع رشد اقتصادی و ایجاد ظرفیت نوسازی از طریق توزیع عادلانه و معقول فعالیت‌های عمرانی و بالا بردن کیفیت و سطح خدمات شهری کلیه سطوح نظام شهری سراسر کشور را در بر گرفته است.

۳- از بوجود آمدن شهرهای تک منظوره و یا خوابگاه شهرهای بزرگ تا حد امکان جلوگیری بعمل آمده و هر شهر در عین اتکای اقتصادی بر فعالیت‌های درونی خود و برخورداری از تنوع اقتصادی در محدوده‌ها توان شهر، کلیه خدمات فرهنگی و اجتماعی را نیز برای ساکنانش ارائه میدهد.

۴- در برنامه‌ریزی توسعه عمران شهرها " منطقه نفوذ " شهر مدنظر قرار میگیرد و برنامه‌های توسعه شهرها منطبق با خصوصیات منطقه‌ای بوده و هر شهر تا حد امکان در جهت جذب مهاجرین منطقه نفوذ خود از طریق نوسازی و ایجاد شبکه‌های زیربنائی لازم تجهیز گردیده است.

۵- شبکه‌ای کامل و بهم پیوسته از شهرهای کوچک برای خدمت رسانی به جامعه روستائی و منطبق با شرایط منطقه‌ای بوجود آمده که این شهرها اولین مراکز شهری جاذب مهاجرین در محدوده‌های محلی میباشند و از این طریق مهاجرت تا حد امکان بصورت منطقه‌ای در آمده‌است.

۶- حرکات مهاجرتی شدید و غیر معقول از طریق ایجاد شبکه‌ای از نظام مراکز جمعیتی که بر مبنای شناسائی خصوصیات، محدودیت‌ها و امکانات منطقه‌ای استوار بوده و در مقیاس کل کشور آمادگی اسکان کل جمعیت شهرنشین را دارد، کنترل و هدایت میشوند. توزیع جمعیت در این شبکه حدوداً " به قرار زیر میباشد.

در شهرهای کوچک (با جمعیت ۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ نفر)	۲۰-۱۵%	بین
در شهرهای متوسط (با جمعیت ۵۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ نفر)	۵۰-۴۵%	"
در شهرهای بزرگ و اصلی (با جمعیت بیش از ۵۰۰۰۰۰ نفر)	۲۰-۱۵%	"
در شهر تهران	۲۰-۱۵%	"

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴- ۳۵۰- سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

... با استفاده از مطالعات موجود سیاستهای مربوط به عمران جامعه شهری بطور مشخص و بدون تعیین وبه کلیه واحدهای اجرائی و بخشهای اقتصاد اطلاع داده شود و همزمان با آگاه کردن مردم از این سیاستها سازوکارهای موجود مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گیرند و هماهنگی لازم بین مسئولان عمران شهری

وسیاست گزاران برنامه‌های ملی و بخشها بوجود آید .

— برنامه‌های جامع برای شناسائی و تربیت کادر مورد نیاز نظام شهری کشور با نگرشی درازمدت تهیه و هماهنگ با دیگر احتیاجات آموزشی کشور بمرور اجرا گذاشته شود .

۱- تهران

الف — برنامه‌های موجود توسعه و عمران شهر تهران بسط و گسترش یافته و هماهنگی لازم بین این برنامه‌ها و برنامه‌های ملی آمایشی و اقتصادی ایجاد گردد ، همچنین سازوکار برنامه‌ریزی شهر تهران گسترش یافته و برنامه‌های محدود کردن فعالیت‌های خدماتی و صنعتی در جهت تعدیل رشد سرطانی و توسعه بی‌رویه شهر دقیقاً اجرا شود .

ب — از گسترش شدید تهران جلوگیری شده و آهنگ رشد آن کند گردد ، بطوریکه جمعیت آن در هر مقطع زمانی از حدود ۱۵ درصد از جمعیت کل کشور بیشتر نباشد .

پ — از آلودگی‌های شدید محیط زیست در تمام زمین‌ها ، بخصوص آلودگی هوای متوسط اتومبیل و فاضلاب جلوگیری بعمل آید .

انجام برنامه‌های ضربتی در زمینه‌های فوق در مناطقی از شهر که آلودگی‌های محیطی آن در سطحی بالاتر از بقیه مناطق شهری قرار دارد اولویت خواهد داشت .

ت — آهنگ گسترش فعالیت‌های خدماتی و ایجاد زیربنای شهری لازم در محلاتی از شهر که به نسبت دیگر محلات با برخورداری از سطحی پائین ترویج بود این امکانات روبرو بوده اند تشدید گردد .
ث — همزمان با بالا بردن کیفیت مدیریت شهری در محیط زیست اقداماتی در جهت تهیه برنامه‌های مربوط به تربیت کادر مورد نیاز شروع شود .

۲- شهرهای اصلی

الف — کیفیت خدمات زیربنائی و اجتماعی ، بهداشت ، آموزش ، ترابری شهری ، مدیریت ، کنترل آلودگیها ، فاضلاب و دیگر فعالیتها بالا برده شود .

ب — مقدمات استقرار خدماتی که در سطح منطقه نفوذ شهر و ارتباط شهر با شهرهای دیگر لازم است ، فراهم گردد .

پ — طرح و مطالعات لازم برای گسترش شهر و " منطقه نفوذ " آن تهیه گردد .

ت — امکانات تعادل بخشیدن به فعالیت‌های عمرانی و تخصصی کردن آنها در قالب نیاز و خصوصیات منطقه فراهم شود .

۳- شهرهای متوسط

الف — زیربنای فیزیکی و اجتماعی (خاصه آب ، برق ، مسکن و دیگر خدمات زیربنائی) جهت پذیرائی فعالیت‌های جدید توسعه یافته و تکمیل شود .

ب — صنایع نوین مستقر و صنایع بومی و موجود گسترش یابد .

پ — طرح و مطالعات لازم برای گسترش شهر تهیه و سازوکارهای مدیریت مالی و اجرایی آنها تهیه گردد .

۴- شهرهای کوچک

الف- خدمات زیربنائی آب ، برق ، جاده و مسکن بصورت متعادل مستقر و برای پذیرش مهاجرین آماده شود .

ب - آماده سازی برای پذیرا بودن استقرار صنایع کوچک و قسمتی از خدمات مورد نیاز جامعه روستائی انجام شود .

در سطح پائین تر از مراکز محلی کلیه عوامل محیط ساز در جهت تجهیز نیروی مردم برای سازندگی جامعه از سطح برنامه ریزی تا اجرا از طریق شوراهای مردمی بکار گرفته شود و وظیفه دولت گسترش خدمات زیربنائی باشد .

۵-۳۵۰- سیاستهای میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

۱- با تحقق یافتن کلیه عوامل محیط ساز و شوراهای مردمی وظیفه دولت در بیشتر موارد در مرحله نخست گسترش کمی خدمات زیربنائی شهری بوده و در مرحله بعد جنبه های کیفی آن است که بایستی مورد توجه قرار گیرد .

۲- سیاستها و خط مشیهای ایجاد نظام مراکز شهری در سراسر کشور منطبق با ویژگیهای منطقه ای بطور مستمر دنبال شود . کلیه برنامه های تربیت کادر مورد نیاز در اداره و ارائه خدمات فنی و تخصصی به جامعه شهری با جدیت بمورد اجرا درآید .

۳- نتایج بررسیها و مطالعات دوره اول از طریق سازوکارهای جدید و اعمال سیاستهای عمران جامعه شهری در هماهنگی با سیاستهای ملی و کلان و سیاستهای دیگر بخشها بمورد اجرا گذاشته شود .

۴- بطور خلاصه در مقیاس شهرهای مختلف کشور در انطباق با خصوصیات هر منطقه ، نوع ، کمیت و کیفیت خدمات در رابطه با کمبودهای هر یک و هماهنگ با سیاست کلی و دراز مدت توسعه و تکامل ملی بقرار زیر صورت گیرد :

۱- تهران

الف - جلوگیری از توسعه صنایع موجود همزمان با جلوگیری از احداث کارخانجات جدید تا حد امکان ، بخصوص آن گروه از صنایع که دارای ضریب اشتغال بالا میباشد بطور جدی پیگیری و ادامه یابد .

ب - مکانیزه کردن درنوسازی صنایع تشویق گردد و روشهایی که حداقل نیروی کار را نیاز دارد گسترش داده شود .

پ - حل مسئله فاضلاب از دیدگاه منطقه تهران بزرگ و موقعیت خاص محلی در داخل شهر تهران از اولویت برخوردار گردد . اقدامات جدی در حل مسئله ترافیک متکی بر شناسائی مسائل اجتماعی ، فرهنگی و آلودگیهای محیطی در سطح شهر بطور مستمر پیگیری گردد .

ت - جلوگیری از گسترش فعالیتهای اقتصادی در بخش خدمات (به استثنای برخی از خدمات اجتماعی) در سرلوحه اقدامات محدودکننده رشدی رویه تهران قرار گیرد .

۲- شهرهای بزرگ و اصلی (آن گروه از شهرها که هر یک و یادسته از آنها منطقه عمده ای از کشور را پوشانیده و بر

آن حاکمند) .

- ایجاد ، تکمیل و گسترش زیربناها با تاکید بیشتر بر کیفیت (در عین توجه به نیاز کمی) ایمن مراکز با خط توسعه طبیعی و یا برنامه ریزی شده برایشان از قبیل آموزش ، بهداشت ، مراکز تحقیقاتی و آموزش عالی ، ایجاد مراکز مشاوره انفورماتیک ، مراکز هنری ، خدمات مدیریت و مهندسی ، مراکز تعمیر ،

تفریحات سالم ، سالنهای سرپوشیده ورزشی - فرهنگی ، حمل و نقل زمینی و هوایی ، بالابردن کیفیت مدیریت شهر و محیط زیست ، آب ، انرژی ، زمین برای توسعه و غیره مورد توجه قرار گیرد .

۳- شهرهای متوسط (حدوداً " بین ۵۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ نفر)

الف - زیر بناهای تولیدی اجتماعی ، بازرگانی از قبیل آب ، انرژی ، راه ، مسکن ، بهداشت ، آموزش ، بانک ، بیمه ، مخابرات ، حمل و نقل زمینی و هوایی ، فضای سبز ، مراکز تعمیر و غیره در جهت ارائه خدمات لازم به منطقه نفوذ شهر ایجاد ، تکمیل و گسترش یابند .

ب - زمینه سازی برای پذیرا شدن شهر جهت قبول واحدهای تولیدی بیشتر (بخصوص در بخشهای نوین اقتصاد) جهت بالابردن ارزش افزوده در محل و منطقه و درآمد افراد محلی و ایجاد توازن و تعادل در اقتصاد همزمان با گسترش پایه های اقتصادی در کشور و ایجاد قطبهای توسعه و تکامل در مناطق جهت جذب مهاجرین و نیروی کار اضافی در منطقه صورت گیرد .

۴ - شهرهای کوچک (بین ۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ نفر)

الف - ایجاد ، تکمیل و با گسترش (اولویت به کمیت در مرحله نخست و کیفیت در مرحله بعدی) زیر بناهای اولیه از قبیل آب ، راه ، انرژی ، زمین برای توسعه ، خدمات بانکی و مالی ، مسکن و غیره در جهت قادر نمودن شهرهای کوچک به ارائه خدمات لازم در منطقه نفوذ خود و پذیرا شدن برای گسترش فعالیتهای تولیدی و جذب مهاجرت های محلی تا حد امکان با جدیت اجرا گردد .

ب - سیاست تجهیز و ایجاد تاسیسات شهری و گسترش کمی و کیفی خدمات در مورد نظام شهری در میان مدت و دراز مدت بر پایه گسترش کمی این اقدامات در مرحله نخست و گسترش کیفی آنها در مرحله دوم قرار خواهد داشت . اولویت " تجهیز کمی " در مرحله یکم به شهرهای متوسط داده شود و در مرحله بعدی به تجهیز شهرهای کوچک پرداخته شود . در مرحله اول اقدامات در مورد شهرهای بزرگ و اصلی به جنبه کیفی خدمات آنها توجه شود و گسترش کمی آنها حائز اولویت دوم باشد . در تمام زمینه های عمرانی فوق ، شهرهای متوسط و کوچک که در مناطق حاشیهای و عقب افتاده قرار دارند از اولویت استثنائی برخوردار شوند .

پ - جمعیت شهرهای بزرگ در شهرهای اقماری آنها غیر متمرکز گردند و این شهرها در تمام زمینه های اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی خود کفا باشند .

ت - محورهای عمرانی بطور سیستماتیک تجهیز شوند و تلفیقی واقعی بین بخشهای سنتی و نوین مستقر در شهرهای مسیر این محورها بوجود آید .

جامعه روستائی از چند دیدگاه دارای اهمیت ویژه‌ای است . نخست آنکه این جامعه در حدود نیمی از جمعیت کشور را دربرمیگیرد که در بیش از نود و پنج درصد از مساحت کشور پراکنده اند . دیگر آنکه افراد این جامعه ، در مقام مقایسه با جمعیت شهری ، محروم‌ترین مردم کشور هستند و تنها سهم ناچیزی از مصرف را بخود تخصیص داده‌اند بلکه توانائی ها و قابلیت‌های انسانی آنان نیز در جهت تعالی کیفی و کمی وضع خویش و بالا بردن بازدهی اقتصادی و اجتماعی رشد نیافته است . در حالی که جامعه روستائی نه تنها میتواند نیاز کشور را در زمینه مواد غذایی استراتژیک برآورده کند بلکه امکان تولید بسیاری از کالاهای مصرفی کشور را (بخصوص در رابطه با فصلی بودن کار کشاورزی در ایران) داراست .

از محدودیت‌های اساسی آنست که قسمت عمده‌ای از جامعه روستائی در " مناطق حاشیهای " قرار دارند . از ویژگیهای این مناطق ، که در حدود ۳۰ - ۲۵ درصد توان تولید کشاورزی ایران را دربردارند ، اینست که منابع طبیعی این مناطق بخصوص در رابطه با کشاورزی دارای کیفیت پائین بوده و در مقابل بهره برداری‌های شدید و بی‌رویه و یابی توجهی شدیداً " آسیب پذیر میباشند . دور افتادگی از مناطق آباد و مسیر اصلی اقتصاد بطور کلی و پراکندگی زمینهای قابل کشت و بهره برداری در قطعات کوچک و پراکنده از مشخصات دیگر این مناطق است . " مناطق حاشیهای " اساساً " در حوالی کویر ، ارتفاعات کوهستانی ، فلات مرکزی ، مناطق غربی و جنوب شرقی کشور قرار دارند و در حدود ۴۰ - ۳۵ درصد از جمعیت جامعه روستائی را دربرمیگیرند . توجه به این مناطق باید از اولویت استثنائی برخوردار گردد .

از محدودیت‌های دیگر جامعه روستائی علاوه بر نبود امکانات رفاهی و ضعف نظام تولید که از ویژگیهای عقب ماندگی است چند نکته نیز شایان توجه است . یکی این که نیروی انسانی جامعه روستائی بطور کلی بسیار کمتر از جامعه شهری دارای سواد ، مهارت و تخصص میباشد که خود نقطه ضعفی در توسعه اجتماعی است . دیگر اینکه جامعه روستائی در تقریباً " ۶۵ هزار روستا در پهنه سرزمین پراکنده است که تنها در یک شبکه بهم پیوسته راهها با هم در پیوند نیستند بلکه بسیاری به روستاهای همجوار خود نیز راه ندارند . علاوه بر این بسیاری از روستاها در " مناطق حاشیهای " و از لحاظ اقتصادی و معیشت در سطح " بخور و نمیر " قرار دارند و با توجه به نامساعد بودن عوامل طبیعی (کمبود بارندگی و کیفیت خاک و غیره) انتظار نمی‌رود بتوانند بدون کمک موثر جامعه روی پای خود بایستند و به این جهت است که همان بودیک چنین نظام خدماتی و کمک رسانی از آنان در دهه گذشته روبه نقراض گذاشته اند .

جامعه روستائی ایران با توجه به تنوع اقلیمها و گستردگی وسعت و امکانات طبیعی آب و خاک که از آنها تاکنون استفاده حدا علان نشده است میتواند نیازهای کشور را از لحاظ مواد غذایی اصلی و محصولات استراتژیک و برخی دیگر از فرآورده‌ها فراهم کند . البته این خود مستلزم آنست که ساز و کار و سازماندهی لازم برای حداکثر بهره‌وری در جامعه روستائی بوجود آید و همگام با آن به تربیت نیروی انسانی متخصص در

مهارت‌های مورد نیاز یک چنین نظام گسترده تولیدی - خدماتی اقدام گردد. تاریخ کهن، آثار باستانی، تفاوت‌های اقلیمی و شرایط محیط زیست و معماری متنوع امکانات بهره‌برداری توریستی و فرهنگی غنی - را فراهم مینماید.

۲- ۳۶۰ - ویژگی‌های وضع موجود

- ۱ - جامعه روستائی در این گزارش شامل آن گروه از جمعیت و محیط زیست آنان میگردد که در محدوده‌ها و مراکز جمعیتی کمتر از پنجاه هزار نفر سکنی گزیده‌اند. این جامعه شامل نیمی از جمعیت کشور (حدود ۱۸ میلیون نفر) است که در روستاهای متعدد (حدود ۶۵ هزار) و پراکنده و کم جمعیت زندگی میکنند.
- ۲ - روند مهاجرت از جامعه روستائی در سال‌های اخیر بعلت کمی و یا نبود اشتغال، خدمات و امکانات رفاهی در روستاها بالا بوده و بصورتی غیر متعارف درآمده است. تمرکز نامتناسب امکانات در شهرها در تشدید روند مهاجرت و جذب بیش از نیمی از رشد طبیعی جمعیت روستائی سهم اصلی را داشته است. این حرکات جمعیتی از جامعه روستائی به شهری در بعضی موارد بصورت کوچ درآمده و باعث تپش شدن روستاها و از بین رفتن منابع طبیعی و محیط زیست شده است.
- ۳ - پائین بودن سطح تکنولوژی در کلیه زمینه‌های مربوط به فعالیتهای کشاورزی از یک طرف و عدم وجود برنامه‌های مدون در جهت تضمین درآمد مناسب از فعالیتهای کشاورزی و جلوگیری از حوادث ناگهانی از طرف دیگر و همچنین خصوصیات متفاوت اقلیمی و عوامل طبیعی کشور نظیر سیل و زلزله، خشکی و کم آبی باعث آسیب پذیری فراوان محصولات و محیط زیست در جامعه روستائی گردیده است. پیش گیری نکردن از طریق بکارگیری روشهای ساختمانی مخصوص مناطق زلزله خیز و سیل خیز آسیب پذیری را تشدید نموده است.
- ۴ - درآمد روستائیان ایران بعلت پائین بودن قیمت محصولات و بالا بودن ضایعات و همچنین پائین بودن میزان محصول در واحد سطح بطور کلی کم و برای یک زندگی نسبتاً "مرفه کافی نیست. کیفیت و کمیت رفاه در سطح روستاها بعلت نبود یا کمبود خدمات اجتماعی مانند آموزش و بهداشت، آب آشامیدنی سالم، خدمات فنی و برق و راههای ارتباطی نامناسب است و رویه مرفته کیفیت زندگی و برخورداری از رفاه در روستاهای ایران در مقام مقایسه با زندگی شهری در سطح بسیار پائین تر قرار دارد. نبود تنوع در اشتغال در جامعه روستائی شدیداً "بچشم میخورد. اشتغال در بخشهای صنایع و خدمات بسیار پائین و اشتغال منحصراً به بخش کشاورزی است. کم کاری و بیکاری فصلی در روستاها امری متداول است. اشتغال کودکان بخاطر وضع اقتصادی و اجتماعی در جامعه روستائی بالا و خارج از حد متعارف و باعث عقب ماندگی و عدم برخورداری و دسترسی آنان به آموزش و فعالیتهای غیر کشاورزی میباشد.
- ۵ - نامشخص بودن مکانیسم برنامه ریزی و غیر مسئول و ناآگاه و بی توجه بودن مدیریت دولتی به ویژگیها و نیازهای محلی در جامعه روستائی باعث از بین رفتن مدیریت سنتی و ایجاد وابستگیهای شدید به تصمیمات و اقدامات دولت مرکزی شده است.
- ۶ - در جامعه روستائی ایران فقر و تفاوتهای فاحش در سطح زندگی، درآمد و میزان برخورداری از رفاه و دسترسی به خدمات به چشم میخورد. وجود فقر در بعضی موارد در ارتباط با وضع اقلیمی و جغرافیائی و نبود

یا کمبود منابع طبیعی است. در موارد دیگر تفاوتها و اختلافهای درآمدی در رابطه با دورافتادگی مناطق و عدم اجرای برنامه‌های عمرانی و یا تاثیر عوامل سیاسی میباشد. در زمینه اقتصادی نسبت متوسط درآمد جامعه شهری به روستائی در حال حاضر به حدود پنج به یک رسیده و اختلاف توسعه فرهنگی شهر و روستا تضادهای اساسی اجتماعی را در کل جامعه باعث گردیده است.

۷- پراکندگی شدید و نظام تکامل نیافته مراکز جمعیتی در جامعه روستائی که ارتباطی منطقی با اقتصاد نوین ندارد و هماهنگ با جامعه شهری نیست، رسانیدن خدمات فنی، اجتماعی و بوجود آوردن دیگر عوامل پیشرفت را در جامعه روستائی مشکل نموده است. شهرهای کوچک و در بعضی موارد شهرهای متوسط نیز که ارتباط اصلی آنها با جامعه روستائی است خارج از حیطه برنامه ریزی سازمانها و دستگاههای میباشند که مسائل و امور روستاها را بعهده دارند. در مجموع علیرغم روندهای بیشتر دولتی شدن امور روستائی، نبود سیاستی جامع، مشخص و مدون در عمران جامعه روستائی هماهنگ با برنامه‌های ملی توسعه و تکامل کشور به چشم میخورد.

۳- ۳۶۰- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

- ۱- سهم جامعه روستائی از جمعیت کل کشور از ۵۰ درصد فعلی به حدود ۱۵ درصد تثبیت شده است (مراکز با جمعیت ۵۰۰۰ نفر و کمتر).
- ۲- نظامی مطلوب از مراکز جمعیتی شهری و روستائی در سطح کشور مستقر شده است و مراکز جمعیتی و مراکز خدمت رسانی در جامعه روستائی بصورت شبکه بهم پیوسته و سلسله مراتبی استقرار یافته است.
- ۳- روندهای جرت بصورت متعارف و حساب شده و موضعی و منطقه‌ای درآمده است.
- ۴- آسیب پذیری جامعه روستائی در اثر بالابودن سطح تکنولوژی و وجود برنامه‌های بیمه محصولات و همچنین پیشگیری از طریق بکار بردن روشهای ساختمانی مخصوص مناطق زلزله خیز و سیل خیز بحداقل ممکن تقلیل یافته است.
- ۵- کیفیت زندگی و محیط زیست روستائیان در اثر تعیین قیمت‌های مناسب برای محصولات کشاورزی و بهره‌برداری حداکثر از واحدهای سطح و همچنین ارائه خدمات اجتماعی از قبیل آموزش و بهداشت، مسکن و خدمات فنی و فرهنگی در سطحی قرار دارد که موجبات جذب و نگهداری افراد فعال و با استعداد را در جامعه روستائی فراهم میسازد.
- ۶- تنوع اشتغال و اشتغال کامل در جامعه روستائی بوجود آمده است. صنایع روستائی و خدمات همگام با توسعه فعالیت‌های کشاورزی در ارتباط با نظام مراکز جمعیتی و خدمت رسانی در جامعه روستائی ایجاد شده است.
- ۷- اختلاف فاحش در درآمد و وضع زندگی اجتماعی در جامعه روستائی ایران بحداقل ممکن تقلیل یافته و فقر بطور کلی از بین برده شده است و این امر در اثر توجه برنامه ریزان به برنامه ریزی جامع و توجه به مناطق دور افتاده و مناطق حاشیه‌ای و مناطقی که با کمبود منابع طبیعی روبرو میباشند انجام یافته است.
- ۸- مدیریت و تصمیم‌گیری و اداره کلیه امور روستائی بعهده شورای ده و بخش میباشد و سازوکار برنامه ریزی و مدیریت دولتی در خدمت رسانی به جامعه روستائی بصورت هماهنگ و مسئول و آگاه و ویژه‌گیها و نیازهای محلی بوجود آمده است.
- ۹- شبکه گسترده‌ای از راههای روستائی با توجه به نظام مراکز جمعیتی روستائی و ملزومات اقتصادی و رفاهی

آن بوجود آمده است و همچنین خدمات مربوط به پست و مخابرات نیز ایجاد گردیده است .
 ۱۰- امکانات انبارداری و ذخیره سازی مواد غذایی در ارتباط با امکانات و نیازهای تولید و مصرف و هماهنگ با نظام مراکز جمعیتی در جامعه شهری و روستائی بوجود آمده است .

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴ - ۳۶۰ - سیاست های کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- آزادی فردی و امنیت حقوقی و اجتماعی در روستاهای کشور برقرار گردد .
- ۲- زمینه سازی برای ایجاد شرایطی که مداخله دولت در جامعه روستائی به حداقل رسیده ، و روستا از یورش و تهاجم سیاستهای گوناگون دولتی رهایی یابد بوجود آید و همراه با این سیاست برای ایجاد ظرفیتهای و امکاناتی که روستائیان کلیه امور مربوط به خود را در چهارچوب شوراهای ده و بخش و هماهنگ با اهداف و سیاستهای ملی انجام دهند برنامه ریزی لازم انجام شود و مقدمات کار فراهم گردد .
- ۳- با در نظر گرفتن بررسیها و تحقیقات موجود شروع به انجام مطالعات همه جانبه در زمینه های مختلف زندگی در جامعه روستائی ضروریست ، این مطالعات در مرحله نخست باید مسائل زیر را در برگیرد :
 نحوه تامین و کنترل و گسترش منابع آبی ، بارور کردن و بالابردن کیفیت خاکهای کشاورزی ، تجهیز عوامل مختلف زراعت ، ترکیب مناسب صنایع روستائی و چند پایه کردن اقتصاد و ایجاد تنوع در اشتغال با در نظر گرفتن شرایط محلی ، نوسازی و گسترش تاسیسات زیربنائی و خدمات و مسکن .
- ۴- با استفاده و تکمیل مطالعات موجود به شناسائی " مناطق حاشیهای " در جامعه روستائی اقدام گردد و برنامه ریزی و زمینه سازی جهت نگهداری ، بازسازی و احیاء و بهره برداری صحیح از این مناطق انجام گیرد . در کوتاه مدت نمونه هایی از این مناطق برای عمران انتخاب گردد و ارزیابی عملی و دقیقی از نتایج اقدامات عمرانی با در نظر گرفتن شرایط خاص این مناطق صورت گیرد و حاصل این تجربیات جهت بهره برداری حداکثر از منابع سرزمین در دراز مدت در جهت خودکفائی کشاورزی و حفظ میراث فرهنگی و ملی به کلیه این مناطق تعمیم داده شود .
- ۵- مطالعات و زمینه سازی در جهت بوجود آوردن سازوکارهای هماهنگ برنامه ریزی و اجراء در رابطه با عمران جامعه روستائی صورت گیرد . همچنین به منظور ایجاد هماهنگی و برقراری تعادل بین اهداف " برنامه ریزی بخش " و " برنامه ریزی فضائی - مکانی " ، اختیارات کافی در تعیین و تخصیص بودجه عمرانی در چهارچوب اهداف و راهبردهای عمران ملی به واحدهای برنامه ریزی فضائی - مکانی در جامعه روستائی داده شود .
- ۶- به تشکیل شوراهای ده و بخش (دهستانهای فعلی) در سراسر کشور (بمنظور تنظیم دستورالعملهای لازم برای طرز تشکیل شوراها ، تدوین اساسنامه اختیارات ، وظائف و نحوه مدیریت شوراها) کمک شود .
- ۷- مراکز بخشها (دهستانهای فعلی) در مرحله نخست تعیین گردد و دیگر مراکز خدمت رسانی بطور سلسله مراتبی (یا مشورت شوراهای بخش) برای استقرار مراکز خدماتی مشخص و حداقل نیمی از این مراکز در بخشهای کشور ایجاد و تجهیز گردد .

۸- برنامه‌های کوتاه مدت خدمات زیربنائی، عمرانی ورفاهی هربخش براساس نیازها و اولویتهائی که توسط شوراهای هربخش معین گردیده هماهنگ با برنامه‌های درازمدت ملی در ارتباط با جامعه روستائی تهیه و تدوین و طرحهای اساسی زیردرکوتاه مدت اجرا شود.

الف- راههای قابل استفاده در تمام فصول جهت ارتباط بین مراکز بخشها و مراکز خدمت رسانی و یا تولید در سطح پائین تراز مراکز بخش در اولویت نخست و بین مراکز بخشها و شبکه راههای کشور در اولویت دوم ساخته شود.

ب- اقدامات لازم برای تامین و بهداشتی کردن آب آشامیدنی در تمامی زیستگاههای روستائی کشور انجام گیرد.

پ- اقدامات لازم برای احداث تاسیسات حفاظتی مانند سیل بندها در مقیاس بخش (با توجه به مسائل فنی مثلا " رژیم آب) انجام گیرد.

ت- زمینه سازی جهت احداث صنایع سبک " کاربر " در مناطق روستائی و تقویت صنایع محلی (به ویژه صنایع تبدیلی در محصولات کشاورزی) و استقرار این صنایع در شهرهای کوچک و مراکز بخشها در اولویت نخست بعمل آید.

ث- به ایجاد کارگاههای ساختمانی در مراکز بخشها بمنظور تولید مصالح ساختمانی متناسب با شرایط هر بخش کمک شود.

ج- به تجدید بنای مسکن روستائی در مناطقی که همواره در معرض زلزله قرار دارند و تا حد امکان با در نظر داشتن اولویت نخست برای مراکز خدمت رسانی، کمک شود.

۵- ۳۶۰- سیاستهای میان مدت و درازمدت (مرحله دوم و سوم)

۱- انتخاب و تجهیز " مراکز بخشها "، (مراکز دهستانهای فعلی) همراه با ایجاد تاسیسات و مسکن لازم برای جذب و نگهداری کارکنان دولت جهت خدمت رسانی، به کلیه مناطق و " محدوده های محلی " کشور تعمیم داده شود. این مراکز که در مرحله نخست می باید به تجهیز کمی زیر بناهای عمرانی آنان اقدام گردد، در مرحله بعدی و درازمدت توجه به جنبه های کیفی زیر بناهای تولیدی، اجتماعی و رفاهی آنها حائز اهمیت است.

۲- انتخاب و تجهیز مراکز خدمت رسانی پائین تراز سطح " مراکز بخشها " بطور سلسله مراتبی ادامه یابد بطوریکه نظام مراکز خدماتی جامعه روستائی را در پوشش خود قرار دهد. اولویت جغرافیائی تجهیز این مراکز در مرحله نخست باید مناطق عقب افتاده، کویری، کوهستانی و دور افتاده را شامل گردد. سیاست استقرار تاسیسات و فعالیت های عمرانی در این مراکز نیز باید در نظر گرفتن خصوصیات " محدوده های محلی "، در مرحله نخست از دیدگاه سالم سازی محیط زیست و ارائه خدماتی که به بالا بردن تولید و نتیجتا " درآمد خانوار در جامعه روستائی کمک مینماید تعیین گردد و در مرحله بعدی و درازمدت استقرار خدماتی که جنبه فردی و رفاهی دارد مورد تاکید قرار گیرد.

۳- برای تنوع بخشیدن به اشتغال و ایجاد اشتغال کامل در جامعه روستائی جهت بالا بردن درآمد خانوار، لازمست که اقدامات وسیعی بعمل آید و به موازات گسترش فعالیت های کشاورزی که از اولویت اول برخوردار

است به ایجاد توسعه فعالیت‌های عمرانی در صنایع و خدمات توجه شود. با در نظر گرفتن شرایط و خصوصیات محلی و هماهنگ با نظام مراکز جمعیتی برای استقرار صنایع در جامعه روستائی، تجهیز و آماده سازی " شهرهای کوچک " و " مراکز بخشها " برای پذیرائی این فعالیتها در مرتبه نخست اهمیت قرار دارند.

۴- اقدامات همجانبه در جهت بالابردن کیفیت زندگی روستائیان صورت گیرد، بطوریکه در آمد واقعی روستائیان افزایش یابد و همچنین خدمات اجتماعی از قبیل آموزش و بهداشت و خدمات فنی و فرهنگی در سطحی ارائه گردد که موجب جذب و نگهداری افراد فعال و با استعداد در جامعه روستائی شود، و مهاجرت از روستاها در حدی انجام گردد که بعنوان عامل منفی بحساب نیاید.

۵- در جهت نگهداری، بازسازی و احیا و بهره برداری صحیح از مناطق و فضاهای ویژه در جامعه روستائی سازوکارهای برنامه ریزی و اجرایی موجود تقویت و سازوکارهای جدید بوجود آمده و گسترش یابند. این فعالیتها احیاء مناطق روستائی کوهستانی، کویری، سواحل رودخانه‌ها و دریاچه‌ها، نگهداری از مناظر طبیعی استثنائی را شامل گردد. توجه به بازسازی روستاها و محیط زیست روستائی با در نظر داشتن نیاز جامعه روستائی باید به استفاده از این مناطق برای اوقات فراغت و تعطیلات آخر هفته و تعطیلات طولانی تر شهرنشینان نیز توجه داشت.

فصل ۴ - بخشهای اقتصادی

۴۱۰ - مقدمه

۴۲۰ - کشاورزی

۴۳۰ - صنایع و معادن

۴۳۱ - صنایع

۴۳۲ - نفت و گاز

۴۳۳ - معادن

۴۴۰ - خدمات

۴۴۱ - آموزش و پرورش

۴۴۲ - بهداشت و درمان

۴۴۳ - تربیت بدنی و ورزش

۴۴۴ - بازرگانی داخلی و خارجی

۴۴۵ - نگهداری و توزیع فرآوردهها

۴۴۶ - خدمات زیر بنایی

منظور از " بخشهای اقتصادی " تفکیک معمولی و سنتی نظام تولید جامعه به سه بخش عمده کشاورزی، صنایع، و خدمات است. بدیهی است که این طبقه بندی فرصت بررسی بسیاری از مسائل مربوط به هر یک از سه بخش عمده اقتصاد را بدست نمیدهد. بنابراین طرح مساله کلی بوده و مرحله اول و مقدماتی بررسی مربوط به بخشهای اقتصادی را تشکیل میدهد. در مرحله برنامه ریزی باید اجزاء اصلی هر یک از قسمتهای این سه بخش تفکیک و از طریق الگوهائی نظیر " جدول داد و ستد بین بخشها " مجموعه بخشهای تولیدی در ارتباط متقابلشان با یکدیگر بررسی گردند.

در این گزارش برخی از قسمتهای تولیدی نظیر " مسکن " و آب که در تقسیمات معمولی و سنتی در " بخشهای اقتصادی " قرار میگیرند به قسمت " عوامل محیطی " انتقال یافته اند. علت این انتقال اهمیت این قسمتها در حال حاضر و آینده صورتی فراگیر در همه جامعه میباشد و طبیعتاً " مستلزم برنامه ریزی جامع در سطح ملی است .

در تحلیل و تدوین سیاستهای بخشهای اقتصادی چند اصل مورد توجه بوده است. نخست نگرش بین بخشی است که علاوه بر توجه به اهمیت هر بخش رابطه بین این بخش و سایر بخشها را مورد نظر قرار میدهد. دیگر اینکه بررسی مسائل بخش با توجه به مقاطع زمانی مختلف کوتاه، متوسط و دراز مدت صورت گیرد. سوم آنکه توزیع فضائی و جغرافیائی فعالیتهای هر بخش در ارتباط با ویژگیهای هر منطقه و ارتباط مناطق باید یکدیگر انجام پذیرد. رعایت این اصول در تدوین سیاستها هماهنگی بین بخشها، توازن در توسعه و تکامل هر بخش در مقایسه با دیگر بخشها و تعادل درون بخشی و بین مناطق را در مجموع و اقتصاد کلان تضمین میکند.

از جمله اهداف اساسی توسعه و تکامل کشور رهائی از وابستگی اقتصادی به دیگر کشورهای جهان است. لازمه تحقق بخشیدن به این امر بوجود آوردن اقتصادی پویا و متکی بخود میباشد و برای رسیدن به این خود بسندگی ایجاد تکنولوژی مدرن ملی در هر بخش اقتصادی ضروری است. بنابراین بوجود آوردن تکنولوژی مدرن ملی از طریق شناسائی تکنولوژی بومی در هر بخش، در نظر گرفتن پیشرفتهای تکنولوژی جهانی و تلفیق، بسط و گسترش تکنولوژی موجود امکان پذیر میباشد.

سیاستهای کلی را که در بخشهای اقتصادی مورد توجه بوده اند نمیتوان در سه اصل کلی بشرح زیر بیان داشت: نخست آنکه در بخش کشاورزی هدف مورد توجه احیای این بخش بخاطر اهمیت آن در رابطه با استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و خود کفائی در مواد اصلی غذایی و مورد نیاز صنایع بوده است. دوم اینکه تکیه آینده نظام اقتصادی کشور بر بخش صنعت قرار خواهد داشت و اولویت نخست توسعه اقتصادی کشور را

بخود تخصیص خواهد داد. اهمیت بخش صنعت بخصوص در تامین اشتغال برای جمعیت فزاینده کشور افزایش درآمد ملی و خانوار، تولید محصولات صنعتی مورد نیاز جامعه و صادرات حیاتی است. سوم آنست که در جهت خدمت رسانی به بخشهای عمده اقتصادی و جامعه بطور کلی بهبود کارآئی در بخش خدمات از اهمیت خاصی برخوردار است. برای تحقق بخشیدن به سیاستهای تدوین شده در بخشهای اقتصادی بطور کلی در مرحله نخست ساختمان زیر بنادر بخش مربوطه و در مرحله دوم گسترش کمی همه جانبه بخش، و در مرحله بعدی ارتقاء کیفیت در عملکرد بخش مورد نظر بوده است.

بحران عمومی بخشهای تولیدی که بصورت کمبود تولید، وابستگی شدید بخارج، فقدان هرگونه پایگاه فنی - تکنولوژیک - علمی - پژوهشی در داخل کشور، رشد ناموزون برخی از بخشها و اجزاء بخشها بقیمت خفه کردن قسمت‌های دیگر، فقدان انضباط در سطح کارگر، کارفرما و مدیران، فقدان نوآوری در زمینه سازماندهی، فقدان دید دراز مدت و تداوم و پیگیری در فعالیتهائی که بلافاصله سود بخش نیستند، و بالاخره در مورد بخش آزاد، سوق در جهت گزینش طرح‌هایی که کوتاهترین مدت بازپرداخت سرمایه را دارند، اکثراً " ناشی از بی سیاستی و یا اجرای سیاستهای غلط در زمینه " بخشهای بنیادی" جامعه اند که در جای خود مورد بحث قرار گرفته اند.

باید دید که اصول سازمان دهنده در اقتصاد ایران چیست؟ تقوی، انگیزه مادی، وجدان اجتماعی، هر اصل دیگر و یا ترکیبی از آنها که باشد در هر مورد باید کلیه عوامل متغیری که دولت میتواند به کمک بگیرد در خدمت تحقق یافتن این اصول بکار گرفته شوند در غیر این صورت تعداد مسائلی که در عمل بروز خواهد کرد بیشتر، متنوع تر، و تندروتر از آن خواهد بود که دولت بتواند تک تک آنها را بررسی و حل نماید.

مثلاً " در مورد کشاورزی مساله اصلی بخش اینست که به همراه تخریب عمومی نظام تولید و توزیع فنوئوالسی و عشایری - قبیله‌ای که زیربنای زندگی روستائی ایران را تشکیل میدادند هیچ کوششی برای ایجاد زیربنائی جدید از طرف دولت وقت انجام نشد بلکه برعکس سیاست (آگاهانه و یا غیر آگاهانه) غلط در مورد قیمت‌های تولیدات کشاورزی، تورم قیمت‌های مورد نیاز کشاورزان، اختلاف فاحش دستمزدها بین بخش کشاورزی و سایر بخشها، با اضافه مشکلات از قبل موجود زیربنائی، فرهنگی، بهداشتی و اجتماعی باعث شد که ریشه زندگی روستائی در ایران تکانهای خطرناکی بخورد و روبه تباهی رود. در حالیکه بکار گرفته شدن سیاستهای درست در زمینه بخشهای بنیادی - مسائل مربوط به شرائط و نحوه توزیع زمین، مسئولیت دولت بعنوان عامل محیط ساز برای بخش کشاورزی در تمام زمینهها از زیربنای فیزیکی، اعتبارات و کمکهای نقدی گرفته تا اصلاحات مربوط به امنیت و عدالت - حتماً " موجب میشد که زندگی روستائی ایران بتواند با شرائط نو خود را وفق دهد نه آنکه از چنگ فنوئوالیسم فرار کند و بورطه هلاک و نیستی کشانده شود.

در مورد بخش صنایع نیز ریشه مشکلات به زمینه بخشهای بنیادی مربوط میشود. چنانچه دولت قادر نباشد که محیط مناسب را از نظر زیربنای فیزیکی، حقوقی، قانونی، سیاستهای اقتصاد کلان، سیاست

درست ، مداوم و درازمدت در مورد جهت حرکت و رشد بخشهای مختلف صنایع ، و سایر عوامل بحث شده در رابطه با بخشهای بنیادی ایجاد کند مسلم است که صنایع کشور به هیچ جا نخواهند رسید و بودجههای سنگینی که بآنها تزریق میگردد نه تنها مسألهای را حل نخواهد کرد بلکه زالوهائی را که در باطلاق رشد کرده اند بیشتر تغذیه خواهد نمود .

آنچه که در قسمت مربوط به بخشهای بنیادی " عامل تنظیم " واحدهای اقتصادی نامیده شده است - که در مورد " بخش آزاد " مکانیزم بازار میباشود در مورد " بخشهای مختلط و دولتی " باید بررسی و تعیین گردد - کلید بسیاری از مشکلات بخش صنایع است . بیش از نیم قرن است که ایران سعی کرده است که علوم ، فنون ، تکنولوژی و صنعت معاصر جهان را در خود جذب و بخدمت گیرد بدون آنکه متفکرین و یا تصمیم گیرندگان در این کشور تشخیص دهند که این حرکت بغرنج تاریخی نیازمند یک برخورد اصولی مبتنی بر شناخت جامع و تفویک مسأله بوده و مستلزم درک صحیحی از ساخت جامعه ایست که باید ایجاد گردد . مسأله این نیست که در چند رشته صنعت و یا کشاورزی بچه طریقی و بجهت مبلغ سرمایه گذاری شده و یا خواهد شد . مقدم بر این ملاحظه اینست که منابع جامعه در اختیار چه کسانی ، چه گروههایی و یا چه نهادهائی قرار میگیرند و جامعه چه شرائطی را اعمال میکند که این منابع الزاما " در جهت منافع کل جامعه بخدمت گرفته شوند . وقتی که مسلم است بودجهای حیث و میل و یا ضایع خواهد شد معنای تمرینهای واهی روی کاغذ در مورد " تخصیص منابع " بین بخشهای اقتصادی چیست ؟ مقدم بر این مسأله کمی یک مسأله کیفی سازمانی باید حل گردد و آن اینکه ساخت اقتصادی جامعه چیست و الزامات غیر قابل اجتناب آن کدامند ؟

زیربنای پایه تحول و شکوفایی اقتصادی بیشتر کشورهای صنعتی جهان وجود یک بخش کشاورزی قوی و کارآ بوده است . کشاورزی نه تنها خاستگاه صنعت بوده بلکه خود نیز در اثر صنعت متحول گردیده بطوری که در حال حاضر کشاورزی بصورت صنعت درآمدی است . دیگر این که چون استقلال کشور بخاطر وابستگی آن بخارج در زمینه مواد غذایی در خطر است اهمیت استراتژیک کشاورزی بوضوح روشن میگردد .

اغلب این تصور در کشور ما وجود داشته است که کشور صنعتی نیاز زیادی به کشاورزی پیشرفته ندارد در حالیکه میبینیم تمام کشورهای پیشرفته صنعتی دنیا از نظر کشاورزی نیز فوق العاده پیشرفته هستند و در آن رشته از تولید کشاورزی که امکانات طبیعی کشورشان اجازه میدهد از نظر کمی و کیفی محصولاتی قابل ملاحظه تولید میکنند و در اغلب موارد بازار صادرات جهانی دارند .

باتوجه به روند کنونی تولید و مصرف جهانی مواد غذایی و آینده نگری در این زمینه نشانه‌های بسیاری بچشم میخورد که عرضه محصولات کشاورزی در سطح جهانی بصورت وسیله‌ای در اعمال سیاست‌های کشورهای تولید و مصرف کننده در آید که نمونه‌های استفاده از آن را در حال حاضر میتوان مشاهده نمود .

مهمترین محدودیت در کشاورزی ایران در زمینه منابع طبیعی مربوط به منابع آب میشود . کمبود آب و پراکندگی منابع آب و پائین بودن کیفیت تجهیز و بهره برداری از منابع محدود آب و در اغلب موارد دوری منابع آب از مناطقی که در آن نیاز به مصرف هست از جمله عوامل قابل توجه در این زمینه میباشد . کیفیت پائین خاکهای زراعی ، شیب زیاد ، عمق کم ، کوچکی و پراکندگی اراضی زراعی و محدود بودن دشتهای وسیع حاصلخیز نیز از محدودیتهای عمده کشاورزی ایران محسوب میگردد .

علاوه بر محدودیتهای مربوط به عوامل طبیعی ، کمبود سازوکارها ، ضعف مدیریت ، پائین بودن سطح و میزان تجهیز " دانش نوین " کشاورزی و ضعف نظام اعتباری در جامعه روستائی باعث عقب افتادگی کشاورزی ایران گردیده است .

همزمان با ادامه تجزیه و تحلیل مسائل کشاورزی سنتی و کشاورزی نوین و درجه نوگرائی و سرعت آن در جامعه روستائی ایران لازم است به مسائل کمی و کیفی مربوط به این بخش اساسی اقتصاد از دیدگاه دیگری نیز توجه شود . مسلماً " بهبود کیفی در کلیه زمینه‌های حیات کشاورزی ایران مقدور بوده و از واجبات است . تحقق این امر میتواند از طریق بکار بردن تشکیلات و مدیریت کارآ ، بهینه کردن روشهای آبیاری ، زهکشی ، بهره ور کردن خاکهای کم توان ، استقرار شبکه خدمات اجتماعی و زیربنائی لازم ، جلب مشارکت و تجهیز کلیه نیروهای مورد نیاز ، بهبود کیفیت محصولات کشاورزی ، استاندارد کردن ، بسته بندی و نگهداری آنها و در دسترس قرار دادن خدمات فنی و اعتبارات لازم و غیره برای کشاورزان باشد . همزمان با ارتقاء کیفیت در کلیه موارد ذکر شده اقدامات وسیع به منظور دستیابی

به خودکفائی و یا خودکفائی نسبی در تولید مواد غذایی اصلی در جهت افزایش کمی تولید در جامعه روستائی امریست ضروری و در اولویت نخست این اقدامات کمی، گسترش همه جانبه کشت آبی به میزان ۳ تا ۲ میلیون هکتار میباشد. تحقق این هدف در صورتی امکان پذیر است که منابع حاشیهای که ۲۵ الی ۳۰ درصد از توان تولید کشاورزی ایران را تشکیل میدهند حفظ و احیاء بهره برداری معقول از آنان صورت بگیرد و همزمان مناطق کشت آبی در جوار شهرهای بزرگ از تعرض فعالیتهای صنعتی و خدماتی و گسترش شهرها بطور جدی محافظت شود.

از میان برداشتن این مشکلات بعلت پیچیدگی و بهم پیوستگی آنها از طریق برنامه‌های ضربتی و کوتاه مدت امکان پذیر نیست. این مسائل ریشه‌های عمیق اجتماعی - فرهنگی دارند و اصولاً "در زمانی کمتر از یک یا دو نسل حل آن میسر نیست. بنابراین عوامل اجتماعی و فرهنگی ذکر شده بایست با محدودیتهای اصلی کشاورزی ایران بحساب آیند.

ایران دارای مناطق حاصلخیز و اقلیم‌های متفاوتی است که بالقوه استعداد بهره برداری بیشتر را دارد. نیروی انسانی شاغل در بخش کشاورزی تجربه چند هزار ساله کشاورزی و شناخت خصوصیات این آب و خاک را دارد و در صورت توأم شدن این تجربه با دانش و تکنولوژی نوین کشاورزی میتواند عامل بسیار مهم و موثر در تولید بحساب آید. امکانات سرمایه‌گذاری از طریق درآمدهای ملی برای پیشبرد کشاورزی میسر است. این موارد امکانات قابل توجه کشاورزی ایران را نشان میدهد و استفادها از این امکانات میتواند نیازهای کشور را تا حد زیادی از لحاظ مواد غذایی و مواد خام صنعتی تأمین نماید.

۲- ۴۲۰- ویژگیهای وضع موجود

- ۱- اکثر مردمیکه در مناطق روستائی زندگی میکنند و بکار کشاورزی اشتغال دارند تولیدی در سطح پائین داشته و هنوز در فقر بسر میبرند و با مشکلات کمبود غذا و بیماریهای گوناگون روبرو میباشند.
- ۲- جمعیت کشور در شروع سال ۱۳۵۸ کمی بیش از ۳۶ میلیون برآورد شده است. با در نظر گرفتن سیر نزولی روند کنونی (رشد کمتر از ۳٪ در سال) در حدود ۳۰ سال آینده جمعیت به ۶۰ میلیون خواهد رسید. با توجه به این مسئله تأمین مواد غذایی به مقدار کافی مشکل اصلی دولتها در آتی خواهد بود. با اینجهت از سوئی بالا بردن میزان تولید و از سوئی دیگر کنترل جمعیت و تنظیم خانواده اهمیت ویژه‌ای دارد.
- ۳- در حال حاضر میزان کشت آبی کشور در حدود ۳/۶ میلیون هکتار و کشت دیم در حدود ۵/۵ میلیون هکتار برآورد میشود. آخرین مطالعات و بررسیها نیز میزان آبهای سطحی و زیرزمینی کشور را معادل ۱۰۵ تا ۱۳۵ میلیارد متر مکعب ذکر نموده است.
- ۴- اصلاحات ارضی بصورتیکه طرح و اجرا شدند نتوانست مسائل اجتماعی - اقتصادی کشاورزی و جامعه روستائی ایران را حل کند. دلائل شکست این برنامه را میتوان بشرح زیر بیان داشت:
 - الف - قسمت قابل توجهی از اراضی کشاورزی از شمول اصلاحات ارضی خارج شده و "خوش نشینان" که در صد قابل توجهی از ساکنان مناطق روستائی را تشکیل میدادند صاحب زمین زراعتی نشدند.
 - ب - نظام اعتباری معقول که بتواند احتیاجات اعتباری زارعین کوچک و خرده مالکان را برآورد بوجد نماید و بهمین جهت ربا خواری بطرق مختلف در جامعه روستائی تشدید گردید.

پ - نظام مدیریتی که دولت بعد از اصلاحات ارضی بوجود آورد پاسخگوی نیازهای نظام تولید و ساخت واقعی کشاورزی نبود و در عین حال تاسیسات بزرگ تولید کشاورزی نیز که دولت بعنوان راه حل برای بالابردن تولید کشاورزی بوجود آورده بود علیرغم جذب قسمت اعظم بودجه کشاورزی کشور عملاً "باشکست روبروشد".

ت - بالابردن دستمزدها سرمایه گذاری کلان و غیر متناسب با دیگر بخشهای اقتصاد در صنعت و در عین حال پائین نگه داشتن قیمت فرآوردههای کشاورزی باعث شد که قسمت اعظم نیروی فعال روستائی جذب مراکز صنعتی و شهرها شوند.

ث - پائین نگه داشتن قیمت فرآوردههای کشاورزی نسبت به سایر فعالیتهای در جامعه سبب شد که فعالیت کشاورزی بطور کلی سودآور نباشد و فعالیتهای جدید و موثر در کشاورزی و جامعه روستائی پانگن گیرد.

ج - اقدامات عمرانی برای بوجود آوردن زیر بناهای جامعه نظیر آموزش، بهداشت، فعالیتهای رفاهی و فرهنگی و فراهم آوردن موجبات برای فعالیتهای اقتصادی در روستاها حداقل ممکن تنزل کرد و زمینههای مهاجرت و کوچ را از روستا تشدید نمود.

۵- ایران جزء مناطق خشک و بیابانی محسوب میشود که در غالب نقاط آن میزان بارندگی فوق العاده کم است. تنها در مناطق خیلی محدود و کوهستانی بارندگی کافی است. بهره برداری از آب بصورت سنتی هنوز رایج است. حفر چاه و ایجاد سد های مخزنی واحداث کانالهای آبیاری، که روشهای جدید استفاده از آب برای مصارف کشاورزی و صنعتی و آشامیدنی میباشد، در کمیت و کیفیت کافی مورد استفاده قرار نمیگیرد. بطور کلی میتوان گفت که آب مهمترین عامل محدود کننده در تولید محصولات کشاورزی در ایران محسوب میشود.

۶- کیفیت نازل عمده خاکهای کشور نیز یکی دیگر از عوامل مهم محدود کننده از دید محصول در ایران است. فرسایش آبی و بادی نیز در کم شدن حاصلخیزی خاک اهمیت زیادی دارد و فعالیتهای مربوط به حفاظت و اصلاح خاکها در حال حاضر بسیار ضعیف است و اهمیت آن هنوز برای بسیاری از کشاورزان روشن نیست. روستائیان و کشاورزان مراتع سنتی را شخم زده و دیمکاری میکنند. میزان محصول بدست آمده فوق العاده پائین است و در اثر شخم در زمین مرتع فرسایش غیر قابل برگشتی بوجود میآید.

شیوههای کنونی بهره برداری از خاک تخریب و فرسایش سریع آنرا سبب میشود. علیرغم مخارج سازمانهای گستردهای که به عنوان آبخیزداری در گذشته بوجود آمده است نتیجه عمل آن بسیار ناچیز است و در جهت حفاظت خاک اقدامات موثری که برای کشاورزان قابل درک و قبول باشد بعمل نیامده و در غالب موارد زور جانشین منطق گردیده است. برای ترسیم تصویر کاملتری از کیفیت منابع کشاورزی، شایان توجه است که ۲۵ الی ۳۰ درصد از توان تولید کشاورزی کشور در مناطق حاشیهای با حاصلخیزی اندک قرار گرفته است.

۷- استفاده از ماشین آلات کشاورزی و مصرف کودهای شیمیائی و سموم آفات نباتی در سالهای اخیر افزایش چشمگیری داشته است. کمبود خدمات فنی در زمینه ماشین آلات و دانش کافی در مورد چگونگی استفاده از ابزار و کودهای شیمیائی و سموم باعث شده است که نتیجه مطلوب از این عوامل موثر تولید گرفته نشود.

۸- همبستگی و هماهنگی بین پژوهش، آموزش و ترویج در نظام فرهنگ کشاورزی ایران وجود ندارد. پژوهشها در اکثر موارد بی هدف، پراکنده و بی ارتباط با نیاز کشور است. فعالیتهای ترویجی که موثرترین راه انتقال شیوههای پیشرفته از مراکز پژوهشی به مزارع از یک طرف و رسانیدن مسائل و نیازهای کشور به مراکز پژوهش از طرف دیگر است بسیار ضعیف و غیر موثر می باشد.

۳- ۴۲۰- آرمان ها و هدف ها (وضع مطلوب)

- ۱- از منابع آب و خاک تمامی قلمرو سرزمین ایران تحت برنامه منظم و جامع هماهنگ با سیاستهای درازمدت آمایش سرزمین و با در نظر گرفتن حفظ محیط زیست، حداکثر بهره برداری صورت میگیرد.
- ۲- نیازهای اساسی جامعه از لحاظ مواد غذایی، پوشاکی و مواد خام صنایع بویژه در زمینه های استراتژیک تامین میگردد و این امر از طریق حفاظت و بهره برداری از کلیه منابع کشاورزی، بخصوص منابع حاشیهای صورت گرفته است.
- ۳- اراضی کشاورزی با توجه به چگونگی وضع اقلیمی و عوامل تولید بنحوی بین دهقانان تقسیم شده است که آنان صاحب زمینهای خود میباشند (یا حق بهره برداری از آنها دارند)، کشاورزان با استفاده از تکنولوژی و حداکثر بهره گیری از زمین زندگی مرفهی در حدی بالاتر از درآمد متوسط سرانه کشور دارند.
- ۴- شبکه منظم و وسیع برای عرضه خدمات فنی، مالی و جنسی به کشاورزان مراکز تولید در ارتباط با مراکز تجمع جمعیت و خدمت رسانی در جامعه روستائی ایجاد شده است.
- ۵- محصولات کشاورزی با کیفیت بالاتر تولید میشود تا هم نیاز داخلی به محصولات مرغوب تامین شود و هم در مورد بعضی محصولات امکان رقابت در بازارهای بین المللی به منظور صادرات فراهم گردد.
- ۶- نظام اعتباری کارآ و گسترده و تعاونی های تولید و توزیع مناسب در ارتباط با نظام طبقه بندی مراکز جمعیت و خدمت رسانی در جامعه روستائی ایجاد شده است.
- ۷- طرح و ساخت و استفاده بهینه از ابزار و ماشین آلات متناسب با نیازهای کشاورزی اقلیم های متنوع کشور انجام میگردد.
- ۸- کیفیت زندگی در محیط زیست روستائیان در اثر تعیین قیمت های متناسب برای محصولات کشاورزی و بهره برداری حداکثر از واحد سطح و همچنین ارائه خدمات اجتماعی از قبیل آموزش، بهداشت، مسکن و خدمات فنی و فرهنگی در سطحی قرار دارد که موجبات جذب و نگهداری افراد فعال و با استعداد را در جامعه روستائی فراهم میسازد.
- ۹- امکانات انبارداری و ذخیره سازی مواد غذایی در ارتباط با امکانات و نیازهای تولید و مصرف و هماهنگ با نظام مراکز جمعیتی در جامعه شهری و روستائی بوجود آمده است.
- ۱۰- کیفیت زندگی در جامعه روستائی با ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی، فرهنگی در ارتباط با نظام طبقه بندی مراکز جمعیت و خدمت رسانی در جامعه روستائی در سطح قابل مقایسه با مناطق شهری میباشد.
- ۱۱- تعادل معقول از نظر توزیع امکانات کشور بین بخشهای کشاورزی، صنعت و خدمات ایجاد شده است.
- ۱۲- کشاورزی کشور از آسیب پذیری های ناشی از عوامل طبیعی از طریق ایجاد بیمه محصولات کشاورزی

- و کمک های فنی و خدمات مهندسی و کمکهای مالی محفوظ میباید .
- ۱۳- سازوکار استفاده از علوم و فنون پیشرفته برای حل مسائل کشاورزی در ارتباط با مراکز جمعیت و خدمت رسانی در جامعه روستائی گسترش یافته است .
- ۱۴- با در نظر گرفتن محدودیت عوامل طبیعی تولید و پراکندگی آنها و پائین بودن کیفیت آن در مناطق وسیعی از کشور لزوم بسیج حداکثر امکانات در جهت خودکفائی در محصولات کشاورزی احساس میشود . بنابراین تخصیص اولویت به تجهیز کلیه منابع خاصه منابع حاشیه ای (که ۲۵ الی ۳۰ درصد از توان تولید کشاورزی را تشکیل میدهند) برای تولید محصولات کشاورزی قویا " مورد تاکید قرار گرفته و همه امکانات لازم جهت نگهداری ، احیاء و بهره برداری از منابع مزبور تجهیز شده اند .

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴-۴۲۰- سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- امنیت در روستاها و راههای کشور برقرار گردد .
- ۲- شناسائی و تهیه آمار و اطلاعات از منابع آب ، خاک و سایر عوامل طبیعی و انسان ساخته و تولید محصولات کشاورزی و مطالعات برای تهیه طرحهای ضربتی و فوری افزایش تولید انجام گیرد .
- ۳- مقدمات برای بوجود آوردن و کارآوردن سازمانهای زیربنائی و اساسی از قبیل تعاونی های تولید و توزیع و نظام گسترده اعتباری و نظائر آن فراهم گردد .
- ۴- سرمایه گذاری دولت در جهت تامین خدمات و تاسیسات زیربنائی از قبیل تجهیز و حفاظت منابع آب انجام شود .
- ۵- با در نظر گرفتن بررسیها و تحقیقات موجود شروع به انجام مطالعات همه جانبه در زمینه های مختلف زندگی در جامعه روستائی ضروریست . این مطالعات در مرحله نخست باید مسائل زیر را در برگیرد :
- نحوه تامین و کنترل و گسترش منابع آبی ، بارور کردن و بالا بردن کیفیت خاکهای کشاورزی ، تجهیز عوامل مختلف زراعت ، ترکیب مناسب صنایع روستائی و چند پایه کردن اقتصاد و ایجاد تنوع در اشتغال با در نظر گرفتن شرایط محلی ، نوسازی و گسترش تاسیسات زیربنائی و خدمات و مسکن .
- ۶- شرائط و وسائل تقسیم اراضی بین دهقانان بنحوی که یا صاحب زمین خود شوند و یا حق بهره برداری به آنان تعلق گیرد فراهم شود .
- ۷- تعادل معقول از نظر توزیع امکانات کشورهای بخشهای کشاورزی ، صنعت و خدمات بوجود آید .
- ۸- قوانین و مقررات لازم برای گردش فعالیتهای کشاورزی و سازمان و مدیریت آن و همچنین قوانین مربوط به استفاده از آب ، زمین ، مراتع و جنگلها اصلاح و یا تدوین گردد .
- ۹- با استفاده و تکمیل مطالعات موجود به شناسائی " مناطق حاشیه ای " در جامعه روستائی اقدام گردد و برنامه ریزی و زمینه سازی جهت نگهداری ، بازسازی و احیاء و بهره برداری صحیح از این مناطق انجام گیرد . در کوتاه مدت نمونه هایی از این مناطق برای عمران انتخاب گردد و ارزیابی عملی و دقیق از نتایج اقدامات عمرانی با در نظر گرفتن شرایط خاص این مناطق صورت گیرد و حاصل این تجربیات جهت

- بهره برداری حداکثر از منابع سرزمین در درآمدت ، در جهت خودکفائی کشاورزی و حفظ میراث های فرهنگی و ملی به کلیه این مناطق تعمیم داده شود .
- ۱۰- پیوند لازم بین موسسات آموزشی و پژوهشی و تطبیق برنامه کار و ساخت این موسسات در جهت رفع مشکلات کشاورزی هر منطقه و ادامه خدمات ترویجی توسط این موسسات بوجود آید .
- ۱۱- قیمت محصولات کشاورزی بر اساس سودآور بودن کشت محصولات اصلی و استراتژیک تعیین گردد و حداقل قیمت برای تولیدکنندگان تضمین گردد .
- ۱۲- کلیه اقدامات لازم در زمینه پژوهش ، برنامه ریزی و ایجاد سازوکارهای مورد نیاز در جهت گسترش زمینهای کشت آبی به میزان ۲ تا ۳ میلیون هکتار در درآمدت صورت گیرد . همزمان با این اقدامات بررسیهای موازی جهت جلوگیری از تبدیل مراتع و چراگاهها به کشت دیم انجام شود : زمینه سازی برای اقدامات همه جانبه ای در جهت احیاء گسترش دامداری در مناطق مستعد انجام گردد .

۵-۴۲۰- سیاستهای میان مدت و درآمدت (مرحله دوم و سوم)

- ۱- شناسائی منابع طبیعی و انسان ساخته موثر در تولیدات کشاورزی به منظور استفاده در برنامه ریزیهای درآمدت توسعه یافته و دقیق تر گردند .
- ۲- سازمان های زیربنائی مانند تعاونی های تولید و توزیع و موسسات اعتباری و خدمات فنی توسعه و گسترش یابد .
- ۳- اقدامات همه جانبه در جهت بالا بردن کیفیت زندگی روستائیان صورت گیرد بطوری که درآمد واقعی آنان افزایش یابد . همچنین خدمات اجتماعی از قبیل آموزش و بهداشت و خدمات فنی و فرهنگی در سطحی ارائه گردد که موجب جذب و نگهداری افراد فعال و با استعداد در جامعه روستائی شود و مهاجرت از روستاها در حدی انجام گردد که بعنوان عامل منفی بحساب نیاید .
- ۴- امنیت برای تولیدکنندگان محصولات کشاورزی از طریق ایجاد و گسترش خدمات بیمه و فنی و مهندسی و کمکیهای مالی بوجود آید .
- ۵- موسسات آموزش و پژوهش کشاورزی در ارتباط با مراکز جمعیت و خدمت رسانی در جامعه روستائی بوجود آید و آموزشهای کشاورزی و فنی کوتاه مدت و غیر رسمی در جهت بالا بردن سطح آگاهی و مهارت روستائیان گسترش یابد .
- ۶- از کلیه منابع خاصه منابع حاشیه ای به منظور تولید حداکثر از منابع موجود و رسیدن به خودکفائی در محصولات استراتژیک استفاده شود .
- ۷- موسسات فنی جهت طرح و ساخت ابزار و ماشین آلات متناسب با نیازهای کشاورزی اقلیمهای متنوع کشور گسترش یابد .
- ۸- اراضی کشت آبی از طریق تجهیز اراضی بایر و تبدیل اراضی دیم به آبی طبق اهداف گسترش زمینهای کشت آبی به میزان ۲ تا ۳ میلیون هکتار همراه با جدول زمانی دقیق بطور جدی پیگیری شود و تحقق یابد .
- ۹- برنامه های جلوگیری از استفاده از زمینهای کشاورزی ، بخصوص کشت آبی برای فعالیتهای صنعتی و خدماتی و یا گسترش شهرها تدوین و بدون استثناء در کلیه مناطق به اجرا درآید .

۱۰- برنامه‌های جلوگیری از دیم‌کاری و گسترش کشت دیم در مراتع و چراگاه‌های کشور تدوین و مورد اجرا در آید و هم‌زمان با این اقدام، طرح‌های لازم جهت احیاء مراتع آسیب دیده و بهبود دیگر مراتع کشور تهیه و اجرا گردد.

۱۱- برنامه‌های گسترش بهره برداری از منابع دریائی، بخصوص در خلیج فارس، دریای عمان و آب‌های بین‌المللی تدوین و سازوکار لازم جهت اجرای موثر این برنامه‌ها فراهم گردد.

۱۲- با استفاده از مطالعات موجود بررسی‌های همه جانبه‌ای در شناسائی و نحوه بهره برداری از منابع جنگلی کشور صورت گیرد. احیاء و دوباره سازی مناطقی که در گذشته آسیب دیده‌اند صورت گرفته و نحوه بهره برداری صحیح و معقول از این منابع تعیین شده و با دقت و جدیت هر چه بیشتر مورد عمل در آید.

پیشرفت کشورهای توسعه یافته دنیا مرهون پیشرفت‌های صنعتی آنها بوده است . توسعه صنایع در کشور چه به لحاظ بالا بردن میزان اشتغال موثر و مفید در درازمدت و محرک اشتغال در بخش خدمات و چه به لحاظ تامین نیازهای مردم از فرآورده‌های صنعتی و رسیدن بدرجه‌ای از استقلال اقتصادی و در نتیجه استقلال فرهنگی و سیاسی و چه به لحاظ ضرورت نجات کشور از اقتصاد تک محصولی (نفت) در درازمدت قابل اهمیت میباشد . احتیاج به ایجاد اشتغال برای نیروی فعال در مقیاس وسیعی که در آینده انتظار میرود کشور با آن مواجه گردد محسوس میباشد . با توجه به نیاز جایگزینی در آمد نفت و فراهم ساختن امکان بدست آوردن درآمد ارزی لازم از طریق تولید و صدور محصولات داخلی به بازارهای بین المللی با در نظر گرفتن موقعیت نسبی کشور در بازار گانی خارجی ، میتوان به اهمیت بخش صنایع در توسعه اقتصادی کشوری برد .

در حال حاضر صنایع کشور از یک موقعیت بسیار بدی در نیروی انسانی و مدیریت ، تامین اعتبارات مالی ، تهیه مواد اولیه و نحوه عرضه محصول بمصرف کننده و غیره برخوردار هستند و وابستگی شدید این صنایع بخارج ، عدم انطباق آنها بامناف و نیازهای کشور ، عدم توازن بین رشته‌های صنعتی مختلف و نبود یک نظام صنعتی بهم پیوسته ، عدم هماهنگی و پیوند بین بخش صنعتی نوین و سنتی از یکطرف و بخش صنایع و سایر بخشهای اقتصادی از طرف دیگر ، پائین بودن کارآئی و بازدهی نیروی کار و عدم برخورداری از یک مدیریت موثر و صحیح ، نامرغوب بودن کالاهای صنعتی ، فقدان تشکیلات صحیح برای هدایت و راهنمایی در سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و عوامل دیگر رامیتوان از علل اساسی عقب ماندگی صنایع کشور دانست .

با وجود نیروی انسانی بالقوه توانا و مستعد و وفور نسبی معادن و سایر مواد اولیه صنعتی و دسترسی به منابع سرشار انرژی در کشور و تراکم پائین جمعیت و وسعت سرزمین میتوان با گسترش علوم و فنون و پژوهش صنایع را در کشور توسعه داده محدودیتهای فوق را برطرف نمود .

۲ - ۴۳۱ - ویژگیهای وضع موجود

وضعیت فعلی صنایع رامیتوان بابیان خصوصیات عمده آن بشرح زیر مشخص کرد .

۱ - وابستگی شدید صنایع کشور بخارج از نظر :

الف - بدست آوردن مواد اولیه ، قطعات نیمه ساخته ، کاتالیست‌ها و مواد شیمیائی .
ب - خرید ماشین‌آلات ، ابزار و قطعات یدکی بعلت فقدان صنایع مادر که قادر به تولید وسائل تولید باشند .

پ - استفاده از تکنولوژی ، کارشناسان خارجی و دانش فنی آنها .

این وابستگی صنعت کشور را بصورت زائده‌ای از اقتصاد کشورهای صنعتی غرب در آورده است .

- ۲- عدم انطباق صنایع با منابع و نیازهای اصلی کشور.
 - ۳- عدم توازن بین صنایع مختلف و نبودن پیوندهای تولیدی کافی بین آنها بطوریکه یک نظام صنعتی بهم پیوسته بوجود نیامده و امر توسعه صنعتی بکلی مختل شده است.
 - ۴- عدم هماهنگی و ارتباط لازم بین صنعت و سایر بخشهای اقتصادی مخصوصاً "کشاورزی".
 - ۵- گران شدن سرمایه‌گذاری صنعتی بعلت غلط بودن طرحهای اولیه از نظر فنی - اقتصادی، احرای بد طرحها و حیف و میل‌های مالی چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی.
 - ۶- پائین بودن کارآئی و بازدهی که بنوبه خود موجب پائین آوردن سطح تولید و غیر اقتصادی بودن آن شده است.
 - ۷- بالا بودن هزینه تولید محصولات صنعتی و نامرغوب بودن کالاهای تولیدی.
 - ۸- ناسالم بودن نظام مالی اکثر صنایع و اتکاء بیش از حد به وام و اعتبار.
 - ۹- فقدان تشکیلات صحیح و مناسب و همچنین مراکز هدایت و برنامهریزی جهت کمک به صنایع و رفع مشکلات آنها.
 - ۱۰- عدم هماهنگی بین برنامه‌های آموزشی و نیاز صنایع و نبودن ارتباط صحیح بین مراکز آموزشی و تحقیقاتی و صنایع و فقدان تحقیقات صنعتی.
 - ۱۱- محدود شدن توسعه صنعتی کشور به مناطق خاص بدون توجه به نیاز نواحی مختلف و رعایت رشد متوازن و متعادل مناطق کشور.
 - ۱۲- عدم رعایت اصول حفظ محیط زیست در ایجاد صنایع.
 - ۱۳- پائین بودن ارزش افزوده در تولیدات صنعتی داخلی.
 - ۱۴- فقدان سیاست و استراتژی توسعه صنعتی و نبودن نظام برنامهریزی و کنترل صحیح و موثر و بالاخره ضعف مدیریت.
- این ویژگیها نابسامانی و مشکلات فراوانی برای کشور ببار آورده است که مدتها قبل از پیروزی انقلاب بروز نموده و روز بروز وضع صنعت و اقتصاد کشور را وخیم تر کرده است. آثار طبیعی دوران انقلاب و فقدان یک برنامه جامع که تمام جنبه‌های اقتصادی و توسعه صنعتی کشور را دربرگیرد رفع این مشکلات و نابسامانیها را تا به امروز ممکن نساخته است.
- در حال حاضر مشکلات صنایع کشور عبارتند از:
- ۱- نبود مدیریت موثر و کارآمد در بخش خصوصی بعلت تردید و بدبینی صاحبان صنایع نسبت به وضع آینده و مشخص نبودن وضع مالکیت و عدم رغبت و تمایل آنها به رفع مشکلات و حتی در برخی موارد کارشکنی و بهم ریختن اوضاع.
 - ۲- مشکلات مدیریت در صنایع ملی شده بعلت نبودن یا عدم تشکیلات و سازمان کارآمد و متناسب با شرایط انقلابی جامعه.
 - ۳- عدم شناسائی کادرها و افراد لایق جهت جایگزین کردن آنان با مدیران قبلی و کمبود مدیران توانا و کاردان که خودناشی از خصلت رژیم گذشته و روابط ناسالم موجود بین اکثر صاحبان صنایع و تصمیم گیرندگان دولتی از یکطرف و کارکنان واحدهای تولیدی و اداری از طرف دیگر است.
 - ۴- مشکلات کارگری و عدم امکان اعمال مدیریت سالم برای برنامهریزی و به گردش درآوردن چرخ صنایع بعلت.
- الف - نفوذ عوامل منافق فرصت طلب در کارخانجات و وجود تحریکات از طرف افراد و گروهها

در جهت اغراض شخصی و سیاسی و بردهای محدود و ویژه .

ب - هرج و مرج و عدم اعتقاد به هر نوع ضوابط حاکم بر روابط کار و اعتصابات بیمورد .

پ - روابط متشنج بین کارگران که ناشی از عقاید سیاسی و صنفی است .

ت - برهم خوردن نظم در واحدهای تولیدی و عدم اجرای سیاست مشخص در مورد شوراهای کارگری و شوراهای کارکنان که موجب از بین رفتن آرامش و انضباط در محیط کار شده است .

۵ - عدم بهره برداری از تمام ظرفیت تولیدی واحدهای صنعتی در اثر مشکلات مالی ، تدارکاتیی، نبودن بازار و غیره .

۶ - بالا رفتن قیمت تمام شده در اثر افزایش بی رویه و یکطرفه قیمت مواد اولیه ، قطعات نیمه ساخته ، لوازم و ماشین آلات و قطعات یدکی از طرف فروشندگان خارجی و هم چنین افزایش هزینه حقوق و دستمزد در اثر اعلام سیاست حداقل دستمزد که بار مالی واحدهای تولیدی را بالا برده بدون اینکه با افزایش تولید کمکی کرده باشد .

۷ - از بین رفتن تقاضا برای برخی از تولیدات صنعتی در اثر راکد ماندن سایر بخشهای اقتصادی که مهمترین آن بخش ساختمان میباشد و همچنین بعلت واردات یا قاچاق کالا .

۸ - کمبود مواد اولیه ، قطعات نیمه ساخته و لوازم یدکی مورد نیاز صنایع که خود ناشی از عوامل زیر میباشد :

الف - فروش صد درصد نقدی یا تضمین شده جنس از طرف فروشندگان خارجی که متأسفانه قسمت عمده نیاز صنایع را تامین میکنند .

ب - عدم فروش جنس از طرف فروشندگان خارجی بععل سیاسی .

پ - مشکلات مالی واحدهای تولیدی که قدرت خرید آنها را کاهش داده و یا بکلی از بین برده است و سخت گیری بیش از اندازه بانکها در افتتاح اعتبار برای سفارشات خارجی .

ت - عدم تشخیص و یا پیش بینی و برنامه ریزی برای نیازهای تدارکاتی واحدهای تولیدی بعلت نبودن مدیریت ، ضعف مدیریت و یا کم کاری و کار شکنی مدیران و کارکنان .

ث - طولانی بودن زمان تحویل کالا و مشکلات حمل و نقل .

ج - عدم استفاده از تمام امکانات بازارهای بین المللی و عرضه کنندگان کالا در کلیه کشورهای جهان .

۹ - مشکلات مالی و سرمایه گذاری در صنایع بشرح زیر است :

الف - خارج کردن تمام ذخایر نقدی شرکتها توسط اکثر صاحبان صنایع و قطع منابع داخلی غیر بانکی .

ب - بدهی بیش از اندازه شرکتها به بانکها و قطع اعتبارات بانکی .

پ - عدم رغبت و تمایل به سرمایه گذاری از طرف بخش خصوصی در دو سال گذشته .

ت - محدودیت سرمایه گذاری دولتی در یکسال اخیر .

ث - از بین رفتن سیستم اعتبارات فروشندگان خارجی .

ج - عدم ایفای نقش و عمل به تعهدات از طرف بانکهای سرمایه گذاری .

چ - عدم اعطای اعتبارات جدید از طرف بانکهای تجاری .

ح - مشکلات وصول مطالبات صنایع از اشخاص حقیقی و حقوقی .

۱۰ - سیاستهای مشخص و ضربتی اقتصادی از طرف دولت اعمال نگردیده و اقدامات و عوامسـل اقتصادی در اعمال سیاستهای اقتصادی و روشهای اجرائی هما هنگ نشده و برنامه های سنجیده تنظیم نگردیده است .

۱۱ - مشکلات فنی ناشی از قطع برق ، غفلت از نگهداری و تعمیرات در اثر کم کاری کارکنان و یا بی برنامه گی و بی توجهی مدیران و یا کمبود قطعات یدکی وجود دارد .

۱۲ - کم کاری و بیکاری کارگران و کارمندان علیرغم پرداخت حقوق و دستمزد کامل با آن رواج دارد .

۳ - ۴۳۱ - آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

- ۱ - نیازهای معقول و متعارف جامعه از صنعت تامین میگردد .
- ۲ - همکاریهای نزدیک و موثرترین موءسسات آموزشی و صنایع کشور در تربیت نیروی انسانی ماهر در صنایع ایجاد گردیده است .
- ۳ - از نیروی انسانی ، تکنولوژی ، سرمایه ، مواد اولیه ، انرژی و سایر منابع استفاده بهینه بعمل میآید .
- ۴ - روابط انسانی مبتنی بر فرهنگ اسلامی در محیط کار برقرار و ارزش کار هر فرد بر مبنای توان فکری و جسمی و عملکرد او میباشد .
- ۵ - آموزش ، پژوهش و آگاهی از علوم و فنون پیشرفته و توسعه و نوآوری در کلیه فعالیتهای صنعتی نهادی گردیده است .
- ۶ - کنترل کیفیت محصول و تطبیق آن با استانداردهای مطلوب بعمل میآید .
- ۷ - محصول با حداکثر ارزش افزوده تولید گردیده و در بازارهای بین المللی قادر به رقابت است .
- ۸ - سهم درآمد ملی از صنایع در سطح بالائی قرار دارد .
- ۹ - کشور بدرجهای از خود اتکائی صنعتی و خود کفائی در صنایع نظامی رسیده است .
- ۱۰ - هما هنگی رشد صنعت با نظام اقتصادی جامعه حفظ گردیده است .
- ۱۱ - پیوستگی و انسجام درونی طولی و عرضی نظام صنعتی حفظ شده است .
- ۱۲ - اهداف منطبق با برنامه های مشخص و قابل حصول وجود دارد .
- ۱۳ - محیط صنعتی منزله از عناصر و عوامل و مقررات مضر و یا غیر مفید میباشد .
- ۱۴ - نقش مالکیت و مدیریت از یکدیگر کاملاً تفکیک شده است .
- ۱۵ - استقرار صنایع در پهنه سرزمین بصورتی متعادل و متوازن برقرار گردیده و اشتغال صنعتی در کلیه مناطق مملکت سهمی متناسب در اقتصاد محلی دارد . صنایع بر مبنای ویژگیهای منطقه ای تخصیص شده و بهره برداری از منابع محلی به حداکثر صورت میگیرد . نیروی انسانی هر منطقه تا حد امکان در صنایع آن منطقه بکار گرفته شده است .

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴ - ۴۳۱ - سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول) .

- ۱ - بخش صنایع در زمینه های جامع زیر مورد بررسی قرار گیرد .
- الف - کلیه واحدهای صنعتی بزرگ ، متوسط و کوچک شناسائی شده و فهرست طبقه بندی شده ای از

این واحدها با تفکیک منطقه‌ای و رقابت محدوده‌های استان، شهرستان و بخش و شهرهای با جمعیت بیش از ۵۰۰ هزار نفر تهیه گردد.

ب - نیروی انسانی شاغل در صنایع با مهارت‌ها و تخصص‌های مختلف همراه با منابع طبیعی و گانی، زیربناها و دیگر عوامل موثر در بخش صنایع با تفکیک در سطح استان، شهرستان، بخش و شهرهای با جمعیت بیش از ۵۰۰ هزار نفر شناسائی گردند.

پ - شناسائی دقیق نیازهای صنعتی مملکت هماهنگ با دیگر بخش‌های اقتصاد در قالب اهداف درازمدت توسعه و تکامل کشور بر پایه قطع وابستگی موجود و برقراری رابطه‌ای عقلانی در سطح تبادلات بین‌المللی با بهره‌برداری از مزیت نسبی موقعیت کشور در بازارهای بین‌المللی و نیاز گسترش تبادلات بین منطقه‌ای در داخل کشور و احتیاج به درآمد ارزی از طریق صادرات کالاها و صنایع صنعتی در آینده برای جایگزینی درآمد فعلی از صادرات نفت انجام شود.

ت - مطالعه و بررسی در کلیه رشته‌ها و زمینه‌ها در بخش صنایع و شناسائی واحدهای تولیدی که در موقعیتی راهبردی قرار داشته و وجود آنها یک رشته از صنایع را بصورت زنجیره‌ای به هم مرتبط می‌سازد و نبود این واحدها وابستگی یک رشته و یا گروه از صنایع را به خارج باعث می‌گردد.

ث - شناسائی عوامل توسعه و گسترش صنایع در مناطق بر مبنای تخصصی کردن صنایع در مناطق از طریق بهره‌برداری حداکثر از خصوصیات و منابع خاص منطقه صورت گیرد و از طریق تکیه بر مزیت نسبی به گسترش تبادلات بین مناطق و پائین آوردن قیمت تمام شده فرآورده‌ها کمک گردد.

ج - حرکات مهاجرتی و نیروی کار و سیاست‌های درازمدت آما پیش سرزمین در مورد محل استقرار فعالیت‌های عمرانی کشور در جوامع شهری و روستائی و توزیع جمعیت در پهنه سرزمین جهت هماهنگ کردن سیاست صنعتی کشور با این سیاستها دقیقاً " شناسائی گردند.

چ - شناسائی دقیق بخش سنتی صنایع و امکانات ایجاد ارتباط و بهم پیوستگی بین این بخشها و بخش نوین اقتصاد بخصوص بخش صنایع صورت گیرد.

۲ - ایجاد جو صنعتی در کشور که از اهمیت خاص برخوردار است. بوجود آوردن پایه‌های لازم برای گسترش صنعتی چه از لحاظ سازوکارها و چه از لحاظ گسترش علوم و فنون و تحقیقات و چه از لحاظ تربیت کادر در کلیه سطوح شامل مدیریت، کارشناس و تکنیسین و بطور کلی زمینه‌سازی برای ایجاد فرهنگ صنعتی اقدامی است لازم و مشکل طولانی.

از اقدامات اساسی در جهت ایجاد این جو صنعتی لازم است در مرحله نخست و برای کوتاه مدت و میان مدت از طریق توسعه و ایجاد واحدهای کوچک صنعتی، بصورتی فراگیر در کلیه مناطق و در همه زمینه‌های صنعتی اقدام گردد و سیاست گسترش ایجاد واحدها در عین حال میباید شرایط و ویژگیهای منطقه‌ای را جهت یک رشد طبیعی و مستمر در نظر گیرد. سیاست توسعه واحدهای کوچک صنعتی در عین بوجود آوردن یکی از شرایط اصلی جو صنعتی در کشور و هماهنگ بودن با سیاست توسعه کشاورزی با اولویت عمران و توسعه شهرهای کوچک و متوسط در کوتاه و میان مدت و هدف ایجاد اشتغال وسیع و پراکنده و تربیت نیروی کار برای بخش صنعت در میان مدت و درازمدت منطبق میباشد.

اولویت توسعه و گسترش واحدهای کوچک صنعتی در مرحله نخست به واحدهائی داده شود که در ارتباط

با بخش کشاورزی بوده و یا در زمینه‌های تولیدی و زیربنائی مکمل دیگر فعالیت هائی است که در جامعه روستائی می باید صورت گیرد .

۳- نظم و انضباط در محیط کار بوسایل مختلف از جمله موارد زیر ایجاد گردد :

الف- اعمال مدیریت صحیح و موثر در صنایع و جلوگیری از دخالت افراد و گروه‌های بدون صلاحیت در کارها .

ب- استفاده از کلیه افراد کاردان که در گذشته لغزش مالی نداشته و بدستگاه‌های امنیتی و ضد مردمی وابسته نبوده‌اند .

پ- بکارگماردن افراد حقوق بگیر و انتظار خدمت افرادیکه بیش از ۵۰ درصد از وقت خود بیکار هستند . از افراد منتظر خدمت با راه افتادن کار کارخانجات استفاده شود ولی پس از مدت معقولی که بکار دعوت نشدند بازنشسته ، باز خرید خدمت و یا شامل طرح‌های مخصوص شوند .

۴- قیمت گذاری محصولات تولیدی کارخانجات بر اساس قیمت مواد اولیه ، حقوق و دستمزد ، استهلاک ، مقدار تولید و سود متعارف تعیین و اعلام شود .

۵- برای کنترل قیمت و کیفیت محصول با تولید بیشتر و فزونی عرضه بر تقاضا رقابت معقول و صحیحی بین تولید کنندگان ایجاد گردد .

۶- تعیین و اعلام سیاست دولت از لحاظ مالکیت با توجه کامل به حداکثر استفاده از سرمایه و نیروی کار کلیه افراد کشور و مشارکت و نظارت های مستقیم آنها . این سیاست با بستی مبتنی بر تشویق افراد به کار بیشتر و بکار بردن پس انداز در کارهای تولیدی باشد .

۷- تسهیلات لازم برای تخصیص و واگذاری اعتبار جهت خرید مواد اولیه و قطعات یدکی و غیره برای طرح‌های صنعتی اعم از خصوصی و عمومی بوجود آید .

۸- طرح‌های نیمه تمام که ادامه آن موجه تشخیص داده شده است و همچنین ساختمانها مجددا " شروع و طرح‌های جدید مخصوصا " فعالیتهای ساختمانی اجرا و بازار برای محصولات تولیدی کارخانجات ایجاد گردد .

۹- قانون کار اعمال و مقررات جدید برای مراحل مختلف بطوریکه اقتصاد کشور فلج نشده و انقلاب در راه پیروزی گام بردارد تدوین گردد .

۱۰- وابستگی صنایع به خارج از طرق زیر کاهش یابد :

الف- ساخت قطعات یدکی تا حد امکان در داخل و تشویق و اجبار صنایع به خرید تولیدات داخلی .

ب- تشویق و اجبار کلیه صنایع به پژوهشهای کاربردی و اصولی و در نظر گرفتن معافیت‌های مالیاتی برای این منظور .

پ- تشویق سازمانهای طراحی و مهندسی داخلی به توسعه و استفاده از خدمات آنها بوسیله بخش‌های دولتی و خصوصی .

۱۱- تشکیلات دولتی در رابطه با صنایع با استفاده از روشهای علمی تجزیه و تحلیل گردد و متناسب با نیازهای جامعه بازسازی شود .

۱۲- سازمانهای صنعتی دولتی و خصوصی به کارآموزی دانش آموزان دبیرستانهای حرفه‌ای ، دانشجویان و فارغ التحصیلان تشویق و آموزشگاههای کلاسیک و درسی به سازمانهای آموزشی واگذار گردد .

۱۳- ارتباط مستقیم و تفاهم بین صنایع و سازمانهای آموزشی و پژوهشی برقرار گردد .

- ۱۴ - پیمانکاران داخلی به تجدید سازمان و قبول انجام طرحها تشویق شوند .
- ۱۵ - وسایل رفاهی در محلهای صنعتی مخصوصاً "نقاط دورافتاده جهت ایجاد امکان جذب کارکنان ایجاد گردد .
- ۱۶ - سازمانهای جمع آوری آمار و اطلاعات در وزارت صنایع و معادن و سایر سازمانهای داخلی مربوطه بمنظور تهیه اطلاعات صحیح و تجزیه و تحلیل آنها و انتشار مرتب نتایج هماهنگ با مراکز آمار ایران تجهیز گردند .
- ۱۷ - تسهیلات لازم برای ایجاد صنایع در نقاط مشخص (که استعداد صنعتی شدن از لحاظ آب و هوا و زمین و نیروی انسانی دارد) از طریق کمک مستقیم و تسهیلات مالیاتی و ایجاد تاسیسات زیربنائی و وسایل رفاهی و غیره فراهم گردد .
- ۱۸ - واگذاری فعالیتهای صنایع بزرگ و متوسط کشور از بخش دولتی به بخشهای آزاد (مردمی) و مختلط با توجه کامل به جلوگیری از انحصارهای فردی ولی دور از کنترل بیجا و بوروکراسی دولتی مورد مطالعه و بررسی و اجرا قرار گیرد .
- ۱۹ - صنایع کشور به وارد شدن و رقابت کردن در بازارهای بین المللی تشویق و حمایت شوند . روشهای منطقی حمایت مورد بررسی دقیق قرار گیرد .
- ۲۰ - تعدیل حداکثر و حداقل حقوق کارکنان در صنایع بطوریکه نسبت دریافتی از حد معقول تجاوز نکند و در تعیین حقوق و دستمزد افراد کارآئی و افزایش هزینه زندگی در نظر گرفته شود .
- ۲۱ - سرشماری صنعتی انجام و نتایج حاصله اعلام گردد .
- ۲۲ - صنایع به مصرف مواد اولیه و تولیدات صنعتی داخلی ترغیب گردند .
- ۲۳ - در احداث صنایع جدید اولویت با صنایعی باید باشد که از نظر تولیدات وابستگی به خارج را تقلیل داده و متکی بر مواد و صنایع داخلی (کشاورزی و معدنی) هستند .
- ۲۴ - مؤسسه استاندارد با همکاری صاحبان صنایع استانداردهای محصولات صنعتی را تدوین و منتشر نماید و بر نحوه اعمال آنها بطور دائم نظارت داشته باشد .
- ۲۵ - به منظور حفظ حقوق صاحبان اختراعات و ابتکارات در قانون ثبت علائم و اختراعات تجدید نظر شده و به مورد اجرا درآید .
- ۲۶ - نرخ کارمزد برای وامهای صنعتی و مخصوصاً "اعتبارات جاری صنایع کاهش داده شود .
- ۲۷ - سیستم بانکی به منظور تامین سرمایه در گردش صنایع بزرگ دولتی که قادر نیستند از طریق اخذ اعتبارات جاری آنرا تامین نمایند بانرخ و مدت مناسب تجهیز گردد .
- ۲۸ - مقررات واردات مواد اولیه و قطعات یدکی به منظور ایجاد تسهیلات جهت تامین نیازهای صنایع و در جهت تشویق تولیدات داخلی مورد تجدید نظر قرار گیرد .
- ۲۹ - معافیت های گمرکی و اعتبارات اختصاصی برای صنایعی که دارای ارزش افزوده بالاتری هستند در نظر گرفته شود .
- ۳۰ - سرمایه گذاری های جدید در رشتههایی که تولید آنها با کمبود زیاد مواجه است تشویق شود . همچنین سرمایه گذاری دولت در کارهای زیربنائی مانند راه سازی ، شبکه های آبیاری ، تولید ، انتقال و توزیع انرژی مناسب با نیاز واحدهای تولیدی و کشاورزی از طریق اجراء طرحهای ضربتی (حتی الامکان با استفاده از روشهای کاربر) انجام گردد .
- ۳۱ - تدابیر لازم جهت بهره برداری از ظرفیت های موجود صنایع اتخاذ گردد .

- ۳۲ - دولت و اتاق بازرگانی به منظور تامین مواد اولیه صنایع همکاری لازم را معمول دارند .
- ۳۳ - مراکز تحقیق و توسعه صنایع روستائی و کوچک در مناطق مختلف کشور تأسیس گردد .
- ۳۴ - بررسی و پژوهش سیستماتیک در تمام فعالیت‌های اساسی در بخش صنعت انجام گیرد بطوریکه کمبودهای اساسی در هر قسمت روشن شود و اقدام ضروری در جهت برطرف کردن وی با تأسیس واحدهای لازم برای تکمیل آن صورت گیرد و نهایتاً " شبکه کاملی از واحدهای تولیدی در تمام رشته‌ها و زمینه‌های بخش صنایع در داخل کشور بوجود آید .
- ۳۵ - مرکز بررسی قیمت‌ها ارتباط و هماهنگی لازم را با سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج به منظور دستیابی به قیمت واقعی و آخرین تغییرات قیمت کالاها ی مورد نیاز و ارائه نمودهای لازم بمنظور خرید مناسب از کشورهای مختلف بدون در نظر گرفتن ملاحظات گوناگون بوجود آورد .
- ۳۶ - کلیه صنایع و واحدهای تولیدی به داشتن سیستم حسابداری صنعتی به منظور دستیابی به قیمت تمام شده واقعی و بهبود مدیریت مجبور گردند .
- ۳۷ - در کلیه قراردادهای منعقد شده فیما بین بخش خصوصی و دولتی با خارجیان مطالعه و در صورت لزوم تجدید نظر شود .
- ۳۸ - کمیته‌ای دائمی مرکب از نمایندگان سازمان برنامه ، وزارت صنایع و معادن ، وزارت بازرگانی و اتاق صنایع و معادن ایران جهت بررسی مستمر در تدوین سیاست‌های درازمدت بر اساس مطالعات و بررسی‌های جامع تشکیل گردد . لازم است این سیاست‌ها بمنظور مراجعی چون دستگاه‌های اجرائی ذیربط و دانشگاه‌ها و صاحب نظران رسانده شود و اعضاء این کمیته‌ها از تخصص و تجربه برخوردار باشند .
- ۳۹ - امکان ایجاد بازار بین‌المللی از طریق شناسائی نیاز بازارهای خارجی برای ارائه محصولات کشور بخصوص در کشورهای جهان سوم و کشورهای اسلامی و منطقه مطالعه گردد .
- ۴۰ - گروه‌های ضربت (حتی با کمک خارجیان غیر وابسته به کشورهای استثمارگر) به منظور تعمیـر ، راه‌اندازی و بهره برداری از تاسیسات و امکانات پلا استفاده کشور تشکیل گردد .

۵ - ۴۳۱ - سیاست‌های میان مدت و درازمدت (مرحله دوم و سوم)

- ۱ - برنامه‌ریزی برای توسعه و گسترش صنایع کوچک با حمایت و تشویق همه جانبه دولت در جهت بوجود آوردن و تداوم بخشیدن به یک رشد طبیعی و درون‌زا انجام شده و اقدامات لازم بعمل آید .
- ۲ - برای بدست آوردن استقلال مورد نظر در صنایع لزوم توجه اساسی به صنایع سنگین ، نظیر صنایع آهن و فولاد ، پتروشیمی ، الکترونیک ، ماشین سازی و کشتی سازی و مصالح ساختمانی و غیره امریست الزامی تا بتوان در زمینه‌های اصلی فرآورده‌های صنعتی مورد نیاز جامعه در موقعیت خودگفائی نسبی قرار گرفت . انتخاب وجهت گیری در این زمینه میبایستی تا حد امکان بر مبنای وجود مواد اولیه مورد نیاز این صنایع در داخل کشور باشد . همچنین می‌باید در نظر داشت نبود این صنایع در داخل کشور از لحاظ استراتژیک وابستگی و ارتباط غیر قابل قبولی را با بازارهای خارجی باعث میگردد . مسئله دیگر بوجود آوردن صنایع سنگینی است که محصولات آنان بصورت خوراک صنایع کشور در سطحی گسترده مورد نیاز بوده و این صنایع در مسیر اصلی راهبردهای درازمدت سیاست صنعتی کشور قرار دارند .

۳- توسعه و گسترش صنایع تولید ماشین آلات و ابزار تولید و ابزار کار از اهمیت اساسی برخوردار است. در این زمینه نیز اولویت به آن گروه از صنایع داده می‌شود که در مرحله نخست بصورت استراتژیک و راهبردی از موقعیتی در بخش صنایع برخوردار هستند که محصولات آنها بصورت نیمه تمام و یا ساخته شده در صنایع دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد و در یک رشته صنعتی موقعیتی اساسی داشته و چندین واحد صنعتی به آن وابسته می‌باشند. همچنین اولویت به ایجاد واحدها داده می‌شود که مواد اولیه آن تا حد امکان در داخل کشور تولید می‌شود و وابستگی آن به بازارهای خارج از کشور در حداقل ممکن می‌باشد.

۴- دولت در کلیه زمینه‌ها به وظیفه خود در مورد زمینه سازی و محیط سازی و فراهم کردن مشوق‌های مختلف در جهت سوق دادن مردم به طرف ساختن یک جامعه صنعتی عمل نموده و موجبات رشد همه جانبه و فراگیر صنعتی کشور را فراهم سازد

۵- اولویت به آن گروه از صنایع داده شود که در برآورد نیاز بخش کشاورزی سهم اساسی دارند (نظیر صنایع غذایی، بسته بندی مواد کشاورزی، تولید ماشین آلات کشاورزی و غیره)

۶- سیاست میان مدت گسترش پایه‌های صنعتی کشور در حین بوجود آوردن موجبات خود اتکالی و رها سازی صنایع کشور از کنترل بازارهای خارجی می‌باید شدیدا " بر مبنای چشم داشت به صادرات فرآورده‌های صنعتی به بازارهای خارجی و جایگزینی درآمد نفت در درآمدت از طریق درآمدهای صادرات صنعتی قرار گیرد.

۷- در جهت بوجود آوردن زمینه‌های لازم برای خود اتکالی صنعتی، ایجاد رابطه سالم بین بخش نوین و بخش سنتی در صنایع کشور از یک طرف و ایجاد ارتباط بین بخش صنایع و دیگر بخشهای اقتصاد، بخصوص بخش کشاورزی از طرف دیگر از الزامات سیاستهای میان مدت می‌باشد.

۸- همزمان با برقراری رابطه عقلانی بین بخش صنایع و دیگر بخشهای اقتصاد، هماهنگی سیاستهای صنعتی با سیاست دراز مدت استقرار فعالیتهای عمرانی در کشور، حرکت جمعیت، مهاجرت، اشتغال و توزیع جمعیت در جامعه شهری و روستائی در پهنه سرزمین لازم و واجب است. در جهت ایجاد این هماهنگی ایجاد صنایع کوچک و وابسته به بخش کشاورزی و تولید مصالح ساختمانی و صنایع دستی محلی در مراکز بخشها (مراکز دهستانهای فعلی) و شهرهای کوچک و تاسیس واحدهای صنعتی در شهرهای متوسط مستقر در مسیر محورهای عمرانی و دیگر شهرهای متوسط کشور با اولویت به مناطق توسعه نیافته لازم است. در جهت تحقق این امر کلیه سازوکارها از قبیل ایجاد زیربنای لازم و بکارگیری مشوقهای مالیاتی و غیره بکار گرفته شود.

۹- با آگاهی از این امر که در نهایت هدفهای دراز مدت کشور در جهت صنعتی شدن جامعه می‌باشد و سهم اشتغال صنعتی در مجموع مشاغل سهمی است عمده و اساسی از این رو گسترش این بخش در چهارچوب یک برنامه ریزی حساب شده و مستمر الزامی است.

۱۰- صنایع واسطه که محصولات آنها بصورت فرآورده‌های نیمه تمام در صنایع دیگر استفاده می‌شود گسترش یابد.

۱۱- صنایع وابسته به کشاورزی توسعه یابد.

۱۲- صنایع مادر و اساسی استراتژیک توسعه یابد.

۱۳- سیاستهای بازرگانی جوابگو به نیازهای صنعتی تدوین گردد.

۱۴- واحدهای تحقیقات و طراحی در صنایع بطور همه جانبه گسترش یابد.

۱۵- بررسی و پژوهش و برنامه ریزی برای شناسائی تمام وابستگیهای صنعتی بطور کلی و برای هر رشته از صنعت ادامه و نسبت به ایجاد کارخانه و واحدهای تولیدی اساسی و استراتژیک در هر یک از این رشتهها اقدام شود.

۱۶- برنامه‌ریزی‌های صنعتی هماهنگ با برنامه توسعه و تکاملی کشور و بر مبنای آمار و اطلاعات و تجربیات بدست آمده انجام یابد.

۱۷- برنامه تربیت نیروی انسانی ماهر برای صنایع با پیاده کردن طرح آموزش حین کار و با کار حین آموزش گسترش یابد.

۱۸- خوداتکائی نسبی در بسیاری از صنایع تحقق یابد.

۱۹- رقابت صنعتی و خدماتی در سطح بین‌المللی گسترش یابد.

نفت و گاز در حال حاضر مهمترین منابع قابل تبدیل به انرژی و دیگر مواد مورد استفاده کشور میباشند. گواينکه این منابع پایان یافتنی هستند، لیکن در مقام مقایسه با بیشتر کشورهای جهان ایران موقعیت ممتازی را از لحاظ غنای این منابع دارا میباشد که در صورت استفاده صحیح میتواند نقشی تعیین کننده برای مدتی نسبتاً طولانی در آئینده سازی کشور داشته باشند. انتظار میرود که در صورت کشف حوزه‌های جدید نفتی و گاز در آئینده اهمیت این منابع از حال حاضر نیز بیشتر شود.

محدودیت اصلی که در حال حاضر در این زمینه وجود دارد نبود تکنولوژی و صنایع لازم برای تبدیل مواد استخراج شده به کالاهای مصرفی قابل استفاده نظیر مواد پلاستیکی و الیاف مصنوعی، کود شیمیائی، مواد داروئی و غذائی و غیره میباشد. در نتیجه قسمت مهمی از این مواد بصورت اولیه صادر میشود و ارزش افزوده حاصله نصیب کشورهای صنعتی میگردد. در عین حال در مصرف مواد نفتی و گاز صرفه جوئی لازم بعمل نمی آید و اسراف و استفاده نابجا موجب اتلاف در مصارف داخلی است.

با توجه به بیش از نیم قرن سابقه استخراج منابع نفتی، کشور نیروی انسانی متخصص و محققان لازم را برای اداره و گسترش صنایع نفت و گاز دارا میباشد که میتواند در صورت وجود سیاست، برنامه ریزی مناسب و مدیریت آگاه و توانا در مدت نسبتاً کوتاهی تحولی عظیم در صنایع وابسته به نفت و گاز بوجود بیاورند. علاوه بر این، بهای روز افزون نفت و گاز و فرآورده‌های مربوط به آنان در بازار جهانی نه تنها امکانات سرمایه‌ای لازم را برای توسعه این صنایع فراهم ساخته بلکه درآمد کافی برای برنامه‌های عمرانی در اختیار کشور قرار داده است.

۲ - ۴۳۲ - ویژگی‌های وضع موجود

در حال حاضر فعالیت‌های مربوط به صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در سه شرکت دولتی مستقل متمرکز هستند. گرچه در این سه شرکت واحدهای برنامه ریزی استقرار دارند که بود برنامه ریزی‌های متوسط و بلند مدت در بسیاری از زمینه‌ها وجود دارد. در عین حال برنامه ریزی‌هایی هم که میشود بخاطر عدم اعتقاد تصمیم گیران و مدیریت به رعایت اصول برنامه ریزی و نظام دستوری حاکم، به مرحله اجرا در نمی آید و یا اینکه در مراحل اجرایی دگرگون میگردد. به عنوان مثال بعلت تاخیر در ساختمان پالایشگاه‌ها، ایران از لحاظ فرآورده‌های میان تقطیر (نظیر نفت سفید و گازوئیل) خود کفایت و اجباراً "مقداری از خارج از کشور وارد میشود. برنامه‌های جایگزینی فرآورده‌های میان تقطیر با گاز نیز چندان موفق نبوده است. در همین جهت سیاستی که در صنعت نفت اجرا شده بیشتر در جهت ازدیاد تولید نفت خام بوده و در جهت حفظ مخازن نفتی و بهره برداری حداکثر و بازیابی مجدد آن‌ها کوشی نشده است. در اغلب موارد روند تولید در پالایشگاه‌ها و واحدهای پتروشیمی از طرف کمپانی‌های مقاطعه کار و خارجی‌ان دیکته شده است.

شناسائی کامل و کافی نسبت به منابع نفت و گاز در سراسر کشور بویژه مناطق شمالی و شرق صورت نگرفته است. برای مثال پیدایش نفت قم، توجه از طرف چارچیان به دریافت امتیاز نفت شمال، و یا عدم شناسائی حوزه‌های نفتی جدید بعد از انقضای قرارداد کنسرسيوم، این شبهه را بوجود می‌آورد که منابع نفت و گاز حداقل برای کارشناسان داخلی کاملاً شناخته شده نیست.

شبکه توزیع و پخش برخی از فرآورده‌های نفتی در سراسر کشور جوابگوی نیاز نیست و برای بعضی از فرآورده‌ها در برخی از ایام بازار سیاه ایجاد می‌شود. عدم وجود هماهنگی بین ترکیب تولیدات و مصرف و جهت گیری سیاست سوختی و انرژی در کشور سبب پیدایش اشکالات عدیده‌ای شده است. از آن جمله جایگزین کردن بدون مطالعه مصرف نفت کوره توسط گاز سبب شده است که انبار کردن نفت کوره مازاد در پالایشگاهها باعث اختلال در ادامه کار آنها گردد.

نقصان‌های عدیده‌ای در مدیریت صنایع نفت، گاز و پتروشیمی بچشم می‌خورده که بازتاب عمده‌ای در گردش کار این صنایع دارد. در این صنایع تورم شدید کادرداری در نقاط شهری (به ویژه تهران) وجود دارد. تدارک کالا بر اساس اصول علمی نبوده و بجای اینکه بصلاح و صرفه مملکت از تمام بازارهای بین المللی تهیه شود از بازارهای بخصوصی خریداری می‌شده است. مقادیر زیادی از گاز طبیعی در مراکز تولید از طریق سوزاندن به هدر می‌رود. هدر رفتگی در پالایشگاهها و انبارهای نفتی نیز بیش از استانداردهای بین المللی است، همچنین محاسبات مربوط به "کسری و سرک" که در واحدهای خطوط لوله و پخش انجام می‌گردد همراه با تجزیه و تحلیل علمی نبوده و بیشتر جنبه حساب سازی دارد. در همین زمینه باید بخاطر داشت که تضادهائی در قیمت گذاری فرآورده‌های نفتی بچشم می‌خورده و لزوم تدوین سیاستی هماهنگ در قیمت گذاری فرآورده‌های نفتی با توجه به نیازها و برنامه‌ها برای مصارف داخلی و صادرات را ایجاد می‌کند. با وجود کار در صنعت نفت و با صرف هزینه‌های هنگفت جهت حفاظت، متأسفانه تمام تاسیسات نفت، گاز و پتروشیمی آسیب پذیر می‌باشند.

با وجود اینکه بیش از پنجاه سال از آغاز صنعت نفت در ایران می‌گذرد بخاطر واگذاری انجام خدمات مربوط باین صنعت بخارجیان، بخش خصوصی ایران در این زمینه تجهیز و گسترش نیافته است در حالی که میتوان از بخش خصوصی در هر یک از زمینه‌های شناسائی، بهره برداری، پالایش و توزیع منابع و فرآورده‌های نفت و گاز کشور استفاده کرد. در صورتیکه چنین سیاستی در گذشته بطرز درستی اجرا می‌شد میتوانست منجر به بوجود آمدن نهادهای فنی قوی در بخش خصوصی گردد و این کشور نه تنها در زمینه‌های خدمات از خارجیان بی‌نیاز گردد بلکه خود صادر کننده این خدمات هم باشد.

۳- ۴۲۲- آرماتها و هدفها (وضع مطلوب)

- ۱- شناسائی کامل و کافی از کلیه منابع نفت و گاز بصورت مستمر در سراسر کشور صورت می‌گیرد.
- ۲- در بهره برداری، توزیع، مصرف و صدور منابع نفت و گاز کشور با در نظر گرفتن اولویت در نگهداری این

- منابع تمام شدنی برای نسلهای آینده یک نظامی عقلانی مستقر گردیده و صدور نفت و گاز خام بخارج متوقف شده است .
- ۳- نیروی انسانی کافی از لحاظ کمی و کیفی در زمینه های مربوط به شناسائی ، بهره برداری و کارآئی بهینه در سطوح مدیریت ، کارشناسی و تکنیسین تربیت شده و کلیه فعالیت های مربوط به اکتشاف ، بهره برداری ، پالایش و توزیع توسط آنان انجام میگردد .
- ۴- طرح و تولید ماشین آلات ، کاتالیست ها و مواد شیمیائی مورد لزوم صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در داخل کشور انجام میشود .
- ۵- متخصصان ایرانی به آن سطح از دانش و مهارت فنی رسیده اند که قادر هستند خدمات علمی و فنی را در سطح بین المللی عرضه نمایند .
- ۶- از تمام امکانات بازیابی مجدد نفت خام برای به حداکثر رسانیدن بهره برداری از منابع نفتی در دراز مدت استفاده میشود .
- ۷- ساز و کار پژوهشی در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی فعال و قادر به گره گشائی مسائل و ره گشائی های تکنولوژیک میباشد .
- ۸- الگوی تولید و مصرف فرآورده های نفت و گاز اقتصادی و هماهنگ شده است .
- ۹- آلودگی محیط زیست ناشی از فعالیت های صنایع نفت و گاز و پتروشیمی و همچنین مصرف فرآورده ها با استفاده از روش های بهینه در حداقل ممکن نگهداری شده است .
- ۱۰- از محل فروش نفت و گاز و فرآورده های آنان صنایع دیگری بوجود آمده که از طریق صدور تولیدات آنها نیازهای ارزی کشور برآورد شده است .
- ۱۱- روش و میزان بهره برداری از مخازن بر اساس اصول صحیح و علمی استوار میباشد .

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴-۴۳۲ - سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول) :

- ۱- ساز و کار لازم برای شناسائی و تهیه آمار و اطلاعات و انجام مطالعات و برنامه ریزی میان مدت و دراز مدت در زمینه تربیت نیروی انسانی ، ارزیابی توان صنعتی و منابع نفتی و گاز بوجود آید .
- ۲- برنامه های تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد لازم برای کلیه سطوح تدوین و به اجرا گذاشته شود .
- ۳- برنامه های بازیابی مجدد از منابع نفت به منزله یکی از مهمترین برنامه های کوتاه مدت دولت تدوین و به مقیاس وسیع پیاده گردد .
- ۴- برنامه گازسوز کردن وسائل نقلیه عمومی در تهران و دیگر شهرهای بزرگ تهیه و اجرا شود .
- ۵- صنایع نفت و گاز بطور عقلانی و عملی ادغام گردند .
- ۶- آموزش کارکنان با چشم داشت به بالا رفتن واقعی کارآئی آنان انجام گیرد .
- ۷- میزان هدر رفتگی و اتلاف انرژی در واحدهای تولیدی به حداقل ممکن برسد .

- ۸- تدارک کالا و انبارداری براساس اصول علمی و اقتصادی انجام گیرد.
- ۹- مطالعات لازم جهت تولید ماشین آلات، قطعات یدکی، فراگردها، کاتالیست ها و مواد شیمیایی مورد لزوم واحدهای تولیدی صورت گیرد.
- ۱۰- از سوزانیدن بی حاصل گازها بطور جدی جلوگیری شده و این گازها طی برنامه های ضربتی برای تولید برق و در صنایع مورد بهره برداری قرار گیرند.
- ۱۱- استخراج از منابع مشترک بین ایران و همسایگان به حداکثر برسد.
- ۱۲- قرارداد صدور گاز به خارج از نظر حفظ منافع ملی مورد بررسی مجدد قرار گیرد.
- ۱۳- با در نظر گرفتن فرآورده های نفتی و ویژگیهای منطقه ای و نیازهای جامعه شهری و روستائی داخل کشور نظام قیمت گذاری به نفع مناطق توسعه نیافته مورد تجدید نظر قرار گیرد.
- ۱۴- عملیات اکتشاف نفت و سایر معادن هماهنگ گردد.
- ۱۵- روش و میزان بهره برداری از مخازن براساس اصول صحیح و علمی استوار باشد.
- ۱۶- استفاده از نفت برای تهیه مواد پتروشیمی، داروئی و رنگ و غیره افزایش یابد.
- ۱۷- وابستگی فروش نفت خام به یک نوع ارز قطع گردد.
- ۱۸- همزمان با برنامه ریزی بسط و گسترش نهادهای پژوهشی مربوط به نفت و گاز، امکانات موسسات پژوهشی موجود در جهت رفع مسائل و مشکلات صنایع نفت و گاز تجهیز گردند.

۵- ۴۳۲- سیاستهای میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

- ۱- شناسائی منابع نفت و گاز و امکانات و محدودیت های نیروی انسانی از طریق انجام مطالعات مستمر و تهیه آمار لازم ادامه و گسترش یابد.
- ۲- برنامه های تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد لازم برای کلیه سطوح مدیریت، کارشناسی و کادرهای فنی ادامه یابد.
- ۳- فعالیتهای مربوط به "بازیابی مجدد" از منابع نفت در کلیه مناطق ادامه یابد.
- ۴- عملیات اکتشاف و حفاری بدست متخصصین ایرانی انجام گیرد.
- ۵- از سوزانیدن بی مورد نفت و گاز در مواردی مانند آزمایشها و تعمیرچاه جلوگیری شود.
- ۶- مصرف گاز و هریک از فرآورده های نفتی با توجه به اقتصادی ترین موارد استفاده از آنان با در نظر گرفتن شرائط و ویژگیهای هر منطقه مورد تجدید نظر اساسی قرار گیرد.
- ۷- تولید قطعات یدکی مورد نیاز پالایشگاهها و گسترش و تحقیقات در مورد تولید کاتالیست ها ادامه یابد.
- ۸- طراحی و ساخت وسائل پالایش حتی المقدور توسط متخصصین ایرانی و در ایران انجام گیرد.
- ۹- روش و میزان بهره برداری از مخازن براساس اصول صحیح و علمی استوار گردد.
- ۱۰- استفاده از نفت برای تهیه مواد پتروشیمی، داروئی، رنگ و غیره توسعه یابد.
- ۱۱- میزان بهره برداری نفت خام و گاز بر مبنای نیازهای توسعه و تکاملی کشور و هماهنگ با استقرار زیر بناها و ایجاد رفاه در جامعه و با چشم داشت به ضرورت نگهداری این منابع برای نسلهای آینده استوار گردد.

- ۱۲- نهادهای پژوهشی مربوط به نفت و گاز در جهت فراهم آوردن امکانات خود کفائی و خود اتکائی در کلیه زمینه‌های اکتشاف ، بهره برداری ، پالایش و توزیع فرآورده‌ها بطور کامل بسیج گردند .
- ۱۳- سازوکارهای برنامه‌ریزی دررزمینه نفت و گاز در جهت کارآترکردن نهادها و استفاده بهینه از مواد بطور مستمر فعالیت کنند .

توسعه فعالیتهای معدنی ضمن استقلال اقتصادی کشور است . قسمت عمده نیازمندیهای کشور به مواد معدنی اصلی (ذغال سنگ - مواد معدنی صنعتی و فلزاتی از قبیل آهن - مس - آلومینیوم - سرب و روی) از منابع داخلی کشور قابل تامین است . فرآوردههای حاصل از صنایع وابسته به نفت و گاز امکانات وسیع دیگری برای تامین نیازمندیهای انواع مواد شیمیائی کشور را فراهم مینمایند . همچنین باتکیه به انواع مختلف مواد اولیه مورد نیاز ساختمان میتوان کلیه نیازمندیهای بخش ساختمان را تامین نمود . بدین ترتیب توسعه فعالیتهای معدنی موجب تامین بسیاری از نیازمندیها و در نتیجه کمک به خودکفائی کشور میگردد . وجود ترانسپورت های جهانی که بازار اغلب فرآوردههای حاصل از منابع معدنی بخصوص فلزات اصلی را در اختیار دارند ایجاب مینماید که برای تامین استقلال اقتصادی کشور از این لحاظ خودکفاباشیم . بعلاوه فراهم نمودن این قبیل نیازمندیها از داخل کشور از خروج ارز بیشتر جلوگیری کرده و به تعادل بازرگانی خارجی کشور کمک مینماید . همچنین در صورتیکه خواسته شود منبع ارزی دیگری غیر از منابع نفت و گاز فراهم شود تنها وسیله آن تکیه بر منابع وسیع معدنی کشور میباشد که موجبات احراز امتیاز خاصی را فراهم مینمایند .

جهت گیری فعالیتهای صنعتی کشور در سالهای اخیر یکی از محدودیتهای اصلی توسعه فعالیتهای معدنی میباشد . این جهت باید کاملاً " عوض شود و صنایع کشور در جهت تبدیل مواد معدنی به کالای قابل مصرف تغییر یابد و در نهایت علاوه بر تامین نیازمندیهای داخلی با استفاده از امتیاز وجود ذخایر معدنی موجبات صادرات بخارج از کشور را فراهم نماید . کمبود نیروی انسانی متخصص معدنی یکی از محدودیتهای دیگر توسعه این فعالیت میباشد که با همکاری بخش آموزشی کشور باید جبران گردد . همچنین در مرحله اکتشاف عامل ریسک اهمیت خاصی داشته و محدودیت ایجاد میکند که باید با سرمایه گذاری مستقیم دولت جبران گردد . بالاخره فعالیت های معدنی و بخصوص صنایع وابسته به آن نیاز به مصرف سرمایه زیاد داشته و نتایج حاصله نیز دیرتر بدست میآید که از نظر مسئولیت اجرائی عامل محدودکننده محسوب میشود .

با وجودیکه کلیه نقاط کشور از لحاظ ذخائر معدنی مورد شناسائی قرار نگرفته است ذخائر معدنی شناسائی شده نشان میدهد که کشور مایکی از کشورهای معدنی دنیا است بخصوص که منابع شناخته شده متعدد و متنوع است . وجود ذخائر غنی نفت و گاز و ذغال سنگ علاوه بر تامین نیازمندیهای صنایع پتروشیمی ، امکان وسیعی برای تامین انرژی ارزان برای استفاده از سایر منابع معدنی واحداث صنایع وسیع ذوب در اختیار میگذارد . ذخائر شناخته شده فعلی سنگ آهن - سنگ مس - آلومینیوم - سنگ سرب و روی برای تامین نیازمندیهای سالهای متمادی کشور کافی است . همچنین ذخائر مورد مصرف صنایع مصالح ساختمانی ، مواد معدنی غیر فلزی و غیره به اندازه کافی شناخته شده و فراهم میباشد . وضع زمین شناسی کشور و نتایج بسیار مثبت عملیات شناسائی که تاکنون انجام داده شده است نشان میدهد که امکان کشف ذخائر بازهم بیشتر مواد معدنی

فراهم است . وجود این همه ذخائر معدنی همراه با وجود منابع تولیدی انرژی ارزان امتیازات خاصی را برای کشور فراهم میکند که غیر از این بر قدرتها کمتر کشوری دارای این قبیل امتیازات خاص میباشد .

۲ - ۴۳۳ - ویژگیهای وضع موجود

- قانون حاکم بر امور معادن مصوب ۱۳۳۶ میباشد . بر اساس این قانون معادن کشور به سه دسته تقسیم شده است :

۱ - معادن طبقه اول که بمصرف ساختمان و صنایع مربوط میرسد مانند سنگ گچ - سنگ آهک - مرمر و امثال آن . این معادن در هرملکی واقع باشد متعلق بصاحب ملک است و معادن واقع در اراضی که مالک خاص ندارد متعلق بدولت است .

۲ - معادن طبقه دوم عبارتند از : مواد معدنی فلزی مانند آهن - کبالت - جیوه و نیترا تها و فسفاتها - ذغال سنگ - الماس و فیروزه و امثال آن . اکتشاف و بهره برداری از این معادن از طرف وزارت صنایع و معادن بعمل میآید و با بموجب پروانه به مؤسسات و اشخاص واگذار میشود .

۳ - معادن طبقه سوم مانند نفت - قیر - گازهای طبیعی و مواد رادیواکتیو . این معادن مطلقاً متعلق بدولت است .

- مؤسسات دست اندر کار امور معادن عبارتند از :

۱ - قسمت معادن وزارت صنایع و معادن : فعالیت این قسمت عبارتست از اجرای مفاد قانون وآئین نامه های معادن از قبیل : صدور پروانه اکتشاف و بهره برداری معادن - نظارت بر معادن کشور - وصول حقوق دولتی - بررسی طرحهای معدنی و غیره . کادر مشغول خدمت در این قسمت در حدود ۸۰ نفر است .

۲ - شرکت سهامی کل معادن و ذوب فلزات ایران : این شرکت با سرمایه صد درصد دولتی تشکیل شده است . تعداد معادن این شرکت در حدود ۱۰۰ معدن میباشد که از این تعداد در حدود ۳۰ معدن فعال میباشد . تعداد کارکنان این شرکت ۱۵۰۰ نفر و ارزش تولیدات آن ۵۲۲ میلیون ریال در سال ۱۳۵۶ بوده است .

۳ - شرکت ملی ذوب آهن ایران : قسمت معدنی این شرکت اکتشاف و بهره برداری از معادن ذغال سنگ و آهن و مواد معدنی دیگر مورد نیاز در صنعت ذوب آهن را بعهده دارد . تعداد کارکنان این شرکت در امور معادن حدود ۳۲۰۰۰ نفر است . مقدار تولید سالانه سنگ آهن حدود یک میلیون تن و ذغال سنگ ۷۰۰ هزار تن ، سنگ آهک ۲۷۵ هزار تن و کوارتزیت ۲۶۰۰۰ تن میباشد (سال ۱۳۵۵) . مقدار تولید فولاد فعلی شرکت ۶۵۰ هزار تن و هدف شرکت تولید حدود ۲ میلیون تن فولاد میباشد .

۴ - شرکت ملی صنایع فولاد ایران : قسمت معدنی این شرکت اکتشاف و بهره برداری از معادن سنگ آهن و سایر مواد معدنی مورد نیاز مجتمع های تولید فولاد را بعهده دارد که از آن جمله طرح اکتشاف و بهره برداری از معدن سنگ آهن گل گهر و آهک چناره است . تعداد کادر شاغل در حدود ۲۰۰ نفر است . در حال حاضر تولید سالانه شرکت در حدود ۳۳۰۰۰۰ تن بوده و سنگ آهن مصرفی

از کشور سوئد به میزان ۳۳۰۰۰۰۰ تن گندوله وارد و با ۲۰۰۰۰۰۰ تن آهن قراضه داخلی مصرف میشود . هدف شرکت تولید حدود پنج میلیون تن فولاد در سال میباشد .

۵- شرکت ملی صنایع مس ایران . این شرکت اکتشاف و بهره برداری از معدن مس سرچشمه را بعهده دارد و اخیراً " نیز شروع با کتشافاتی در چند نقطه دیگر نموده است . در پایان سال ۱۳۵۷ حدود ۴۰۰ نفر کادر ایرانی در امور معدنی این شرکت مشغول بکار بوده است . میزان سرمایه گذاری در این طرح تا پایان (۱۳۵۷) ۶۷۶۵۸ میلیون ریال بوده است . هدف شرکت تولید ۱۴۵ هزار تن مس تصفیه شده در سال است .

۶- سازمان تحقیقات زمین شناسی و معدنی کشور . این سازمان برای تهیه نقشه های زمین شناسی و اکتشاف مواد معدنی کشور تشکیل شده است و حدود ۴۰۰ نفر کادر دارد . کارهای انجام شده این سازمان عبارتست از :
- عملیات زمین شناسی بقرار زیر :

الف - تهیه نقشه زمین شناسی با مقیاس ۲۵۰۰۰۰ : ۱ به وسعت ۴۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع .

ب - اتمام عملیات صحرایی برای تهیه نقشه زمین شناسی با مقیاس ۲۵۰۰۰۰ : ۱ به وسعت ۵۳۰۰۰۰ کیلومتر مربع .

پ - ادامه عملیات صحرایی برای تهیه نقشه زمین شناسی با مقیاس ۲۵۰۰۰۰ : ۱ به وسعت ۵۳۰۰۰۰ کیلومتر مربع .

ت - تهیه نقشه زمین شناسی با مقیاس ۱۰۰۰۰۰ : ۱ به وسعت ۱۱۴۰۰۰ کیلومتر مربع .

ث - تهیه ۷ نقشه با مقیاس ۲۵۰۰۰۰۰ : ۱ زلزله - تکتونیک - توزیع معادن ایران .

ج - تهیه حدود ۶۰۰ گزارش مربوط به نقشه ها و سایر امور زمین شناسی و معدنی .

چ - تهیه و انتشار نقشه آئرومنیتیک سراسر کشور با مقیاس ۱۰۰۰۰۰۰ : ۱ و ۱ : ۲۵۰۰۰۰۰

- اکتشافات معدنی :

الف - اکتشافات فسفات در شمال تهران (کشف یکصد میلیون تن با عیار ۱۱٪ و ۲۲ میلیون

تن با عیار ۲۲٪) که متاسفانه آهن آن زیاد است . اکتشافات اولیه فسفات در زاگرس

(بهبهان - کازرون) و اخیراً " در افق انفراکامبرین در زنجان و طالقان .

ب - کشف چند معدن نسوز - بوکسیت - پرلیت - شیشه های منبسط شونده آلومینومس .

ج - کمک های برای معدنکاران از طریق تجزیه شیمیائی - مطالعات پرعیاری کردن

مطالعات ژئوفیزیک و ژئوشیمی .

۷- شرکت ملی پتروشیمی ایران . قسمت معدنی این شرکت برای اکتشاف فسفات فعالیت دارد که

عبارت بوده از عقد قرارداد با شرکت خارجی بمبلغ در حدود ۶۲ میلیون ریال برای مطالعات شناسائی

اولیه و مطالعات نیمه تفصیلی در جنوب و جنوب غرب در مساحت ۸۰۰۰۰ کیلومتر مربع . کادر ایرانی

پتروشیمی ۲ نفر . عقد قرارداد برای ادامه عملیات اکتشافی و شناسائی عمومی در سرتاسر ایران بمبلغ ۴۵۷

میلیون ریال که تاکنون حدود ۳۳۱ میلیون ریال آن پرداخت شده است . کادر پتروشیمی در این

قسمت ۶ نفر بوده است .

۸- سازمان انرژی اتمی . مطالعات محدودی که در گذشته برای اکتشاف اورانیوم در ایران انجام گرفته

بصورت مقدماتی و پراکنده، بین سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۹ و ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۰ بوسیله وزارت صنایع و معادن و سازمان زمین شناسی کشور و همکاری عده‌ای از کارشناسان سازمان انرژی اتمی فرانسه بود که بدنتایج قطعی منتهی نگردید. مناطق ارومیه - تبریز - اهر - سمنان - مشهد - زنجان - تکاب - طبس - اصفهان - قم - نائین - یزد - انارک - کرمان در برنامه فوق بررسی و مجموعاً " حدود ۴۰ نومالی مواد رادیواکتیو شامل اورانیوم، تورنیوم - اورانیوم، زیرکن - اورانیوم کشف گردید که هیچکدام در آن زمان به ارزش اقتصادی منجر نگردید و از بهترین آنها میتوان آنومالیهای انارک، نیشابور، چشمه گل، اهر و کرمان را نام برد.

در سال ۱۳۵۳ همزمان با برنامه وسیع نیروگاههای اتمی در ایران تصمیم گرفته شد که بطور منظم تمام سطح کشور زیر پوشش اکتشاف مواد رادیواکتیو قرار گیرد و طی آن از متخصصین اکتشاف کشورهای آمریکا، کانادا، فرانسه و آرنانتین تقاضای پیشنهاد کار برد بهترین متد متداول اکتشافی جهان گردید و در نتیجه با در نظر گرفتن شرایط زمین شناسی ایران، صعب العبور بودن مناطق و عدم وجود شبکه جاده‌های کامل و محدودیت زمانی طرحی جهت عملیات اکتشاف هوایی با استفاده از سه شرکت خارجی (شرکت استرالیایی Austriex شرکت آلمانی Prakla Seismos و شرکت فرانسوی C.G.G) تهیه و بمورد اجرا گذاشته شد. نتایج اکتشافات هوایی بصورت نقشه‌های رادیومتری و مگنتومتری در اختیار قرار میگیرد و بطور دقیق و بر طبق درجه اولویت مورد بررسی زمینی قرار خواهند گرفت.

همزمان با کار برد متد ژئوفیزیک هوایی که بنا به شرایط خاص ایران بسیار حائز اهمیت میباشد با استفاده از اطلاعات زمین شناسی موجود و اطلاعات پراکنده مواد رادیواکتیو، مناطقی از آذربایجان شرقی، زنجان، البرز مرکزی، نیشابور، انارک، جندق، کرمان، جازموریان و بندر عباس جهت مطالعات زمینی مناسب تشخیص داده شده و گروههای اکتشافی از اوائل تابستان سال ۱۳۵۵ تا کنون عملیات صحرائی مناطق فوق را بصورت برنامه‌های ضربتی زیر پوشش مرحله اول اکتشافی قرار داده که موفق به کشف بیش از ۱۰ نومالی جدید اورانیوم و تورنیوم شده‌اند. در بعضی از نومالی‌های بدست آمده عملیات حفاری از قبیل حفر ترانشه، گمانه، چاه و تونل نیز جهت کسب اطلاعات تحت الارضی و تعیین عیار صورت گرفته است.

فعالیت‌های اکتشافی در مناطق حائز اهمیت (انارک، آذربایجان شرقی، نیشابور، جازموریان) ادامه دارد و در حال حاضر امکان پیش بینی مقدار ذخیره غیر ممکن میباشد. با در نظر گرفتن اهمیت خاص فلز اورانیوم و با توجه باینکه با مخارج نسبتاً کم میتوان بر آورد سرمایه ملی را در این زمینه نمود و مقایسه ارزش ذخائر بدست آمده در مقابل مخارج اکتشافی یک سرمایه گذاری سالم مملکتی خواهد بود لازم است که اکتشاف اورانیوم مانند فلزات دیگر نفت و گاز بروال منطقی و بدون توجه به تغییر برنامه نیروگاههای اتمی در ایران ادامه یابد.

۹ - سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران : قسمت معدنی این شرکت با تاسیس شرکتهای مختلط ایرانی و خارجی روی معادن کوچک قبلی عملیات اکتشافی تکمیلی انجام داده است که هیچکدام منجر به بهره برداری نگردیده است مانند مس میدوک و مس نواحی جنوب یزد (کشف ۲۲ میلیون تن با عیار ۱/۱۵% در میدوک و ۱۵/۲۵ میلیون تن با عیار ۵/۹% در دره زرشک و علی آباد). بعلاوه برای اکتشاف در مناطق ممنوعه با بخش خصوصی شرکتهای مختلط تشکیل داده و اغلب بهزینه آن شرکتهای

با استانداردهای بخش خصوصی عملیات اکتشافی روی مواد معدنی مانند باریتین - پنبه نسوز - خاک نسوز و غیره انجام شده است .

۱۰- شرکت ملی نفت ایران : شرکت ملی نفت ایران کلیه امور مربوط باکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفت رابعه‌ده دارد . توضیح آنکه قسمت زمین شناسی این شرکت با سازمان تحقیقات زمین شناسی و معدنی کشور در ارتباط میباشد .

۱۱- وزارت نیرو : فعالیتهای مربوط به آب شناسی و منابع آب در وزارت نیرو متمرکز است . بهمین دلیل در این گزارش از وارد شدن به بحث مربوط به منابع آب و آب شناسی خودداری شده است .

۱۲- بخش خصوصی : این بخش در حدود ۵۰۰ معدن طبقه ۱ و ۴۰۰ معدن طبقه ۲ در اختیار دارد که از این تعداد ، تعداد ۵۰۰ معدن فعال میباشد . این معدنها عموماً " معادن کوچک میباشد . تعداد شرکت‌هایی که در امور معادن فعالیت داشته ۱۸۶ شرکت است . تعداد پروانه اکتشاف اخذ شده از طرف بخش خصوصی در سال در حدود ۶۰۰ پروانه است که بطور متوسط منجر به صدور ۱۰ الی ۱۵ گواهی کشف در سال میشود . ارزش تولیدات این بخش در سال ۱۳۵۵ در حدود ۴۰۰۰ میلیون ریال و تعداد شاغلین ۱۶۰۰۰ نفر بوده است .

- معایب و نارسائی‌ها :

۱- انقال بودن منابع معدنی در قانون فعلی معادن مورد توجه قرار نگرفته است .
 ۲- استثمار کارگران و کارکنان در بیشتر موارد بشدت وجود دارد که نمونه آن عدم تامین وسیله زندگی کارگران و حتی وسائل ایمنی خیلی ضروری در اغلب معادن و ظهور سرمایه‌داران بزرگ در مدت ۲۵ سال گذشته است .

۳- اکتشافات از طرف بخش خصوصی و در بعضی موارد از طرف شرکت‌های دولتی بسیار ناقص صورت میگیرد و هدف اکتشافات معمولاً " پیدا کردن ماده معدنی خاص است که آثاری از آن بوسیله چوپانها - کوهنوردها و یا در دنباله کارهای قدیمی مشاهده شده است .

۴- دارندگان پروانه اکتشاف در انجام عملیات خود نکات فنی را رعایت نمیکنند و از طرف دولت هم نظارت لازم بعمل نمیآید و بدین ترتیب برای سالهای متمادی مناطق وسیعی در اختیار اشخاص فاقد امکانات و صلاحیت فنی کافی قرار گرفته و بدون انجام کار مثبت باقی میماند .

۵- مقررات دست و پاگیر در بخش دولتی و آزادی عمل بیش از حد توأم با امکانات تباختن در بخش خصوصی وجود دارد .

۶- بوروکراسی و گزینش مدیران فاقد صلاحیت در بخش دولتی وجود دارد .

۷- عدم هماهنگی و اختلاف و رقابت ناسالم بین مؤسسات مختلف بخش دولتی وجود دارد .

۸- از خدمات شرکت‌های خارجی بدون داشتن برنامه‌های جان‌نشین سازی استفاده میشود .

۹- امکانات مالی و استخدامی و رفاهی که در اختیار مؤسسات مختلف دولتی قرار میگیرد هماهنگ و یکسان نبوده و این امر باعث جابجائی بیمورد کارکنان گردیده و نتیجه اینکسکه بندرت در رشته‌های فنی و علمی متخصص واقعی وجود دارد .

۱۰- کارهای معدنی عموماً " سخت و پرمخاطره بوده و در تعیین حقوق و مزایای شاغلین این بخش کم توجهی شده است .

- ۱- کلیه منابع معدنی در سراسر کشور شناسائی شده‌اند .
- ۲ - منابع شناخته شده اکتشاف و ذخیره و مشخصات آنها تعیین و تا حد لازم بهره برداری میشوند .
- ۳ - حداکثر نیازهای صنعتی کشور از معادن داخلی تامین میگردد .
- ۴ - از صدور مواد معدنی بصورت خام خودداری شده و صدور این مواد با حداکثر ارزش افزوده و بر مبنای نیازهای ارزی و اقتصادی کشور انجام میگردد .
- ۵ - کلیه فعالیتهای معدنی بوسیله کارشناسان ایرانی انجام میگردد و نفوذ خارجیان در این فعالیتهای قطع شده است .
- ۶ - همکاری نزدیک بین مؤسسات آموزشی و مؤسسات معدنی کشور ایجاد شده است .
- ۷ - ارتباط و هماهنگی نزدیک بین فعالیتهای بخشهای کشاورزی و معدنی و حفاظت محیط زیست وجود دارد .
- ۸ - از معادن کشور با توجه به حفظ منافع ملی و منطبق با نیازها و برنامه‌های توسعه و تکاملی کشور بهره برداری بهینه بعمل میآید .
- ۹ - کلیه اصول فنی و ایمنی در معادن کشور مراعات میشوند .
- ۱۰ - رفاه مناسب برای کارکنان معادن کشور فراهم شده است .

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴ - ۴۳۳ - سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- شناسائی منابع معدنی کشور با سرعت بیشتری ادامه یابد .
- ۲- مقررات و قوانین معدنی کشور و سایر مقررات که بهر نحوی به فعالیتهای معدنی مربوط میشود برای نیل به هدفهای دراز مدت تدوین و به تصویب رسانده شود .
- ۳- تشکیلات معدنی کشور برای نیل به اهداف دراز مدت تجدید سازمان و تجهیز شوند .
- ۴- برنامه آموزش علمی و عملی در رشته‌های مربوط به علوم زمین به منظور تامین نیروی انسانی با توجه به نیاز واقعی بخش معدنی و با همکاری مؤسسات مسئول تنظیم و برای اجرای مشترک آماده گردد .
- ۵- برنامه تبدیل مواد معدنی خام به محصولات با ارزش افزوده مناسب برای صادرات تنظیم و آماده اجرا شود .
- ۶- برای تسریع در شناسائی مواد معدنی که مورد نیاز صنایع میباشد برنامه‌های اکتشاف تنظیم و آماده اجرا گردد .
- ۷- از مؤسسات خارجی برای شناسائی منابع معدنی استفاده نگردد .
- ۸- سیاستهای دراز مدت معدنی تدوین و اعلام گردد .
- ۹- فعالیت‌های معدنی برای تامین نیازمندیهای صنایع داخلی توسعه داده شود .
- ۱۰- برای ایجاد هماهنگی و همکاری لازم بین بخش معدنی و بخشهای دیگر و تنظیم و نظارت در اجرای برنامه‌های مشترک سیستم مناسب و قابل اجرائی در نظر گرفته شود .
- ۱۱- سیستم مناسبی برای جمع آوری و تدوین و نگهداری اطلاعات معدنی ایجاد گردد .

۵-۴۳۳- سیاست‌های میان مدت و درازمدت (مرحله دوم و سوم)

- ۱- شناسائی منابع معدنی کماکان ادامه یابد.
- ۲- برای استفاده از منابع معدنی جدیدی که کشف میشود با توجه به نیازبخش صنعت برنامه بهره‌برداری تنظیم و به‌موقع اجرا گذاشته شود.
- ۳- برای اطلاع از نوع مواد معدنی مورد نیاز بخش صنایع همکاری نزدیک و دائم بین بخشهای معدنی و صنعتی برقرار شود.
- ۴- امکانات معدنی کشور بطور مناسب و منظم با اطلاع بخش صنایع برسد تا بخش مزبور برنامه‌های خود را تنظیم و اجرا نماید.
- ۵- برنامه تبدیل مواد معدنی خام به محصولاتی با ارزش افزوده بیشتر اجرا و توسعه یابد.
- ۶- مؤسسه تحقیقاتی برای رفع مشکلات معدنکاری و تعیین روشهای مناسب بهره‌برداری ایجاد گردد.
- ۷- در اجرای برنامه آموزشی جهت تامین نیروی انسانی متخصص معدنی با مسئولین آموزش کشور همکاری گردد.
- ۸- رعایت اصول فنی و ایمنی در معادن شدیداً کنترل گردد.
- ۹- تهیه نقشه زمین شناسی کشور با مقیاس ۱:۱۰۰۰۰۰ با سرعت بیشتری ادامه یابد.
- ۱۰- اکتشاف ذخائر شناخته شده با توجه به اولویتهای تکمیل و ذخیره و مشخصات آنها تا حد لازم برای بهره‌برداری تعیین گردد.
- ۱۱- برنامه تامین رفاه کارکنان معادن برای نیل به اهداف درازمدت تنظیم و به‌موقع اجرا گذاشته شود.
- ۱۲- فعالیتهای بخش معدنی و سایر بخشهای اقتصادی با هماهنگی کامل ادامه یابد.
- ۱۳- اطلاعات و آمارهای مربوط به فعالیتهای معدنی جمع‌آوری و تنظیم و پس از تجزیه و تحلیل در اختیار مسئولین و علاقمندان گذاشته شود.

تعریف جامعی از فراگرد آموزش و پرورش کار دشوار است زیرا انسان از روز تولد تا لحظه مرگ از یاد گرفتن گریزی ندارد. قسمت مهم آموزش و پرورش انسان بخصوص آنچه برای زنده ماندن و زندگی کردن مهم است در محیط خانواده و اجتماع فراگرفته میشود. ولی جوامع امروزی و پیشرفته‌ویا ممالکی که کوشش در پیشرفت مادی و معنوی خود دارند، دارای تشکیلات پیچیده و مفصل و پیشرفته‌ای هستند که برای اداره امور خود به تعداد مشخص نیروی انسانی با دانش و مهارت در سطوح مختلف نیاز دارند که باید در خدمت بخشهای صنعت، خدمات و کشاورزی قرار گیرند. سهمین جهت جامعه برای تربیت این افراد نظام آموزش و پرورش رسمی (از کودکان تا دانشگاه) را بوجود آورده و متحمل هزینه‌های آن نیز میشود. این بخش از فعالیت‌های جامعه برای انتقال دانش و مهارت به افراد را در این گزارش مورد بررسی قرار میدهم. علاوه بر انتقال دانش و مهارت، آموزش و پرورش عهده دار تقویت ارزشهای انسانی و پرورش استعدادها در کودکان و نوجوانان بوده و از طریق آن میراث‌های فرهنگی جامعه از نسلی به نسل دیگر منتقل میشود، حفظ میگردد و توسعه و تحول می‌یابد.

امکانات و محدودیت‌های آموزش و پرورش را از دو جهت میتوان مورد توجه قرار داد:

- ۱ - نظام سیاسی - اقتصادی - اجتماعی جامعه محتوای آموزش و پرورش را تعیین میکند. بنابراین در جمهوری اسلامی ایران نخست باید جهت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه طرح ریزی و مشخص شود و سپس در برنامه‌های آموزشی و درسی در سطوح مختلف تحصیلی انعکاس یابد. بهر حال علاوه بر تاکید بر ارزشهای اسلامی و انسانی جامعه آینده ایران، در آموزش باید متکی بخدا بودن و منطقی فکر کردن و قدرت تجزیه و تحلیل کردن، احترام گذاشتن به شخصیت انسان و افکار دیگران، وطن دوستی و نظایر این ارزشها که زیربنای فکری انسانهای مستقل برای ساختن جامعه‌ای آزاد و مترقی و صنعتی است مورد تاکید قرار گیرد.
- ۲ - توسعه مادی آموزش و پرورش شامل وسائل و تجهیزات و ساختمانها و نیروی انسانی است. در این مورد باید به نکات زیر توجه شود.

ایجاد وسایل و تجهیزات و ساختمانها و بکارگماردن نیروی انسانی برای آموزش دادن به جوانان و نوجوانان مستلزم سرمایه‌گذاریهای سنگین و درازمدت است و کشورهای آسیایی میتوانند بنحو مطلوب وسایل آموزش و پرورش را فراهم سازند که بتوانند منابع مالی و مادی آنها را تامین نمایند و در واقع قسمتی از حاصل کار و کوشش افراد جامعه برای امر آموزش و پرورش افرادی که هنوز چیزی تولید نمیکنند بعنوان آموزش عمومی کودکان بکار گرفته میشود و باید آنکه پس از آموزش عمومی و یاد گرفتن حرفه در سطوح مختلف که عمدتاً "بوسیله دستگاه تعلیم و تربیت صورت میگیرد در امر تولید ثروت ملی کمک کنند و بطور کلی میتوان گفت که هر نسل قسمتی از حاصل کار خود را برای نسل بعد سرمایه گذاری میکند.

از این مقدمه میتوان نتیجه گرفت که پوشش تعلیم و تربیت و کیفیت مادی ارائه آن بستگی به میزان توانائی سرمایه‌گذاری نسل حاضر دارد و برنامه ریزان آموزشی

باید به این نکته توجه داشته باشند تا از بلند پروازیها و زیاده رویها پرهیز شود و افزایش سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش دقیقاً " با افزایش تولید هماهنگ گردد و بتدریج با توجه به آن افزایش یابد و در برنامه‌های ملی پس از کشاورزی و صنعت که مستقیماً تولیدات ملی به آنها بستگی دارد آموزش و پرورش از اولویت برخوردار باشد .

منابع مالی و مادی باید بطور برابر در سطح کشور تقسیم شود بطوریکه نا برابریهای موجود تعدیل گردد و افراد جامعه منصفانه از این سرمایه گذاریها بهره‌مند شوند . در اینجا عدم تمرکز دستگاه اجرائی آموزش و پرورش و ایجاد نهادهای تصمیم گیری مستقل در مناطق برای امر آموزش و پرورش میتواند موثر باشند و دولت مرکزی نقش ستادی را ایفا نماید و وظایف اجرائی و توسعه آموزش و پرورش در هر استان باید به نهادهای تصمیم گیری در آن استان واگذار شود .

۳- کلیه فعالیتهای اجتماعی بدرجات مختلف با امر آموزش و پرورش ارتباط پیدا میکنند و میتوان گفت که آموزش و پرورش نقش کلیدی و اساسی را در یک جامعه متمدن با فرهنگ دارد و بدون آموزش و پرورش با کیفیت بالا نمیتوان سطح زندگی و فرهنگ را در جامعه در حد مطلوب نگهداشت . بطوریکه بعضی تصور میکنند که برای پیشبرد مقاصد تولیدی و خدماتی و فرهنگی در یک جامعه اولویت اول بایست به آموزش و پرورش داده شود .

۲- ۴۴۱- ویژگیهای وضع موجود

۱- امکانات مادی

الف- ساختمانها و تاسیسات و تجهیزات آموزشی بطور کلی در تمام سطوح ناکافی است و از کمیت و کیفیت کافی برخوردار نیست .

ب- مخارج سرانه آموزش در ایران بخصوص در آموزش ابتدائی ، متوسطه و فنی و حرفه‌های نسبت به آموزش عالی در ایران و آموزشهای مشابه در سایر کشورها در سطحی پائین قرار دارد .

پ- امکانات و تسهیلات در نقاط مختلف کشور و حتی در داخل شهرها بطور نا برابر تقسیم شده است .

ت- امکانات موجود تمام افراد واجب‌التعلیم و متقاضیان آموزش را نمی‌پوشاند .

۲- معلم

الف- شغل معلمی در تمام سطوح آموزش از لحاظ منزلت اجتماعی و رفاه مادی جاذب نیست و در نتیجه بهترین و شایسته‌ترین افراد به این حرفه روی نمی‌آورند . عدم تعادل شدید در توزیع معلم ، فقدان نظام کنترل و ارزشیابی ، پیدایش روح بی‌اعتنائی نسبت به مسئولیت‌ها و در مجموع کم کاری ظاهری و بنیادی معلمان و درپاره‌ای موارد احتمالاً " نبود تقوی و کمبود مهارت و تخصص و بی‌کارگی معلمان از مسائل مهم مبتلا به آموزش و پرورش کشور میباشد .

ب - امکانات کمی و کیفی تربیت معلم همگام با گسترش نیازهای کشورهای کشور به این حرفه. در سطوح مختلف بوجود نیامده است .
 پ - از نظر کمی در تمام سطوح کمبود معلم و مدرس وجود دارد .

۳ - برنامه‌ها و محتوای آموزشی

الف - در دوره هشت ساله آموزش همگانی بویژه در دوره سه ساله راهنمایی تاکید لازم بر تسلط بر خواندن ، نوشتن و حساب کردن که قابلیت های اساسی لازم برای شرکت موثر در امور اجتماعی است پائین تر از سطح قابل قبول است .

ب - پرورش بدن و افزایش قابلیت های جسمی که باید قسمت عمده ای از برنامه های دوره هشت ساله عمومی و دبیرستانی را تشکیل دهد بعلاوه اینکه برنامه نادرست و امکانات ساختمانی و تاسیساتی ناکافی است انجام نمیگیرد .

پ - برنامه های دبیرستانها بطور کلی صرفاً " متوجه آماده سازی برای ورود به دانشگاههاست در حالیکه در صدمهمی از گروه سنی دبیرستانی باید برای مشاغل و حرفی تربیت شده و وارد بازار کار شوند و فقط درصد معینی از این گروه سنی برای ادامه تحصیلات در دانشگاه آماده شوند .

ت - دوره هشت ساله عمومی و دبیرستانی نقش لازم مربوط به پرورش شخصیت ، ایمان ، اتکاء به نفس که زیربنای تربیتی افراد در یک جامعه سالم است را ایفا نمیکند .

ث - کیفیت علمی بویژه در دوره دانشگاهی و در سطوح بالاتر از لیسانس که پرورش دهنده افراد متفکر و دانشمند جامعه است بعلاوه عدم درگیری اساتید به پژوهش و تولید علوم و فنون که ناشی از نبود انگیزه کافی ، ضعف برنامه ریزی و غیره بوده با کمبودهای شدیدی روبروست که طبیعتاً " روی پائین بودن کیفیت تربیت معلم در سطوح مختلف و بخصوص مدرسین دانشگاهی و خود اتکائی کشور به نیروی انسانی اثر گذاشته است .

۴ - تشکیلات و نظام آموزشی

الف - نظام کنونی بر اساس تمرکز شدید تصمیم گیری و اجرائی استوار است که خود موجب بسیاری از نارسائیها از جمله نابرابری امکانات در سطح کشور ، تسلط نظام دیوانسالاری و میدان ندادن به ابتکارات فردی و منطقه ای و حیف و میل منابع مالی گردیده است .

ب - بیشترین اشکال در نظام آموزشی در دوره راهنمایی و چهار ساله دبیرستان (اعم از نظری و فنی و حرفه ای) موجود است . در این دوره ها کمبود شدید معلم واجد شرایط ، و سائسل و تجهیزات کافی و مشاورین تربیتی مانع از تحقق هدفها و مقاصد منطقی آن گردیده است .

پ - ارزشهای مسلط بر جامعه و پاداش های مالی و قوانین استخدامی کشور طوری تنظیم شده است که مردم را بسوی مدرک گزائی سوق داده است و این خود اثری انکار ناپذیر بر نظام و محتوای آموزش داشته است .

ت - مکانیسم معتبر و دقیق برای ارزیابی به منظور کشف جنبه های ضعف و قدرت نظام آموزشی و برنامه ریزی در سطوح مختلف آموزشی وجود ندارد .

ث - روش معتبر و دقیقی برای انتخاب، تربیت و یا تشویق و ترفیع معلمان (آموزگار، دبیر و یا استاد) با تقوی و دلسوز و فداکار وجود ندارد.

۳- ۴۴۱- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

۱- آموزش از لحاظ کیفی تکیه بر ارزشهای اسلامی و انسانی داشته و منطقی فکر کردن، اتکال بخدا، داشتن قدرت تجزیه و تحلیل، احترام گذاشتن به شخصیت انسان و افکار دیگران، خدا پرستی و وطن دوستی و نظایر این ارزشها را که زیربنای فکری انسانی مستقل برای ساختن جامعه آزاد و مترقی است مورد تاکید قرار میدهد.

۲- کلیه اشخاصی که بنحوی با تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان چه بطور مستقیم (نظیر آموزگار، دبیر، استاد و غیره) و چه بطور غیر مستقیم (نظیر رادیو و تلویزیون، کتاب، روزنامه و مجله و غیره) در تماس هستند افرادی با تقوی و برخوردار از ارزشهای والای انسانی و اسلامی بوده و معتقد بر ساندن کشور بدرجهای از خودکفائی و خوداتکائی میباشند و میتوانند تقوی و ارزشهای اسلامی را در کودکان و جوانان تقویت کرده و قدرت خلاقیت، ابتکار و اعتماد بنفس را در آنان شکوفا سازند.

۳- آموزش عمومی از لحاظ کمی همافراد گروه سنی مربوط تا ۱۴ سالگی را دربر میگیرد. برای این منظور وسایل و ساختمانها و تجهیزات کافی وجود دارد تا از لحاظ کیفی توانائی کافی در نوجوانان را از لحاظ خواندن و نوشتن و حساب و اطلاعات عمومی ایجاد نماید.

۴- آموزش متوسطه بعد از آموزش عمومی در حد نیاز جامعه بدو منظور توسعه یافته است:

الف - برای فراگرفتن مهارت و شغل اکثر جوانان گروه سنی که در این شاخه تحصیل میکنند.

ب - برای فراگرفتن علوم، ادبیات، هنر و غیره جهت ورود به دانشگاه که به تعداد معین و مورد نیاز آموزش عالی صورت میگیرد.

۵- موه سسات آموزش عالی از لحاظ کمی و کیفی در جدی توسعه یافته اند که میتوانند نیازهای تربیت معلم، پزشک و مهندس و هیئت های پژوهشی و غیره را برآورده سازند.

۶- ورود به موه سسات آموزش عالی بر اساس داشتن تجربه عملی در یکی از حرفه های وابسته برشته تحصیلی مورد نظر (شرط لازم) و داشتن دانش علمی، ادبی، هنری لازم برای آن رشته (شرط کافی) و بخاطر رفع نیازهای مادی و یا معنوی داوطلبین و در رابطه با نیازهای کشور استوار میباید.

۷- اساتید موه سسات آموزش عالی علاوه بر برخورداری از معلومات کافی، خود تولیدکننده معلومات در سطح جهانی بوده و در حل مسائل اجتماع بنحوموه ثر درگیر میباشند.

۸- امکانات آموزش غیر رسمی در سطحی فراهم شده است که همه افراد کشور در همه نقاط میتوانند از آن بهره مند شوند.

۹- امکانات آموزش حین کار و یا آموزش و سایر انواع آموزشهای تکمیلی توسعه یافته و در دسترس همگان قرار گرفته است.

۱۰- سازوکار معتبر و دقیق ارزیابی معلمان، برنامه ریزی نظام و محتوای آموزشی در سطوح مختلف بوجود آمده است.

۱۱ - برنامه‌ریزی و اجرای کلیه برنامه‌های آموزش و پرورش هر استان (شامل ابتدائی ، راهنمائی ، متوسطه ، آموزش عالی وغیره) زیر نظر یک شورای آموزشی منتخب مردم آن استان انجام میشود .

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴ - ۴۴۱ - سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

۱ - تکمیل سازوکارهای شناسائی دقیق کمی و کیفی در همه سطوح و در همه زمینهها از عوامل مهم - برنامه ریزی و ارزیابی نظام آموزش و پرورش میباشد که براساس آن مطالعات و برنامه ریزی میان مدت و دراز مدت انجام خواهد گرفت .

۲ - نظام سیاست گذاری ، برنامه ریزی ، اجراء ، نظارت و ارزیابی و تحدید نظر در برنامهها از طریق نهادهای ستادی کارآ و نظام غیرمتمرکز اجرائی در آموزش و پرورش بوجود آید .

۳ - تربیت اخلاقی و مذهبی به صورت موثری که فرآیند آن رشد و اعتلای تقوای عمومی و ارزشهای انسانی و اسلامی باشد در برنامه‌های آموزش و پرورش گنجانده شود . در این مورد ارائه روش موثر که عملاً " به تهذیب اخلاق جوانان منتهی میشود اهمیت دارد نه اینکه در این زمینه شعار داده شود .

۴ - مقدمات تربیت معلم و استادکار فنی از طریق ایجاد شبکه وسیع انتخاب ، تربیت و نگهداری معلم در سطح کشور فراهم و این حرفه از طریق پاداشهای مادی و معنوی جاذب گردد .

۵ - آنچه بعنوان خدمات حنبی مدرسه برای شناخت استعدادها و علائق و هدایت آنها به جهت مطلوب برای دوره راهنمائی تحصیلی و بامباشرت مشاوران ملحوظ شده است در تمام مراحل تحصیلی معمول گردد و اصولاً " به معلمین و دیگر اولیاء مدرسه و همه دست اندرکاران تعلیم و تربیت محول گردد و چاره حوثی مسائل تحصیلی را متضمن باشد ، نه اینکه فقط برای دوره راهنمائی پیش بینی شود و گروه معدودی به عنوان مشاور در جریان آن باشند .

۶ - قوانین لازم به منظور تشویق جوانان به یادگیری حرف و مشاغل در سطح پائین تر از آموزش عالی از طریق تجدید نظر در نظام پاداشهای مادی و معنوی جامعه تدوین و ارزش قانونی مدارک تحصیلی برای قضاوت در مورد توانائیهای افراد لغو گردد . آثاری که بر مدرک تحصیلی مترتب است نظیر شرط ادا - تحصیل ، نظام وظیفه ، استخدام وغیره حذف و به مهارتها و توانائیهای وجودی افراد توجه شود . کارنامه حاوی سوابق تحصیلی و مهارتهای هر فرد جزئی از معیارهای داوری در مورد او باشد نه اصل آن .

۷ - مدارس حرفه‌ای منطبق با برنامه‌های توسعه و تکامل کشور گسترش یابد .

۸ - برنامه ریزی دقیق و حساب شده برای استفاده حداعلی از تاسیسات و امکانات موجود آموزشی از طریق استفاده چند منظوره از یک طرف و افزایش ساعات و دوره‌های اشتغال به آموزش در مدت شبانه روز انجام شود .

۹ - مقدمات بهسازی و بهتر کردن محتوای برنامه‌ها و مواد آموزشی فراهم گردد .

۱۰ - اصرار بر آنکه رشد کمی آموزش و پرورش بویژه در سطح متوسطه و عالی سریع باشد و کیفیت کار در اثر کمیت وسیع در درجه دوم اهمیت تلقی شود ، باید محدود گردد و کیفیت و اذیل بودن تعلیم و تربیت در سطح متوسطه و عالی مورد توجه قرار گیرد .

۱۱- برنامه لازم برای اجباری کردن تدریجی آموزش حرفه‌ای برای کلیه جوانانی که دوره آموزش همگانی را گذرانده و در نهایت علاقمند باشند با اشتغال در یکی از فعالیتهای اقتصادی نظیر کشاورزی، صنایع و خدمات هستند فراهم گردد. این جوانان پس از فراگرفتن حرفه مورد علاقه خود در یکی از واحدهای فوق الذکر استخدام شده و میتوانند در حین اشتغال بکار و کسب درآمد و تشکیل خانواده و در صورت احساس نیاز (مادی و یا معنوی) بفرآگرفتن مطالب علمی و ادبی ضروری برای ورود به دانشگاهها و مدارس عالی بپردازند و در مسابقات ورودی این مؤسسات شرکت نمایند.

۱۲- فعالیت در جهت غیر متمرکز کردن تشکیلات آموزش و پرورش و انطباق آن با سایر شبکه‌های خدماتی استانی و نظام سیاسی - اداری - منطقه‌ای کشور تشدید و تسریع گردد.

۱۳- طرحهایی جهت ایجاد ساختمانهای آموزشی و نگهداری و تعمیر آنچه موجود است و مدل‌های ساختمانی برای مناطق مختلف و سطوح آموزشی در کشور تهیه و این طرحها بطریق ضربتی و براساس تخصیص مرغوب‌ترین و مناسبترین محل در هر منطقه برای ساختمانها و تاسیسات آموزش و پرورش اجرا گردند.

۱۴- امکانات مادی آموزش و پرورش برابر با طریق تخصیص اعتبارات به نسبت جمعیت و از طریق اختصاص منابع مادی اضافی به مناطقی که تاکنون در محرومیت نسبی بوده‌اند بوجود آید.

۱۵- سازمانهایی که در حال حاضر در امر ساختن وسایل آموزشی و کمک آموزشی تخصص و فعالیت دارند تقویت و گسترش یافته بطوریکه بتوانند کلیه نیازهای مدارس را در اسرع وقت از این نظر تامین نمایند.

۱۶- نهادهای موجود دوره‌های فوق لیسانس و دکترا با توجه به تامین نیازهای رو به افزایش استادان دانشگاهها و مدارس عالی تقویت و گسترش یابند.

۵ - ۴۴۱ - سیاستهای میان مدت و درازمدت (مرحله دوم و سوم)

- ۱ - شناسائی و انتشار اطلاعات و آمار دقیق و مبسوط سالانه آموزش و پرورش کشور بعنوان منبع اطلاعاتی برنامه ریزان و تصمیم گیران بسط و گسترش یابد.
- ۲ - در قوانین استخدامی و اداری و مالی کشور بطوریکه ارزشهای اجتماعی و پاداش های مادی بر مبنای مهارت در انجام دادن کارها قرار گیرد تجدید نظر اساسی صورت گیرد.
- ۳ - نظام غیر متمرکز آموزش و پرورش در سطح مناطق کشور بسط و گسترش یابد.
- ۴ - طرحهای انتخاب و تربیت و نگهداری معلم در سطوح مختلف بطور گسترده در تمام کشور به میزانی که احتیاجات مناطق مختلف کشور در حد استانداردهای مورد قبول بین المللی برآورده شود بمورد اجرا گذاشته و یا گسترش یابد.
- ۵ - امکانات دسترسی به تعلیمات عمومی برای همه افراد گروه سنی ۶ تا ۱۴ ساله فراهم گردد.
- ۶ - داشتن تجربه عملی (مثلا "بمدت ۲ سال) علاوه بر معلومات نظری برای ورود به دوره‌های آموزش عالی در رشته‌های کشاورزی، صنعتی و خدمات تدریجاً "اجباری گردد".
- ۷ - ساختمانها و تاسیسات و تجهیزات آموزشی باید بعنوان اقدامات زیربنائی تلقی شوند و فوریت و اولویت لازم در برنامه‌های کلی کشور بآنها داده شود. در این جهت باید علاوه بر مدرسه سازی در سطح کشور و مناطق، مجموعه‌های آموزشی که از استحکام و فضای کافی برخوردار باشند در رابطه با ویژگیهای مناطق و

منطبق باشکده مراکز تجمع جمعیت در جامعه شهری و روستائی کشور بوجود آید . علاوه بر فعالیت‌های آموزشی ، این مراکز میتوانند محل فعالیت‌های اجتماعی ، فرهنگی ، ورزشی ، هنری و مذهبی برای مردم باشند .
۸- ادامه ، تقویت و گسترش دوره‌های فوق لیسانس و دکترا و بالا بردن کیفیت آن بطوریکه در کشور افراد محقق و استادان دانشگاه بحد کافی تربیت شوند و از این طریق به خودکفائی کشور در زمینه تربیت استادان و محققان و مدیران و هنرمندان و کادرفنی کمک شود .

۹- اقدامات مستمر در جهت از میان بردن نابرابری‌های موجود بین مناطق شهری و روستائی از یکطرف و محدوده‌های داخل شهرها از طرف دیگر از طریق تخصیص اعتبارات به نسبت جمعیت و همچنین اختصاص منابع مادی اضافی به مناطقی که تاکنون در محرومیت نسبی بوده‌اند صورت پذیرد .

۱۰- ارتباط بین تجربه عملی و نظری در هیئت آموزشی کلیه سطوح بخصوص آموزش عالی از طریق برقراری شرایط ترجیحی احراز مقام‌های آموزشی برای کسانیکه تجارب عملی مفید در زمینه رشته و حرفه خود دارند ایجاد گردد بطوریکه در نهایت یکی از شرایط ضروری برای احراز مقام استادی در مؤسسات آموزش عالی در رشته‌های کشاورزی ، صنایع و خدمات داشتن تجربه عملی (مثلا " بمدت ۴ سال) در رشته مربوطه باشد .

کشور ایران با توجه به موقعیت جغرافیائی، تنوع شرایط جوی و اکولوژیک اغلب در معرض انتشار بیماریهای گوناگون از منابع و کانونهای داخل و بیخارج از کشور بوده و هست. فقدان و یا محدودیت امکانات و تسهیلات بهداشتی و عدم بهره‌گیری منطقی و صحیح از آنها کنترل بیماریهای بومی و غیر بومی - رادشوار کرده و به حجم مسائل بهداشتی کشور افزوده است. پراکندگی مناطق روستائی، کمبود طرق ارتباطی بخصوص در مناطق روستائی، فقدان وسائل رفاهی و نیازمندیهای ابتدائی معیشت در مراکز پراکنده و کم جمعیت روستائی و شهری مشکلات خدمت رسانی از جمله تأمین خدمات بهداشت و درمان را افزایش داده است.

اجرای سیاستهای ضد مردمی بمنظور تأمین نیازهای سرمایه و صنایع وابسته امکانات محدود سرمایه‌گذاری خدمات رابه‌سوی شهرهای بزرگ سوق داده، تولید کشاورزی کشور را تحدید و کشت مواد غذایی مورد نیاز روستائیان را به نابودی کشاند. کاهش درآمد روستائیان کشور و نفوذ توسعه بازار کالاهای مصرفی وارداتی به مناطق روستائی با توجه به مشکلات و نارسائیهای توزیع از قدرت خرید و تهیه مواد غذایی روستائیان کاست و عملاً "برخلاف هیاهوی فراوان در مورد افزایش درآمد سرانه کشور میزان فقر غذایی و بیماریهای ناشی از آن به ویژه در مناطق روستائی و در گروههای کم بهره شهری بیشتر گردید.

با برخورداری از نیروی انسانی بالقوه توانا و مستعد و با اتکاء به ثروت‌های ملی و منابع طبیعی سرشار، امکان تأمین بهداشت و درمان در سطح مناسب و قابل مقایسه با کشورهای پیشرفته در سراسر کشور وجود دارد.

۲ - ۴۴۲ - ویژگیهای وضع موجود

۱ - میزان‌های حیاتی و بهداشتی

الف - میزان مرگ و میر کودکان (کمتر از یکسال) یکی از حساس‌ترین میزان‌های بهداشتی هر کشور بوده و بر اساس آخرین بررسی در مناطق روستائی بطور متوسط در حدود ۱۲۰ و در مناطق شهری در حدود ۶۲ در هزار برآورد گردیده است. میزان مرگ و میر کودکان در کشورهای پیشرفته جهان ۱۰ تا ۲۰ در هزار، و در کشورهای در حال توسعه که دارای شبکه بهداشتی نسبتاً "موثر میباشند کمتر از ۶۰ در هزار است.

ب - میزان امید زندگی در موقع تولد در آخرین داده‌های آماری برای مردان حدود ۵۵ و برای زنان ۵۶ سال ذکر گردیده است که میزان مزبور حدود ۱۰ تا ۲۰ سال کمتر از میزان مربوط به کشورهای توسعه یافته جهان است.

پ - اعتیاد به مواد مخدر که بخصوص در دهه اخیر با بعد بسیار گسترده‌ای یافته و هم‌اکنون قشور وسیعی از نسل جوان و نیروی کار کشور را فلج کرده است، تنها مسأله‌ای است که از ارجحیت و فوریت خاص برای اقدامات اساسی سریع همه‌جانبه اجتماعی و اقتصادی برخوردار می‌باشد.

ت - میزان تولد در جا معر روستائی در حدود ۴۸ و در جا معر شهری در حدود ۳۵ در هزار و بطور متوسط

نزدیک به ۴۰ در هزار در سطح کشور اعلام گردیده است که در ردیف بزرگترین میزان موالید در کشورهای جهان است و به همین علت حدود ۴۵ درصد از جمعیت در گروه‌های سنی کمتر از پانزده سال هستند. میزان سرریزی کشور اینک حدود ۹۶ درصد است در حالی که میزان اخیر در کشورهای توسعه یافته ۵۵، و در کشورهای در حال رشد جهان بطور متوسط ۷۹ درصد می‌باشد.

ث - بیماران مبتلا به بیماری‌های عفونی و انگلی بویژه بیماری‌های منتقله از طریق آب‌های آلوده در ایران بزرگترین گروه مراجع کنند به مراکز درمانی کشور را تشکیل می‌دهد. کمبود دسترسی به آب سالم بویژه در مناطق روستائی که کمتر از ۲۰ درصد جمعیت پوشش دارد یکی از دلایل عمده و فور بیماری‌های نامبرده است.

ج - بیماری‌های ناشی از کمبود کالری، پروتئین و ویتامین‌ها در گروه بیماری‌های تغذیه و متابولیک بزرگترین فراوانی را دارا هستند. با آنکه متوسط میزان مصرف کالری و پروتئین در ایران در حدود میزان متوسط جهانی است ولیکن کیفیت توزیع بسیار نامتعادل مواد غذایی و کمبود قدرت خرید گروه‌های وسیعی در کشور، بیماری‌های ناشی از کمبودهای غذایی دارای و فوری‌تری است. عملیات نمایی نظام گذشته در زمینه کمکی‌های مواد غذایی به دانش آموزان نه آنکه مفید فایده‌ای نگردید بلکه بخاطر محدودیت‌های تولید مواد غذایی در کشور، مشکلات و موانع فراوان در توزیع و نگهداری غذا و بالاخره سوء سیاست‌های اجرائی موجب ضایع گردیدن و هدر رفتن منابع محدود غذایی و کاهش دسترسی گروه وسیع تری از قشرهای کم درآمد جامعه به مواد غذایی مورد نیاز گردیده است. کم‌خونی‌ها که اکثر " ناشی از کمبود عوامل تغذیه‌ای و بیماری‌های انگلی است بیش از ۹۰ درصد بیماران مبتلا به بیماری‌های خـسـون و دستگامه‌ای خون ساز را تشکیل می‌دهد و فراوانی گروه بیماری‌های مزبور در بین مراجعین در رده پنجم قرار دارد.

چ - میزان شیوع بیماری سل حدود ۱۰ در هزار اعلام گردیده و در هر سال بطور متوسط ۲۰ هزار نفر بیمار جدید مبتلا به سل شناخته می‌شوند. مبارزه با این بیماری تا حدود و اکسیناسیون گروه‌های سنی آسیب پذیر انجام میشود ولیکن بیماری‌یابی و درمان موارد شناخته شده بعـلت ناتوانی شبکه درمانی بهداشتی کشور بسیار ناقص بوده و قابل توجه نمی‌باشد. مبارزه با بیماری سل اینک از مسائل اساسی و مهم بهداشتی کشور است.

ح - برای مبارزه و سپس ریشه‌کنی بیماری مالاریا اقدامات وسیع و پـر خـرجی انجام شده ولی بعـلت مشکلات فنی و اجرائی در قسمتی از کشور موفقیت آمیز نبوده و فقدان شبکه‌های گسترده و به هم پیوسته درمانی و بهداشتی حفظ دستاوردهای برنامه را دچار اشکال فراوان نموده است.

خ - بیماری‌های مقاربتی به سبب روابط اقتصادی و اجتماعی حاکم در حال گسترش بوده و کنترل آن بیش از پیش با مشکل مواجه گردیده است.

د - بیماری‌های مشترک انسان و دام نیز از مسائل بهداشتی مهم است که باید مورد توجه قرار گیرد.

ذ - بیماری‌های واگیر چشم، فلج اطفال، سرخک و غیره که اغلب دارای روش‌های موثر کنترل و پیشگیری می‌باشند هنوز مسائل مهم بهداشتی کشور را تشکیل می‌دهند.

۲ - میزان‌های خدماتی و تسهیلات

با آنکه همواره اولویت خدمات بهداشتی در برنامه‌ها و گفتار مسئولین مورد تاکید بوده است، فشـار

فوق العاده تقاضای خدمات درمانی که آنهم همیشه با کمبودهای فراوان روبرو بوده است، مانع از رشد بموقع شبکه مورد نیاز خدمات بهداشتی گردید. بطوریکه اغلب مراکز بهداشتی، تجهیزات و نیروی انسانی که بمنظور تقویت خدمات پیشگیری بوجود می آمد پس از چندی جذب خدمات درمانی میگردد و تنگناهای عرضه این خدمات روز بروز بطور نسبی افزایش می یافت. تا آنکه در سالهای اخیر، با سوء استفاده از نظر صحیح لزوم ارائه خدمات جامع و پیوسته هماهنگ بهداشت و درمان، اکثر مراکز بهداشت تجهیز شده کشور بصورت درمانگاهها و پلی کلینیکها برای عرضه خدمات درمانی آماده گردید. بطور کلی ارائه خدمات بهداشتی در زمینه کنترل برخی از بیماریهایی که دارای واکنش موثر بوده اند نسبتاً گسترده و رضایت بخش بوده است. بیماری آبله تقریباً در کشور ریشه کن گردید و یکی از موفقیت های اساسی خدمات بهداشتی کشور بوده است. عملیات واکسیناسیون نسبتاً وسیع در زمینه کزاز و دیفتری و سیاه سرفه از فراوانی این بیماریها به نسبت قابل توجهی کاسته است. مبارزه با سرخک که در سالهای اخیر آغاز گردیده توانسته است از میزان بروز و شیوع بیماری بکاهد. واکسیناسیون بیماری فلج اطفال موفقیت رضایت بخشی در کنترل بیماری داشته است

بعلت نارسائی شبکه خدمات واکسیناسیون ب - ث - ژ چون با عملیات بیماریابی و درمان موارد مشکوفه توأم نبوده اثر قاطعی در کاهش بیماری نداشته ولی برای کنترل نسبی بیماری موثر بوده است. واکسیناسیون کم اثر بر علیه بیماری وبا (التور) با آنکه نتایج مطلوبی ندارد ولیکن در دهها خیر قسمت وسیعی از نیروی انسانی و امکانات و تسهیلات بهداشتی کشور را بخود مشغول نمود و حتی به نارسائی های موجود شبکه های بهداشتی برای ارائه خدمات اساسی تراز خود است.

شبکه گسترده و موثر ریشه کنی مالاریا در قسمت اعظم کشور در عملیات خود موفق بوده است و از امکانات وسیع این شبکه برای سایر اقدامات بهداشتی از جمله اجرای واکسیناسیون های همگانی و ارائه خدمات دیگر بهداشتی بهره برداری گردید و اینک احتمالاً "تنها شبکه موثر موجود برای عرضه قسمتی از خدمات بهداشتی صحرائی کشور" میزان پوشش خدمات بهداشت مادر - کودک تقریباً "حدود ۳ درصد است. خدمات زایشگاهی منحصربه شهرهای بزرگ میباشند و دارای پوششی نزدیک به ۲۵ درصد است. عرضه خدمات آزمایشگاهی منحصربه است و اقدامات اخیر برای ایجاد امکانات محدود آزمایشگاهی در مراکز روستائی عقیم مانده است.

خدمات بهداشت محیط که با توجه به وفور بیماریهای عفونی و انگلی در ایران دارای بیشتر بودن اولویت است متأسفانه بعلت ناتوانی وزارت بهداشتی در اعمال مسؤلیت خود دارای نارسائی فوق العاده است. با آنکه در حدود ۸۰ درصد جمعیت شهری کشور آب لوله کشی استفاده مینمایند عملیات ضد عفونی آب اغلب مواجها نارسائی است. بیش از ۸۰ درصد جمعیت روستائی کشور فاقد آب سالم و بهداشتی هستند. در مورد بهداشتی و بی خطر نمودن فاضلاب های صنعتی اقدام موثری بعمل نیامده و کارخانجات آلوده نمودن آب، خاک و هوای مناطق شهری عوارض اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی بزرگی را موجب میگردند. احداث و اجرای طرحهای فاضلاب های شهری در مراحل ابتدائی متوقف گردیده و مناطق روستائی حتی در برنا مه های دراز مدت نیز به یوته فرا موشی سپرده شده است. کنترل مواد غذایی و ماکن عمومی بعلت نفوذ مالکین و دست اندرکاران در دستگاه اجرائی مربوطه (شهرداریها) محدود به تشریفات ظاهری است و فراوانی بیماریهای ناشی از آلودگی غذا و ماکن عمومی حتی در تهران مبین نارسائی نظام موجود است.

مبارزه با اعتیاد محدود و بیجا سازمانها و تشکیلات متعددی بوده است که عملاً "تحت نفوذ شبکه منتفذ سوداگران مرگ بوده و هستند و تعداد مبتلایان روز به روز در حال افزایش و گسترش است. مبارزه با بیماریهای روانی نیز محدود

به توزیع داروهای روان گردان بوده و فاقد نظام، برنامه و سازمان مورد احتیاج است. خدمات درمانی و بهداشتی سرپائی در کشور توزیع نامتعادلی دارد و میزان ارائه این خدمات در شهرها بمیزان چشمگیری بیشتر از روستاهاست. بطور کلی امکانات موجود جوابگوی کمتر از ۲۰ درصد تقاضای روستائیان است. توزیع امکانات بارشد در مناطق شهری نیز عادلانه نیست و شهرهای بزرگ و مناطق مرفه امکانات بیشتری را به خود جذب کرده اند.

ظرفیت خدمات بستری کشور در فروردین ۱۳۵۶ حدود ۵۴۰۰۰ تخت است، میزان اشغال تخت در سطح کشور کمتر از ۶ درصد میباشد. لازم است یادآوری و تاکید شود که توزیع تخت بسیار نامتعادل بوده بطوریکه گروههای مرفه شهری در مقام مقایسه با روستائیان بطور متوسط از خدمات بستری بیشتری بهره میگیرند. میزان متوسط بهره گیری از خدمات بستری در کشورهای پیشرفته بیش از ۲ روز در سال است. این میزان بطور متوسط برای ایران یک روز برآورد گردیده است.

تولید، واردات و توزیع دارو در اثر نفوذ سرمایه های خارجی و سرمایه داران وابسته از مشکلات عمده کشور است. هر نوع اقدام مثبتی در گذشته با مقاومت و تبلیغات گسترده عوامل نفوذ کوه از عدم رضایت مردم سوء استفاده میکرده اند بی اثر مانده است. در حال حاضر نزدیک به ۳۶۰۰ قلم دارو در سطح کشور مصرف میگردد که ۵۰ درصد آن وارداتی است. در حالی که تعداد داروهای مورد نیاز برابر برآورد سازمان بهداشت جهانی کمتر از ۳۰۰ قلم است. ولیکن نفوذ و قدرت سوداگران دارو مانع محدود کردن اقلام داروئی گردیده است. مسئله دارو در کشور با بهره گیری از جوان انقلابی و فروریختن نظام و مناسبات موجود قابل حل بوده و حائز اولویت ویژه است.

میزان پوشش بیمه درمانی در سطح کشور حدود ۲۸ درصد میباشد که با عناوین تامین اجتماعی، بیمه کارمندان و بیمه روستائیان سازمان یافته است. بیمه روستائیان در قدم های ابتدائی بعلت نبودن امکانات عرضه خدمت متوقف گردید و افزایش سریع جمعیت تحت پوشش بیمه (تامین اجتماعی و کارمندان) بدون گسترش کافی امکانات عرضه خدمات درمانی نارضائی موجود را تشدید نمود. بطوریکه نظام گذشته نیز با آنکه خود عامل نابسامانی خدمات گردیده بود برای تظاهر به اصلاح طلبی خود بلندگوی اعتراض وسیع را به دست گرفت و انفجار ناشی از عدم رضایت مردم را با انتقادات وسیع در کمیسیون ها و بازرسی های حکیم فرموده کنترل نمود که در این مختصر تجزیه و تحلیل آن مقدور نیست.

تعداد نیروی انسانی شاغل در خدمات بهداشت و درمان کشور اینک به از ۶۰ هزار نفر جمعیت اندکی بیش از ۲ نفر است، در حالی که تعداد مزبور در کشورهای پیشرفته جهان بین ۸ تا ۱۸ نفر میباشد. تعداد پزشکان شاغل در خدمات بهداشت و درمان کشور به از ۱/۴ نفر است که در کشورهای پیشرفته بیش از ۱/۵ نفر میباشد. بعبارت دیگر تعداد پزشکان کشور ۲۶ درصد و تعداد کل شاغلین بخش ۱۵ درصد تعداد لازم است و کمبود در نیروی انسانی غیر پزشک که تامین آن سهل تر است بیشتر بچشم میخورد. تعداد پزشکان فارغ التحصیل در هر سال حدود هشتصد نفر است. با توجه به میزان افزایش جمعیت و رشد تعداد پزشکان، کمبود پزشک در سالهای آتی نه آنکه جبران نخواهد شد بلکه احتمالاً " وخیم تر میگردد. توزیع پزشکان محدود کشور از نظر منطقه ای نیز بسیار نامتعادل است بطوریکه در حدود ۴۵ درصد پزشکان عمومی و نزدیک به ۷۰ درصد پزشکان متخصص در شهر تهران خدمت مینمایند. نسبت پزشک به جمعیت در تهران در حدود ده برابر تعداد پزشک به جمعیت در زنجان و ایلام است. نیروی انسانی ماهر از جمله پزشک علاقمندان

در محیطی که شرایط انجام کار فراهمتر و احتمال ارتقاء اطلاعات و مهارتش بیشتر و بالاخره امکانات رفاهی موجود است خدمت نماید. بنابراین گرایش فوق العاده پزشک برای خدمت در بیمارستان‌های مجهز که در شهرهای بزرگ مستقر میباشند پدیده‌ای کاملاً "طبیعی" است بخصوص آنکه برنامه آموزش پزشکی بیش از همه پزشک را برای خدمت در بیمارستان‌ها تربیت مینماید.

تعداد و توزیع دندان‌پزشکان تاحدودی وخیم تراست. به ازاء هر ۱۷۰۰۰ نفر جمعیت کشوری یک نفر دندان‌پزشک وجود دارد که ۵۳ درصد آن در تهران و بقیه غالباً "در شهرهای بزرگ و مراکز استان اشتغال دارند. ظرفیت کنونی مراکز آموزش دندان پزشکی حدود ۲۵۰ نفر فارغ التحصیل در سال است.

تعداد پرستاران شاغل حدود ۵۵۰۰ نفر است و به ازاء هر نفر پزشک ۰/۴ نفر پرستار خدمت مینماید در حالیکه در کشورهای پیشرفته جهان ۳ تا ۴ نفر پرستار به ازاء هر نفر پزشک اشتغال دارند. بمنظور جبران این کمبود شدید آموزش بهیاران از سالهای قبل شروع گردید که اینک تعداد شاغلین در گروه پرستاری (پرستار و بهیار و غیره) به ازاء هر نفر پزشک به ۱/۵ نفر رسانده است. اینک با توجه به کمبود شدید نسبی گروه پرستاری از وجود کمک بهیاران که دارای آموزش‌های کوتاه مدت ضمن خدمت میباشند استفاده میشود و شاید ناگزیر تا سالهای طولانی کمبود مزبور باید از همین طریق جبران گردد.

میزان کمبود در رده‌های تکنیسین‌ها به مراتب شدیدتر و ظرفیت‌های آموزشی موجود فوق العاده محدود تراست. توزیع نیروی انسانی فنی در خدمات بهداشت و درمان کشور از نظر درجات تحصیلی بدین ترتیب است: دکترا بالاتر ۲۵ درصد، لیسانس و فوق لیسانس ۲۰ درصد، دیپلمه و فوق دیپلم ۴۳ درصد و کمتر از دیپلم ۱۲ درصد است و بنظر میرسد که توزیع مطلوب در درازمدت با توجه به وضع اکولوژی و توزیع جمعیت به ترتیب در حدود ۱۰، ۳۰، ۵۰، ۱۰ درصد باشد.

توسعه نظام بیمه درمانی یکی از راههای ارزنده برای تامین مشارکت مردم برای هزینه‌های درمانی است. لیکن در جامعه‌ای که توزیع درآمد عادلانه نیست گروه‌های کم درآمد زیان می‌بینند. زیرا در نظام بیمه‌ای نمیتوان از کسی بعلت درآمد زیاد برای تامین هزینه دیگران طلب نمود و حداکثر پرداختی هر فرد صد در صد است. در چنین جامعه‌ای (با توزیع نامتعادل) یا باید سطح و حجم خدمات را متناسب با قدرت دریافتی بیمه تقلیل داد و یا آنکه میزان مشارکت دولت را در تامین هزینه‌های درمانی مناسب با عدم تعادل توزیع درآمد افزایش داد.

از نابسامانی‌های خدمات درمان و بهداشت کشور عرضه این خدمات توسط سازمان‌های متنوع و پراکنده بدون کوچکترین هماهنگی بوده است. بهمین علت امکانات محدود درمانی و بهداشتی کشور دارای کمترین بازدهی بوده و در زمانی که قسمت عظیمی از کشور فاقد کوچکترین تسهیلاتی بود در یک نقطه از طرف چندین سازمان درمانگاه یا تسهیلات و تاسیسات دیگر احداث میگردد.

۳-۴-۲- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

هدف نهائی خدمات بهداشت و درمان حفظ و ارتقاء سلامت جسم و روان و برخورداری مردم از محیط اجتماعی و زیستی مطلوب و بهبود کیفیت زندگی است که حصول هدفهای زیرین را ضروری مینماید:

- ۱- راهائی جامعه از ابتلا به بیماریهای واگیر که ریشه‌کنی و یا کنترل آنان از نظر فنی مقدور باشد.
- ۲- تامین محیط زیست مطلوب برای افراد جامعه و آب سالم و کنترل کامل عوامل آلوده کننده محیط.

- ۳- رهائی نسبی جامعه از بیماریهای ناشی از کار و عوامل قابل پیشگیری .
- ۴- تامین خدمات درمانی ، پیشگیری ، نوتوانی برای همه افراد جامعه از طریق توسعه و تعمیم کیفی و کمی شبکه خدماتی مطلوب بهداشت و درمان در هماهنگی با نظام مراکز جمعیتی کشور در جامعه شهری و روستائی .
- ۵- استقرار شبکه‌ها هم‌هنگ خدمات بهداشتی و درمانی با دیگر خدمات اجتماعی و زیربنائی همراه با پوشش کامل در جامعه که از نظر تامین نیروی انسانی (آموزش) و پژوهش خودکفا باشند .

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و درازمدت)

۴-۴۴۲- سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- خدمات پزشکان فارغ التحصیل در واحدهای مراکز بخش‌ها و مراکز خدماتی جامعه روستائی در شبکه خدمات بهداشتی و درمانی قبل از اخذ دیپلم دکترا و پروانه دائمی پزشکی به مدت سه یا چهار سال (که مدت مزبور تابع تعداد فارغ التحصیل و واحدهای خدماتی شبکه می باشد و در شرایط کنونی چهار سال محاسبه گردیده است) اجباری شود .
- ۲- ظرفیت‌های آموزشی کادرهای کمکی که حصول این هدف با آماده نمودن امکانات آموزشی در شبکه‌های خدماتی مطمئن تر و عملی تر می باشد توسعه یابند .
- ۳- در زمینه اعتیاد اقدامات همه جانبه زیر با استفاده از کلیه امکانات دستگاههای اجرایی دولت و نهادهای مردمی بصورت مؤثر بعمل آید :
 - الف- مطالعات لازم برای شناخت شدت ، میزان و گستردگی اعتیاد ، مناطق و گروههای سنی معتادان ، علل اجتماعی اعتیاد ، منابع خارجی و داخلی مواد مخدر منتج از فرآورده‌های کشاورزی و مواد صنعتی و چگونگی توزیع توسط افراد وابسته و شبکه‌های قاچاق انجام گیرد .
 - ب- مبارزه با قاچاق و عمال سودجو در همه زمینه‌ها بشدت آغاز گردد و از ورود مواد مخدر از خارج و توزیع مواد مخدر از منابع داخلی بشدت جلوگیری بعمل آید .
 - پ- با اعتیاد از طریق برنامه‌های آموزشی در مدارس ، دانشگاهها ، کارخانجات و کارگاهها و توسط رادیو و تلویزیون مبارزه شود .
 - ت- از تولید و توزیع مواد مخدر بصورت داروها و فرآورده‌های کشاورزی و مواد صنعتی بشدت جلوگیری شود .
- ۴- طرحهای ضربتی در جهت تامین آب مشروب سالم روستاها و آموزش روستائیان برای حفظ و نگهداری تاسیسات بهداشتی و نظافت اجرا و محیط زیست روستائیان که با استفاده از امکانات جهاد سازندگی مقدور است بهداشتی گردند .
- ۵- خدمات واکسیناسیون برای کنترل بیماریهایی که دارای واکسن موثر بوده و اینک مسئله مهم بهداشتی کشور را تشکیل میدهند تعمیم یابند . در این مورد نیز میتوان با تلفیق امکانات شبکه عملیاتی موجود و جهاد سازندگی موفقیت بیشتری را تضمین نمود .
- ۶- بیمارستانهای کوچک و متوسط در محدوددهای محلی و شهرهای متوسط و کوچک برای امکان عرضه خدمات تکمیلی و پشتیبانی برای واحدهای بهداشتی درمانی شبکه تکمیل و فوری تجهیز شوند .

۷- مراکز آموزشی فعال برای برنامه ریزی در زمینه آموزش پرسنل شاغل وجدیدالاستخدام برای آشنائی با نیازهای خدماتی شبکه از طریق تشکیل دوره‌های کوتاه مدت آموزشی، سمینار و تهیه نشریات آموزشی منظم تشکیل گردد.

۸- مرکز پژوهش با بهره گیری از نیروی انسانی مجرب در زمینه‌های پژوهش، برنامه ریزی و اجرائی برای تنظیم دقیق خطوط و سیاست‌های اجرائی در جهت موزون نمودن برنامه و طرحها برای رسیدن به هدفهای ذکر شده تشکیل و از درهم پاشیدگی و عقیم شدن امکانات موجود جلوگیری شود.

۹- تغییرات لازم در واحدهای موجود انجام و سازمانهای جدید برای ایجاد هماهنگی بین سازوکارهای متفاوت تصمیم گیری در زمینه بهداشت و درمان و شناسائی نیاز گروهها و مناطق مختلف کشور بمنظور تجهیز نمودن بخش آزاد دولتی برای پاسخگویی به این نیازها تاسیس گردد.

۱۰- سازوکار لازم برای تربیت نیروی انسانی کمکی برای توسعه خدمات پیشگیری بوجود آمده، برنامه‌های ضربتی تدوین و بمرحله اجرا درآید.

۱۱- برنامه‌های ویژه‌ای برای تامین سریع نیروی انسانی در مناطق روستائی و استقرار آنان در مراکز خدمت رسانی شبکه بهداشتی بمرحله اجرا درآید.

۱۲- نظام بهم پیوسته شبکه درمانی و بهداشتی کشور با در نظر گرفتن نیازهای کشور در سطح ملی، منطقه و محلی در چهارچوب تقسیمات سیاسی - اداری کشور (استان، شهرستان، شهر و بخش) و هماهنگ با نظام مراکز جمعیتی در جامعه شهری و روستائی طرح ریزی شده و اقدام در جهت استقرار آن آغاز گردد.

۵- ۴۴۲- سیاست‌های میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

۱- تامین اولویت ضروری خدمات بهداشت و درمان در برنامه‌های عمرانی در اجرای سرمایه گذاری‌های لازم برای جبران عقب ماندگیها و ساختن جامعه‌ای که افراد آن از سلامت جسم، روح و محیط اجتماعی مطلوب برخوردار گردند.

۲- عدم تمرکز در برنامه ریزی، اجرا و نظارت خدمات بهداشتی-درمانی با تفویض اختیارات و مسئولیتهای لازم به مناطق بهداری و بهزیستی با در نظر گرفتن نیازهای کشور در سطح ملی، منطقه و محلی در چهارچوب تقسیمات سیاسی - اداری کشور (استان، شهرستان، شهر و بخش) هماهنگ با نظام مراکز جمعیتی در جامعه شهری و روستائی صورت گیرد.

۳- تنظیم و تجهیز شبکه خدمات بهداشت و درمان هماهنگ با نظام مراکز جمعیتی شهری و روستائی بصورتیکه واحدهای مرکزی و بالاتر در هر مخدماتی تکمیل کننده خدمات واحدهای منطقه‌ای باشند و واحدهای محلی عرضه کننده خدمات عمومی تر و تعدیل کننده مراجعات به مراکز مجهز و اختصاصی تر گردند.

۴- کلیه مؤسسات ارائه کننده خدمات در شبکه یاد شده بمنظور امکان تامین فوری واحدهای خدماتی مورد نیاز در رابطه با نظام مراکز جمعیتی کشور هماهنگ گردد.

۵- ارائه خدمات هماهنگ و توأم بهداشت و درمان در شبکه تا امکان بهره گیری از تسهیلات درمانی با توجه به جهت تقاضای مردم در زمینه خدمات درمانی برای ارائه خدمات بهداشتی فراهم و خدمات بهداشتی نیز به طرف اصلاح و تکمیل خدمات درمانی سوق داده شود.

۶- محتوای آموزش رشته‌های گوناگون بهداشتی و درمانی با نیازهای خدماتی شبکه تدریجاً " هماهنگ گردد و در نهایت برای حصول کامل هدفها شبکه هماهنگ خدمات، آموزش، پژوهش، بهداشت و درمان بوجود آید که حل‌کننده مسائل مربوط به توزیع نیروی انسانی در مناطق و تعدیل‌کننده کیفی و کمی آن در هرم خدماتی میباشد.

۷- دولت در امر تولید، واردات و توزیع دارو در سراسر کشور هماهنگی و نظارت کامل را انجام دهد.

۸- مشارکت مردم در برنامه‌ریزی محلی شهر و روستا، نظارت بر اجرای برنامه‌ها از طریق ایجاد شوراهای بهداشتی و بهداشتی با شرکت نمایندگان انتخابی مردم و مسئولین اجرائی در سطوح مختلف بخش، شهرستان و استان جلب گردد.

۹- نظام شبکه ملی بهداشت و درمان که لزوماً " باید با نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور که در آن اولویت حقوق اجتماعی به حقوق فردی تحکیم شده است هماهنگ باشد و بتدریج استقرار یابد.

۱۰- برای بهبود توزیع نیروی انسانی و هماهنگ نمودن آموزش و پژوهش با خدمات مورد نیاز مراکز جمعیتی در جامعه شهری و روستائی فعالیت‌های آموزشی و بهداشت و درمان در شبکه خدمت رسانی تلفیق گردد.

۱۱- ظرفیت‌های آموزشی توسعه یافته و کیفیت و کمیت آن با نیازهای خدماتی و اصل متعادل نمودن نیروی انسانی در هرم خدماتی بهداشت و درمان متناسب گردد.

در اینجامنظور از تربیت بدنی آماده سازی جسمی همه افراد جامعه است بنحوی که نه تنها بتوانند از لحاظ فردی سالمتر و کارآتر باشند بلکه در سطح جامعه نیز در بخش های خدمات و تولیدات بنحوی موثرتری فعال باشند. علاوه بر این سلامت جسم این امکان را به افراد جامعه میدهد که بهتر فکر کنند که خود موجب ارتقاء کیفیت زندگی آنان خواهد گردید. دیگر آنکه چون بسیاری از فعالیت های مربوط به تربیت بدنی در محل های عمومی و ورزشگاهها و بطور دستجمعی انجام میگردد این امکان وجود دارد که بتوان از این محیطها برای تقویت روحیه همکاری و تعاون، اعتلاء نفس، کار دسته جمعی و سالم سازی روان افراد جامعه نیز استفاده کرد.

آنچه در این جا مورد توجه است قهرمان پروری بسبب گذشته که آنهم برای کسب پرستیژ ظاهر در میدانهای جهانی برای حکومت بوده است نیست بلکه در این معنا هدف سالم سازی جسم است که باید در سراسر نقاط کشور و در همه گروههای سنی تحقق یابد. مسلماً "اهمیت بازده اقتصادی سرمایه گذاری موثر در این بخش بحدی است که نه تنها از لحاظ بهداشتی و سالم سازی افراد جامعه بلکه به جهت ارتقاء کیفیت زندگی افراد جامعه و افزایش تولید و حذر از ضرر انحرافات اجتماعی قابل توجه میباشد.

البته همانطور که گذشت هدف از این برنامه مسابقه باغولهای جهان ورزش یعنی کشورهای نظیر آمریکا، شوروی، ژاپن و آلمان نیست و شاید هم در آینده نزدیک ما راپارای هموردی با آنان نباشد اما یک چنین برنامه ای در صورت مداومت موجب موفقیت چشمگیر در حدى بسیار بیشتر از گذشته در صحنه جهانی خواهد گردید.

ویژگیهای نظام تربیت بدنی در گذشته کشور را میتوان با توجه به خصوصیات زیر تشریح نمود:

- ۱- "قهرمان پروری" - آنهم بنحو تصنعی - یعنی تعدادی از افراد را به هر قیمت که شده بعنوان قهرمان پرورش دهند تا این افراد که غالباً "گزیده از میان تواناترین هم نبودند بنماینندگی از طرف کشور در میدانهای جهانی شرکت کنند. این "قهرمانان" ماهانه مبالغی از دربار بعنوان حق سفره و حق قهرمانی دریافت می کردند، حتی به مجلس هم راه می یافتند و بدون کنکور بدان نگاه می رفتند و بدین وسایل هر آنچه عزت نفس قهرمانی بود در ایشان نابود می کردند. در سطح کشور مسابقات بیشتر جنبه نمایشی و انحرافی داشت تا با جلب جوانان بسوی تماشای مسابقات و بوجود آوردن رقابت های مصنوعی میان تیمها - مجراهائی برای منحرف کردن جوانان از مسائل اساسی کشور ایجاد کنند.

- ۲- فساد - از سوی دیگر نه تنها کوشی در جهت سالم سازی محیط های ورزشی صورت نگرفته است بلکه عملاً "کوششهای در جهت آلوده کردن جوانان و کشاندن آنها به انواع فساد توسط برخی از مربیان و

دست‌اندرکاران که بخاطر ویژگیهای فساد اخلاق خود به سمت‌هائی گمارده شده بودند بعمل می‌آمدند . در نتیجه باشگاهها ومیدانهای ورزشی که خود میتوانست به‌عنوان مراکز اشاعه وتعالی خصائص عالی اخلاقی انسانها درآید تا حدودی مبدل بمراکز اشاعه فساد گردید .

علاوه بر انحراف‌های اخلاقی ، دزدی وچپاول بیت‌المال نیز در ورزش ایران رواج فراوان داشته است . اعزام تیم‌ها به مسابقات ورزشی ، تجهیز باشگاههای کشور و ساختن مجتمع‌های ورزشی بهترین بهانه برای سوءاستفاده بشمار می‌رفته است . به‌عنوان یک نمونه ورزشگاه جنوب شرقی تهران قابل ذکر است که ابتدا ۲۵۰ میلیون ریال هزینه ساختن آن برآورد شد و بعد در شرایطی که ناقص بود هزینه آن به ۳۵۰ میلیون ریال رسید و وقتی سازمان تربیت بدنی وسازمان برنامه مدیدند که ورزشگاه قابل استفاده نیست ، ۱۰۰۰ میلیون ریال دیگر به همان شرکت سازنده دادند که برپایه‌های لرزان آن سیمان تزریق کند و حالاهم بنظر متخصصان این ورزشگاه قابل استفاده نیست .

یکی دیگر از نشانه‌های فساد کمیته ملی المپیک بود . از بودجه این کمیته که بخشی از ارگانهای دربار بود سفرهای درباریان تامین میشد . بخاطر وابستگی به دربار این کمیته دست بکارهایی میزد که از وظیفه اصلی اش خارج بود و هرکس بمیزان وابستگی اش از این کمیته سود می‌برد . این کمیته چنان وسعت یافته بود که از سازمان تربیت بدنی هم وسیع‌تر شده بود . گروهی را به بهانه‌های مختلف بی جهت بمسابقات بین‌المللی میفرستادند و علیرغم هزینه‌های سرسام‌آور این مسافرت‌ها ورزشکاران ایران در بازیها از نامرتب‌ترین و بی‌هدف‌ترین ورزشکاران بودند .

۳- تبعیض - با توجه به این که نظام ورزشی کشور با چشم داشت به هدف‌های خاص خود کامگی نیاز به افراد با ویژگیهای خاصی داشت ، انتخاب افراد نیز با توجه به این ویژگیها انجام میشد و افرادی که دارای روحیات جوانمردی ، علو طبع واستقلال فکری بودند غالبا " دفع گردیده و در بسیاری از موارد افرادی که فساد پذیرتر بودند راه می‌یافتند . البته این بدان معنا نیست که همه ورزشکاران فاسد بودند بلکه مراد در این جا بیان روحیه غالب است .

۴- دوگانگی - خصوصیت دیگر تربیت بدنی در گذشته این بوده است که بیشتر امکانات ورزشی در شهرهای بزرگ و درجه یک کشور بویژه تهران استقرار یافته و دیگر شهرها و روستاها تقریبا " بی نصیب بوده‌اند . بدین ترتیب استعداد‌های ورزشی قشر اعظم افراد کشور پرورش نیافته مانده که نه تنها انتخاب بهترین رادرمیدانهای کشور غیر ممکن میساخت ورقابت راتنها میمان معدودی افراد میداد بلکه مهمترین آن بود که ورزش را به‌عنوان عامل اساسی بهداشت وسالم سازی محیط تقریبا " بکار نمیگرفت . علاوه بر این حتی در شهرهای بزرگ هم امکانات ورزشی بطور نامساوی تقسیم شده وعده بسیار کمی امکان دسترسی به آنها را داشتند .

۵- اهمیت ندادن به ورزش - بطور کلی رژیم گذشته به ورزش به‌عنوان وسیله سالم سازی محیط وتزکیه نفس وار تقاء بهداشت توجهی نداشته واهمیتی نمی‌داده است بلکه از آن تنها برای ارضاء خود خواهی‌های خاندان سلطنت وسرگرم نگه داشتن و مشغول داشتن جوانان ودور داشتن آنان از مسائل اساسی سیاست واجتماع کشور استفاده میشد . در واقع رژیم گذشته بیشتر جوانان را از طریق رادیو وتلوویزیون ومسابقات ورزشی سرگرم وبه مسائل انحرافی می‌کشاند و هرگز اقدامی جدی برای تامین وسایل ورزشی برای جوانان کشور بعمل نمی‌آورد .

۶- بلندپروازی و نمایش - در عین وجود نقصان های اساسی و کمبودهای آشکار در زمینه توزیع امکانات ورزشی و اشاعه فساد و تبعیض در محیط ورزش، فشارهای زیادی بر تیمهای ورزشی کشور برای کسب قهرمانی در سطح جهانی از طریق تهدید و تطمیع که مغایر با موازین ورزشکاری است اعمال میگردد، که تنها میتوان آنرا ناشی از بلندپروازی های خاندان سلطنت که سرپرستی امور ورزش را مانند سایر چیزها به عهده داشتند و کوشش سایر مسئولان برای جلب رضامندی آنان دانست. بدین خاطر است که بیشترین کوشش و بهترین وقت گروهی از ورزشکاران، جوانان، دانشآموزان، ارتشیان، و کارگران کشور برای تمرین های رژه در جشن های فرمایشی به هدومی رفت و از این همه کوشش فایده ای بر نمی بستند.

نتایج این چنین بلندپروازیها در مسابقات المپیک گذشته ناکامی های قهرمانان ایران حتی در مسابقات کشتی و وزنه برداری که قبلاً " در دنیا صاحب مقام بودند آشکار است. نشانه دیگر بلندپروازی را میتوان در ساختن مجتمع المپیک دید در کشوری که در غالب شهرهای آن هنوز امکانات ورزشی در سطح حداقل وجود ندارد ساختن این مجتمع که با هزینه آن امکان ساختن لااقل یکصد مجتمع ارزان قیمت در نقاط مختلف کشور وجود داشت گناهی نابخشودنی است.

۳- ۴۴۳- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

- ۱- دسترسی به امکانات ورزشی مطلوب برای همگان بطوریکسان در همه نقاط کشور فراهم می باشد.
- ۲- افراد کشور در هر موقع سنی و شغلی و در همه نقاط با اصول اساسی تربیت بدنی آشنا هستند و هر یک بفرخور حال خویش از ورزشهایی که برای بهبود بهداشت وی مناسب است بهره می جوید و از سلامت خویش لذت می برد.
- ۳- امور ورزش با مشارکت مردم و کمک و نظارت دولت انجام میگردد. یعنی مردم در کار سرمایه گذاری در ایجاد باشگاههای ورزشی، ورزشگاههای اختصاصی، نگاهداری تیمهای ورزشی از یکسو و مشارکت در پیشبرد امر تربیت بدنی در آموزشگاهها، دانشگاهها، کارخانهها تشویق می شوند و نقش دولت در هر زمینه محیط سازی و رفع کمبودهاست.
- ۴- توسعه ورزش در حد مطلوب هزینه های بهداشتی کشور را به حداقل تقلیل داده است.
- ۵- علاوه بر سالم سازی فردی، ورزش بعنوان یک سرگرمی ملی در وسیعترین ابعاد توسعه یافته و از محیط های ورزشی و بازی های دستجمعی برای اشاعه اصول جوانمردی و ارزشهای پسندیده اخلاق انسانی حداکثر استفاده میشود.

سیاست ها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴- ۴۴۳- سیاست های کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- آموزش ب مردم از طریق رادیو و تلویزیون و مطبوعات درباره مفهوم ورزش، تاثیر آن بر سلامت جسم و روان و چگونگی ورزش با استفاده از حداقل امکانات آغاز گردد.
- ۲- مؤسسات آموزش تربیت بدنی موجود تقویت گردیده و دانشسراها و سازمانهای حرفه ای برای تربیت مربی، دبیر و استاد در رشته تربیت بدنی ایجاد گردند.

- ۳- در همه نقاط شهری و روستائی در جوار دبستانها، مدارس راهنمائی و دبیرستانهای کشور با استفاده از امکانات شهرداریها و قانون زمینهای موات زمینهای ورزشی کم خرج نظیر والیبال، بسکتبال، فوتبال و دوومیدانی ایجاد گردد و برنامههای تربیت بدنی در مدارس تقویت گردند.
- ۴- از ورزشکاران با سابقه که دارای صلاحیت اخلاقی هستند برای جبران کمبود معلم تربیت بدنی دعوت شود که سرپرستی امور ورزشی این موسسات را برعهده گیرند.
- ۵- در هر استان لااقل یک مجتمع ورزشی اساسی ولی غیر لوکس مرکب از میدانهای ورزشی، دوومیدانی سالنهای سرپوشیده برای استخر شنا و سایر ورزشهایی که باید در نقاط سردسیر در داخل سالن انجام گردد ساخته شود.
- ۶- در شهرهای درجه دو و سه در رابطه با مراکز جمعیتی زمینهای لازم برای ساختن این مجتمعهای ورزشی تخصیص یابد.
- ۷- مسابقات ورزشی میان مدارس و اهالی روستاها و شهرهای کوچک تشویق شود.
- ۸- مسابقات ورزشهای باستانی نظیر کشتی برگزار گردد.
- ۹- از تاسیسات و امکانات موجود ورزشی مراقبت و حفاظت لازم بعمل آید و مردم به سرمایه گذاری و مشارکت در توسعه امکانات ورزشی و منزه نگه داشتن محیط ورزشی تشویق گردند.

۵- ۴۴۳- سیاستهای میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

- ۱- آموزش بمردم درباره سلامت بدنی و اهمیت ورزش از طریق رسانه های همگانی ادامه یابد.
- ۲- برنامه های کوتاه مدت آموزشی برای ورزشکاران با سابقه بمنظور آموزش اصول علم تربیت بدنی به آنان ایجاد گردد و از ایشان بعنوان معلمین تربیت بدنی استفاده شود.
- ۳- تقویت برنامه های تربیت بدنی در مدارس و آموزشگاههای کشور و در میان کارگران و کارمندان و همسفران اقشار ادامه یابد.
- ۴- مجتمع های ورزشی مرکب از میدانهای ورزشی، امکانات دوومیدانی، استخرهای سرپوشیده و سرباز، سالن های ژیمناستیک، کشتی و وزنه برداری در کلیه شهرها و مراکز روستائی ساخته شود.
- ۵- ورزشهای باستانی و بازیهای قدیمی که در روستاهای کشور زمینه دارند نظیر راسب دوانی، کشتی، تیراندازی و غیره احیا و توسعه یابند.
- ۶- استفاده حداکثر از ورزشها و مسابقات برای تعالی ارزشهای اخلاق انسانی و تقویت روحیه تعاون و همکاری میان مردم و تشویق میهن دوستی بعمل آید.
- ۷- ورزشهای مناسب بین میانسالان و سالمندان برای بالا بردن بهداشت و سالم سازی آنان از طریق برنامه های رادیو و تلویزیونی، مقالات و فراهم آوردن امکانات گسترش یابد.
- ۸- نگهداری و مراقبت از امکانات ورزشی بطور مستمر انجام یابد و سرمایه گذاری و مشارکت مردم در توسعه امکانات ورزشی و منزه نگه داشتن محیط ورزش بصورت مستمر نهادی گردد.

بازرگانی میتواند نقش موثری در گسترش کار و تخصیص منابع بر اساس مزیت نسبی و بهره برداری بهینه از خصوصیات اقتصادی هر منطقه از کشور را داشته باشد . در این جهت بازرگانی صحیح نه تنها میتواند در ایجاد پیوندهای سالم میان مناطق مختلف کشور موثر باشد بلکه میتواند توزیع خدمات و کالاهای را بین شهر و روستا تسهیل بخشد . علاوه بر اینها در بخش صنعتی بازرگانی داخلی و خارجی نقش اساسی در فراهم آوردن مواد اولیه ، ابزار کار و تخصص قبل از تولید و بازاریابی و توزیع فرآوردهها را بعد از تولید بر عهده دارد . در بخش کشاورزی نیاز به خدمات بازرگانی حتی از فوریت بیشتری برخوردار است .

در گذشته بخاطر اینکه سیاست اقتصادی در جهت بیشتر وابسته کردن کشور بخارج و از میان بردن توان تولید عمل مینموده ، خدمات بازرگانی نیز در جهت توسعه شبکه توزیع مواد مصرفی وارداتی تقویت گردیده است . از سوی دیگر این شبکههای توزیع با توجه به ضعف نظام تولید و توزیع در مناطق روابط بازرگانی سنتی را شدیداً تحت تاثیر قرار داده اند که خود عملاً " موجب انقراض بازرگانی در داخل مناطق شده است . عدم وجود راههای مناسب بخصوص پائین بودن قیمت فرآوردههای کشاورزی و ضعفهای نظام استاندارد ، بسته بندی ، نگهداری و توزیع کالاهای نیز از جمله محدودیتهای اصلی بازرگانی داخلی بشمار میرود .

با توجه به نیاز کشور به خود اتکائی در زمینه تولیدات و خدمات و امکانات گستردهای که تنوع اقلیمی ، غنای سرزمین و آمادگی مردم برای فعالیتهای تولیدی عرضه میدارد وجود یک سیاست عقلانی بازرگانی داخلی و خارجی میتواند نقش اساسی در احیاء و بازسازی اقتصادی کشور داشته باشد .

۲ - ۴۴۴ - ویژگیهای وضع موجود

- ۱- واردات عمدتاً " در دست تعداد قلیلی تاجروما بیندگیها و انحصارگران داخلی و خارجی است .
- ۲- در بازرگانی داخلی سرمایههای بزرگ ، اطلاعات و ارتباطات بازرگانی و عمده فروشی کالا در کنتراول معدودی تجار بزرگ میباشد که غالباً " در تهران گردآمده اند و این تمرکز باعث احتکار ، سود جوئی و کمبودهای ساختگی میباشد .
- ۳- وابستگی مفرط مالی تولیدکنندگان به سلف خران ، و خرده فروشان به واسطه های غیر مولد عامل اصلی اجحاف به تولیدکنندگان و مصرف کنندگان میباشد .
- ۴- کمک مالی بیش از حد دولت (سابسید) برای برخی از کالاهای مصرفی باعث مصرف بی رویه این کالاهای در مواقعی خروج غیر مجاز آنها از کشور میگردد .
- ۵- تعداد دو احوای غیر اقتصادی خرده فروشی و نارسائی خدمات ضمن فروش باعث هدر رفتن سرمایه ها و کالاهای و نیروی انسانی میگردد .
- ۶- عدم وجود خدمات پس از فروش بصرف کنندگان باعث نارضائی مردم و تلف شدن کالاهای مصرفی قابل

تعمیر میگردد .

۷- صادرات کشور بیشتر بر یک محصول (نفت خام) تکیه دارد ، حجم سایر مواد صادراتی ناچیز بوده و شامل مواد خام کشاورزی و معدنی با ارزش افزوده بسیار کم میگردد .

۸- تغییرات موقعیت مالی و اعتباری بازرگانی بعد از انقلاب ناشی از موارد زیر میباشد :

الف - عدم پرداخت بدهیها .

ب - تغییر سیستم اعتباری (ملی شدن بانکها) .

پ - مقررات جدید ارزی .

ت - مقررات جدید ثبت سفارش .

۸- مسائل و مشکلات بازرگانی در دوران بعد از انقلاب ناشی از عوامل زیر میباشد .

الف - عدم اعتماد به اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور .

ب - تیرگی روابط سیاسی با برخی از کشورهای صادرکننده کالا و عدم اعتماد فروشندگان خارجی به اوضاع سیاسی ایران .

پ - مقررات و تشریفات دست و پاگیر گمرکی .

ت - عدم کنترل وزارت بازرگانی بر روی برخی از کالاهای وارداتی و صادراتی که از طریق بنادر و مرزهای کشور بطور غیرمجاز وارد و یا صادر میگرددند .

ث - نوسانات در مقررات بازرگانی بعلمت عدم ثبات اقتصادی و اجتماعی .

ج - عدم وجود هماهنگی بین سیاستهای بازرگانی و سیاستهای توسعه اقتصادی کشور .

۳-۴۴۴- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

۱- توسعه اقتصادی مناطق مختلف کشور بر مبنای استفاده بهینه از منابع و امکانات محلی و عوامل تولید انجام گرفته و بازرگانی داخلی بر اساس این مزیت های نسبی مناطق استوار گردیده و به رشد اقتصادی کشور کمک میکند .

۲- استقلال نسبی اقتصادی در بخش بازرگانی خارجی برقرار گردیده بطوریکه اقتصاد داخلی از نوسانات دوره های کشورهای سرمایه داری و تغییرات کیفی کالاهای کشورهای سوسیالیستی از طریق بازرگانی خارجی حتی الامکان آسیب ناپذیر میباشد .

۳- بمنظور شکستن انحصارهای موجود بازرگانی بین المللی و رسیدن به استقلال نسبی اقتصادی و درجهت کمک به رشد اقتصادی منطقه ای ، ایجاد همکاریهای بازرگانی مشترک (بازارهای مشترک) با کشورهای اسلامی و همجوار و کشورهای دنیای سوم که مناسبات دوستانه و تفاهم نسبت به انقلاب اسلامی ایران داشته باشند از اولویت خاصی برخوردار است .

۴- شرکتهای بازرگانی مردمی تمام امور مربوط به واردات و صادرات و عمده فروشی داخلی کشور را عهده دار بوده و انحصارهای داخلی و خارجی و واسطه های غیرمولد در این زمینهها بطور کلی حذف گردیده اند .

کلیه معاملات داخلی و خارجی در مراحل سفارش ، خرید ، اظهار ، ترخیص و فروش مبتنی بر اصول اسلامی میباشد . روابط انسانی (غیراستثمار) در محیط کار حکم فرما بوده ارزش کار هر فرد بر مبنای توان فکری و جسمی و عملکرد او میباشد .

- ۵- صادرات کشور متنوع بوده و انواع کالاهای صنعتی، کشاورزی و خدمات را در بر میگیرد. نیازهای وارداتی از کشورهای مختلف جهان با توجه به مرغوبیت و بهای کالاتا مین میگردد.
- ۶- کالاها از کیفیت بالائی برخوردار بوده و خدمات پس از فروش مربوط به نگهداری و تعمیر وسایل بنحو احسن ارائه میشود، بطوریکه حداکثر استفاده از کالاها بعمل آمده و از اسراف جلوگیری میشود.
- ۷- سیستم گمرکی و تعرفه توسعه یافته بطوریکه ترخیص و توزیع کالاها با صرف حداقل وقت و هزینه انجام میگردد. امکانات نگهداری و تخلیه و بارگیری کالاها در بنادر و مرزهای بازرگانی کشور بطور مطلوب مهیا گردیده است.
- ۹- شبکه‌های اعتباری و بیمه‌های بازرگانی متناسب با نیازهای کشور ایجاد گردیده است.
- ۱۰- محصولات وابسته‌بندی‌ها استاندارد شده و اطلاعات کافی برای مصرف‌کنندگان نهائی و واسطه‌ای وجود دارد.

سیاست‌ها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴ - ۴۴۴ - سیاست‌های کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- جمع‌آوری و تمرکز آمار و اطلاعات مربوط به تولید، توزیع خدمات بازرگانی داخلی و خارجی انجام پذیرفته و نسبت به ایجاد مراکز تبادل و اطلاعات بازرگانی و اقتصادی در تمام مناطق و در سطوح مختلف تقسیمات کشور بخصوص در جهت پشتیبانی از فعالیتهای مردمی اقدام گردد.
- ۲- مقدمات تخصصی کردن مناطق کشور در زمینه‌های مربوط به بازرگانی داخلی به منظور بهره‌برداری بهینه از خصوصیات هر منطقه فراهم گردد.
- ۳- تغییرات لازم در سیاست‌ها و قوانین بازرگانی خارجی از قبیل اعمال تعرفه‌های گمرکی، سود بازرگانی و تعیین سهمیه بمنظور تشویق و حمایت از واردات مواد اولیه برای تولید کالاهای مصرفی و واسطه‌ای بجای واردات این نوع کالاها انجام شود و نسبت به ایجاد صنایع و خدماتی که مصرف‌کننده تولیدات صنایع واسطه‌ای داخلی میباشد در جهت گسترش و تحکیم پیوندهای تولیدی صنایع داخلی اقدام گردد.
- ۴- بمنظور گسترش بازرگانی داخلی اقدامات اولیه در جهت ارتباط منظم بین شهر و روستا با توجه به احتیاجات اقتصادی هر منطقه انجام گیرد.
- ۵- سیاست‌ها و قوانین بازرگانی داخلی و سازماندهی آن مطالعه و تدوین گردیده و به اجرا درآید.
- ۶- موجبات گسترش صادرات محصولات غیر نفتی در بخشهای مختلف اقتصادی پس از تأمین احتیاجات بازارهای داخلی فراهم گردد.
- ۷- بمنظور احداث هر چه بیشتر واحدهای تبدیلی مواد خام صادراتی در جهت بالابردن ارزش افزوده مواد مذکور بررسی‌های لازم انجام شود و سیاست‌های مناسب تدوین گردیده و به اجرا درآید.
- ۸- مطالعه و شناسائی وابستگی‌های تجارت خارجی و تدوین سیاست‌های لازم در جهت کاهش وابستگی‌ها انجام گیرد.
- ۹- سیاست‌های بازرگانی در جهت محدود نمودن واردات کالاهای غیر ضروری و تجملی اعمال گردد.

۱۰- همزمان با کوشش همه جانبه در بالا بردن کیفیت تولیدات داخلی آموزش مردم در جهت احتراز از اسراف ، تبذیر و تجمل ، تشویق برای استفاده بیشتر از کالاهای ایرانی بمنظور افزایش تولیدات داخلی شروع گردد .

۱۱- برای ازمیان بردن سلف خران و واسطه های غیرمولد اقدامات لازم در جهت تامین نیازهای مالی تولیدکنندگان و خرده فروشان صورت گیرد .

۱۲- کمک مالی دولت (سانسید) برای کالاهای خدمات مصرفی بتدریج ازمیان برداشته شود .

۱۳- رسانه های همگانی برای اعلام قیمت های خرده فروشی و عمده فروشی بمنظور آگاه نمودن مصرف کنندگان و دست اندرکاران مورد استفاده قرار گیرند .

۱۴- قوانین و آئین نامه های شرکت های مردمی (تعاونی) خدمات بازرگانی تدوین گردد .

۱۵- مقدمات ایجاد شرکت های مردمی (تعاونی) خدمات بازرگانی در جامعه شهری و روستائی با توجه به اهداف مرحله مطلوب فراهم گردد .

۵- ۴۴۴- سیاست های میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

۱- طرح های تخصصی کردن بازرگانی داخلی جهت بهره برداری بهینه از خصوصیات منطقه گسترش یابد .

۲- تسهیلات بازرگانی لازم در جهت گسترش آن گروه از صنایع که فرآورده های آنها در صنایع داخلی مصرف و باعث توسعه آنان میگردد ، ایجاد شود .

۳- مراکز اطلاعات و آمار اقتصادی و بازرگانی هما هنگ با سیاست توزیع فعالیت های اقتصادی و نظام شهری و روستائی ایجاد گردد و اشاعه یابد .

۴- سیاست های بازرگانی خارجی جهت حمایت و تشویق فعالیت های اقتصادی داخلی کشور بمنظور کاهش وابستگی های تجاری و اقتصادی دقیقاً " اعمال گردد .

۵- سهمیه صادراتی واحدهای تولیدی در رشته های مختلف بخش های اقتصادی همزمان با فراهم کردن تمام عوامل لازم جهت تشویق و گسترش صادرات با حداکثر ارزش افزوده تعیین گردد .

۶- شرکت های مردمی (تعاونی) گسترش یابند .

گسترش شبکه‌های نگهداری و توزیع فرآورده‌ها در سطح شهر و روستا می‌تواند از ضایعات صنعتی و کشاورزی جلوگیری نموده و به رشد بازارهای داخلی در جذب کالاهای تولید شده در سطح کشور کمک نماید. توسعه این شبکه‌ها خود می‌تواند به تخصصی کردن مناطق و تولید مناسب تر و اقتصادی تر داخلی بیانجامد. ذخیره‌سازی صحیح نیز از کمبودهای موقتی در سطح منطقه و کشور جلوگیری بعمل می‌آورد. همچنین با فراهم آوردن مواد اولیه برای صنایع، تنگناهای تولیدی کمتر شده و موجب می‌گردد که رشد صنعت بدون وقفه ادامه یابد.

از اشکالات اساسی کشور در حال حاضر یکی کمبود امکانات کالبدی ذخیره سازی اعم از انبارها، سیلوها و سردخانه‌ها و دیگری عدم وجود برنامه‌ریزی و سازوکارهای اجرائی لازم برای نگهداری فرآورده‌هاست که نه تنها موجب ضایعات در فرآورده‌ها گردیده بلکه باعث ظهور واسطه‌هایی شده که با وجود آوردن شرایط مصنوعی از یکسود تولیدکننده را بحد اقل کاهش داده و از سوی دیگر با بالا بردن بهای فرآورده‌ها - تحمیلی سنگین بر مصرف کننده بوده‌اند.

وسعت کشور و فواصل زیاد مراکز تجمع جمعیت در مقایسه با سایر کشورها و ملاحظات استراتژیک و امنیت ملی ایجاب میکند که یک نظام موثر ذخیره سازی و توزیع فرآورده‌های کشاورزی و صنعتی با توجه به چگونگی توزیع جمعیت و نیازهای ملی با اولویت و فوریت بوجود آید.

- ۱- ضایعات بیش از حد کالاها و هدر رفتن نیروهای انسانی و سرمایه‌های ملی که بعقل زیرمبنا باشد:
 - الف- عدم وجود امکانات کافی برای نگهداری کالا در مناطق مختلف کشور.
 - ب- فقدان سیستم حمل و نقل صحیح.
 - پ- نارسائی در ارتباطات از نظر کیفیت و کمیت.
 - ت- کمبود تجهیزات تخلیه و بارگیری در نقاط تولید و مصرف و بنادر و مرزها.
 - ث- عدم وجود مدیریت صحیح در سیستم توزیع کالا.
 - ج- تعدد زیاد واحدهای غیر اقتصادی خرده فروشی.
 - چ- تمرکز بازرگانی داخلی در تهران.
- ۲- عدم وجود استانداردهای مناسب بهداشتی و فنی و درجه‌بندی و بسته‌بندی برای کالاهای مصرفی.
- ۳- عدم وجود آمار و اطلاعات کافی و متمرکز از میزان تولید، مصرف و موجودی کالاها در نقاط مختلف کشور.
- ۴- عدم وجود سیستم صحیح گمرکی و طبقه‌بندی کالا و انبارداری در بنادر و مرزها.

- ۵- وجود کارتل‌ها در حمل و نقل داخلی و خارجی .
 ۶- عدم وجود امکانات ذخیره‌سازی کالاهای استراتژیک .
 ۷- نبود شبکه‌های توزیع درون منطقه‌ای و بین منطقه‌ای که مراکز تولید را به مراکز مصرف متصل کند .

۳-۴۴۵- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

- ۱- در جامعه روستائی مراکز مجهز به تاسیسات نگهداری ، بسته‌بندی ، آماده‌سازی و تبدیل محصولات کشاورزی وجود دارد .
 ۲- با تاسیس شرکتهای مردمی (تعاونی) تولید و توزیع ، احتیاجات مالی و بیمه محصولات کشاورزی ، خدمات فنی ، ابزار مناسب کار ، بذر ، کود و سموم برای زارعین در مراکز بخشها (دهستانها) تامین میگردد .
 ۳- در کلیه فعالیت‌های نگاهداری و توزیع محصولات کشاورزی و صنعتی و عرضه خدمات مربوط به آنها همه مردم (تولیدکنندگان ، بخصوص کشاورزان) مشارکت دارند . این مشارکت بصورت سهام شدن مردم در شرکتهای مردمی تولید و توزیع که نقش جمع‌آوری ، خرید ، قیمت‌گذاری (نظارت دولت) ، نگاهداری و توزیع عادلانه کالاهای کشاورزی - صنعتی را در سطح کشور عهده‌دار میباشند انجام میپذیرد . با تاسیس این شرکتهای هماهنگی عرضه و تقاضا ، جلوگیری از ضایعات ، استفاده بهینه از نیروی انسانی ، تهیه و تخصیص اعتبار بنحوبهتر انجام میگردد .
 ۴- قوانین و استانداردها و ضوابط نگهداری ، حمل و نقل و توزیع و همچنین درجه‌بندی محصول و استانداردهای بسته‌بندی توسط دولت تعیین و اعمال میگردد . آثار دقیق از موجودی کالاهای کشاورزی و صنعتی در اختیار دولت قرار میگیرد .
 ۵- ذخیره‌سازی مواد غذایی و صنعتی استراتژیک در نقاط مختلف کشور بوسیله دولت انجام می‌شود .
 ۶- امکان عرضه مستقیم محصولات و فرآورده‌های کشاورزی و صنعتی در مراکز دهستانها و مراکز توزیع شهرها بوسیله روستائیان وجود دارد .

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴-۴۴۵- سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- بررسی و مطالعه سیستم‌های مختلف نگاهداری و توزیع فرآورده‌ها ، انتخاب و طراحی یک سیستم مناسب با توجه به شرایط و امکانات موجود و با در نظر گرفتن اهداف مرحله مطلوب انجام گردد . این طرح در برگیرنده تعیین نحوه سیستم انبارداری ، ذخیره‌سازی و حمل و نقل میباشد .
 ۲- مطالعه دقیق و سیستماتیک برای انتخاب مرکز / دهستان و مراکز توزیع منطبق با سیاستهای توسعه و تکامل کشور جهت آماده‌سازی ، بسته‌بندی ، تبدیل و نگاهداری محصولات کشاورزی و فروش محصولات صنعتی مورد نیاز کشاورزان انجام گیرد .
 ۳- قوانین و آئین‌نامه‌های شرکتهای مردمی (تعاونی) تولید و توزیع محصولات کشاورزی و شرکتهای مردمی (تعاونی) توزیع کالاهای صنعتی تدوین گردد .

- ۴- برنامه‌های توسعه ظرفیت ذخیره‌سازی مواد استراتژیک نظیر طرح توسعه سیلوهای کشور ادامه یافته و تکمیل گردد.
- ۵- از گروه‌های نظیر جهاد سازندگی برای اجرای طرح‌های ضربتی در افزایش ظرفیت ذخیره‌سازی مواد ضروری کشاورزی و صنعتی بویژه در روستاها و شهرهای کوچک استفاده گردد.
- ۶- مقدمات ایجاد شرکتهای مردمی توزیع کلیه محصولات در جامعه شهری و روستائی با توجه به اهداف مرحله مطلوب فراهم گردد.
- ۷- زمینه‌سازی برای ایجاد تاسیسات زیربنائی و فراهم نمودن تسهیلات لازم برای توزیع محصولات کشاورزی و فرآورده‌های صنعتی انجام گردد.
- ۸- تعدادی از مراکز نگهداری و توزیع در بخش‌ها (دهستانها) با سرمایه‌گذاریهای دولت مرکزی و استان مربوطه ساخته و هم‌زمان امکانات برای تاسیس شرکتهای مردمی (تعاونی) تولید و توزیع محصولات کشاورزی و شرکتهای مردمی توزیع کالاهای صنعتی بوجود آید.
- ۹- امکانات برای عرضه مستقیم محصولات روستائی و کشاورزی به مصرف‌کننده در مراکز توزیع بوجود آید.
- ۱۰- درجه‌بندی محصولات کشاورزی و تعیین استان‌داردهای مربوط به بسته‌بندی و آماده‌سازی و حمل و نقل روستائی و کشاورزی بمنظور به حداقل رساندن ضایعات و کاهش هزینه حمل و نقل انجام گیرد.
- ۱۱- جمع‌آوری و تمرکز آمار و اطلاعات مربوط به تولید، نگهداری و توزیع فرآورده‌های کشاورزی و کالاهای صنعتی در سطح شهرو روستا انجام پذیرد و نسبت به ایجاد مراکز تبادل و اشاعه اطلاعات نگهداری و توزیع در تمام مناطق در سطح مختلف تقسیمات کشوری بخصوص در جهت پشتیبانی از فعالیتهای مردمی اقدام گردد.

- ۴۴۵ - سیاستهای میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

- ۱- برنامه تاسیس شبکه نگهداری و توزیع هماهنگ با سیاست تجهیز مراکز خدمت‌رسانی در جامعه روستائی و مراکز بخش‌ها (دهستانها) و مراکز تولید و در انطباق با نظام شهری و هم‌زمان با در نظر گرفتن سیاست توسعه کشاورزی و صنعتی کشور گسترش یابد.
- ۲- تعاونی‌های تولید و توزیع و مصرف محصولات کشاورزی و صنعتی بخصوص برای طبقات کم‌درآمد جهت کنترل قیمت و جلوگیری از احتکار توسعه یابد.
- ۳- آمار و اطلاعات دقیق از موجودی انبارهای نگهداری محصولات کشاورزی و صنعتی تهیه و در اختیار دولت قرار گیرد.

امکان توسعه فراگیر فعالیت‌های صنعتی ، کشاورزی و خدماتی در جهت تکامل سریع و متعادل جامعه در گسترش و توسعه زمین‌های اصلی زیربنایها می‌باشد . از جمله این اقدامات ، تأمین آب آشامیدنی سالم در جوامع شهری و روستائی و ایجاد سیستم‌های فاضلاب و بازیابی مجدد آب برای صنایع و شهرها ، گسترش شبکه‌های ملی مخابراتی پست و تلگراف و تلکس و تلفن و تأسیسات مربوط به آن ، گسترش سیستم‌های تأمین انرژی لازم برای کارهای تولیدی در صنعت و کشاورزی و زندگی مردم ، گسترش سیستم‌های ارتباطات ملی (شبکه راه‌ها ، راه‌آهن ، هواپیمائی داخلی) و سیستم ارتباطات بین‌المللی و برون مرزی (خطوط هواپیمائی بین‌المللی ، کشتی رانی) و سیستم‌های وابسته نظیر ایستگاه‌های راه‌آهن ، فرودگاه‌ها و بنادر از اهمیت ویژه‌ای در ساختن جامعه مستقل ایران فردا برخوردار است . بخاطر اهمیت ویژه زیربنایها در توسعه و عمران ، گسترش همه‌جا نبه ظرفیت زیربنایهای کشور در برنام‌های میان مدت از اولویت نخست برخوردار خواهند بود .

وسعت خاک ایران و وجود موانع طبیعی و شرایط اقلیمی نخستین و مهمترین محدودیت در راه گسترش خدمات زیربنائی در کشور است . بویژه ایجاد یک شبکه راه در سطح ملی که بتواند مراکز جمعیت شهری و روستائی را بنحو کارآئی بیکدیگر ارتباط دهد مشکلات بسیاری در بردارد . از طرفی افزایش تولید فرآورده‌های کشاورزی در ایران در ارتباط مستقیم با گسترش شبکه راه‌ها بطور عمده و ایجاد ارتباط بین مناطق کشاورزی و مناطق مصرفی شهری است . در ارتباط با گسترش صادرات ایران گسترش بنا در حائز اهمیت است . برخی از محدودیت‌های ترابری زمینی و فواصل زیاد بین مراکز جمعیتی و تولیدی سبب میشود که ترابری هوائی در داخل ایران از اهمیت خاصی برخوردار باشد .

محدودیت دیگر توسعه خدمات زیربنائی کشور ، میزان سرمایه‌گذاری عظیمی است که گسترش این فعالیت‌ها بدان نیاز دارند . تصور در گذشته امکان انجام آن مقیاس از سرمایه‌گذاری را که مورد نیاز است در وضع فعلی و در آینده دشوار ساخته و لزوم اجرای مستمر این فعالیت‌ها را برای چندین برنامه ضروری می‌سازد . هزینه‌های اجرای خدمات زیربنائی در رابطه مستقیم با مشکلات ناشی از وضع طبیعی و اقلیمی مناطق مختلف فلات ایران افزایش می‌یابد و اجرای طرح‌های وابسته به آن را دچار اشکال می‌سازد .

عدم امکانات تکنولوژیک نیز خود محدودیت دیگری بشمار میرود . در این مورد بنظر میرسد که در کوتاه مدت لااقل میتوان این مشکل را با واردات حل کرد ، ولی شک نیست که در میان و دراز مدت برای گسترش هر چه بیشتر خدمات زیربنائی ، کشور احتیاج به توسعه مبانی تکنولوژیک ملی خواهد داشت .

امکانات سرمایه‌گذاری ناشی از درآمد نفت در وهله اول وهم چنین نیروی انسانی متخصص و ماهر در مدیریت ، کارشناسی ، تعمیرات و خدمات تراکه در بخش دولتی و خصوصی در طراحی و اجرای طرح‌های عمرانی دارای تجارب

ارزنده‌ای هستند میتوان از امکانات قابل ملاحظه در زمینه گسترش خدمات زیربنائی بحساب آورد .

۲ - ۴۴۶ - ویژگیهای وضع موجود

۱ - راهها .

الف - مجموع راههای کشور در سال ۵۶ در سطح بزرگراه ، راههای درجه یک و دو در حدود ۵۱ هزار کیلومتر بالغ میگردد . از این مقدار حدود ۱۰۰ کیلومتر بزرگراه ، ۱۵ هزار کیلومتر آسفالتی و در حدود ۳۶ هزار کیلومتر جاده غیر آسفالتی بوده است . راههای روستائی مورد بهره برداری نیز در حدود ۶ هزار کیلومتر بالغ میگردد که نیمی از آن جاده‌های اتصالی در کیفیت پائین و قابل عبور در تمام فصول نمی باشد و برای برخورداری از یک کشاورزی پویا بیش از بیست درصد نیاز جامعه روستائی را جوابگوی نمیباشد .

ب - از مشخصات دیگر وضع موجود ، تراکم کم جاده‌ها در رابطه با وسعت کشور است که در این زمینه کشورهای همسایه پاکستان دارای تراکمی $\frac{2}{5}$ برابر و ترکیه ۸ برابر تراکم جاده‌های ایران است . مسئله دیگر تراکم پائین میزان جاده‌های آسفالتی (کمی بیش از ۳ درصد) کشور میباشد که در این زمینه نیز در مقایسه با کشور همسایه پاکستان در سطحی خیلی پائین تر (در حدود ۵۷ درصد) قرار دارد .

پ - بعضی از راههای اصلی کشور آسفالتی نیست و تعدادی از شهرهای متوسط کشور (بیش از ۵۰ هزار جمعیت) از طریق جاده آسفالتی به شبکه راههای کشور متصل نمیشد . خدمات مربوط به نگهداری و تعمیر راهها ضعیف و در سطحی پائین قرار دارد و نظام خدمات بیشتر در جهت تعمیر تا جلوگیری و پیشگیری از خرابیها سازمان یافته است .

ت - با توجه به نیازهای حمل و نقل در حال حاضر ظرفیت راههای اصلی بطور عمومی خوب است و محدودیتهای شبکه بغیر از نبود امکانات ارتباطی سریع بین شهرهای اصلی و متوسط و در بعضی موارد اساساً بطور موضعی و در ورود و خروج شهرها بخصوص در شهرهای بزرگ و تهران بچشم میخورد .

ث - وسائط نقلیه در سال ۵۶ شامل یک میلیون اتومبیل سواری میگردد که از این تعداد ۵۰ هزار تاکسی و سواری کرایه بوده است . تعداد ۱۱۴ هزار کامیون و ۴۸ هزار اتوبوس و مینی بوس نیز از جاده‌های کشور استفاده مینموده‌اند .

ج - شبکه راههای روستائی با تراکمی فوق العاده پائین و کیفیتی پائین تراست و در نیمی از این جاده‌ها امکان گذر فقط در بعضی از فصول مقدور است . در سطح محدوددهای محلی متعددی انزوای کامل برقرار بوده و شبکه‌زاهی برای ارتباط با دیگر مناطق وجود ندارد . شهرهای کوچک در اغلب محدوددهای محلی با مناطق کشاورزی تحت نفوذ خود ارتباط خوبی ندارند و این شهرها به شهرهای متوسط نیز از طریق راههای آسفالتی متصل نیستند .

۲ - راه آهن .

الف - طول خطوط راه آهن کشور که در دست بهره برداری است حدود ۴۶۰۰ کیلومتر میباشد . دوهزار

کیلومتر از خطوط موجود راه آهن احتیاج به بهسازی دارد. شبکه راه آهن کشور در حال حاضر جوابگوی احتیاجات مملکت نمیباشد و این امر بخصوص در خط تهران جنوب بچشم میخورد.

ب - راه آهن دولتی ایران با وجود داشتن حدود ۳۱ هزار نفر پرسنل، فاقد نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز بقدر کافی میباشد که گویای استخدام غیر ضروری در بعضی زمینهها و عدم استخدام افراد واجد شرائط در زمینههای فنی است.

پ - در بعضی موارد ظرفیت خطوط قابل توسعه بوده و عدم استفاده از ظرفیت واقعی در بعضی موارد مربوط به وسائل و اساساً " در ارتباط با سازماندهی و مدیریت راه آهن است که تاثير عمدهای بر نگهداری و سرویس در سطح پائین، بارگیری و تخلیه کند و نامنظم و استفاده از واگنها برای انبار کالا و پارک کردن واگنها در ایستگاهها میباشد.

ت - در مورد حمل مسافر بخصوص در خط مشهد و جنوب کیفیت خدمات از سطح مناسبی برخوردار است.

۳ - بنادر.

الف - با توجه به اینکه قسمت اعظم حجم صادرات و واردات از بنادر بازرگانی کشور انجام میشود، سرمایه گذاریهای زیادی در راه توسعه و تجهیز بنادر بالاخص بنادر جنوب کشور بعمل آمده است. بطوریکه ظرفیت اسمی بنادر بازرگانی که در پایان سال ۱۳۵۵ در حدود ۵/۱ میلیون تن بوده است در پایان سال ۱۳۵۶ بحدود ۹ میلیون تن و در سال ۱۳۵۷ به حدود ۱۱/۲ الی ۱۳/۲ میلیون تن افزایش یافت. در صورتیکه هدف برنامه پنجم رسانیدن ظرفیت بنادر به رقم ۲۰ میلیون تن در سال بوده است.

ب - از کل حجم بازرگانی خارجی کشور در سال ۱۳۵۶ که در حدود ۲۰ میلیون تن بوده است بیش از ۷۵ درصد از بنادر کشور صورت گرفته است. از این میزان نیز سهم بنادر جنوب ۹۰ درصد و بنادر شمال فقط ۱۰ درصد و مابقی ۲۵ درصد از حجم بازرگانی از طریق ارتباطات زمینی انجام پذیرفته است.

۴ - فرودگاهها و ارتباطات هوایی.

الف - در حال حاضر تعداد هفت فرودگاه درجه ۱ در کشور وجود دارد (مهرآباد تهران - اصفهان مشهد - تبریز - شیراز - بندرعباس - آبادان) از چهار فرودگاه تهران، شیراز، بندرعباس و آبادان پروازهای بین المللی نیز انجام میگیرد و در مواقع ضروری فرودگاههای اصفهان، زاهدان، مشهد و تبریز نیز قادرند که این نوع خدمات را انجام دهند. در سطح پروازهای ملی و منطقه ای نیز تعداد ۲۸ فرودگاه موجود است که از این تعداد ۱۸ فرودگاه برای پروازهای هواپیمائی ملی (هما) و مابقی در پروازهای منطقه ای و خصوصی مورد استفاده قرار میگیرند. علاوه بر این فرودگاهها، تعداد بیش از ۵۰ بانده پرواز نیز که معمولاً " محدود به یک بانده منظور میشوند موجود است که این باندهای پرواز نیز غالباً " در تمام شرائط و مواقع سال قابل استفاده نیستند. مجموع این فرودگاهها و

کمبود قطعات یدکی، کیفیت پائین خدمات نگهداری و تعمیر و بموقع نبودن این خدمات باعث اتلاف زیاد در سیستم برق رسانی مملکت گردیده است. نبود سازماندهی صحیح و مدیریت کارآ و نبود برنامه‌های هماهنگ شده نیز از مسائل دیگر می‌باشد.

۶- آب .

الف - آب یکی از منابعی است که کشور با کمبود آن مواجه بوده و از تنگناهای اصلی توسعه و تکامل کشور بشمار میرود. در حال حاضر ۹۹ درصد از آب تجهیز شده در کشاورزی مصرف میشود. در آینده دور مصارف کشاورزی از آب به ۹۵ درصد از منابع تجهیز شده تقلیل خواهد یافت و در این فاصله بخاطر رشد جمعیت و توسعه اقتصادی مصرف آب جامعه شهری و روستائی و صنایع و معادن کشور در مقایسه با کشاورزی از رشد بالاتری برخوردار خواهد بود.

تصور کنونی همراه با روند صعودی نیاز جامعه شهری و روستائی به آب آشامیدنی سالم و صنایع به منابع آب شامل نیازهای برآورده نشده در گذشته در کلیه زمینه‌های فوق و کشاورزی می‌باشد. برنامه‌های تجهیز آب در مقیاس‌های بزرگ و بدون هماهنگی باشبکه‌های مربوطه در زمان و مکان همراه بوده است. ایجاد شبک‌های اصلی در مقیاسه باشبکه‌های فرعی از اولویت برتری برخوردار بوده است. در تدوین سیاستهای مربوط به تجهیز منابع آب از همکاری و همفکری و خودیاری مردم در گذشته استفاده نشده و این سیاستها عملاً " باعث از بین رفتن نیروهای مردمی در تجهیز منابع آب نیز بوده است.

ب - در حال حاضر هنوز کلیه شهرهای کشور (بخصوص شهرهای کوچک) از آب لوله کشی استفاده نمیکنند و در جامعه روستائی نه تنها تقریباً " آب لوله کشی موجود نیست بلکه بیش از ۸۰ درصد از روستاهای کشور از آب آشامیدنی سالم برخوردار نمی باشند.

پ - تاسیسات و تجهیزات مربوط به تصفیه و سالم سازی منابع آب فقط در برخی از شهرها وجود دارد و در اکثر مواقع گسترش شبکه آبرسانی شهری در انطباق با گسترش شهر نمی‌باشد و در مناطق نوآباد، حاشیه نشین و فقیرنشین شهرها این نقیصه شدیداً " بچشم میخورد.

ت - سیستم‌های بازگردش و دوباره استفاده کردن از منابع محدود آب وجود ندارد و در اکثر مواقع فاضلاب‌های صنعتی و کشاورزی و شهری مستقیماً " به رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و مرداب‌ها ریخته میشوند و یا از طریق چاه دفع میشوند که به آبهای زیرزمینی راه پیدا میکنند و در موارد عدیده باعث آلودگی آبها و شیوع امراض، از بین رفتن آبزیان و صدمه زیاد به محیط زیست شده است.

ث - نبود برنامه هماهنگ و مدون در کلیه سطوح، با در نظر گرفتن تجهیز منابع مردمی و محلی به وضوح به چشم میخورد و عدم هماهنگی بین نیازهای مردم با برنامه‌های توسعه و تجهیز و شبکه آبرسانی از یکطرف و نیازهای بخشهای صنعتی و کشاورزی و شبکه‌های آبرسانی برای این فعالیتها از طرف دیگر به چشم میخورد.

ج - مطالعات متعددی در مورد مسئله دفع فاضلاب شهرها صورت گرفته لیکن تقریباً " در کلیه

موارد به مورد اجرا گذاشته نشده است. در مناطقی از کشور بخاطر بالا بودن سطح آبهای زیرزمینی و دفع فاضلابها خطر آلودگی منابع آب زیاد است ولی تاکنون اقدامی اساسی در رفع این مشکلات صورت نگرفته است. در جنوب شهر تهران بالا آمدن آبهای زیرزمینی و آلودگی آنها خطرات جانی برای اهالی ساکن منطقه بوجود آورده و در شمال کشور آلودگی دریای خزر و مرداب انزلی بخاطر فاضلابهای صنعتی و کشاورزی بحدی رسیده که نابودی آبزیان را باعث شده و شناکردن در آب را خطرناک نموده است.

۷- مخابرات .

الف - در سالهای اخیر منابع زیادی در جهت گسترش سیستمهای مخابراتی برای کشور بکار گرفته شده است. این برنامهها بیشتر جنبه سیاسی- نظامی داشته و در ارتباط با اتصال کشور به شبکه مخابراتی بین المللی بوده است. اولویت توسعه و گسترش برنامههای مخابراتی به سیستمهای ماکروویو، گسترش همه جانبه رادیو و تلویزیون برای تبلیغات، امکانات ارتباطی سراسری از دیدگاه نظامی با اهداف انتظامی درون کشور، و تماسهای منطقه‌ای در سطح پیمان سنتو تعلق داشت. از این رو در کل سیستم مخابراتی توسعه متعادل در همه زمینهها نداشته و منطبق با گسترش جوامع شهری و روستائی و پاسخگوئی به نیازهای صنعتی و توسعه و عمران کشور نبوده است. نابرابری دسترسی گروههای مختلف به امکانات مخابراتی در کمبود تلفنهای عمومی، پائین بودن کیفیت سرویسهای پستی و محدود بودن این خدمات در شهرهای کوچک و جامعه روستائی، احتکار و بورس بازی تلفن در قیمتتهای سرسام آور، نبود امکانات مخابراتی با کیفیت همتراز با تهران در شهرهای متوسط و کوچک، نبود دسترسی به تلکس و تلگراف در شهرهای متوسط به موجبات عدم تعادل و عدالت اجتماعی - اقتصادی در دسترسی به امکانات اضافه نموده است.

ب - تراکم تلفن در تهران بیش از چهار برابر تراکم تلفن در سطح کشور و دو برابر متوسط تراکم جامعه شهری است. کیفیت سرویس و تاسیسات و تجهیزات در تهران نیز در سطحی بالاتر از دیگر مناطق کشور میباشد. میزان تلفنهای در حال حاضر در حدود ۲/۴ تلفن برای هر یکصد نفر جمعیت کشور میباشد. در مجموع شبکه مخابراتی از زیربنای خوبی برای توسعه آتی این بخش برخوردار است.

۳- ۴۴۶- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

- ۱- در شهرها از سیستمهای ترابری همگانی درون شهری استفاده شده است. بویژه سیستم اتوبوسرانی با کیفیت خوب برای تامین حداکثر تحرک مردم بوجود آمده است. چند شهر اصلی و بزرگ منجمه تهران از طریق راه آهن به شهرهای اقماري خود متصل شده اند.
- ۲- شبکه راههای کشور متناسب با افزایش جمعیت و توسعه فعالیتهای اقتصادی برای تامین حداکثر تحرک مردم و کالا افزایش یافته است.

- ۳ - شبکه راه آهن متناسب با افزایش جمعیت و توسعه فعالیت‌های اقتصادی در وهله اول برای تامین حداکثر تحرک کالا و در مرحله دوم برای حمل و نقل مسافر شهرهای عمده ایران را بهم پیوسته است. اهمیت ویژه به اتصال شبکه داخلی به خطوط آهن بین‌المللی برای حمل و نقل کالا و مسافر داده شده است.
- ۴ - خدمات حمل و نقل مسافر و کالا در سطح ملی و بین‌المللی متناسب با نیازها گسترش یافته است. شبکه پروازهای داخلی به کلیه شهرهای اصلی و متوسط تعمیم یافته و برخی پروازها به شهرهای کوچک نیز صورت می‌گیرد. خدمات هواپیمائی بصورت یک بخش فعال و پیشرفته صادراتی توسعه یافته است.
- ۵ - فعالیت در گسترش دریا نوردی در دو جهت تقویت نیروی دریائی جمهوری اسلامی و گسترش تعداد و ظرفیت کشتی‌های بازرگانی صورت گرفته است. کالاهای صادراتی ایران عموماً "با کشتی‌های ایرانی حمل می‌شوند. سفینه‌های ماهیگیری ایران در دریاها به صید پرداخته‌اند، خطوط مسافری در خلیج فارس بین بنادر ایران و بنادر جنوب خلیج فارس بکار مشغول شده‌اند. بنادر ایران در خلیج فارس و بحر خزر گسترش یافته و بصورت بنادری آباد و معمور درآمده‌اند.
- ۶ - منابع انرژی لازم برای کاربرد خانوارها، کشاورزی و صنایع تامین گشته و بویژه نیروی برق باندازه جابگوئی به نیاززیستگاههای مردم و فعالیت‌های دیگر در آنها انجام میشود گسترش یافته و با یک سیستم توزیعی متناسب با نیازها، بین همگان پخش شده است.
- ۷ - کلیه منابع آب روی زمین و زیرزمین متعلق به ملت ایران است. بهترین نحوه بهره برداری از منابع آبی این سرزمین انتخاب شده است. از ضایعات آب بوسیله کاربرد روشهای بازیابی جلوگیری شده است. آب برای کاربرد در زیستگاههای مردم، کشاورزی و صنعت باندازه مناسب در اختیار همگان قرار دارد. آموزش استفاده بهینه از آب در کلیه سطوح و گروههای مردم نتیجه رضایتبخش در صرفه جویی این منبع کمیاب داشته است.
- ۸ - زیستگاههای ایران در نقاطی که شرایط ایجاب میکند با سیستم فاضلاب مجهز شده‌اند. از تخلیه فاضلاب به دریاها، رودخانه‌ها و جویبارها جلوگیری شده و با ایجاد سیستمهای بازیابی آب، از آبهای صنایع برای مصرف دوباره در کشاورزی و آبیاری و مصارف غیر آشامیدنی زیستگاهها استفاده میشود.
- ۹ - شبکه پست و تلگراف و تلفن در سراسر کشور گسترش یافته است و اکثر خانواده‌های ایرانی دارای یک تلفن مستقل میباشند.

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴ - ۴۴۶ - سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

۱ - راهها.

الف - تجزیه و تحلیل اساسی مبادلات کالا و مسافر با در نظر گرفتن سیاست مصرف و تولید کشور بین محدوده‌ها و مناطق مختلف برای تهیه طرح جامع ارتباطات کشور در زمینه‌های راه، راه آهن هواپیمائی، کشتی رانی و تعیین سهم هریک در کل سیستم ارتباطات کشور صورت گیرد. تعیین ظرفیت بنادر، فرودگاهها، محل انبارها و پایانه‌ها و مراکز توزیع در ارتباط با نظام مراکز شهری و روستائی مراکز تولید و مصرف صورت گیرد.

ب - در جاده‌های اصلی کشور بصورت موضعی تنگناهای جاده‌ها برطرف گردد ، بخصوص در مورد رفع اشکالات ورود و خروج به شهرهای بزرگ و تهران اقدام اساسی صورت گیرد .

پ - مطالعه همه جانبه و شناسائی مناطقی که در مرحله نخست بایستی جاده‌های روستائی در آن مناطق گسترش یابند و اقدامات لازم در ایجاد این جاده‌ها و تعمیر و قابل استفاده کردن جاده‌های روستائی در کلیه فصول در این مناطق صورت گیرد . لزوم امکان عبور و مرور در تمام فصول ایجاب می‌نماید که ساخت جاده‌های روستائی بطور اساسی و اصولی توسط گروه‌های حرفه‌ای انجام گیرد و برای جلوگیری از دوباره کاری مسئولیت انجام این امور به گروه‌های غیر وارد داده نشود .

ت - شهرهای متوسطی که از اولویت برخوردار هستند شناسائی و اقدامات لازم در جهت اسفالت کردن راهها ، ارتباط این شهرها با شبکه راههای کشور از یک طرف و احداث راهها و یا تغییر و اسفالت کردن راههائی که این شهرها را با منطقه نفوذشان متصل مینماید از طرف دیگر ، صورت گیرد .

۲ - راه آهن .

الف - روشهای جلوگیری از بوجود آمدن خرابیها از طریق آموزش کارکنان اجرا و خطوط و وسایل و تأسیسات بموقع سرویس شود .

ب - ارتباط تهران و جنوب بخصوص قسمت درود - اندیمشک بهبود یافته و ارتباط بین بندر امام خمینی و اهواز بهبود و گسترش یابد .

پ - مطالعات لازم برای ایجاد خط آهن بین درود و کرمانشاه انجام گردد .

ت - وضع ایستگاههای شهری راه آهن در مورد وسایل ایمنی ، خوابگاه ، رستورانها و وسائل بهداشتی بهبود یابد .

۳ - بنادر .

الف - بررسی‌ها و مطالعات کمی و کیفی بنادر کشور در ارتباط با هماهنگ نمودن این مطالعات با جهت جدید سیاست الگوی تولید و مصرف در اقتصاد کشور تجدید نظر شده و ظرفیت و کیفیت - بنادر با هدفها و نیازهای آینده کشور و با کشتی‌های کانتینر و چند منظوره که روند آینده کشتی‌های حمل و نقل کالا میباشند تطبیق داده شود .

ب - در اهداف و ادامه مطالعات مربوط به ایجاد سازمان خدمات دریائی کشور در انطباق با مسیر جدید اقتصاد و حجم واردات و صادرات قابل پیش بینی و فعالیتهای جانبی دیگر در این زمینه تجدید نظر شود .

۴ - فرودگاهها و ارتباطات هوایی .

الف - در برنامه ریزی توسعه خطوط هواپیمائی داخلی تجدید نظر و هماهنگی آن با دیگر وسائل ارتباطی نظیر راه آهن ، اتوبوسرانی ، بهبود راهها و غیره صورت گیرد . همزمان برای ایجاد ارتباط هوایی به مناطق دور افتاده و مناطقی که راههای زمینی خوبی ندارند و به

راه آهن نیز متصل نیستند مطالعات لازم صورت گیرد .

ب - بررسی های لازم برای تجدید نظر در خطوط خارجی با دید گسترش این خطوط در سطح بین المللی و منطقه ای هر چه زود تر صورت گیرد .

پ - برنامه های آموزشی و تربیت کادر لازم برای پروازهای خطوط داخلی و خارجی کشور و در تمام سطوح تهیه و در مورد اجرای آن بطوریکه در میان مدت کلیه نیازهای نیروی انسانی هواپیمائی ملی ایران از منابع داخلی تامین شود اقدام گردد .

ت - طرح های توسعه کمی و کیفی هواشناسی در ارتباط با نیاز برای گسترش همه جانبه پروازهای داخلی تهیه و اجرای آن شروع شود .

۵- انرژی .

الف - بررسی و مطالعات لازم در مورد لزوم تجدید نظر در سیاستهای انرژی مملکت متاءثر از تغییر در سیاست استفاده از انرژی اتمی انجام و بدین لحاظ بررسی همه جانبه در مورد گاز سوز کردن صنایع ، سیستم های گازرسانی در شهرها ، گاز سوز کردن وسائل نقلیه و دیگر استفاده های ممکنه از انرژی گازی و خورشیدی ، بررسی احتیاجات تاسیساتی و شبکه های مربوطه و مشخص کردن تاثیر این سیاستها در بخش های دیگر اقتصاد و ایجاد هماهنگی و تلفیق لازم صورت گیرد .

ب - بررسی لازم جهت اتصال شهر اردبیل به خط لوله گاز صورت گیرد و از این طریق احتیاجات انرژی صنعتی ، مصارف شهری و دیگر مصارف برای آینده تامین گردد . همچنین مطالعات و بررسی های انجام شده در مورد احداث خط لوله گاز در غرب کشور با تجدید نظرهای لازم بطور جدی تعقیب و به مرحله اجرا در آید و از این طریق پاسخگوی مصارف شهری و صنعتی و کشاورزی آینده منطقه شده و در پیشرفت اقتصادی منطقه موثر واقع گردد .

۶- آب .

الف - از روشهای انقلابی در تامین آب آشامیدنی سالم برای روستاهای کشور از طریق تجهیز کلیه عوامل موجود و بسیج همه جانبه مردم استفاده شود .

ب - مطالعه همه جانبه در تدوین سیاستهای آبرسانی به هر دو جامعه شهری و روستائی با در نظر گرفتن اولویت نخست برای تامین آب آشامیدنی سالم برای روستاها و شهرهای کوچک خاصه مراکز بخشها انجام و برنامه شبکه آبرسانی با احتیاجات بخشهای صنعتی و کشاورزی و توزیع مراکز جمعیتی هماهنگ گردد .

پ - شبکه آبرسانی شهرهای متوسط و کوچک همگام با سیاست توسعه این شهرها در میان مدت توسعه همه جانبه داده شود و سازوکارهای بازگردش آب در مصارف صنعتی و کشاورزی ، فاضلاب ، سیلابها و دیگر مصارف شهری برای گسترش آینده این شهرها و پاسخگویی به آن پیش بینی گردد .

ت - شبکه های آبیاری فرعی در جامعه روستائی از طریق جلب همفکری و برنامه ریزی مردم و تا حد امکان خودیاری محلی و با نظارت مالی دستگاههای دولتی توسعه و گسترش همه جانبه یابد .

۷- مخابرات .

الف - سیستم مخابراتی کشور در کل مورد مطالعه قرار گرفته و سیاستها و خط مشی های لازم جهت منطبق کردن این سیاستها بر مبنای سیاستهای عمرانی کشور و هماهنگ بارشد جمعیت و مراکز شهری و روستائی و نیازهای توسعه بخشهای اقتصاد تدوین گردد .

ب - زمینه سازی برای تربیت کادر مورد نیاز در تمام سطوح سیستم مخابراتی کشور چه در شهرها و چه در روستاهای کشور بعمل آید .

پ - مدیریت و نظام اداری در اداره امور مربوط به مخابرات کشور و امکانات هماهنگ و استفاده های مشترک از بعضی از تاسیسات نظامی در مخابرات برای دیگر بخشهای اقتصاد مورد بازبینی قرار گیرد .

ت - برنامه همه جانبه انقلابی برای استقرار سیستم مخابرات که کلیه شهرهای کوچک و مراکز خدمت رسانی در جامعه روستائی را از طریق مراکز تلفن عمومی و بی سیم به شبکه مخابراتی کشور متصل نماید تدوین گردد .

ث - تغییر لازم در سیاست و اجرای برنامه های توسعه شبکه تلفنی با اولویت برای طبقات کم درآمد بخصوص در شهرهای متوسط و کوچک و مناطق توسعه نیافته کشور بوجود آید . تلفن عمومی برون شهری و درون شهری گسترش یافته و شبکه پست در کلیه محدوده ها توسعه یابد .

۵ - ۴۴۶ - سیاستهای میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

۱ - راهها .

الف - مطالعات لازم برای شناسائی احتیاجات شهرهای اصلی و بزرگ و شهرهای متوسط صورت گیرد و درهما هنگی با سیاست آمایش ملی و با در نظر گرفتن جمعیت این شهرها در آینده نیازهای این مراکز به انبارها و پایانه های حمل و نقل مسافر و کالا و مراکز توزیع شناسائی و در ایجاد این نوع تاسیسات اقدام گردد .

ب - سیاست راههای کشور در ارتباط با تشویق مبادلات بین منطقه ای مورد تجدید نظر قرار گیرد و این سیاستها با سیاست آمایش سرزمین در توزیع جمعیت و نظام شهری و روستائی هماهنگ گردد . برای تشویق گسترش شهرهای متوسط به اسفالت کردن جاده های که این شهرها را به شبکه راههای کشور وصل میکنند اولویت داده شود .

پ - جاده های که شهرهای کوچک را به شهرهای متوسط متصل میسازد تعمیر و ترمیم و اسفالت شوند و اقدامات لازم در جهت ممکن ساختن استفاده در تمام فصول سال از جاده های مسزبور صورت گیرد .

ت - در مورد راههای روستائی اولویت در مرحله نخست متوجه ایجاد راههای روستائی گردد که در تمام فصول قابل استفاده باشند . این راهها مراکز بخشها (مراکز دهستانهای فعلی) را به مراکز خدمت رسانی و مراکز تولید وصل نماید و در مرحله دوم مراکز بخشها را به شبکه راههای کشور

متصل سازد .

۲- راه آهن .

الف - تمام خطوط مدرنیزه و برقی شده و این امر در میان مدت پایان یابد .
 ب - مراکز مناطق و شهرهای اصلی و عمده کشور به شبکه راه آهن سراسری متصل گردد .
 پ - کیفیت خطوط برای حمل و نقل بطور کلی و از طریق اجرای برنامه های آموزشی همه جانبه در تمام سطوح با بالابردن سطح تخصص و کارآئی افراد بهبود یابد .
 ت - شبکه های نقلیه عمومی راه آهن در سطح شهرهای بزرگ چه در داخل شهرها و چه ارتباط بین شهرهای بزرگ و شهرهای اقماری آنان ایجاد گردد .

۳- بنادر .

الف - از سیستم کانتینر در حمل و نقل کالا استفاده گردد و بنادر برای واردات و صادرات از این طریق آماده شوند .
 ب - ظرفیت جاده ها و انبارها و پایانه های باری با ظرفیت بنادر کشور در آینده تطبیق داده شده و برنامه ها و پروژه ها برای رسیدگی به این هدف تهیه و اجرا گردد .
 پ - تمرکز واردات و صادرات کالا از بنادر امام خمینی و خرمشهر از بین برده شده در سیستم بنادر جنوب کشور پخش و بنادر جدید در صورت لزوم ایجاد گردد . بنادر دریای خزر در میان مدت و دراز مدت گسترش یابند .
 ت - سازوکار مدیریت کارآ برای انجام امور مربوط به بنادر کشور در کیفیت و کمیت هماهنگ با نیاز خدمات مورد نیاز برای حمل و نقل کالا و مسافران این بنادر بوجود آید .
 ث - برنامه های تربیت کادر مورد نیاز مدیریت و انجام دیگر خدمات مورد نیاز بنادر در هماهنگی با نظام آموزشی کشور ، همزمان با بهبود برنامه های تربیت کادر نگهداری تاسیسات و وسائل بنادر و خدمات جنبی مربوط به آن ، به مورد اجرا گذاشته شود .

۴- فرودگاهها و ارتباطات هوایی .

الف - خطوط داخلی با در نظر گرفتن ایجاد و ارتباط مستقیم بین مراکز مهم منطقه ای بایکدیگر و ارتباط مراکز صنعتی و خدماتی با مراکز مهم منطقه ای و مناطقی که برای گذراندن اوقات فراغت و سیاحت وایرانگردی مورد استفاده قرار میگیرند توسعه همه جانبه یابند .
 ب - خطوط جدید هوایی بین مراکز منطقه ای و مناطقی که دور افتاده بوده و از طرق دیگر نیازی ارتباط خوبی با مراکز صنعتی و جمعیتی و غیره ندارند ایجاد گردند .

۵- انرژی .

الف - سیاست خودکفائی منطقه ای از لحاظ دسترسی به انرژی مورد نیاز منطقه در صنایع ، کشاورزی

و خدمات و همچنین انرژی مورد نیاز در شهرها و روستاها با توجه به قیمت منابع مختلف انرژی در کشور و عدم آلودگی محیط زیست تدوین و این سیاست با سیاست توزیع جمعیت و فعالیتهای عمرانی در کشور و با در نظر گرفتن ویژگیهای هر منطقه و منابع انرژی زای آن منطقه منطبق و بموقع اجرا درآید .

ب - در مورد پاسخگوئی به احتیاجات انرژی مناطق ، سیاست فراهم ساختن انرژی بیش از احتیاجات در زمان تعقیب گردد و همیشه کمی بیش از احتیاج انرژی در دسترس قرار گیرد و از این طریق به رونق اقتصادی کمک گردیده و افراد به سرمایه گذاری در آبادانی منطقه تشویق گردند .

۶- آب .

الف - به مطالعات و بررسیهای مربوط به آب در زمینهای کمی و با کیفی مربوط به جوامع روستائی و شهری و مصارف صنعتی و کشاورزی سازمان داده شده و متمرکز گردند . این سیاست هـ با سیاستهای توسعه و تکامل ملی در انطباق با سیاستهای آمایش سوزمین در زمینه توزیع جمعیت و مراکز شهری و روستائی هماهنگ شده و صنایع در مناطق مختلف کشور مستقر و تجهیز زمینهای کشاورزی از اولویت خاص برخوردار گردند .

ب - روشهای بازگرددش آب در فعالیتهای شهری ، در زمینهای مصارف صنعتی و خانگی ، مهار سیلابها و جلوگیری از صدمات و تخریب ناشی از آنها بررسی همه جانبه شده و از این آبها در مصارف شهری ، صنعتی و کشاورزی در حومه شهرها (نظیر استفاده از سیلابها ، آبهای زیرزمینی در آبیاری مناطق کشاورزی دشتهای جنوب تهران) استفاده گردد .

پ - شبکه لوله کشی آب آشامیدنی شهرهای کوچک و متوسط تکمیل و برنامه های تامین آب آشامیدنی سالم در کلیه مراکز بخشها ، کلیه مراکز خدمت رسانی در مرحله نخست و در دیگر مراکز جمعیت در جامعه روستائی تکمیل گردند .

ت - برنامه های تربیت نیروی انسانی در کلیه زمینهای تخصصی مربوط به شناسائی ، تجهیز و تامین منابع آب برای کشاورزی ، صنعت و جوامع شهری و روستائی تدوین و با اجرا درآیند .

۷- مخابرات .

الف - برنامه های تدوین شده در کلیه زمینها و هماهنگی با سیاستهای عمرانی کشور به اجرا درآید . پاسخگوئی به احتیاجات مخابراتی بخشهای تولیدی و پاسخگوئی به نیاز مخابراتی مراکز تولید و مراکز جمعیتی ، بخصوص شهرهای متوسط و کوچک از اولویت نخست برخوردار است و در قالب همین سیاست در جهت برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی ، برآورد نیاز گروههای کم درآمد و مناطق توسعه نیافته نیز از رجحیت دارد . سیاست مخابراتی باید متوجه نیاز گسترش بازرگانی داخلی شده و کلیه تسهیلات را در امر برقراری رابطه مستقیم بین مناطق مختلف کشور فراهم کند .

شبکه پستی کشور بخصوص در جامعه روستائی ، شهرهای کوچک و متوسط از لحاظ کمی و کیفی گسترش یابد .

ب - مراکز مخابراتی و خدماتی در میان مدت در کلیه شهرهای اصلی و بزرگ و متوسط ایجاد گردد و مراکز صنعتی و تولیدی به سیستمهای تلکس و تله تایپ جهت ایجاد تسهیلات لازم در

امر تولید و توسعه اقتصادی مناطق کشور مجهز گردند و این خدمات به کلیه واحدهای مستقر در این شهرها گسترش یابند. این سیاستها با سیاست تجهیز مراکز جمعیتی شهری و روستائی و استقرار فعالیت ها در آمایش سرزمین هماهنگ گردند.

پ - در درازمدت سیستم مخابراتی به میزانی گسترش یابد که افراد جامعه به آسانی بتوانند از این خدمات استفاده نمایند و کلیه خانوادهها از سیستم تلفنی بهره‌مند شوند.

ت - در میان مدت سیستم تلفن عمومی و بی سیم در کلیه مراکز بخشها و مراکز خدمت رسانی روستائی و دیگر مراکز تولید در جامعه روستائی بطور کامل استقرار یابد و گسترش همه جانبه این خدمات به کلیه مناطق روستائی در درازمدت تعمیم داده شود.

فصل ۵ - عوامل محیطی

۵۱۰ - مقدمه

۵۲۰ - عوامل اجتماعی

۵۲۱ - فرهنگ

۵۲۲ - علوم و فنون (تکنولوژی)

۵۲۳ - پژوهش

۵۳۰ - عوامل زیر بنایی

۵۳۱ - آب

۵۳۲ - انرژی

۵۴۰ - عوامل سیاسی - نظامی

۵۴۱ - نظام تصمیم گیری دولت و تفکیک مسئولیتها بین مرکز و استانها

۵۴۲ - نظام برنامه ریزی

۵۴۳ - امنیت و دفاع ملی

۵۵۰ - عوامل مالی

۵۵۱ - منابع مالی

۵۵۲ - حقوق و حداقل دستمزد

۵۶۰ - سایر عوامل محیطی

۵۶۱ - مالکیت

۵۶۲ - نیروی انسانی و اشتغال

۵۶۳ - کیفیت زندگی و محیط زیست

۵۶۴ - جمعیت و مهاجرت

۵۶۵ - ایرا نگردي و سياحت

۵۶۶ - اطلاعات و آمار

۵۶۷ - مسکن

در حالیکه از دیدگاه "بخشهای بنیادی"، "بخشهای اقتصادی" و یا "تقسیمات فضائی" در هر مورد میتوان جامعه را به اجزاء متمایزی تفکیک و ویژگیهای آنرا بررسی نمود، در مورد زمینه‌هایی چون فرهنگ، کیفیت زندگی، جمعیت و غیره یک جنبه کلی و فراگیر جامعه موضوعیت یافته، ضرورت تعیین سیاست و خط مشی دولت را موجب می‌گردد. بعنوان مثال انرژی و نحوه تولید، کاربرد، و توزیع آن زمینه‌ایست بسیار فراگیر که عملاً "بر روی کلیه جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه تاثیر می‌گذارد و لذا عاملی محیطی را تشکیل میدهد.

از دیدگاهی دیگر میتوان گفت که عوامل محیطی آن عواملی هستند که بدلیل اهمیت ذاتی خود و یا اهمیتی که بهر دلیل در مقطع زمانی خاصی در ذهن مردم پیدا کرده‌اند اولویت یافته‌اند (و یا در آینده نزدیکی اولویت پیدا خواهند کرد) و بنا بر این باید در مورد آنها سیاستهای مشخص ملی تدوین و اجرا گردد. مثلاً "در مورد نظام تصمیم‌گیری دولت لااقل دو زمینه مشخص برای تدوین سیاست ملی وجود دارد که در هر مورد مسامحه در تدوین و اجرای سیاستها و یا عدم شناخت درست مساله و در نتیجه تدوین سیاستهای نامربوط و یا غلط باعث خواهد شد که مشکلات زیادی بار آید. یکی مربوط میشود به ضرورت باصطلاح "عدم تمرکز" در دستگاههای دولتی، چه از نظر دولت مرکزی در قبال استانها و چه از نظر تمرکز اداری در ادارات دولتی بطور کلی و فراهم ساختن کلیه سازمانها و مکانیزمهای مشارکت مردم در تصمیم‌گیریها و برنامه‌ریزی در سطوح مختلف. دیگری مربوط است به نظام برنامه‌ریزی دولت که عملاً "بشکل بی‌سروسامان و ناتوان قبل از انقلاب باقی‌است و دلیلی ندارد که کارآئی آن در دوران بعد از انقلاب از گذشته بهتر باشد.

در مورد مسائل دیگر چون مسکن ممکن است بنظر آید که صحیح‌تر باشد که مثلاً "مسکن در قسمت "بخشهای اقتصادی" (ساختمان) مورد بحث قرار گیرد، ولی درست بعلت آنکه مسکن در جامعه ما بصورت یک مساله حاد اجتماعی-سیاسی درآمده‌است، و برای مدتها نیز از اولویت خاص برخوردار خواهد بود، ضمن اینکه جنبه تولیدی آن در جای خود در "بخشهای اقتصادی" باید بررسی گردد، اهمیت آن در شرایط موجود ایجاب میکند که سیاستهای مربوط به مسکن در سطح ملی تدوین، اجرا و پیگیری گردند.

مراد از فرهنگ در این گزارش مجموعه پویائی از عادات ، افکار ، معتقدات ، خلیقات و روحیات جامعه است که توجه به آنها در ساختن جامعه‌ای نوین ضروری است . اهمیت ویژه فرهنگ در آنست که نه تنها معیارها و ارزش‌هایی را که جامعه باید بر مبنای آن بازسازی شود تعیین میکند بلکه توضیحات و توجیه‌های ضروری این ارزش‌ها را نیز در بطن خود دارد . علاوه راه و طریقه رسیدن به هدفها یعنی روش‌ها را نیز باید در چهارچوب فرهنگی جامعه جستجو کرد .

تجربه یکصدسال گذشته تاریخ کشور نشان داده است که حرکت‌هایی که خارج از بطن و متن فرهنگی جامعه برخاسته‌اند بردشان کوتاه و در مراحل نخستین با شکست مواجه شده‌اند . از اینرو شناخت واقعیت‌های جامعه در زمینه‌های مختلف مسائل اجتماعی و اقتصادی از ارائه خدمات گرفته تا صنایع و کشاورزی در بستر فرهنگی جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است .

فرهنگ جامعه مادر وسیعترین بعد خود از سوئی افراد جامعه را به ارزشها و ابعاد جهانی و انسانی اسلامی پیوند میدهد و از سوی دیگر واقعیات تاریخی ، اقلیمی و قومی ما را در نظر دارد .

هدف در این مختصر روبرو شدن با همه ابعاد فرهنگی نیست بلکه اشاره مختصر به آن خصوصیات و ویژگی‌هایی است که توجه به آنها در بازسازی جامعه اهمیت و ارزش خاصی دارد . علاوه بر این منظور از فرهنگ همواره ارزش‌ها و عادات متعالی نیست بلکه در جامعه گرایشهای ناسالم و عادات نادرستی نیز وجود داشته و دارد که شناخت همزمان هر دو آنها نخستین گام برای دست یافتن به راهبردها و سیاست‌هایی است که دورنمای آینده فرهنگ جامعه را ترسیم می‌نماید .

۲ - ۵۲۱ - ویژگی‌های وضع موجود

خصوصیات عمده و گرایشهای اساسی فرهنگی در جامعه و خلیقات و روحیات ایرانیان در دوران جدید
پسرخ زیرا است :

۱ - دوگانگی فرهنگی

تحولات جامعه در دوران جدید که مهمترین خصائص آن تحول در ترکیب اقتصادی و اجتماعی جامعه ، دگرگونی در الگوی مصرف کالاها ، رشد و توسعه شهرنشینی و پیدایش شیوه‌های جدید زندگی است باعث پیدایش برخی از ارزشهای فرهنگی جدید در جامعه ایرانی شده است .
لیکن نظر باینکه :

الف - تنها قشر کوچکی در جامعه (حدود ۱۰ درصد جمعیت) از مزایای شیوه‌های جدید زندگی بهره مند شده‌اند و اکثریت قاطع مردم از آن بی‌نصیب مانده‌اند ،

ب - فرهنگ سنتی جامعه همگام با اشاعه محدود و سطحی فرهنگ جدید به حیات خود ادامه داده است ،

لذا نوعی دوگانگی و تضاد فرهنگی در جامعه ایرانی پدید آمده است که این تضاد از عوامل اساسی انقلاب اسلامی بشمار می آید .

تداوم فرهنگ سنتی و توان مقاومت آن در برابر فرهنگ جدید بخاطر وجود چند عامل مساعد تحقق یافته است از آن جمله ، وجود ظرفیتهای بالقوه انقلابی تشیع ، حضور روحانیت پیشرو که اشاعه و تسلط مبانی اعتقادی اصولی رهبری آنان را در یک قرن اخیر تثبیت کرده است . همچنین تداوم وجود و حضور بازارهای سنتی و قشرهای عظیم کسبه و پیشه‌وران شهری که علی‌رغم تحولات اقتصادی اخیر حدود یک - چهارم نیروی کار شهری را تشکیل می‌دهند و از پایه‌های عمده اجتماعی در زمینه حفظ میراث‌های فرهنگ سنتی می‌باشند . در خاتمه پذیرش فرهنگ جدید بگونه‌ای محدود و یاسطحی بوده که با بروز بحران‌های فرهنگی در غرب در این زمان دچار تزلزل شدید گردیده است .

۲ - خلیقات و روحیات .

نظر باینکه طبقه حاکمه ایران در قرن کنونی دارای خصوصیات دوگانه حفظ میراث‌های گذشته و دریافت سطحی از فرهنگ جدید بوده با کسب بیشتر جنبه‌های منفی در هر دو زمینه و التقاط و اشاعه آن یک سلسله ارزش‌های فرهنگی نامناسب را در جامعه ایرانی باعث شده است که از یکسو فاقد مزایای فرهنگ سنتی و از سوی دیگر فاقد جنبه‌های مثبت فرهنگ جدید می‌باشد .

در زمینه ارزش‌های معنوی ، اعتقادات مذهبی سست گردیده و حتی در مورد گروه‌هایی که ایمان مذهبی آنان دوام یافته نتایج عملی و واقعی ایمان توحیدی آنطور که منظور شرع انور است تحقق نیافته و به یک سلسله رفتارهای مربوط به مراسم و مناسک ظاهری امور شرعی محدود گردیده و در نتیجه مسئولیت و تعهد اجتماعی و روحیه اکتساب تعاون و همکاری ، انفاق و ایثار در جمیع امور زندگی بدست فراموشی سپرده شده است .

در زمینه رفتارهای اقتصادی سودجوئی ، منافع فردی و گرایش به مصرف بی رویه کالاها در قشری خاص و محدود و تمایل به تمرکز اموال در سطح فرد ارزش‌های مسلط را تشکیل داده و ارزش کار و خلاقیت و بدعت گذاری و وقت و کیفیت در انجام امور ، انفاق و ایثار و حفظ منابع طبیعی و بیت المال و توجه به جلوگیری از آلودگی محیط زیست نادیده گرفته شده است .

در زمینه امور سیاسی گرایش به روابط آمرانه قدرت ، احساس ناامنی ، بدبینی و بی اعتمادی و بی اعتنائی و فرار از مسئولیت و بی میلی به مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی عناصر اصلی روحیات و خلیقات افراد جامعه را تشکیل داده است .

- ۵۲۱ - آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

۱- استقرار جامعه بر مبنای ارزش‌های والای اسلامی و فرهنگ اصیل ایرانی که عدالت اجتماعی ، قسط ، آزادی فردی ، امنیت اجتماعی و نظام منطقی اداری از ویژگیهای عمومی و یکتا پرستی ، پویائی ، اکتساب ،

انفاق، ایثار، کنجکاو علمی و هنری و خلاقیت، احساس مسئولیت و مشارکت سیاسی و اجتماعی از خصوصیات فردی آن است.

۲- شرایطی در جامعه وجود دارد که همگام با برقراری آزادیهای فردی در عقیده و بیان، سکونت در هر منطقه از کشور، اشتغال و حق کار و شرکت در اجتماعات، قوانین و عمل افراد و اجتماع به نحوی باشد که در حین قبول حق حکومت اکثریت، اجازه فعالیت به همه گروهها از کوچک و بزرگ داده شود تا بتوانند با شرکت آزادانه و دور از هرگونه محدودیت در فراگردهای سیاسی، امکان تبلیغ عقاید و دیدگاههای خود را داشته باشند و این روال به عنوان سنتی مستمر و قبول شده در جامعه برقرار گردیده است.

۳- استقرار جامعه پویائی که در جهت تکامل و تعالی شخصیت و نقش اجتماعی افراد جامعه همگام با تحول انقلابی در نهادها و شالودههای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که در این اجتماع از مکانیسم اجتهاد به بهترین نحو برای پیشبرد هدفهای معنوی و مادی و شکوفائی فرهنگی جامعه استفاده میشود.

۴- رسیدن به جامعه‌ای که در آن همزمان با بهادادن به رشد و تکامل ارزشهای معنوی در فرد و جامعه به مادیات نیز توجه کافی شده و تعادلی مناسب در ترکیب این ارزشها برقرار گردیده است. بطوریکه در زمینه ارزشهای مادی با کوشا بودن کلیه افراد در امر اکتساب، تکاثر ثروت برای جامعه پذیرفته شده و با اشاعه روحیه "انفاق" استفاده از روشهای معقول از تکاثر ثروت فردی پیشگیری شده است.

۵- در نهایت، هدف رسیدن به جامعه‌ای است که در متن آرمانهای آن در جهت تکامل شخصی افراد جامعه آزادی، خلاقیت و بدعت گذاری بهمان میزان ارزشمند است که خدمتگزاری و از خودگذشتگی شخصی برای دیگر افراد جامعه و ایثار در ادای مسئولیت به منافع گروه و اجتماع.

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴ - ۵۲۱ - سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول) .

۱- مطالعه و زمینه سازی برای نهادی کردن ارزشهای ضروری برای تحقق آرمانهای انقلابی و سازندگی کشور از جمله بالابردن ارزش کار، مطالعه، میهن دوستی، پرهیز از اسراف، انضباط و وظیفه شناسی، پاک سازی محیط زیست از طریق وسائل ارتباط جمعی انجام گردد.

۲- مراکز تحقیقات فرهنگی توسعه یابند.

۳- از آثار باستانی و میراثهای ملی نگهبانی شود و فعالیت‌های هنری در کلیه زمینه‌ها اشاعه و گسترش یابند.

۴- مطالعه و برنامه ریزی برای همگام و هماهنگ کردن محیط فرهنگی و روانی جامعه انجام گردد.

۵- یک نظام سازمانی برای کمک موثر دولت به محیط سازی فرهنگی جامعه بدون اینکه خود نقش انحصاری داشته باشد بوجود آید.

۶- کوشش در جهت بوجود آوردن شناخت فرهنگ و تمدن ایرانی و ارزشهای اسلامی آن در ارتباط با آزادی و برابری و احترام میان ملل گوناگون، بعمل آید.

۷- کوشش در جهت از میان بردن دوگانگی و بوجود آوردن اتحاد فرهنگی لازم و تفاهم در اقشار مردم بعمل آید.

۸- احترام به قانون و آزادیهای فردی و اجتماعی در رفتار مردم و همچنین در نظام حکومتی نهادی گردد.

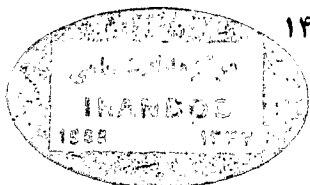
۱ — ارزشهای فرهنگی و شخصیت انسانی

الف — از آنجا که اسلام مکتبی انسان ساز است یکی از اهداف اساسی جامعه انقلابی ما تکامل و تعالی شخصیت و منش اجتماعی افراد جامعه همگام با تحول انقلابی در نهادها و شالوده های سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی میباشد .

ب — برای به تحقق رسانیدن هریک از آرمانها و ارزشهای متعالی اسلام و تاثیر واقعی آن در خلیات و روحیات افراد جامعه و رفتارهای عملی آنان ، باید همسراه و همگام با ارائه و تبلیغ ارزشهای والای معنوی و دنیوی که اسلام ناظر بر هر دوی آنهاست ، اقدام به تاسیس و رشد و توسعه نهادها و شالوده های اجتماعی ضروری و متناسب با احکام ارزشی مذکور نمود .
پ — با در نظر گرفتن این امر که شالوده شخصیت و منش افراد جامعه و گرایشها و رفتارهای اجتماعی آنان تحت تاثیر دو عامل اساسی : اول ارزشهای فرهنگی ، که در شرایط عادی در مسیر تربیت اجتماعی یکی از ارکان اساسی تکوین خلیات و روحیات افراد جامعه است ، دوم و بطور مکمل ارزشهای فرهنگی ، نظام روابط اقتصادی و اجتماعی است که شرایط لازم را برای همسازی و انطباق با محیط و اوضاع و احوال واقعی و نظام روابط بین قشرهای مختلف بایکدیگر فراهم میسازد .

ت — چون نظام روابط اجتماعی نیز بنوبه خود تحت تاثیر توزیع منابع و پاداشهای اقتصادی (ثروت و درآمد و امکانات زندگی) ، سیاسی (چگونگی توزیع قدرت و مشارکت در اتخاذ تصمیمات اساسی) و اجتماعی (شان و منزلت و احترام) قرار دارد از اینرو ، همواره این گرایش وجود دارد که بخاطر هماهنگی و وجود شکاف میان ارزشهای متعالی فرهنگی و تحمیلات نظام روابط اجتماعی نوعی دوگانگی در معیارهای رفتار افراد جامعه ظهور و بروز کند و انحسار ف عملی و واقعی از آرمانهای معنوی پدیدار گردد . بدین معنی که اگر در جامعه انقلابی کنونی ارزشهای متعالی اسلام تبلیغ شود لکن همگام با آن در نظام عینی روابط اجتماعی تحولات اساسی و بنیانی تحقق پیدا نکند ، تبلیغ ارزشهای متعالی اسلام تاثیر چندانی در روحیات و خلیات افراد جامعه و در رفتارهای واقعی آنان نخواهد داشت . در نتیجه تدوین و تبلیغ ارزشهای فرهنگی مطلوب و متناسب با جامعه انقلابی به تنهایی حاصل نمی نداشت و به موعظه و پند و اندرز می انجامد . گذشته از آن تبلیغ ارزشها بدون تحول در نهادها نه تنها اثر مثبتی برای جامعه انقلابی نخواهد داشت بلکه موجبات آشفتهگی اجتماعی را نیز فراهم میسازد .

ث — با توجه به مجموعه آرمانها و اعتقادات گروههای عمده اجتماعی و اصول اساسی اسلام مجموعه ارزشهای فرهنگی ، که ضرورتاً " باید بوسیله تحولات متناسب در نهادها و شالوده های اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی حمایت شود و اشاعه پیدا کند در سه گروه ارزشهای معنوی و ارزشهای اقتصادی و ارزشهای سیاسی تدوین و ارائه میشود . اساس و شالوده مجموعه ارزشهای فرهنگی ایمان و اعتقاد به جامعه اسلامی است که بعنوان زیربنای فرهنگی جامعه انقلابی در نظر می آید :



در جامعه اسلامی نظام زندگی بر مبنای تعلق همه چیز به خدا و امانت دار بودن انسان نسبت به ملک خداست. استفاده از موهبت الهی برای تامین نیازهای متعارف و معقول مادی فرد و جامعه بدون اسراف در مصرف و در جهت سیر تکامل بسوی خدا استوار است. در جامعه اسلامی تقرب و نزدیکی به خدا و محشور شدن با او تنها با داشتن تقوی و فضیلت و خدمتگزاری بی‌ریا به مردم میسر است.

۲- ارزشهای معنوی

- الف - مفهوم ایثار و شهادت بر اساس سنن اسلامی - ایرانی به منظور تداوم روحیه انقلابی در جامعه اشاعه یابد.
- ب - تعهد و مسئولیت فرد در برابر جامعه بر اساس نهادهای مکتب توحیدی اسلام که از آزادی انتخاب و اراده نشأت میگیرد اشاعه یابد.
- پ - روحیه آزادمندی، تشویق به خلافت و نوآوری در همه افراد جامعه اشاعه پیدا کند.
- ت - برادری و برابری در حرمت و شان و منزلت برای همه افراد جامعه برقرار گردد.

۳- ارزشهای اقتصادی

- الف - آرمان توزیع عادلانه ثروت و درآمد و برابری در فرصتها و امکانات مادی برای همه افراد جامعه که به قشرها و گروههای گوناگون و متفاوت تعلق دارند اشاعه یابد.
- ب - آرمانهای مربوط به مصرف معقول و متعادل اشاعه یافته و اسراف در مصرف در تمام سطوح و گروههای جامعه نفی گردد.
- پ - آرمانهای مربوط به ارزش کار و زمان در جامعه انقلابی صنعتی اشاعه یابد.
- ت - آرمانهای مربوط به ارزش علم و تکنولوژی برای احراز استقلال اقتصادی که پایه استقلال سیاسی است اشاعه پیدا کند.
- ث - آرمانهای مربوط به حفظ و نگهداری از کلیه منابع طبیعی و انسان ساخته در حین جلوگیری از آلودگی محیط زیست تحقق پیدا کند.
- ج - آرمانهای مربوط به اکتساب و لزوم تکثیر ثروت در سطح جامعه تحقق یابد.
- چ - آرمانهای مربوط به انفاق در جهت جلوگیری از تمرکز ثروت در سطح فرد اشاعه یابد.

۴- ارزشهای سیاسی

- الف - آرمانهای مربوط به آزادی افراد و گروهها بر اساس اشاعه حس بردباری و تساهل و تحمل عقاید دیگران و رعایت حقوق آنان تحقق یابد. احترام به آراء اکثریت در امور جمعی و احترام به نظریات و حقوق اقلیت نهادی گردد.
- ب - حس مشارکت و مشاورت در کلیه امور اجتماعی که مستقیماً با زندگی افراد جامعه ارتباط

پیدا میکند اشاعه یافته و احساس مسئولیت نسبت به رویه‌ها و ترتیباتی که برای مشارکت و مشاورت مورد قبول عام قرار میگیرد بوجود آید .

پ - احساس میهن‌دوستی بر اساس اعتلای میراث‌های فرهنگی ایران تقویت شود .

ت - حس مسئولیت در برابر امور عمومی مردم اشاعه یافته و منافع عمومی بر منافع خصوصی و همچنین ضوابط و معیارهای قانونی بر روابط خصوصی رجحان داده شود .

شرایط لازم برای تحقق مجموعه ارزشها

برای آنکه این مجموعه ارزشها تحقق پیدا کند باید همراه با اشاعه آنها با استفاده از وسایل گوناگون ارتباطی و فرهنگی و هنری به ایجاد نهادها ، تاسیسات و شالوده‌های لازم نیز اقدام کرد . به بیان دیگر این مجموعه ارزشها دارای ابعاد دوگانه پراهمیتی میباشد :

الف - تعیین‌کننده آرمانها و هدفها و سیاستها و راهبردهای برنامه‌های توسعه و تکامل جامعه انقلابی هستند که بنوبه خود لزوم بازسازی و تحول بنیانی در شالوده‌های روابط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را تاکید میکند .

ب - ارزشهایی هستند که باید همراه با تحولات مذکور در معیارهای افراد جامعه ادغام و یا جایگزین شوند تا هم تحولات عینی را تسهیل نمایند و هم انگیزه و نیروی برای تحقق هدفهای عینی باشند .

مکان و منزلت علوم و فنون در جهان امروز در همه بخش‌های زندگی غیرقابل انکار است و این نقش بویژه در رابطه با سیاست نو سازی کشور و در قداموس فرهنگ جامعه ما بطور آشکار اهمیت استثنائی دارد .

جامعه ما در قرنهای متعددی به ویژه سیصدسال اخیر از لحاظ علمی و فنی سیر نزولی را پیموده است ، در حالیکه حوامع غربی در چهارصدسال اخیر با استفاده از منابع غنی علمی و فنی حوامع اسلامی و سایر حوامع به پیشرفتهای شگرفی در زمینه علوم و فنون نایل شده اند که سرمنشاء قدرت نظامی ، اقتصادی و سیاسی و تسلط انکارناپذیر آنها بر جهان کنونی است . مهمترین پایه و منشاء قدرت آنان توان علمی و تکنولوژیکی آنهاست . در جامعه ما همگام با سیر قهقرائی علم و تکنولوژی ارزشهای مربوط به احترام به دانشمندان و علم نیز رو به زوال گذاشته ، بدعت گذاری و نوآوری ، مشاهده و کنجکاوای علمی ، استنتاج و بطور کلی دید عقلانی منطقی از فرهنگ مسلط بر جامعه مارخت بر بسته است و آنچه در چند دهه اخیر هم از غرب گرفته ایم بصورتی عاریتی و پیوند نایافته با نیازها و نهادهای اساسی جامعه بوده است . از اینرو بزرگترین وظیفه جامعه بعد از انقلاب بازگرداندن روحیه علمی و فنی به جامعه و برقرار کردن ارتباط لازم میان نیازهای اجتماعی از یکسو و رهگشائیهای علمی و فنی از سوی دیگر است . بدون یک چنین پیوندی قطار انقلاب بمقصد نخواهد رسید .

از سوی دیگر جامعه ایرانی آنچنان نیز از افراد تحصیل کرده و آشنا به علوم و فنون جدید تهی نبوده و چون فرهنگ اسلامی جويا و مشوق طلبگی و آموختن و پیشبرد علم است ، بنا بر این اگر در این برهه از زمان بتوان پشتوانه فرهنگی جامعه‌ای چنین کهن و غنی را که دست پرورده‌هایش شهرت عالمگیر داشته‌اند بصورتی جويا تجهیز نمود و گروه‌های علمی و فنی کشور را حرکت در آورد آنگاه میتوان امید زیادی بآینده علمی و فنی کشور داشت .

مسیر پیشرفت علوم و تکنولوژی در ایران را طی سده گذشته به سه دوره متمایز میتوان تقسیم کرد .

- ۱- دوران تسلط کامل تکنولوژی بومی (تا حدود یکصدسال پیش)
- ۲- دوران شروع استفاده از تکنولوژی صنعتی در حد ظرفیتهای داخلی و منطبق با تکنولوژی بومی و جذب آن (از یکصدسال پیش تا بعد از جنگ جهانی دوم) .
- ۳- دوران استفاده از صنایع بسیار پیشرفته خارجی بدون آمادگی علمی و فنی افراد بومی برای بهره‌برداری و انطباق آن با شرایط ویژه مملکت (بعد از جنگ جهانی دوم ، بخصوص دهه اخیر) .

از جمله محاسن دوران تکنولوژی بومی ریشه داشتن این تکنولوژی در جامعه ، مرتبط بودن آن با نیازهای جامعه و اتکاء آن به مواد اولیه و نیروی انسانی موجود در کشور بود . کاشی سازی ، شیشه گری

معماری و ساختمان سازی ، نساجی و قالی بافی ، آسیابهای بادی و آبی و نظام آبیاری ، صنایع دستی و نظایر آن ، مثالهایی از تکنولوژی بومی در ایران بشمار میرود . خصوصیت بارز این دوره پویانبودن علم و تکنولوژی میباشد . از این لحاظ علم و تکنولوژی پیشرفتی نداشت و نه تنها بر آنچه که گذشتگان بآن دست یافته بودند چیزی افزوده نشد بلکه بخاطر بی توجهی با اهمیت علوم جدید توسط رهبران سیاسی حتی دست آورد گذشتگان در علم و تکنولوژی نیز حفظ نشد .

اگر چه تکنولوژی وارداتی در دوره دوم بدواً " با محیط بیگانه بود لیکن در مدتی کوتاه و به سهولت توسط ایرانیان جذب شد (با استثنای چند مورد از جمله صنعت نفت که از ابتدا توسط خارجیان پایه گذاری شد و راه آهن که در آغاز برای احداث و بهره برداری به کارشناس خارجی نیاز مند بود) . این صنایع متناسب با توسعه اقتصادی ، اجتماعی کشور شد کرد ، عمدتاً " به منابع داخلی متکی بود و اندازه و مقیاس مناسب داشت . بعضی از تکنولوژی های سنتی کشور در این دوره ادامه یافت و پیشرفت منطقی کرد و بر پایه های از آنها نیز چیره شد ، راه آهن ، مخابرات ، وسائط نقلیه موتوری ، تولید و انتقال برق ، اکتشاف و استخراج و پالایش و صادرات نفت ، استخراج معادن ، تهیه مواد غذایی و کشاورزی ، تولید مواد پاک کننده و ساخت وسائل خانگی از جمله تکنولوژی های وارداتی و جذب شده در این دوره است .

تکنولوژی معمول و متداول در صنعت نفت ، کارخانجات راه آهن دولتی ، کارخانجات قند و سیمان و برق و نساجی آن روزگار هسته اولیه مناسبی برای پیشرفت منظم و تدریجی تکنولوژی کشور بود و نیروی انسانی تربیت شده در این صنایع نطفه های بسیار باروری را در پهنه مستعد کشور به وجود آوردند .

موقعیت فعلی تکنولوژیک از طریق بررسی و شناسائی انواع و ابعاد یا پیچیدگی صنایع کشور دریافتنی نیست بلکه در این مورد باید به مجموعه توانائی های فنی صنعتگران کشور مراجعه شود . این صنعتگران تک رو و خوش قریحه (بجز در موارد استثنائی) در گوشه و کنار خیابان های قزوین ، دماوند ، خراسان وری در شهر تهران و در دیگر شهرهای بزرگ و کوچک بدون هیچگونه حمایت علمی و پشتوانه پژوهشی فقط به ارضاء کنجکاوای حرفه ای خود مشغولند در حالیکه در اکثر واحدهای بزرگ تولیدی کشور فقدان تکنولوژیست ایرانی (نه تکنولوژی و کارشناس خارجی) چشم گیر است . با این حال تکنولوژی معمول در این واحدها نیز وارداتی بوده و خود جوش یا درون زا نمی باشد .

در این دوره تحت عنوان " انتقال تکنولوژی " فعالیت هایی صورت گرفت که با عدم آگاهی و نادیده گرفتن فراگرد واقعی انتقال تکنولوژی و الزامات آن همراه بود . در نتیجه وابستگی شدید کشور به دانش فنی ، مواد خام ، کارشناس و تکنیسین ، قطعات یدکی ، مدیریت ، اعتبارات بانکی و مالی به خارج از کشور افزایش یافت و تکنولوژی نیاز موده و یا متروک به کشور سرازیر شد و همزمان سرمایه های محدود و وقف طرح های " سرمایه بر " گردید . حال آنکه " انتقال تکنولوژی " خود دارای شرایط عدیده ای است که مهمترین آن دارا بودن دانش فنی ، نیروی انسانی متخصص ، امکان نگهداری و تعمیر و مهمتر از آن قدرت بازسازی و بهبود آن تکنولوژی از طریق سنت سازندگی اجتماع و خلاقیت و بدعت گذاری افراد جامعه در یک فراگرد پویا میباشد .

مسئولان و گردانندگان صنایع کشور که اغلب به تکنولوژی و صنایع وارداتی چه در زمینه فنی و چه در زمینه فرهنگی آشنائی کامل نداشتند در اغلب موارد اختیار تصمیم گیری را به دست خارجیان سپردند و به حسن نیت آنان اعتماد کردند و نتیجه آنکه، در این دوره علم و آگاهی عمیق نسبت به تکنولوژی این صنایع در داخل کشور و توسط کارشناسان ایرانی حاصل نشد. میزان وابستگی کشور با درجه پیچیدگی تکنولوژی وارداتی رابطه مستقیم و میزان جذب واقعی با درجه پیچیدگی تکنولوژی نسبت معکوس داشته است.

۳- ۵۲۲- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

- ۱- روحیه پویائی و نوآوری و تفکر و تلقی علمی از طریق نظام آموزشی و پاداشهای اجتماعی در افراد جامعه نهادی شده است .
- ۲- جامعه‌ای پویا و خواستار علوم و تکنولوژی و گسترش آن بوجود آمده است و این جامعه مسائل و مشکلات خود را بطریق علمی بررسی کرده و بهترین راه حلها را که همگام با بالاترین ارزشهای انسانی هستند انتخاب نموده و بکار می بندد .
- ۳- جامعه نه تنها حامی و پشتیبان علم است بلکه نقش و سهم شایسته خود را در پیشبرد مرزهای دانش بشری عهده دار است .
- ۴- فن آوری در جامعه نهادی گردیده بطوریکه تکنولوژی درون زا و متحولی جهت تامین نیازهای جامعه بوجود آمده و اشاعه یافته است .
- ۵- از توان علمی و فنی کلیه دانشمندان و فن شناسان ایرانی و خارجیانی که در جهت تامین رسالت های جامعه مطلوب به آنان نیاز است بهره برداری میشود .
- ۶- کاربرد تکنولوژی مناسب بازده واحدهای تولیدی و خدماتی و نیز کیفیت فرآورده ها و خدمات را در حد بهینه برقرار ساخته است .
- ۷- مراکز توسعه و تحقیق بمنظور ایجاد و گسترش علوم و تکنولوژی و مکانیسم انتقال دست آوردهای علمی و فنی به فضاهای تولیدی و خدماتی بطور فعال بکار مشغولند .
- ۸- ارتباط لازم میان مراکز تحقیقاتی و مراکز توسعه و کاربرد تحقیقات و بخشهای تولیدی و خدماتی در یک شبکه بهم پیوسته علمی - کاربردی ایجاد شده است .
- ۹- خودکفائی لازم در فضاهای مختلف از لحاظ تعمیرات و نگهداری واحدهای تولیدی و خدماتی بوجود آمده است .
- ۱۰- مهارت های متناسب با تکنولوژی معمول با چشم داشت به تحولات تکنولوژیک در آینده در بخشهای تولیدی و خدماتی با توجه به هدفها و امکانات پرورش یافته است .
- ۱۱- مدیریت واحدهای علمی و تکنولوژیک کارائی بهینه این واحدها را میسر ساخته است .

۴ - ۵۲۲ - سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- سازوکار لازم برای شناسائی و تهیه آمار و اطلاعات در زمینه توان علمی و فنی کشور از لحاظ نیروی انسانی، نتیجه مطالعات انجام یافته، تجهیزات و تاسیسات فراهم گردد.
- ۲- طرحهای ضربتی بمنظور رفع مشکلات و بالابردن تولیدات و ارائه خدمات در فعالیتهای عمرانی با استفاده از توان علمی و فنی موجود کشور بمرور اجرا گذاشته شود.
- ۳- موجبات اتمام طرحهای موجه نیمه تمام فراهم گردد.
- ۴- سازوکار لازم برای تدوین سیاست و برنامه ریزی علمی و تکنولوژیک کشور و ارزیابی و تحدید نظر مستمر در آن بوجود آید.
- ۵- پایه ریزی علمی و فنی برای تاسیس واحدهای تولیدی و خدماتی سازنده دستگاههای کنترل کننده در صنایع و رفع نیازهای تعمیراتی و وسایل دقیق صورت گیرد.
- ۶- موءسسات علمی و فنی (تکنولوژیک) کشور در یک نظام عقلانی و بهم پیوسته بازسازی شوند و این بازسازی در رابطه با نیازهای کشور با چشم داشت به اصل انحلال موءسسات غیر ضروری، ادغام موءسسات مشابه و به حداقل رساندن و کارآ کردن عوامل بوروکراتیک صورت گیرد.
- ۷- سازوکار لازم برای تدوین وازهها و وضع استانداردهای ملی و بین المللی در جهت تسهیل مبادلات و بالابردن کیفیت تولیدات و خدمات بوجود آید.
- ۸- شبکه اطلاعات علمی و فنی و پژوهشی کشور با توجه به نیازهای اطلاعاتی مراکز تولیدی، خدماتی، پژوهشی و آموزشی و در هماهنگی با این واحدها بوجود آید.
- ۹- مقررات و قوانین لازم برای حمایت از حقوق و آزادیهای دانشمندان، محققان و مخترعان بویژه در رابطه با کار آنان تدوین گردد.

۵ - ۵۲۲ - سیاستهای میان مدت و درازمدت (مرحله دوم و سوم)

- ۱- شناسائی و تهیه آمار و اطلاعات در زمینه توان علمی و فنی کشور در مورد نیروی انسانی، مطالعات و تحقیقات، تجهیزات و تاسیسات و همچنین کمبودها بطور مستمر ادامه یابد.
- ۲- سیاست و برنامه ریزی علمی و فنی (تکنولوژیک) کشور در رابطه با نیاز بخشهای مختلف و امکانات و منابع کشور بطور مستمر مورد ارزیابی و تجدید نظر قرار گیرد.
- ۳- شبکه اطلاعات علمی و فنی کشور باید تنها نیازهای اطلاعاتی مراکز تولیدی، خدماتی، پژوهشی و آموزشی کشور را برآورده سازد بلکه وسایل استفاده از علوم و تکنولوژی توسط عامه را از طریق ترویج علوم و فنون بوسیله، نشریات، فیلم، نمایشگاه، سخنرانی و غیره فراهم کند.
- ۴- وازههای علمی جدید و استانداردهای ملی و بین المللی از طریق توسعه واحدهای موجود وضع و مراکز جدید در جهت تسهیل مبادلات و بالابردن کیفیت تولیدات و خدمات بطور مستمر ایجاد گردد.
- ۵- مراکز تحقیقات، توسعه و طراحی برای یاری دادن به کلیه بخشهای تولیدی و خدماتی کشور بطور

همه‌جانبه گسترش یابد .

۶- برنامه‌های لازم جهت تربیت متخصصان ، پژوهشگران و کادر پشتیبان کارآمد با در نظر گرفتن تحولات علمی و فنی در سطح ملی و جهانی بمرحله اجرا گذاشته شود .

۷- انگیزه‌های معنوی و مادی لازم برای تشویق نوآوری علمی و فنی در صنعت ، کشاورزی و خدمات شدیداً تقویت گردد .

۸- تربیت نیروی انسانی مورد نیاز در کلیه زمینه‌ها و با کیفیت مطلوب برای خدمات علمی و فنی جامعه ادامه یابد .

۹- انگیزه‌ها و سازوکارهای لازم برای بحد مطلوب رسانیدن میزان بازده در واحد تولید همزمان با بالا رفتن کیفیت فرآورده‌ها با بهره‌گیری مناسب از تکنولوژی بوجود آید .

مطالعه و تفکر در اسرار طبیعت و کائنات یا پژوهش یک امر فطری بشر می باشد . زندگی روزمره انسان و زندگی او در ادوار مختلف تاریخ همیشه با فراگیری و تحقیق همراه بوده است . اسلام تفکر و تعمق در مسائل معنوی و طبیعی را نه تنها تشویق و ترغیب مینماید بلکه آن را بصورت فریضه برای مسلمانان قرار داده است . (" اطلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه ") . پیشرفت اقتصادی و اجتماعی جامعه و رسیدن با استقلال فرهنگی و اقتصادی بدون انجام تحقیقات اساسی و کاربردی سازمان یافته و وسیع در کلیه زمینهها امکان پذیر نیست . علاوه بر استفاده از مطالعات انجام شده در جهان ، کشور بایستی تحقیقات کاربردی در کلیه زمینههای علمی ، ادبی ، هنری و غیره را توسعه داده و مقدار قابل توجه از هم خود را نیز صرف پژوهشهای پایه و اساسی در این زمینهها بنماید .

کمبود تعداد پژوهندگان ، عدم اعتماد و احساس نیاز دستگاههای اجرایی و مردم به لزوم پژوهش و نهادی کردن آن در زندگی روزمره ، اجر ننهادهن به مقام محقق و دانشمند ، فراهم نبودن جو مناسب برای انجام تحقیقات (علیرغم سرمایه گذاری قابل ملاحظه در خرید وسایل و لوازم برای انجام تحقیقات) ، نداشتن خیال راحت و امنیت شغلی و اجتماعی پژوهشگران ، نداشتن زیر بنای صنعتی و فنی قوی برای انجام تحقیقات علمی ، عدم امکان دسترسی سریع به نتایج تحقیقات انجام شده در ایران و سایر کشورهای جهان از محدودیتهای کنونی پیشرفت پژوهش در کشور می باشد .

با تغییر بنیادی در نظام حکومتی ایران و بوجود آمدن احساس نیاز بخود اتکائی و رسیدن به استقلال فرهنگی و اقتصادی ، برخورداری از نیروی انسانی بالقوه توانا و مستعد برای انجام پژوهشهای پایه ای و کاربردی ، برخورداری از منابع طبیعی سرشار و ثروت ملی از امکانات موجود در کشور برای رفع محدودیتها و پیشرفت پژوهش می باشد .

در حال حاضر پژوهش در کشور از یک حالت پریشانی و آشفتگی برخوردار است . این حالت نتیجه آنست که انگیزه معنوی برای امر تحقیقات و تفکر و آموختن از دست رفته و انگیزه دنیوی و مادی نیز طوری نبوده که تحرک و پویائی لازم را در این زمینه بوجود آورد .

قسمت اعظم تحقیقاتی که در دو دهه گذشته انجام پذیرفته تحقیقاتی بوده است که بصورت منفرد در دانشگاهها یا در جهت تکمیل آموزش و بر اساس سوابق و علائق شخصی محقق و یا احتمالاً " در ادامسه تحقیقات قبلی وی در دوره تحصیلات عالی و قسمت کمی نیز در جهت رفع مسائل و نیازهای اجتماع

انجام پذیرفته است . همزمان پاره‌ای تحقیقات تخصصی در سازمانهای وابسته بدولت برای رفع مسائل عملیاتی و روزمره آنها نیز بعمل آمده است .

توجه به آمار زیر میتواند گویای توان مالی و انسانی بالقوه پژوهش‌وزینه‌های مورد تحقیق کشور در دودهمه گذشته باشد :

بودجه پژوهشی کشور* در سالهای اخیر بطور متوسط ۵/۰٪ بودجه کل مملکت بوده است. ۸۵٪ این بودجه توسط موءسسات پژوهشی وابسته به وزارتخانهها ، ۱۰٪ توسط دانشگاهها و ۵٪ در موءسسات عام المنفعه و سایر موءسسات مصرف شده است . در حدود ۶۰۰۰ نفر محقق** در رشته‌های مختلف پژوهشی مشغول کار هستند که ۴۷٪ آنان در رشته‌های مربوط به علوم طب و کشاورزی ، ۲۴٪ در علوم پایه و فقط ۸٪ در رشته‌های مربوط به علوم مهندسی و بقیه مربوط به سایر رشته‌ها بوده است .

عوامل عمده‌ای که پژوهش را در دودهمه گذشته در وضع نابسامان موجود نگه داشته ، بشرح زیر میباید شد :

۱ - عوامل سیاسی - اجتماعی - اقتصادی

چندین برابر شدن درآمد نفت در دو دهه گذشته که باعث افزایش شدید واردات و ایجاد اقتصاد وابسته و نامتعادل گردید ، کشور را از انجام تحقیقات جدی باز داشته و محیط را بطور کلی برای این نوع فعالیت نامساعد ساخته بود . در جامعه تظاهر ، نمایش و مصرف حالت غالب را پیدا کرده و هرگونه فعالیت بنیادی از جمله تحقیقات در آن بی ارزش جلوه مینمود .

وجود سیاست‌های غلط اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی مانع بوجود آمدن سازوکار صحیح پژوهشی و تربیت مدیران و محققین ارزنده و تجهیز مراکز تحقیقاتی بر اساس نیاز و اولویتها گردید . بطور خلاصه میتوان عوامل زیر را در این زمینه ذکر کرد :

- الف - عدم توجه مدیران اجرایی و تا اندازه‌ای مدیران آموزشی به اهمیت تحقیق .
- ب - توزیع نامتعادل و تخصیص نامتناسب اعتبارات تحقیقاتی بین مراکز و واحدهای انجام دهنده پژوهش
- پ - برنامه‌ریزی ناقص و ناهم‌آهنگ برای انجام تحقیقات .
- ت - عدم استفاده از نتیجه کار محققین در حل معضلات جامعه .
- ث - از بین رفتن حالت طلبگی در بین پژوهشگران .
- ج - دورافتادگی محیط تحقیق از نیازهای اجتماع .
- چ - وابستگی زیاد به منابع خارجی برای تجهیزات تحقیقاتی و کمبود متخصصین برای نگهداری و تعمیر وسایل و تجهیزات .

* بودجه پژوهشی شامل پژوهش در دانشگاهها و موءسسات تحقیقاتی وابسته به وزارتخانهها و همچنین بودجه‌های مربوط به بررسی‌های طرحهای عمرانی نیز میشود .

** این محققین شامل کادر آموزشی دانشگاهها و محققین موءسسات پژوهشی میباشند .

ح - عدم وجود کادر پشتیبانی تحقیق .

خ - دردسترس نبودن کتابخانه ، منابع علمی و مراکز اشاعه علوم و نتایج تحقیق به میزان کافی .

د - مدیریت ضعیف در تحقیق که باعث جلوگیری از پیشرفت کار میشود .

ذ - کمبود مراکز آموزش بالاتراز سطح لیسانس که مستلزم انجام تحقیقات تمام وقت باشد .

ر - فقدان انجمنها و شوراهای علمی موثر برای ارتباط بین پژوهشگران .

ز - کمبود اصلی پرسنل تحقیقاتی بطور اعم و نداشتن محققین واجد شرایط بطور اخص .

ژ - عدم همکاری بین دانشگاهها و مراکز تحقیق با وزارتخانه ها و موسسات دولتی .

س - عدم تشویق معنوی و مادی محقق در جامعه .

بیر عوامل بازدارنده در بخشهای مختلف

الف - علوم انسانی واجتماعی

- کم توجهی بخش خصوصی و عامه مردم به علم در حالیکه از لحاظ تاریخی مردم

ایران همیشه از طریق وقف کمک موثری به توسعه علوم کرده اند .

- سطح تحقیق در زمینه های علوم انسانی واجتماعی در چند دهه اخیر مرتباً " تنزل

کرده و موجبات تحقیق از طریق معنوی و مادی فراهم نشده است .

- کم توجهی به اهمیت جنبه های انسانی واجتماعی فعالیتهائی نظیر کشاورزی ، صنایع ،

خدمات و تحقیق در این زمینه ها .

ب - علوم پایه و مهندسی

حجم و کیفیت پژوهش در مهندسی و علوم پایه در وضع موجود بسیار کم و ضعیف میباشد . اهم

عوامل رکود بصورت زیر خلاصه میشوند :

- این علوم عموماً " از غرب سرچشمه گرفته و در آنجا نیز رشد و توسعه یافته و ارتباط

ما بیشتر جنبه شناسائی سطحی دارد تا درگیری عمیق با آن .

- صنعت ایران در وضع موجود به تکنولوژی خارجی اتکاء دارد . در نتیجه صلاح این

واحدها در این بوده است که وابستگی به شرکت مادر را به منظور رفع نیازهای فنی

حفظ کرده و از این روتوسعه و پژوهش کاربردی در صنعت بسیار ناچیز و محققین امکان

پیاده کردن طرحهای ابتکاری خود را نداشته اند .

ج - پزشکی و کشاورزی

در زمینه پزشکی و کشاورزی بعلت سابقه بیشتر این دورشته و ارتباط نزدیکتر مسائل پژوهشی با

پژوهشگر فعالیتهای علمی قدری وسیعتر و متشکلتراز سایر رشتهها است . در عین حال پژوهش در

این رشته ها نیز بحد مورد انتظار و مورد نیاز بععلت زیرمیسرتگر دیده است :

- بعلت عدم ارتباط مؤسسات دولتی با دانشگاهها و فقدان کادر مجرب تحقیقاتی در

خود مؤسسات دولتی بندرت طرحهای جامع و بلند مدت تحقیقاتی در این زمینهها

اجرا و با موفقیت به پایان رسیده است .

— سیاستهای خاص تشویقی برای افراد در امر پژوهش ایجاد نشده و فقط معدودی از پژوهشگران در رشته‌های پزشکی و کشاورزی بر اساس علائق شخصی خود اقدام به چنین فعالیت‌هایی نموده‌اند .

— در دانشکده‌های کشاورزی و همچنین اکثریت دانشکده‌های پزشکی تاکید بر روی جنبه آموزش علم قرار داشته و هیچگونه کوششی در الحاق روح تجسس و تفحص برای شناخت مسائل و یافتن راه حل آنها که پایه و اساس پژوهش است انجام نگردیده است .

۳- ۵۲۳- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

- ۱- در فرهنگ جامعه پژوهش به عنوان یک وسیله اصلی برای رفعت معنوی انسان و ارتقاء دانش و فن و شناخت مجهولات و یافتن راه حل برای مشکلات در ارتباط با نیازهای کشور چه بوسیله افراد و چه بوسیله دولت مورد قبول بوده و نهادی شده است .
- ۲- پیوند لازم میان فراگرد آموزش و پرورش و پژوهش بوجود آمده است بنحوی که کنجکاوی ، جستجوگری و تحقیق برای شناخت نامعلوم بعنوان وسیله آموزش و فراگیری توسط نهادهای آموزشی از پائین ترین سطح در دبستان تا عالیترین آن در دانشگاه متناسب جزء لاینفک نظام آموزشی شده است .
- ۳- جامعه محیط آزاد لازم را برای پژوهش و انتشار نتایج آن تضمین نموده است .
- ۴- علاقه به پژوهش و تفکر علمی از طریق نشریات ، انجمن‌های علمی ، رادیو، تلویزیون ، سینما ، موزه‌ها و غیره در سنین و گروه‌های مختلف مردم اشاعه یافته است .
- ۵- مقام معنوی پژوهشگر در جامعه شناخته شده و انگیزه‌های معنوی و مادی لازم برای سوق استعدادها بطرف فعالیت‌های پژوهشی و ایجاد آرامش خاطر و امنیت شغلی برای پژوهشگر ایجاد شده است .
- ۶- وسایل و ابزار کار علمی و پژوهشی نظیر آمار و اسناد ، کتابخانه‌ها و آزمایشگاه‌های عمومی و تخصصی ، انجمن‌های علمی و موزه‌های علوم و فنون از یکسو در دانشگاهها و مراکز علمی و از سوی دیگر در شهرها و روستاهای کشور بوجود آمده است و مردم عادت کرده‌اند که برای یافتن راه حل بسیاری از مسائل و مشکلات خود به آنها مراجعه کنند .
- ۷- نظام و سازمان لازم برای ایجاد شرایط و انگیزه‌های مناسب در محیط‌های مختلف کاربره منظور بهره‌گیری از کنجکاوی و استعداد های پژوهشی فردی و گروهی جامعه بوجود آمده است .
- ۸- نظام موثر مدیریت پژوهشی برای تعیین سیاست علمی و تحقیقاتی کشور ، بررسی و تخصیص اعتبارات در جهت تشویق و توسعه پژوهش و کاربرد نتایج حاصل و اعمال کنترل و نظارت لازم فعال شده است .
- ۹- ضوابط لازم برای تشخیص و تعیین اولویت‌های پژوهشی در زمینه‌های مختلف علوم و فنون تدوین و بمرحله اجرا گذاشته شده است .
- ۱۰- جامعه پیوند لازم میان فعالیت‌های پژوهشی و نیازهای کشور را ضروری ساخته است .
- ۱۱- مراکز پژوهشی کاربردی در زمینه‌های کشاورزی ، صنایع و خدمات بطور فعال در کلیه مناطق بوجود آمده است .
- ۱۲- نظام اقتصادی مناسب به منظور پیشگیری از اسراف منابع در فعالیت‌های پژوهشی کشور مستقر شده است .

- ۱۳ - شبکه‌های اطلاعات لازم میان واحدهای پژوهشی کشور از یکسو و مراکز تحقیقاتی جهان از سوی دیگر بوجود آمده است .
- ۱۴ - قوانین و روشهای لازم برای تضمین منافع ملی در ارتباط با نتایج پژوهشهای کاربردی تدوین شده است .
- ۱۵ - تصمیم‌گیری در سطوح مختلف جامعه بطور عقلانی انجام شده و برای این منظور از نتایج بررسی‌ها و پژوهشها در هر زمینه استفاده میشود .
- ۱۶ - پیوند ناگسستنی برای همکاری موثر و فعال بین مراکز آموزش عالی و مؤسسات احرائی کشور جهت تشخیص نیازهای تحقیقاتی ، اجرا و کاربرد نتایج تحقیقات بوجود آمده است .

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و درازمدت)

۴ - ۵۲۳ - سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱ - ساز و کار لازم برای برنامه‌ریزی ، هماهنگی و تخصیص اعتبارات پژوهشی در کشور ایجاد گردد .
- ۲ - اقدامات لازم جهت بهره‌برداری از فعالیتهای پژوهشی در صنعت ، کشاورزی و خدمات و در رابطه با نیازهای جامعه بعمل آید .
- ۳ - ساز و کار برای اتخاذ تصمیم درباره ادامه فعالیت مؤسسات و مراکز پژوهشی ، انحلال مؤسسات غیر ضروری و ادغام مؤسسات مشابه و یا ایجاد مؤسسات جدید ایجاد گردد .
- ۴ - کوشش وسیع آموزشی و علمی برای آشنا کردن افراد نهمندولوژی و روش پژوهش بعمل آید .
- ۵ - موجبات ایجاد مراکز مجهز برای رفع نیازهای تعمیراتی و نگهداری وسائل و تجهیزات تحقیقاتی در سطح کشور فراهم شود .
- ۶ - اقدامات لازم برای بوجود آوردن فضای مساعد تنبوع ، کنجکاو علمی و تحقیق از طریق احترام به دانشمندان و فراهم آوردن موجبات کارورفاه آنان و ایجاد غرور و افتخار برای کارهای علمی اصیل و خلاق بعمل آید .
- ۷ - شبکه‌های اطلاعات علمی و فنی و پژوهشی در کشور بنحوی که کلیه اطلاعات بتواند به سهولت در دسترس عموم قرارگیرد گسترش یافته و هماهنگی لازم بوجود آید .
- ۸ - موجبات تشکیل انجمنهای علمی و فنی بمنظور ایجاد ارتباط بین محققین و یافته‌های علم و فن در جامعه فراهم گردد .
- ۹ - پژوهش در علوم و فنون و هنر و ادب قدیم ایران بمنظور اعتلای مقام دانشمندان ، مهندسان ، هنرمندان و ادیبان ایرانی بخاطر آشنائی با فرهنگ قدیم ایران زمین تشویق و افتخار و غرور در بین مردم درباره گذشته کشور بوجود آید .

۵ - ۵۲۳ - سیاستهای میان مدت و درازمدت (مرحله دوم و سوم)

- ۱ - فرهنگ جامعه از طریق رهبری ، نظام آموزشی و وسایل ارتباط جمعی این اصل را می‌پذیرد که تنها از

طریق مشاهده عینی و علمی پدیده‌ها ، تفکر و خلاقیت است که میشود بر مشکلات فائق آمده و مسائل جامعه را حل کرد .

۲- سرمایه‌گذاری اساسی و سنگین لازم برای ایجاد شبکه گسترده اطلاعاتی علمی و فنی بعمل آید . بهره‌برداری موثر از یافته‌های پژوهشی از طریق ایجاد مراکز اطلاعات ، کتابخانه‌ها و کارگاه‌های آموزشی علم و فن و استفاده از رسانه‌های همگانی در کلیه مناطق کشور بعمل آید .

۳- مؤسسات جدید پژوهشی با توجه به سیاستهای علمی کشور در زمینه‌های مورد نیاز جامعه و با استفاده بهینه از امکانات موجود در نقاط مختلف کشور ایجاد و مستقر گردد .

۴- نشریات و باشگاه‌های علمی بخصوص برای نوجوانان گسترش یافته و از رادیو ، تلویزیون ، سینما ، روزنامه‌ها ، موزه‌های علوم ، پلانتریومها ، رصدخانه‌ها ، باغ‌های وحش و نبات و غیره برای گسترش مرزهای تفکر علمی مردم کمک گرفته شود .

۵- برنامه‌های لازم جهت تربیت پژوهشگران و کادر پشتیبان کارآمد از طریق ایجاد و گسترش دوره‌های فوق لیسانس و دکترا و فراهم کردن امکانات تحقیقاتی تدوین و مرحله اجرا گذارده شود .

اهمیت آب با توجه به نقش آن برای زندگی انسان و تولیدات کشاورزی و صنعتی در ایران که یکی از کشورهای کم آب جهان است نیازی بناکاید ندارد. اما چون در اثر پیشرفت سطح زندگی و بالا رفتن سطح تحصيلات مردم و توسعه صنعت و کشاورزی مصرف آب روز بروز در حال افزایش است و از سوی دیگر میزان آب قابل بهره‌برداری در مملکت محدود می‌باشد تدوین یک برنامه دقیق و صحیح برای تهیه و توزیع و مصرف آب شایان اهمیت فراوانی بوده و باید نسبت با آن توجه بیشتری نمود.

نظر باینکه میانگین ارتفاع بارندگی در ایران کمتر از $\frac{1}{3}$ ارتفاع متوسط بارندگی در سطح کره زمین می‌باشد میتوان ایران را جزو کشورهای خشک یا نیمه خشک بحساب آورد. البته این میزان کم بارندگی هم در سراسر کشور بیکسان توزیع نمی‌گردد. میزان بارندگی بین کمتر از ۱۰ میلی‌متر در کویر تا بیش از ۲۰۰۰ میلی‌متر در منطقه گیلان تغییر می‌کند. حدود $\frac{1}{3}$ مجموع نزولات آسمانی در منطقه آبریز دریای مازندران بوده و کشاورزانی متوسط بارندگی حدود ۲۵۰ میلی‌متر در سال می‌باشد. لذا قلت بارندگی و طرز توزیع مکانی آن و بطور کلی توزیع منابع آب در رابطه با خاک‌های حاصلخیز کشاورزی نیز از محدودیت‌های کشاوراست.

یکی دیگر از تنگناها مسئله بالا بودن میزان تبخیر در قسمت اعظم کشاوراست. بعلت تعدد روزهای آفتابی و بالا بودن درجه حرارت میزان تبخیر، در صورت موجود بودن آب، در اکثر نقاط ایران بیش از ۲ متر در سال است. بعبارت دیگر ارتفاع تبخیر در این نواحی حدود ۱۰ برابر ارتفاع بارندگی است.

یکی دیگر از محدودیت‌های کشور در زمینه آب عدم توزیع مناسب زمان بارندگی است. بجز نواحی کوچکی از کشور بقیه نواحی دارای زمان بارندگی محدودی هستند. بدین معنی که دوره بارندگی اکثراً از اواسط پائیز شروع شده و در نیمه اول بهار پایان می‌پذیرد. لذا در فصولی از سال که تمرکز کارهای کشاورزی در آن قرار دارد و احتیاج بیشتری با آب هست بارندگی وجود ندارد.

بعلت وجود تشکیلات فراوان تبخیری نظیر گچ و نمک در سطح کشور، آب پاره‌ای از رودخانه‌ها که از این تشکیلات عبور مینماید شور یا تلخ شده و یا با پیوستن به شعب دیگر حجم زیادی از آب‌های روان را از حیز انتفاع خارج مینماید.

با در نظر گرفتن متوسط سالیانه نزولات آسمانی که مقدار قابل ملاحظه از آب توسط تبخیر و تعریق از سطح زمین دوباره به اتمسفر برمیگردد، بین ۱۰۵ الی ۱۳۵ میلیارد مترمکعب در سال باقیمانده حجم آب قابل بهره‌برداری است که باید حداکثر استفاده از آن بعمل آید.

از جمله امکانات در این زمینه بارندگی نسبتاً کافی در سواحل بحر خزر و نواحی غرب کشور و همچنین وجود دشتهای پرآب در خوزستان میباشد که میتواند برای تولیدات کشاورزی و صنعتی و مصارف انسان بکار گرفته شود. علاوه بر این باتوجه به اینکه قسمت عمدهای از کشور کوهستانی است، نزولات برف زمستانی و بارانهای موسمی که غالباً بصورت سیلاب جاری میشود را میتوان با تمهیدات مختلف مهار کرده و از آنها استفاده کرد. از جمله امکانات مهم در این زمینه تجربه طولانی و مهارت مردم کشور در استفاده از رطوبت و آبهای زیرزمینی و رو زمینی برای تولیدات کشاورزی و سنتهای مربوط به صرفه جویی و قناعت در آب در مصارف انسانی و کشاورزی است.

۲- ۵۲۱- ویژگیهای وضع موجود

قسمتی از آبهای سطحی در زمین نفوذ کرده و به آبهای زیرزمینی می پیوندد. قسمتی دیگر از آن بر روی زمین جاری میگردد که سرانجام به دریای مازندران، خلیج فارس و یا دریاچه ها و باتلاقهای داخلی منتهی میگردد. قسمت قابل توجهی از آبهای سطحی کشور نیز از طریق رودخانه های مرزی به خارج از کشور سرازیر میشود (برای مثال، رودخانه سیروان در غرب کشور که حجم متوسط آب آن بطور سالیانه حدوداً معادل ده درصد آبهای سطحی قابل بهره برداری کشور میباشد، بدون بهره برداری به خارج از کشور جاری میگردد). قسمتی از این آبهای سطحی توسط سدهای مخزنی ساخته شده تنظیم میشود. بعلت عدم وجود تجهیزات آبرسانی کافی در حوزه های آبریز سدهای مخزنی و کمبود کادر متخصص و کارآمد برای برنامه ریزی و تنظیم و کارکرد دریاچه این سدها غالباً یکی از منظورهای این سدها که امر جلوگیری از سیل و یا کاهش آن میباشد فراموش و هر چند سال یکبار فاجعه های ببار میآورد.

علاوه بر چشمه سارها در گذشته استفاده از آبهای زیرزمینی بیشتر از طریق حفر قنوات انجام می گرفت. این روش گذشته از اینکه احتیاجی بکار بردن انرژی نداشت قادر نیز نبود که بیش از حد مجازی از آبهای زیرزمینی را استخراج نماید. ولی استفاده از آبهای زیرزمینی توسط چاههای عمیق و نیمه عمیق امروزی تحولی عمیق در بهره برداری از منابع آب در کشور بوجود آورده است و عدم توجه کافی به حد مجاز آبدهی آبخانه های زیرزمینی در بعضی موارد باعث شده است که سطح آب این منابع مرتباً پائین برود و باعث خشک شدن قنواتی که مادر چاه آنها در کوهپایه نیست گردد. با توجه به اینکه میزان برداشت از این منابع روز بروز بیشتر میگردد باید دقت بیشتری در بهره برداری و کنترل آنها بعمل آید.

در مورد مهار کردن آبهای سطحی اقدامات انجام شده بسیار نا کافی و با تدابیر لازم همراه نبوده است و بیشتر صرف طرحهای بزرگ و پرخرج و نسبتاً کم حاصل شده است. تاسیسات جنبی چندین سدهائی که لازمه استفاده از آب ذخیره شده بوده است اغلب با تاخیر و بعد از صرف هزینه های گزاف سپایان رسیده و استفاده اقتصادي و معقول و مردمی از این تاسیسات نشده است. به مسائل آبخیزداری مربوط به سدهای بزرگ توجه نشده است و در نتیجه در مواردی قسمت مهمی از عمر مفید سد بخاطر پر شدن دریاچه آن از گل ولای حتی قبل از استفاده از آبهای مهار شده سر رسیده است. در عین حال توجه کافی با حوادث سدهای کوچک و سیل بندها

برای بالا آوردن سطح آب و سوار کردن به زمینهای اطراف واحداث دریاچههای مصنوعی، آب انبارها و مخازن برای ذخیره آب، احیاء و مرمت قنوات و بوجود آوردن تکنولوژی جدید برای احداث قنوات و ترمیم آنها نشده است.

غالب شهرهای ایران، برخلاف اکثر شهرهای بزرگ جهان، در کنار یک منبع آب سطحی ساخته نشده اند. رشد سریع جمعیت این شهرها همراه با بالا رفتن سطح درآمد، تحصیلات و بهداشت باعث شده است که مصرف آب مورد لزوم این شهرها در ده سال گذشته گاهی به چند برابر برسد. با تمرکز روزافزون جمعیت در شهرهای بزرگ بخصوص تهران تجهیز آب برای مصارف شهری بصورت مساله حادث شده است و در اغلب شهرها کم آبی مشاهده میشود. آب مصرفی این شهرها اغلب از محل آبی که برای تولید کشاورزی بکار میرفته است تامین میشود. در عین حال هماهنگ با افزایش مصرف آب در شهرها اقدامات لازم جهت تامین آب بیشتر از طریق سد سازی و بازیابی مجدد آب انجام نگرفته است.

۳- ۵۳۱- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

- ۱- مطالعات مستمر برای تدوین سیاستهای یکپارچه و هماهنگ ملی بمنظور حفاظت و تجهیز منابع آبی در سطح کشور و در مناطق انجام گرفته و استفاده عقلانی از آنها ادامه دارد.
- ۲- منابع آب در کشور شناسائی شده است و توسعه کشاورزی و صنعتی و نظام استقرار مراکز جمعیت با توجه به این منابع انجام میگردد.
- ۳- تجهیز منابع روزمینی و زیرزمینی آبهای کشور بحداکثر قابل استفاده از طریق ایجاد سدها، سیلبندها، دریاچههای مصنوعی، مخازن، آب انبارها، چاههای عمیق و نیمه عمیق، قنوات، تغذیه سفره های آبی و روشهای تولید کشاورزی از طریق استفاده حداکثر از رطوبت خاک و هوا انجام میگردد.
- ۴- مردم کشور به صرفه جوئی و استفاده صحیح و نیالودن آبها و منابع آنها خو گرفته و جزء عادات روزمره آنان شده است.
- ۵- آب مورد نیاز جامعه، تولیدکنندگان کوچک، صنایع مادر و بنیادی، کشاورزی و دیگر فعالیتها مهیا و اقدامات لازم در زمینه تامین مصارف مورد نیاز و با در نظر گرفتن رشد معقول آنها در آینده صورت گرفته است.
- ۶- روشهای کشت متناسب با مناطق خشک به منظور ذخیره حداکثر رطوبت روزمینی بخصوص در دیم کاری متداول میباشد.
- ۷- بازیابی آب مصرف شده در شهرها و صنایع از طریق حفر چاهها و تصفیه آب در حد مطلوب انجام میگردد.
- ۸- در حین توسعه و تکامل سیستمهای بهره برداری از آب " درون حوزهها " سیستمهای انتقال آب " بین حوزهها در مناطق " در بعضی موارد استقرار یافته و تعادل دسترسی به آب تا حد امکان بین مناطق میسر گردیده است.

- ۱ - طرح جامع آب با استفاده کامل از مطالعات و تحقیقات موجود و در نظر گرفتن خصوصیات متفاوت جغرافیائی، اقتصادی و اجتماعی مناطق و حوزه‌های آبی کشور در چهارچوب سیاست هماهنگ ملی و ویژگیهای مناطق بررسی و تدوین گردد.
- ۲ - طرحها و پروژه‌های معقول نیمه تمام تا مرحله بهره برداری تکمیل گردند.
- ۳ - برای جلوگیری از اتلاف آب و استفاده بهینه از آن زمینه سازی شود.
- ۴ - آب آشامیدنی مورد نیاز روستاها، مضارف مربوط به واحدهای تولیدی کوچک، صنایع مادر و بنیادی در مرحله نخست و دیگر فعالیتهای در مراحل بعدی تامین گردد.
- ۵ - برای جلوگیری از صدمات وارده از سیلابها و طغیان رودخانهها زمینه سازی شود.
- ۶ - حوزه‌های آبریزسدها با وسائل مدرن هیدرولوژیکی نظیر دستگاههای ثابت و کنترل از راه دور تجهیز گردند.
- ۷ - کادر فنی متخصص برای اداره سدهای مهم مملکت تربیت و بکارگمارده شوند.
- ۸ - طرحهای تغذیه مصنوعی آبخانه‌های زیرزمینی بکار گرفته شود.
- ۹ - مطالعات دامنه‌دار جهت کاهش میزان تبخیر از سطح دریاچهها انجام شود.
- ۱۰ - مطالعات لازم جهت جلوگیری هرچه بیشتر از شور شدن آبهای سطحی انجام شود.
- ۱۱ - آب از حوزه‌هاییکه بیش از حد نیاز آب دارند به دشتهائی که دارای زمینهای کشاورزی خوب بوده و فاقد آب لازم میباشند انتقال داده شود.
- ۱۲ - بررسی و تحقیق در زمینه آبهای مرزی کشور انجام و نسبت به تهیه طرحهای لازم جهت بهره‌برداری و تثبیت حق حاکمیت ملی برای آنها اقدام گردد.
- ۱۳ - سازوکارهای لازم برای تربیت متخصص در زمینه شناسائی و بهره‌برداری و حفاظت از منابع آب و تاسیسات مربوطه فراهم شده و نهادهای موجود گسترش یابد.
- ۱۴ - سازوکارهای لازم برای مطالعات مستمر در زمینه استفاده بهینه از آبهای کشور و روشهای باز یابی مجدد و حفاظت از آن بوجود آید. روشهای شیرین کردن آبهای شور مورد مطالعه قرار گرفته و تکنیکهای مناسب برای این منظور مورد توجه و بررسی قرار گیرد.
- ۱۵ - باز یابی آب مصرف شده در شهرها و صنایع از طریق اقدامات جدی و بکار گرفتن روشهای فنی شروع گردد.
- ۱۶ - مطالعات لازم در جهت تهیه شناسنامه برای کلیه رودخانه‌های کشور صورت گیرد.
- ۱۷ - بررسی و تحقیق لازم در جهت اجرای برنامه‌های "آبخیزداری" بصورتی موثر در مورد سد های ساخته شده و برنامه ریزی برای پیشگیری این مسائل در مورد سدهای مورد نظر در آینده انجام گردد.

- ۱ - تربیت نیروی متخصص در زمینه شناسائی و بهره‌برداری و حفاظت از منابع آب و تاسیسات مربوط ادامه یافته و با توجه به نیازهای کشور گسترش یابد.

- ۲ - مطالعات در زمینه استفاده بهینه از آبهای کشور و روشهای بازیابی مجدد و حفاظت از آن بطور مستمر ادامه یابد . روشهای شیرین کردن آبهای شور و تکنیکهای مناسب برای این سرزمین بوجود آمده و بکار گرفته شود .
- ۳ - سیاستهای یکپارچه و هماهنگ ملی برای حفاظت و تجهیز منابع آبی در سطح کشور در مناطق شرق و استفاده عقلانی از آنها بمورد اجرا گذاشته شده و ادامه یابد .
- ۴ - مردم کشور به صرفه جویی و استفاده صحیح از آب از طریق آموزش در مدارس و وسایل ارتباط جمعی تشویق شوند .
- ۵ - روشهای مناسب و تکنولوژی مربوط به ذخیره سازی رطوبت در خاک مورد مطالعه قرار گرفته و ترویج شود .
- ۶ - در حین توسعه و تکامل سیستمهای بهره برداری از آب " درون حوزه ها " سیستمهای انتقال آب " بین حوزه ها در مناطق " در بعضی موارد استقرار یافته و تعادل دسترسی به آب تا حد امکان بین مناطق میسر گردد .
- ۷ - منابع رزمینی و زیرزمینی آبهای کشور از طریق ایجاد سد ها ، سیل بندها ، دریاچه های مصنوعی ، مخازن ، آب انبارها ، چاههای عمیق و نیمه عمیق و فنوا ت تجهیز و تغذیه سفره های آبی انجام گرفته و ادامه یابد .
- ۸ - روشهای سنتی و جدید کشاورزی با استفاده حداکثر از رطوبت خاک و هوا شناسائی شده و مورد استفاده گسترده قرار گیرد .
- ۹ - بازیابی آب مصرف شده در شهرها و صنایع از طریق تصفیه مجدد و حفر چاهها و ایجاد تاسیسات لازم بطور مستمر تحت مطالعه و اقدام قرار گیرد .
- ۱۰ - آلودگی آب رودخانه ها و آبهای ساحلی بحداقل رسانده شود .

بعداز نیروی انسانی انرژی مهمترین عامل در توسعه و تکامل جوامع مختلف جهان بوده است. برای تولید، توزیع و مصرف هر نوع محصول اعم از کشاورزی و یا صنعتی، و برای ارائه خدمات انرژی مورد نیاز میباشد. دسترسی به انرژی و ارزانی آن عامل اساسی پیشرفت کشورهای صنعتی بوده است. پائین بودن قیمت انرژی نه تنها باعث اسراف در مصرف آن و در نتیجه استفاده بی رویه منابع طبیعی در بسیاری از موارد گردیده است بلکه از علل اساسی در پائین بودن کارآئی کلیه وسائل تبدیل و یا انتقال انرژی نیز بشمار میرود.

از محدودیتهای کشور در زمینه انرژی یکی کمبود نیروی انسانی کارآمد برای مدیریت و نداشتن کارشناسان متعدد کافی در امور انرژی در سطوح مختلف است که نتیجه عدم توجه به سرمایه گذاری لازم در زمینه تحقیقات و عدم ایجاد زمینه های لازم برای خودگردانی صنایع موجود در کشور میباشد. از دیگر محدودیتهای کشور در زمینه انرژی تکیه بیش از اندازه به یک منبع انرژی (نفت) و عدم آگاهی و تجربه و توان تکنولوژیک و سرمایه گذاری لازم در زمینه سایر منابع تمام نشدنی انرژی خاصه آفتاب، باد، آب و غیره است. به همین ترتیب تحقیقات مربوط به شناسائی، مهار کردن، بهره برداری و کارآ کردن انواع انرژی در کلیه سطوح با کمبود اساسی روبرو بوده است.

علاوه بر این شناسائی کامل و کافی نسبت به منابع نفت و گاز در سراسر کشور بویژه مناطق شمالی و شرقی صورت نگرفته است. برای مثال پیدایش نفت قم بعلت توجه از طرف خارجیان به دریافت امتیاز نفت شمال و یا عدم شناسائی حوزه های نفتی جدید بعد از انقراض قرارداد کنسرسیوم، این شبهه را بوجود می آورد که منابع نفت و گاز حداقل برای کارشناسان داخلی شناخته شده نیست.

محدودیت دیگر، در خیل از موارد اسراف و مصرف با کارآئی پائین است. از جمله عوامل مختلفی که در پائین بودن کارآئی در مصرف انرژی نقش موثر داشته است میتوان از ضعف مدیریت، سبک خانه سازی که گرمایش و خنک کردن آن مستلزم استفاده زیاد از انرژی میگردد، نظام ترابری و استفاده و نگهداری از ماشین آلات و ابزار تولیدکننده و مصرف کننده انرژی نام برد.

در مقایسه با دیگر کشورهای جهان ایران از موقعیتی ممتاز بلحاظ دسترسی به انواع منابع انرژی برخوردار میباشد. مهمترین این منابع نفت، گاز و آفتاب است. علاوه بر این امکانات تولید انرژی از منابع آب، باد، هسته ای و غیره نیز وجود دارد. کشور از لحاظ منابع هیدروکربور بخصوص گاز طبیعی بسیار غنی است. بطوریکه برآورد میشود گاز طبیعی به تنهایی میتواند نیاز انرژی حدود ۴۵ سال آینده ایران را تامین کند. علاوه بر این سابقه نسبتاً طولانی شناسائی و بهره برداری از منابع نفتی و

اخیراً " گاز باعث پیدایش کاردنسبتا " ورزیده‌ای در این زمینه گردیده است که با تکمیل و گسترش این کادر اجرای طرح‌های آینده مربوط به انرژی از زمینه مساعدی برخوردار می‌باشد. از دیگر امکانات موجود میتوان از تاسیسات موجود در زمینه مربوط به منابع نفت و گاز و تاسیسات نیمه تمام واحدهای هسته‌ای نام برد.

۲-۵۳۲ - ویژگیهای وضع موجود

قسمت عمده مصرف انرژی در ایران از فرآورده‌های نفتی تامین میگردد. سهم بقیه منابع انرژی در مصرف ناچیز بوده است. از کل $10^12 \times 1100$ کیلوژول انرژی مصرف شده در کشور در سال ۱۳۵۶ سهم نیروگاه‌های آبی $10^12 \times 15$ کیلوژول انرژی (حدود ۱/۴ درصد) بوده است و تقریباً "باقی انرژی مصرف شده از انواع هیدروکربورها تامین شده است.

از کل $27/3$ میلیون مترمکعب فرآورده‌های نفتی مصرفی در سال ۱۳۵۶ حدود ۵۵ درصد آن مواد میان تقطیر (نفت سفید و گازوئیل) بوده است. بادر نظر گرفتن اینکه در نفت خام فقط حدود ۳۰ درصد مواد میان تقطیر بصورت طبیعی موجود است که بوسیله تقطیر مستقیم بدست می‌آید، بقیه آن میبایستی از طریق شکستن و تبدیل برشهای سنگین نفت خام و با صرف هزینه زیاد صورت گیرد.

قیمت فروش داخلی فرآورده‌های نفتی، مخصوصاً " مواد میان تقطیر، بسیار پائین بوده بطوریکه وجوه دریافتی از محل فروش آنها هزینه پالایش و توزیع را بسختی جبران میکند و این اقدام عملاً " بادر نظر گرفتن قیمت فرآورده‌های نفتی در سطح بازار جهانی نوعی کمک توسط دولت برای گروه قلیلی از اجتماع میباشد که قسمت عمده این فرآورده‌ها را بطور مستقیم و یا غیر مستقیم مصرف مینماید.

روند فزاینده مصرف هیدروکربور بصورت انرژی در ایران مخصوصاً " فرآورده‌های میان تقطیر (نفت سفید و گازوئیل) با شرایط موجود صرف نظر از اسراف این مواد با ارزش باعث از دست دادن درآمد و ایجاد مشکلات بزرگی از لحاظ تولید و عرضه برای شرکت ملی نفت ایران شده است.

ذخایر هیدروکربور در ایران (با وجود مقدار قابل توجه آن) بالاخره محدود و تمام شدنی است و با توجه به سهم نسل‌های آینده از این ذخایر میبایستی در مصرف آن حداکثر احتیاط و صرفه جوئی را نمود، در حالیکه منابع دیگر انرژی مانند آب و خورشید پایان ناپذیر و در دسترس میباشد که بایستی موجبات حداکثر استفاده را از آنها فراهم نمود.

بعلت فراوانی نسبی منابع هیدروکربور در ایران مطالعات دقیق و مدون در جهت بهینه کردن استفاده از این منابع و سایر منابع انرژی در کشور عمل نیامده است. با پائین نگه داشتن قیمت فرآورده‌های نفتی، مصرف بی رویه هیدروکربورها بخصوص مواد میان تقطیر بطور غیر مستقیم تشویق شده است.

- ۱- حس صرفه جوئی در مردم بوجود آمده و از اسراف در مصرف انرژی توسط آنان جلوگیری میشود .
- ۲- در تجهیز ، بهره برداری ، توزیع و مصرف انرژی از منابع مختلف نظیر نفت ، گاز ، آفتاب ، منابع آبی ، ذغال سنگ ، هسته ای و غیره ، تعادل ایجاد گردیده ، بطوریکه بادر نظر گرفتن اولویت در نگهداری منابع تمام شدنی وعدم وابستگی بخارج وآلوده نکردن محیط زیست نظامی عقلائی در تجهیز بهینه از کلیه منابع انرژی را مستقر شده است .
- ۳- نظامی متعادل و غیر متمرکز از تولید و مصرف انرژی در ارتباط با ویژگیهای مناطق مختلف کشور و منطبق با نیازهای جامعه شهری و روستائی ایجاد شده است .
- ۴- نظامی متعادل و عقلائی در تجهیز بهینه کلیه منابع انرژی در انطباق با احتیاجات و خصوصیات بخشهای عمده اقتصاد (صنایع ، کشاورزی و خدمات) وجود دارد .
- ۵- نیروی انسانی کافی به لحاظ کمی و کیفی در زمینه های مربوط به شناسائی ، مهار ، بهره برداری ، استفاده بهینه از منابع مختلف انرژی در سطوح مدیریت ، کارشناس و یا تکنیسین در کشور وجود دارد و مورد استفاده قرار میگیرد .
- ۶- کشور از توانائی تحقیقاتی و تکنولوژیکی مورد نیاز در شناسائی ، بهره برداری ، ذخیره سازی و استفاده بهینه از منابع مختلف انرژی و استفاده مجدد از مازاد حرارتی نیروگاهها و صنایع برخوردار است .
- ۷- ساز و کار بررسی و تجدید نظر مداوم و مستمر و بهنگام کردن اهداف و استراتژی تأمین انرژی کشور استقرار یافته است .
- ۸- از منابع تمام نشدنی انرژی و پدیده های طبیعی برای تولید گرما و سرما در ساختمانها استفاده هر چه بیشتر بعمل میآید .
- ۹- کشور مقام پیشرفته ای در پژوهش و ارائه خدمات مربوط به استفاده از منابع و کاربرد انرژی احراز کرده است .

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴-۵۳۲- سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- ساز و کار (مکانیزم) برنامه ریزی برای تدوین سیاست جامع و بویای انرژی کشور ایجاد گردد .
- ۲- بادر نظر گرفتن نیاز کشور به تجهیز کلیه منابع انرژی (نفت ، گاز ، آب ، خورشید ، ذغال سنگ ، هسته ای و غیره) کشور در مطالعات انجام شده تجدید نظر بعمل آید .
- ۳- منابع هیدروکربور کشور دقیقاً " شناسائی گردند .
- ۴- منابع نفت و گاز حتی الامکان توسط کارشناسان ایرانی با شناسائی کامل گردند و نقشه های " کامل و جامع " این منابع برای آگاهی از میزان و محل استقرار این منابع در سراسر کشور بمنظور کاربرد در تدوین سیاستها در استفاده بهینه از این منابع تهیه گردند .
- ۵- برنامه های بازیابی مجدد از منابع نفت با اولویت استثنائی به مقیاس وسیع پیاده گردد .

- ۶- پژوهش و کار برد انواع انرژی‌ها نظیر آفتاب ، باد ، بیوگاز ، انرژی داخل زمین ، هسته‌ای و غیره در سطح وسیع توسعه یابد .
- ۷- بررسی اقتصادی استفاده از گاز طبیعی در یک شبکه گاز رسانی ملی انجام گردد .
- ۸- طرح صرفه‌جویی در مصرف هیدروکربورها (بعنوان منابع انرژی) تدوین گردد .
- ۹- برای استفاده از مازاد سوختی پالایشگاهها در نیروگاهها و صنایع کشور مطالعه لازم بعمل آید .
- ۱۰- برای استفاده مجدد از مازاد حرارتی نیروگاهها و واحدهای صنعتی مطالعه لازم انجام گردد .
- ۱۱- موارد استفاده اقتصادی ذغال سنگ حرارتی بر اساس قیمت‌های بین‌المللی هیدروکربورها بررسی گردد .
- ۱۲- آئین‌نامه‌های مناسب به منظور صرفه‌جویی در استفاده از انرژی در ساختمان ، ماشین‌ها و کارخانجات تدوین و پیاده‌گردد .
- ۱۳- طرح تولید گاز مایع از گازهای تولیدی همراه با نفت و گاز طبیعی صادراتی تهیه و توزیع آن توسعه یابد .
- ۱۴- طرح استفاده از گاز مایع در وسایل عمومی در تهران و سایر شهرستانها پیاده‌گردد .
- ۱۵- روش و میزان بهره‌برداری از میدانهای نفت و گاز بر اساس اصول صحیح و علمی استوار گردد .
- ۱۶- آگاهی‌های لازم به مردم در جلوگیری از اسراف در مصرف انرژی در منازل و محل کار داده شود .
- ۱۷- در قیمت‌گذاری انواع انرژی نظیر برق و سوختها بمنظور جلوگیری از مصرف بی‌رویه آنها و توزیع عادلانه درآمد ملی تجدید نظر گردد .
- ۱۸- توسعه شبکه برق رسانی کشور در شهرها با در نظر گرفتن اولویت برای شهرهای متوسط و کوچک خاصه در در مناطق عقب افتاده انجام گیرد .
- ۱۹- توسعه شبکه برق رسانی کشور در جامعه روستائی با در نظر گرفتن اولویت برای مراکز بخشها (دهستانهای فعلی) و دیگر مراکز خدمت رسانی و تولید محصولات کشاورزی ، خاصه در مناطق عقب افتاده انجام گیرد .

- ۵۳۲ - سیاستهای میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

- ۱- شناسائی هرچه دقیقتر منابع مختلف انرژی (نظیر هیدروکربورها ، آفتاب ، باد ، هسته‌ای ، حرارت داخل زمین و غیره) بطور مستمر گسترش یابد و وسایل مهار نمودن ، حفاظت و استفاده بهینه از آنها از طریق پژوهش و برنامه ریزی تضمین گردد .
- ۲- برنامه‌های کوتاه مدت مورد تجدید نظر قرار گرفته و برنامه‌های میان مدت و دراز مدت تهیه و اجرا گردند .
- ۳- عوامل زیربنائی برای رساندن انرژی به کلیه فعالیتهای اقتصادی مملکت فراهم گردد .
- ۴- نیروی انسانی لازم در کلیه سطوح برای پیشبرد سیاستهای انرژی کشور پیش بینی و تربیت گردند .
- ۵- ظرفیت تامین انرژی با توجه به سیاست کلی آمایش سرزمین در توزیع و تقسیم جمعیت و استقرار صنایع و نظام شهری و روستائی همگام با افزایش نیازهای اقتصادی بالابرده شود .
- ۶- سهم هر منطقه از انواع انرژی‌ها توسط سازوکار برنامه ریزی کشور تعیین و عوامل تامین انرژی با خصوصیات مناطق تطبیق داده شود .
- ۷- از امکانات آبی کشور جهت تولید برق (با در نظر گرفتن اولویت تجهیز منابع آب برای مصارف کشاورزی)

- در مناطقی که از نظر اقتصادی مقرون بصرفه است حداکثر استفاده بعمل آید .
- ۸- برنامه‌های جلوگیری از اسراف در مصرف انرژی و استفاده مجدد از مزاد حرارتی صنایع و نیروگاهها گسترش یابد .
- ۹- با در نظر گرفتن اقتصاد انواع مختلف سوختها ، بر اساس قیمت‌های بین‌المللی سهم ذغال سنگ و بخصوص گاز طبیعی در تامین انرژی مورد نیاز کشور افزایش عمده داده شود .
- ۱۰- حداکثر دقت در قیمت‌گذاری در مورد مصرف داخلی و صادرات هیدروکربورها با توجه به برنامه‌های توسعه و تکاملی کشور و بهترین استفاده ممکن از آنها بعمل آید .
- ۱۱- تولید گاز مایع حاصل از استخراج نفت و گاز طبیعی ادامه یافته و بهره برداری و انواع استفاده از آن (از جمله برای سوخت وسایل نقلیه در شهرهای بزرگ) گسترش یابد .
- ۱۲- طرح استفاده از برق برای وسایل نقلیه عمومی مورد بررسی قرار گیرد .
- ۱۳- در مصرف هیدروکربورها (بعنوان منابع انرژی) صرفه‌جویی بعمل آید .
- ۱۴- برنامه اکتشاف هیدروکربورها در سطح وسیع توسعه یابد .
- ۱۵- پژوهش در زمینه‌های مختلف انرژی گسترش یافته و مقام پیشرفته در پژوهش و ارائه خدمات در مورد کاربرد انرژی‌های غیر سنتی نظیر آفتاب ، باد ، بیوگاز ، حرارت داخل زمین و غیره احراز گردد .

دولت عهده‌دار حفظ استقلال ، آزادی ، تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی و فراهم آوردن امکانات برای توسعه و تکامل معنوی و رونق اقتصادی اجتماع و حفظ منافع عموم مردم میباشد و با گذراندن و اجرای قوانین در این جهت قدم برمیدارد . پیشرفت های معنوی و رفاه و آسایش مادی جامعه به مقدار زیاد مرهون قوانین و مقرراتی است که دولت تهیه و تصویب رسانده و توانائی اجرای آنرا دارد . بنابراین دولت را بایستی متقی‌ترین و صادق‌ترین و متفکرترین آحاد مردم کشور تشکیل دهند که بخاطر خدمتگزاری و نه بخاطر احراز مقام و استفاده از قدرت بآن گرویده‌اند .

در حال حاضر عدم اعتماد مردم بدستگاههای دولتی ، تعداد زیاد کارمندان دولت و مقررات پیچیده و بوروکراسی عظیم دستگاههای دولتی کارائی و توانائی دولت را در اجرای برنامه‌های سازنده و انقلابی عملاً محدود کرده است . غالب کارها در دست دولت مرکزی در تهران بوده و استانها عملاً " محدود و مجبور با اجرای دستوراتی هستند که از تهران دریافت میدارند و فرمانداران و شهرداران و بخشداران و غیره نیز محدود با اجرای فرامین مقام مافوق هستند . تمرکز بیش از حد دستگاهها و کارمندان دولت در تهران مسائل بسیار زیاد اجتماعی و اقتصادی از قبیل ترافیک ، آلودگی هوا ، اختصاص اعتبارات عمرانی و رفاهی بیش از اندازه به تهران و غیره را بوجود آورده است .

با انقلاب اسلامی و تغییر بنیادی نظام حکومتی در ایران امکان واگذاری بسیاری از امور مردم به خود آنان از طریق شوراها و نظام‌های تصمیم‌گیری محلی وجود داشته بطوریکه میتوان تعداد کارمندان و بوروکراسی دولت مرکزی را عملاً " به حداقل ممکن رسانید . همچنین ، با این تغییر بنیادی و برخلاف گذشته که شاغلین دولت غالباً " بخاطر کم کاری و تنبلی ، برخوردار از بازنشستگی مستمر و با استفاده از مقام و اعمال قدرت و زور بکارهای دولتی روی میآوردند ، میتوان امیدوار بود که از این پس افراد متقی ، لایق و کاردان بخاطر انجام وظیفه و خدمتگزاری بمردم بکارهای دولتی بگروند .

تا قبل از انقلاب اسلامی ایران قدرت و اداره امور کشور عملاً " در دست یک نفر بود که از طریق دست نشاندهان وی در دولت و در مجلس دستوراتش بمورد اجرا گذاشته میشد . دستگاه قانون‌گذاری کشور نیز جنبه فرمایشی و تائید و تصویب لوایح دولت را داشت . برای تثبیت این قدرت دولت مرکزی مجبور به قبضه کردن کلیه اختیارات در دست خود بود بطوریکه استانها و نظامهای تصمیم‌گیری دیگر عملاً " اختیار و قدرت انجام کاری را از خود نداشتند . افراد جاه طلب برای اعمال قدرت و استفاده از مقام و مزایای آشکار و پنهان آن بکارهای دولتی روی آورده و بعزت و عدم وجود تقوی ، رشوه‌خواری در بین کارمندان دولت به حد اعلای خود رسیده بود ، بطوریکه عملاً " کاری بدون دادن رشوه و با از طریق دوستی و رفاقت با انجام نمیرسید . البته

در بین کارمندان دولت افراد صادق و باتقوی نیز وجود داشتند ولی در عمل بعلت نداشتن سمت‌های حساس، قدرتی را برای مبارزه با ارتشاء بدست نیاوردند. فساد در دستگا‌ه‌های دولتی غالباً "حدی بود که افراد باتقوی و کاردان کمتر به مقام‌های بالای دولتی منصوب میشدند بطوریکه پس از انقلاب اسلامی ایران حس بدبینی مردم به کارمندان عالی‌رتبه دولت کاملاً "محسوس بود و خلاء بزرگی بلحاظ یافتن افراد متقوی و کاردان و وارد با موردولتی بچشم میخورد.

۳- ۵۴۱- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

هدف، واگذاری هرچه بیشتر امور مربوط به مردم به خودآنان و تقلیل دادن و موثر کردن فعالیت دولت مرکزی و استانها است. بسیاری از اختیارات و وظائف کنونی دولت مرکزی نظیر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و تجدید نظر با استانها تفویض گردیده و منابع درآمد اختصاصی برای استانها پیش بینی شده است. از اساسی‌ترین وظائف دولت ایجاد و حفظ محیط مناسب و مساعد برای واحدهای اقتصادی است. وجود چنین محیطی شرط لازم برای تحقق کارآئی اقتصادی این واحدها، قدرت و سلامت اقتصاد کشور و عدالت اجتماعی در جامعه است. منظور از دولت مجموع سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه بوده و فرض بر این است که تعادل و کنترل متقابل بین این سه قوه حفظ شده است.

تجهیز و توزیع منابع مالی

باتوجه به نظام تصمیم‌گیری دولت و تفکیک مسئولیتها بین مراکز و استانها "تجهیز و توزیع" منابع مالی بعنوان اهرم اساسی اعمال این نظام توسط مرکز و استانها بصورت زیر انجام میگردد:

۱- تجهیز منابع مالی کشور توسط مرکز از منابع داخلی از طریق وضع مالیاتهای ملی و محلی، عواید حاصله از انحصارها، درآمدهای اختصاصی و غیره و درآمدهای خارجی حاصل از سرمایه‌گذاریهای ملی در خارج و عواید حاصله از بازرگانی خارجی تامین میگردد. توزیع این منابع در اختیار دولت مرکزی و طبق قوانین مملکتی صورت میگردد.

۲- تجهیز منابع مالی توسط استانها از طریق درآمدهای اختصاصی استانها، عوارض، مالیاتهای محلی و غیره طبق قوانین کشوری صورت میگردد که چگونگی مصرف این درآمدها در اختیار استان قرار دارد.

علاوه بر درآمدهای ذکر شده، هر استان سهمی از درآمدهای ملی را به ترتیب زیر از دولت مرکزی دریافت خواهد کرد:

الف - سهم ثابت استان از درآمدهای ملی که بر مبنای وسعت، جمعیت و دیگر معیارهای کمی توسط قوانین مملکتی تعیین میگردد. استانها در توزیع این منابع اختیار تام دارند.

ب - سهم استان از درآمدهای ملی از طریق طرحهای عمرانی بر مبنای نیازهای استانی به منظور از بین بردن عقب افتادگی، برقراری عدالت اجتماعی، ایجاد هماهنگی و تعادل بین استانها و سایر عوامل مشابه، توزیع این منابع بر اساس طرحهای ملی و توسط استانها صورت میگردد.

پ - سهم استان از پروژه‌های ملی و استراتژیک، طرحهای منطقه‌ای و بین استانی در کلیه بخشهای عمده اقتصاد (کشاورزی، صنایع و خدمات). توزیع این منابع بر مبنای طرحهای ملی و توسط دولت مرکزی با مشارکت استانها انجام میگردد.

وظایف، اختیارات و مسئولیتهای دولت و استانها در جدول زیر بایکدیگر مقایسه شده‌اند:

وظایف مرکز

وظائف استان

- | | |
|---|---|
| ۱- پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی و تامین آزادیهای فردی و اجتماعی . | ۱- پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی و تامین آزادیهای فردی و اجتماعی . |
| ۲- کمک به حفظ وحدت، استقلال، حق حاکمیت و دفاع از مرزهای کشورهای کشور . | ۲- حفظ وحدت، استقلال، حق حاکمیت ملی و دفاع از مرزهای کشور . |
| ۳- همکاری در امور کنسولی . | ۳- تعیین سیاست و اداره امور و روابط خارجی کشور . |
| ۴- برنامه‌ریزی و اجرای طرحها در سطح استان و هماهنگی آنها با برنامه‌های ملی و ارزیابی مستمر آنها . | ۴- تعیین اهداف، سیاستها و برنامه‌ریزی در سطح ملی و هماهنگی این برنامه‌ها با فعالیتهای توسعه و تکاملی مشابه در سطوح دیگر و تصمیم‌گیری و ارزیابی مستمر آنها . |
| این برنامه‌ها شامل کلیه فعالیتهای عمده در بخشهای کشاورزی، صنایع و خدمات میباشد نظیر: | این برنامه‌ها شامل کلیه فعالیتهای عمده در بخشهای کشاورزی، صنایع و خدمات میباشد نظیر: |
| - اشاعه تعالیم اسلامی و فرهنگ ملی و محلی . | - اشاعه تعالیم اسلامی و فرهنگ ملی . |
| - اجرای برنامه‌های آموزشی در سطوح مختلف و تربیت نیروی انسانی . | - آموزش در سطوح مختلف و تربیت نیروی انسانی . |
| - اجرای برنامه‌های درمان و بهداشت . | - درمان و بهداشت . |
| - اجرای برنامه‌های توسعه علوم و فنون و پژوهش (هماهنگ با برنامه‌های توسعه و تکاملی کشور) و نشر نتایج حاصله . | - توسعه علوم و فنون و پژوهش (هماهنگ با برنامه‌های توسعه و تکاملی کشور) و نشر نتایج حاصله . |
| - حراست از میراثهای ملی، حفظ محیط زیست و بهره برداری از منابع طبیعی بموجب قوانین ملی . | - حراست از میراثهای ملی، حفظ محیط زیست و بهره برداری از منابع طبیعی . |
| - تامین (تهیه و توزیع) آب و اجرای طرحهای فاضلاب و بازیابی مجدد . | - آبرسانی داخلی و خارجی . |
| - تامین (تهیه و توزیع) انرژی . | - آب و فاضلاب . |
| - اجرای برنامه‌های راه و ترابری . | - انرژی . |
| - اجرای برنامه‌های مسکن و شهرسازی . | - راه و ترابری . |
| - اجرای برنامه‌های تربیت بدنی و ورزش . | - مسکن و شهرسازی . |
| - اجرای برنامه‌های دفاع غیر نظامی . | - پست و مخابرات . |
| ۵- وضع و اخذ مالیات و عوارض بموجب قوانین ملی . | - تربیت بدنی و ورزش . |
| | - امور مالی و پولی و بانکی و بیمه . |
| | - دفاع غیر نظامی . |
| | ۵- وضع و اخذ مالیات . |

وظائف مرکز

وظائف استان

۶- تامین اجتماعی و بیمه‌های همگانی .

۷- بهره برداری از منابع طبیعی که جنبه استراتژیک دارند نظیر نفت و گاز و اورانیوم ، مس و آهن و غیره . (ح ———) بهره برداری از سایر منابع طبیعی که متعلق به عموم مردم ایران میباشد ممکن است بموجب قانون باستانها واگذار گردد) .

۸- مسئولیت اجرای طرحهای ملی* نظیر .

- صنایع مادر مانند آهن ، فولاد ، مس و نفت و گاز و پتروشیمی .
- شبکه راههای ملی و راه آهن سراسری ، هواپیمائی و ترابری دریائی .
- صنایع نظامی ، کشتی سازی و هواپیما سازی .
- پست و مخابرات .
- بازرگانی خارجی .

(مدیریت و بهره برداری بسیاری از طرحهای ملی کنونی که در فوق ذکر نشده اند ممکن است بموجب قانون باستانها و یا بخشهای خصوصی واگذار گردد) .

۹- توزیع قسمتی از درآمد ملی به استانها برای فعالیتهای جاری و عمرانی آنان و بر مبنای نیازها و اولویت های برنامه ریزی و بموجب قانون .

۱۰- مسئولیت در زمینه سازی برای ذخیره مواد مصرفی استراتژیک و نظارت بر اجرای آنها .

۱۱- تامین سوخت و مواد اولیه صنعتی که کنترل آنها در اختیار دولت است در سراسر کشور .

۱۲- تعیین معیارها و استانداردهای ملی و ضوابط ضروری و هماهنگ با ضوابط اقلیمی و محلی .

۱۳- توسعه و تشویق علوم و فنون و کمک مالی برای پژوهش در کلیه فعالیتهای توسعه و تکاملی کشور و نشر نتایج حاصله .

۶- اجرای برنامه‌های مربوط به تامین اجتماعی و بیمه های همگانی .

۷- بهره برداری از منابع طبیعی که جنبه استراتژیک نداشته و بموجب قوانین ملی در اختیار استان گذاشته شده است . این بهره برداری ها منطبق با سیاست ها و برنامه های توسعه و تکاملی کشور خواهد بود .

۸- مسئولیت اجرای بعضی از طرحهای ملی .

-
-
-
-
-
-

(مدیریت و بهره برداری بسیاری از طرحهای ملی کنونی که بموجب قوانین ملی در اختیار استان گذاشته شده ، منطبق با برنامه‌های توسعه و تکاملی کشور خواهد بود) .

۹- استفاده از درآمدهای ملی (و دیگر درآمدهائی که بموجب قانون در اختیار استان قرار میگیرد) برای فعالیتهای جاری و عمرانی و بر مبنای نیازها و اولویت های برنامه ریزی .

۱۰- ذخیره سازی مواد مصرفی استراتژیک ، منطبق با برنامه‌های ملی .

۱۱- تامین انرژی استان .

۱۲- تعیین ضوابط ضروری هماهنگ با شرایط اقلیمی و محلی .

۱۳- توسعه و تشویق علوم و فنون و کمک مالی برای پژوهش در کلیه فعالیتهای توسعه و تکاملی کشور و نشر نتایج حاصله .

* طرحهای ملی طبق قانون تعیین خواهند شد . این طرحها بر مبنای مقتضیات زمان و قانون برنامه مورد تجدید نظر مستمر قرار خواهد گرفت .

وظائف استان

- ۱۴- تهیه مفاد درسی دبستانی ، راهنمایی و دبیرستانی
باتوجه باهدف و معیارهای تعیین شده
- ۱۵- صدور گواهینامه‌های آموزشی و تخصصی در سطوح
وزمینه های مختلف
- ۱۶- تعیین سیاستها و برنامه ریزی و نظارت بر فعالیتهایی
که اجرای آنها بوسیله بخش آزاد (مردمی و یا
مختلط (مردمی - دولتی) انجام میپذیرد ، نظیر :
- کشاورزی ، دامداری ، ماهیگیری و غیره .
- صنایع غذایی ، شیمیائی ، داروئی ، دخانیات
و غیره .
- صنایع چوب و کاغذ .
- صنایع فرش و قالی بافی .
- ماشین آلات کشاورزی ، صنایع مکانیکی و فلزی و
الکتریکی (غیر از صنایع مادر و سنگین) .
- ترابری زمینی و آبی (غیر از راه آهن سراسری و ترابری
دریائی خارجی) .
- ایرانگردی و سیاحت و تفریحگاهها
- نساجی و چرم سازی و صنایع پوشاکی .
- چاپ و انتشارات .
- صنایع ساختمانی و تزئینی .
- صنایع روستائی .
- محصولات چوبی و مبیل و اثاث .

وظائف مرکز

- ۱۴- تعیین اهداف ، معیارها و حفظ راهنمای کلی در سطوح
مختلف آموزشی
- ۱۵- مسئولیت در کنترل کیفی گواهینامه‌های آموزشی و
تخصصی در سطوح و زمینه های مختلف در سراسر کشور
- ۱۶- تعیین هدفها و سیاستها و برنامه ریزی در فعالیتهایی که
اجرای آنها بوسیله بخش آزاد (مردمی) و یا مختلط
(مردمی - دولتی) انجام میپذیرد . نظیر :
- کشاورزی ، دامداری ، ماهیگیری و غیره
- صنایع غذایی ، شیمیائی ، داروئی ، دخانیات
و غیره
- صنایع چوب و کاغذ .
- صنایع فرش و قالی بافی .
- ماشین آلات کشاورزی ، صنایع مکانیکی و فلزی و
الکتریکی (غیر از صنایع مادر و سنگین)
- ترابری زمینی و آبی (غیر از راه آهن سراسری و ترابری
دریائی خارجی) .
- ایرانگردی و سیاحت و تفریحگاهها
-
-
-
-
-

توضیحات	استان						توضیحات	مرکز						عملکردهای اساسی
	راغز	ساری	نور	قزوین	کرج	تهران		راغز	ساری	نور	قزوین	کرج	تهران	
														• استفاده
														• ارتش جمهوری اسلامی
														• امنیت داخلی استان
														• امور ستادی و اجرایی خاص مرکز
														• امور استانی و محلی

توضیح علائم جدول

- مسئولیت مستقیم یا مشترک
- همکاری یا هماهنگی

ضوابط تعیین کنند در تدوین جدول

- ۱- ویژگیهای مناطق مختلف کشور (جغرافیائی، اجتماعی، فرهنگی و غیره)
- ۲- حفظ و تحکیم وحدت ملی و فرهنگ اسلامی - ایرانی
- ۳- وابستگی بین نظام و ساخت تصمیم گیری و الگوی توسعه و تکامل جامعه
- ۴- برخورداری کلیه احاد جامعه از آزادی عقیده و بیان، حرکت، آموزش، سکونت و اشتغال در تمام مناطق کشور

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴ - ۵۴۱ - سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱ - قوانین مربوط به تفویض بعضی از اختیارات دولت مرکزی به استانها بر طبق جداول مذکور در قبل تدوین و تصویب گردد .
- ۲ - تعیین منابع طبیعی ملی غیر استراتژیک و تدوین و تصویب قوانینی که بموجب آنها حق بهره برداری از این منابع به استانها واگذار میشود .
- ۳ - تعیین طرحهای ملی غیر استراتژیک و تدوین و تصویب قوانینی که مدیریت و بهره برداری آنها به استانها واگذار میشود .
- ۴ - تعیین طرحهای دولتی و تدوین و تصویب قوانینی که مدیریت و بهره برداری از این طرحهای دولتی به مردم واگذار میشود .
- ۵ - قوانین مربوط به تشکیل شورای عالی استانها تدوین و تصویب و وظائف و اختیارات این شورا و شوراهای در سطوح پایینتر تعیین گردد .

۵ - ۵۴۱ - سیاستهای میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

- قوانین مصوبه در مرحله اول در صورت لزوم ترمیم و تکمیل گردند .

توسعه و تکامل اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی کشور بدون برنامه ریزی امکان پذیر نیست . تنها از این طریق است که میتوان منابع را در جهت هدفهای تکاملی بکار گرفت و باینکه جدول زمانی به آنها تحقق بخشید . اهمیت ویژه برنامه ریزی با توجه به محدود بودن منابع ، فشارهای اقتصادی که در جامعه برای رفع مشکلات اساسی آن وجود دارد و فوریت اقدامات توسعه‌ای قابل توجه است . سهم عمده‌ای از درآمدهای ملی از طریق دولت تخصیص می‌یابد و در آینده نیز انتظار میرود که این روند ادامه یابد . بنابراین برنامه ریزی در آینده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود و از طریق برنامه ریزی است که باید درآمدهای ملی بصورت عادلانه و بهینه بین بخشها و مناطق مختلف کشور تقسیم شود .

یکی از محدودیتهای نظام برنامه ریزی در جامعه ما کمبود دانش اجتماعی نسبت به نقش و اهمیت برنامه ریزی و دوراندیشی در مملکت داری است بطوریکه در اغلب موارد عدم اعتقاد سیاست گزاران به برنامه ریزی باعث میگردد که راه‌حلهای آنی به آینده نگری و برنامه ریزی ترجیح داده شود . از محدودیتهای دیگر کمبود کارکنان متخصص برنامه ریزی در تمام ارگانهای تصمیم گیری و اجرایی میباشد . کم سواد و بیسواد اکثریت افراد جامعه نیز در حال حاضر از محدودیتهای عمده بحساب می‌آید زیرا بدون درک و تفاهم عامه نسبت به اهمیت برنامه ریزی و آینده نگری برنامه‌های تدوین شده از پشتیبانی مردم برخوردار نبوده و موفق نخواهد شد . با توجه به اینکه قسمت عمده‌ای از هزینه‌های عمرانی و جاری کشور در آینده بناچار از محل درآمد نفت و گاز تامین میگردد طبیعتاً " این درآمد در معرض نوسانات و آسیب پذیریهای سیاسی و اقتصادی داخلی و بین المللی خواهد بود .

از جمله امکانات نظام برنامه ریزی آنست که در حال حاضر در داخل و در خارج از کشور افراد متخصص و کارآمدی وجود دارند که میتوانند در امر برنامه ریزی و مدیریت و اجرا کمک مؤثری باشند . علاوه بر این در مقام مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان سوم ، کشور ما از لحاظ درآمدهای ارزی و درآمد ملی در موضعی قرار دارد که میتواند بسیاری از برنامه‌های عمرانی و نوسازی را بمرحله اجرا در بیاورد . دیگر آنکه برخلاف بعضی از کشورهای صنعتی که برنامه‌های غلط عمرانی ملی و اقدامات انجام شده در آن کشورها محدودیتی برای نظام برنامه ریزی است ، در کشور ما بخاطر اینکه اقدامات گسترده‌ای در این زمینه صورت نگرفته است این امکان وجود دارد که از نخست از اشتباهات حذر کرد و برنامه را در وسیعترین بعد عقلانی و هماهنگی با هدفهای توسعه و تکاملی مورد توجه قرارداد .

از ویژگیهای نظام برنامه ریزی که درسی سال اخیر در ایران وجود داشته یکی آنست که برنامه ریزی در یک چهارچوب جامع با هدفها و سیاستهای مشخص و عقلانی اجتماعی و سیاسی انجام نگرفته است .

خصوصیت دیگر نظام برنامه‌ریزی این بوده است که بصورت متمرکز انجام شده است. یعنی، علاوه بر این که از سطوح محلی و منطقهای برای برنامه‌ریزی الهام گرفته نشده است در برنامه‌ریزی توجیه کافی به تفاوتها و امکانات متفاوت مناطق نیز نشده است.

یکی از نکات مهمی که در رابطه با نظام برنامه‌ریزی قابل توجه است آنست که برنامه‌های تدوین شده در غالب موارد ربطی به عملکرد نداشته است. یعنی برنامه‌ها تاثیر لازم را در بودجه‌های عمرانی و جاری کشور نداشته و این بودجه‌ها بیشتر تحت تاثیر جریانات روز، وقایع و حوادث و قدرت جانه‌زنی و نفوذ سیاسی وزیر مسئول هر بخش نوسان داشته است. بدین ترتیب بودجه سالانه کشور که باید در واقع اهرم اصلی اجرای برنامه‌های عمرانی باشد، جدا از آن از جریانات واقعی قدرت سیاسی متاثر می‌شده و مسیر خود را می‌پیموده است.

علاوه بر فقدان آرمانخواهی لازم و جامعیت دید، نظام برنامه‌ریزی تحت الشعاع سازوکار بوروکراتیک قرار گرفته است. یعنی برنامه‌ریزی بخش و نظام اداری دست پدست هم داده و با تمرکز برنامه‌ریزی و اجرا در چهارچوب اختیارات وزارتخانه‌ها، تحجر و محدودیت آنهارا نیز پذیرفته است و از تحرک و پویائی یک نظام متحول برنامه‌ریزی برخوردار نیست. دیگر اینکه این نظام برنامه‌ریزی هیچگاه توجه لازم را به مشارکت مردم نداشته است و فقدان این مشارکت چه در مرحله برنامه‌ریزی و چه در مرحله اجرای آن نقصانهای اساسی نظام برنامه‌ریزی بشمار می‌آید. علاوه بر این، برنامه‌ها غالباً "در چهارچوب بردیک برنامه که پنج سال بوده محدود می‌گردیده است و این برنامه نه تنها پیوند و تداوم لازم را در طول زمان بصورت برنامه‌ها و سیاستهای درازمدت نداشته است بلکه حتی در برد چهار یا پنج سال خود نیز غالباً "چندین بار مورد تجدید نظر قرار می‌گرفته است. بدین ترتیب حتی یک برنامه ناقص نیز بطور کامل اجرا نگردیده است که بتوان راجع به کارائی نظام برنامه‌ریزی قضاوت کرد. بطور کلی فقدان دید عقلانی، نبود آرمانخواهی، دخالت نداشتن قوای مردمی در شئون برنامه‌ریزی، رسوخ خودکامگی‌های سیاسی در خطوط فرماندهی اداری و تصمیم‌گیری و تمرکز بیش از حد امور در مرکز، کنترل بیش از حد دستگاههای اجرائی و بخشهای اقتصادی در تخصیص بودجه در قبال استانها و مسائل فضاها و محدوده‌های جغرافیائی، عدم وجود مکانیسمهای موثر، ارزشیابی برنامه و اجرای آن و بطور کلی عدم وجود ضمانت اجرائی در مورد برنامه‌های تهیه شده و در نهایت عدم هماهنگی که در حال حاضر به چشم می‌خورد از عمده نقصانهای نظام برنامه‌ریزی است.

۳-۵۴۲- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

۱- نظام برنامه‌ریزی و نهادهای مربوط به آن وجود دارد و بنحو موثر فعالیت میکند و علاوه بر تعیین آهنگ و جهت رشد و تکامل اقتصاد کشور ترکیب اقتصاد را در ابعاد بخشهای بنیادی، تولیدی، خدماتی و توزیع فضائی بنحو متوازن هدایت میکند.

۲- اصل برنامه‌ریزی بعنوان وسیله و سازوکار اساسی برای توسعه و تکامل ملی در بالاترین سطوح سیاسی

- و تصمیم‌گیری و از طرف مردم مورد قبول قرار گرفته و بصورت مستمر درآمده و عمل می‌گردد .
- ۳ - از سازوکار برنامه‌ریزی در سطح ملی ، منطقه و محلی بطور منطقی و معقول استفاده میشود و سهم برنامه‌ریزی بخشی در نظام برنامه‌ریزی بهمان مقدار است که سهم برنامه‌ریزی فضائی و برنامه‌ریزی کلان اجتماعی و اقتصادی .
- ۴ - نقش برنامه‌ریزی در سطح ملی و منطقه اساساً " هماهنگ بوده و توسط دستگاه‌های برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد و انجام آن در سطح محلی تا مرحله اجرا توسط شوراها و مردمی می‌باشد و در تمام سطوح رابطه منطقی بین برنامه‌ریزی و اجراء بوجود آمده و ارزشیابی مستمر فعالیتها در برنامه‌های بعدی منعکس می‌گردد .

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴ - ۵۴۲ - سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱ - طرح نظام برنامه‌ریزی بر اساس ساخت جدید دولت که از قانون اساسی جمهوری اسلامی حاصل گردیده است و بر پایه خصوصیات قومی ، جغرافیائی و دیگر مشخصات توسعه و تکامل کشور استوار میباشد و تدوین گردد .
- ۲ - یک نظام شبکه‌ای برنامه‌ریزی که بتواند ضمن تضمین مشارکت مردم در کلیه سطوح محلی هماهنگی لازم را میسر سازد پی‌ریزی گردد .
- ۳ - برنامه‌ریزی باید بر اساس مشارکت مردم در سطح محلی به بالا و هماهنگی برنامه‌ها از سطح ملی به پائین نظام یابد .
- ۴ - علاوه بر برنامه‌ریزی سیستماتیک در بخشهای اقتصادی اصل برنامه‌ریزی بین بخشی و بین منطقه در سطح ملی و منطقه بطور جامع و با دیدگاه دراز مدت هادی برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت باشد .
- ۵ - سازوکارهای تشخیص مسائل ، محدودیتها و امکانات ، ارائه پیشنهادات و انجام تغییر و تطبیق لازم با وضع زمان و شرائط یعنی سازوکارهای تعیین اولویت‌ها و تعیین و تجهیز عوامل در جهت انجام آن فراهم گردد .
- ۶ - زمینه سازی و محیط سازی برای برنامه‌ریزی انجام و امکانات برای دادن تداوم و استمرار در امر برنامه‌ریزی و قبول برنامه‌ریزی بعنوان یک اصل مهم در کلیه سطوح همراه با ایجاد ضمانت اجرا برای آن فراهم گردد .

۵ - ۵۴۲ - سیاستهای میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

- ۱ - نظام برنامه‌ریزی و نهادهای مربوط آن بر اساس مطالعات انجام شده و با توجه به آرمانهای جمهوری اسلامی بوجود آید و پویائی و کارائی آن در سطح مؤثری تضمین گردد .
- ۲ - برنامه‌ریزی در سطح ملی از طریق مشارکت مستمر در تمام سطوح بوسیله شوراها و مردمی بوده و برنامه‌ها در سطح منطقه و ملی باید دراز مدت و حفظ تعادل و توازن اقتصادی از طریق جامعیت بخشیدن

- برنامه‌ها و بکارگرفتن سازوکار ارزشیابی جهت استفاده از تجارب عملی در تصمیمات بعدی هماهنگ گردد .
- ۳- هماهنگی لازم میان برنامه ریزی در سطح ملی و منطقه‌ای توسط دستگاه‌های برنامه ریزی بوجود آمده و سازوکارهای لازم برای تعیین مشارکت اساسی مردم در همه سطوح در امر برنامه ریزی ، اجرا و ارزیابی ایجاد گردد .
- ۴- سهم برنامه ریزی فضائی و برنامه ریزی کلان اجتماعی و اقتصادی بمیزانی افزایش یابد تا تعادلی با برنامه ریزی بخشی بوجود آید .

هر نظام اجتماعی قبل از اینکه بتواند در زمینه‌های مختلف عمل کند و در جهت تکامل گام بردارد باید قادر باشد که بقای خویش را تضمین کند و انحصار قدرت را در حیطه مرزهایش در اختیار داشته باشد . هدف نه تنها باید حفاظت مرزهای کشور در مقابل بیگانگان باشد بلکه در داخل کشور نیز باید جامعه را در مقابل عوامل خارجی و ایادیشان حراست و نگهداری نماید . بنابراین ، امنیت و دفاع ملی در دو سطح بهم پیوسته و متفاوت عملکرد دارد . نخست دفاع ملی است که در سطح نگهداری و حفاظت امنیت کشور در مقابل نیروها و ایادی خارجی است که به هر صورت مرزهای کشور را تهدید میکنند . هماهنگ و در ارتباط با دفاع ملی ، امنیت داخلی است که در جهت بوجود آوردن و حفظ شرایط و محیط اعمال صحیح قانون اساسی کشور میباشد تا از این طریق حقوق و آزادی‌های اساسی افراد و گروههای جامعه تضمین گردد . ارتباط بین دفاع ملی و امنیت داخلی ایجاب مینماید که پیوند نزدیکی بین این دو نیرو در جهت خنثی کردن اقدامات ایادی نیروهای خارجی در داخل کشور بوجود آید .

ضعف قوای دفاعی کشور علاوه بر آماده سازی زمینه برای انواع حرکت های تجزیه طلبانه ، موجب خواهد گردید که نه تنها دولت و قانون از قاطعیت اجرائی لازم برخوردار نباشند بلکه امنیت داخلی کشور و در نتیجه امنیت افراد ، گروهها و اقشار مردم بخطر افتاده فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی آنان نیز مختل گردد . سرنوشت کشورهای متعدد بعد از جنگ دوم جهانی ، تجربه دوران حکومت ملی دکنتر مصدق ، و نمونه بارزتر آن که سال در همسایگی کشور بصورت اشغال مستقیم توسط نیروهای خارجی صورت گرفت گواهی صادق بر اهمیت مسئله میباشد .

از محدودیتهای نظام امنیت و دفاع ملی ایران وسعت کشور ، مرزهای گسترده و وجود کشور در منطقه‌ای از لحاظ جغرافیای سیاسی استثنائی در جهان است . تمرکز زیاد منابع انرژی مورد استفاده جهان در این منطقه شرایط خاصی را بوجود آورده است که بصورت حرکات تجزیه طلبانه و غیره از طرف ابر قدرتها بطور دائم ظاهر میشود .

اهمیت سوق الجیشی کشور اقدامات بیشتری را در جهت حفظ امنیت و دفاع ملی الزامی می‌سازد . این اهمیت نیز خود یکی از محدودیت‌هاست . علاوه بر این موقعیت جغرافیائی کشور در رابطه با منطقه جنوبی آسیا و فقر شدید آن با توجه به منابعی که کشور داراست میتواند باعث تضادهای اجتماعی و سیاسی باشد . کمبود دانش نظامی و تخصص‌های ضروری برای وسائل مدرن نظامی نیز از محدودیتهای بشمار میرود .

از دیگر محدودیت‌ها در بازسازی نظام امنیت و دفاع ملی ایران طبیعت ضد مردمی آن در گذشته است ضعف انضباط و اعتقاد لازم به آزادی و حکومت مردمی رانیز باید در شمار محدودیتهای حساب آورد .

درواقع این یک نگرانی گسترده^۶ عمومی است که چگونه میتوان امنیت را در داخل کشور برای همه^۷ افراد فراهم کرد و مرزها را پاسداری نمود، و در عین حال از محدود کردن آزادی مردم و بوجود آمدن محیط اختناق و همان روش هاوشیوه های پلیسی رژیم استبدادی گذشته حذر کرد؟ چگونه میتوان ارتش و سیستم امنیتی داشت که ناامنی برای مردم بوجود نیاورد و خود پاسدار آزادی ها و حقوق فردی و اجتماعی باشد؟ در عین حال چگونه میتوان ارتش و نظام امنیتی داشت که خود در فرصت مناسب علیه انقلاب کودتا نکند و حکومت مردم را محترم شمارد؟

سابقه چندین هزار ساله کشور در منطقه ای که گذرگاه تاریخ و آغاز تمدن بوده است و بقای کشور در طی قرون ارزشهایی در فرهنگ و روحیه^۸ افراد بصورت اعتماد به نفس و ایمان به بقای کشور بوجود آورده است که نمونه بارز آن فداکاری و ایثار در انقلاب شکوهمند اسلامی است. این ارزشها را میتوان بصورت یکی از مهمترین امکانات و پایه های ساختمان دفاع ملی بحساب آورد. وضع جغرافیائی و اقلیمی کشور نیز برای اقدامات دفاعی مردمی و چریکی مناسب میباشد و در صورت تجاوز خارجی با تجهیز و سازماندهی مناسب میتوان گروه عظیمی از نیروهای مردم را برای نگهبانی و پاسداری از کشور بسیج نمود.

خوشبختانه روحیه فداکاری و ایثاری که در جریان انقلاب بوجود آمده است این امکان را میدهد که برخلاف گذشته که بعضا^۹ افرادی کم مایه که از همه جا درمی ماندند در وهله ارتش و نظام امنیتی میآوردند، از افراد با استعداد و از خود گذشته و معتقد در بازسازی نظام امنیت و دفاع ملی یاری گرفت. البته در داخل ارتش نیز افراد مطلع و با استعداد و با اعتقاد نیز وجود دارند که میتوانند پیشتر از یک چنین تحولی باشند. علاوه بر این از تجهیزات، تأسیسات و صنایع ارتش نیز میتوان بعنوان امکانات قابل توجه در امر بازسازی استفاده کرد.

۲- ۵۴۳- ویژگیهای وضع موجود

ویژگیهای نظام دفاعی و امنیتی کشور در دو بخش قابل توجه است. یکی آن خصوصیات است که لااقل در پنجاه سال گذشته خصلت بارز نیروهای انتظامی را تشکیل میداده است و دیگری ویژگیهای بعد از انقلاب این نیروهاست. البته لازم به توجه است که بسیاری از ویژگیهای قبل از انقلاب در دوران بعد از انقلاب نیز تداوم دارند و طبیعتا^{۱۰} نمیتوان انتظار داشت که در این مدت کوتاه دگرگونی اساسی ایجاد شده باشد. اما بخاطر منظورهای تحلیلی این تمیز مفید بنظر میرسد.

ارتش نوین ایران، که عملا^{۱۱} در زمان رضاخان نضج گرفت و در زمان پسرش رشد یافته و بصورت یکی از ارتشهای بزرگ جنوب آسیا درآمد، در آستانه انقلاب دارای ویژگیهای عدیده ای بود که عمده آنها بطور خلاصه عبارت بود از:

۱- بطور یقین مهمترین هدف ارتش هر کشور دفاع از مرز و بوم است. این وظیفه مهم در نیروهای مسلح قبل از انقلاب تحت الشعاع هدف دفاع از نظام شاهنشاهی و شخص شاه قرار گرفته بود.

از این نیروهای مسلح فاقد هدف اصلی خود شده و بصورت نیروی سرکوبی مردم در جهت حفظ تاج و تخت درآمده بودند.

۲- نیروهای نظامی متشکل از نیروی زمینی، نیروی هوایی، نیروی دریایی، ژاندارمری، شهربانی و سازمان امنیت در شمار ارتش‌ها و نیروهای بزرگ مسلح جهان بود. علاوه بر این از لحاظ سلاحها و تجهیزات و مهمات نیز توان بالقوه این نیروها در سطح جهانی قابل توجه بود.

۳- روحیه و اعتقادات نیروهای مسلح در سطحی بسیار پایین قرار داشت. از شرکت پرسنل نیروها در مراسم واجتماعات مذهبی بشدت جلوگیری میشد. پذیرش نظام شاهنشاهی بصورت مذهبی که تنها ضامن تحمیل آن سیستم پلیسی و تفتیش آراء و عقاید در ارتش بود رواج داشت.

۴- ارتش و نیروهای مسلح بصورت یک طبقه ممتاز تصور شده و کوشش میشد که به آن امتیازاتی استثنائی در زمینه‌های گوناگون از جمله مسکن، بهداشت، خواروبار، حقوق و مزایا داده شود تا از انگیزه حفظ این امتیازات در جهت نگهداری وضع موجود استفاده شود. بدین وسیله پرسنل این نیروها عملاً " بصورت قشری خاص و در یک موضع غیر مردمی قرار داشتند.

۵- ارتش و نیروهای انتظامی در زمینه‌های مختلف شدیداً وابسته بخارج بودند. این وابستگی در همه زمینه‌ها از جمله تسلیحات، تجهیزات و لوازم یدکی، نگهداری و کاربرد دستگاههای دقیق و تعمیرات بوضوح آشکار بود. علاوه بر این، در آموزش پرسنل و نظام مدیریت نیز اتکا به خارجیان مشاهده میگردد. مهمتر از همه آنست که از لحاظ سیاسی و فرمانی هم ارتش کاملاً متکی بخارجی بود و این وابستگی با دخالت مستقیم خارجیان و متابعت سران ارتش از دستوراتشان در واپسین روزهای رژیم گذشته کاملاً مشهود گردید.

۶- انضباط در ارتش کاملاً صوری بود و چون با اعتقاد ملی افراد آن درآمیخته نشده بود بیشتر زمینه‌های تفرقه را آماده میساخت تا وحدت و انسجام. مقاصد خاص گروه حاکم در جهت نگهداری وضع موجود و تثبیت موقعیت شخصی خود باعث بوجود آمدن حقوق و دست‌ها و گروه‌های مختلفی با امتیازات متفاوت در ارتش گردید که خارج از نظام معمول نیروهای مسلح از موقعیت‌های استثنائی برخوردار گردیدند و باعث تبعیض و تفاوت در ارتش شدند. این تبعیضات بوجود آمدن نظامی کاملاً غیر عقلانی در سلسله مراتب و سیستم فرمانی ارتش را موجب گردید.

۷- نظام ارتش در کلیه شئون از نظام جامعه جدا نگه داشته شده بود. صنایع نظامی در نظام صنعتی کشور ادغام نشده، مسکن ارتش خارج از بافت شهرها نگه داشته شده بود. خدمات درمانی و بهداشتی و دیگر خدمات اجتماعی ارتشیان بصورت جداگانه به آنها ارائه میگردد. فروشگاهها و دیگر تاسیسات ارتش نیز خارج از بافت جامعه قرار داشت. بطور کلی برای ارتش جامعه‌ای در داخل جامعه وجود آن ایجاد شده بود.

۸- نیروهای امنیتی که بخش لازمی از دفاع هر کشور است بنام حفظ امنیت ملی حقوق انسانی افراد را زیر پا میگذارند و بزرگترین نیروی متشکل ضد امنیت فردی و اجتماعی مردم ایران بودند.

از هم پاشیدگی انضباط، شکست سلسله مراتب، آشکار شدن فساد در مراتب مختلف نیروهای مسلح، بی‌اعتباری نظام ارتش و نیروهای مسلح بخاطر اقدامات ضد مردمی و کشتار توسط برخی از افراد آن، از خصوصیات بارز دوران بعد از انقلاب است. ارتش و نیروهای مسلح که در دوران قبل از انقلاب دلیل وجودی قابل توجیهی در رابطه با فرهنگ جامعه ما نداشته و غالباً " بصورت یک نهاد ضد فرهنگ متجسم میشده‌اند یا استقرار حکومت مشروع اینک آن دلیل وجودی رایافته‌اند. حال خدمت در ارتش و فداکاری و ایثار نه تنها از لحاظ فرهنگ جامعه قابل توجیه است بلکه موجب افتخار هوایرانی است. اکنون آنچه لازم است یک دگر دیسی در ارتش است - یعنی مبدل کردن همه نقاط ضعف به قدرت، آگاه کردن وجدانها، استقرار انضباط واقعی، از میان بردن امتیازات فاحش سلسله‌مراتبی در عین نگهداری سلسله مراتب، جایگزین کردن خود بینی‌ها و خود خواهی‌ها و خود کامگی‌ها با روحیه ایثار و از خود گذشتگی.

۳- ۵۴۳- آرمان‌ها و هدف‌ها (وضع مطلوب)

- ۱- دولت (بمعنای عام) انحصار قدرت نظامی و مسئولیت دفاع و حفظ امنیت ملی را برعهده دارد. " مرکز" وظیفه دفاع ملی را با همکاری استانها بخوبی انجام میدهد و امنیت داخلی نیز توسط هراستان در همکاری با مرکز کاملاً تامین میگردد.
- ۲- از مرزهای کشور بخوبی حراست میشود و ورود و خروج افراد و کالاها با نظارت و اجازه دولت انجام میگردد.
- ۳- ارتش به عنوان یک سازمان یک منظوره کوچک مستقر گردیده است که با استفاده از ذخیره توانائی آنرا در دهه سرعت تا چند میلیون نفر را بسیج کند. کادر ثابت ارتش بیشتر به آموزش و کارهای تخصصی و نگهداری و مرمت وسایل و تجهیزات اشتغال دارد. ارتش کلیه خدمات مورد نیاز نظیر درمان، آموزشهای غیر نظامی، فنی و تسلیحات را از بخش غیر ارتشی متخصص دریافت میکند.
- ۴- امر حفظ و نظم و اجرای قانون در شهرها و روستاها با نیروهای انتظامی استنهاست.
- ۵- آموزش نظامی اجباری است و همه افراد کشور را از سن شانزده سالگی در بر میگیرد. این افراد تا سن بیست و پنج سالگی هر سال تا یک ماه آموزش لازم رami بینند و جزو نیروهای حاضر خدمت میباشند. بعد از بیست و پنج سالگی این افراد جزو نیروهای ذخیره محسوب میشوند. آموزش نظامی در نزدیک ترین مکان به محل اقامت افراد انجام میگردد. برای افراد ذخیره نیز هر چند سال یکبار دوره‌های بازآموزی کوتاه مدت تشکیل میشود. هدف آموزش نظامی علاوه بر آموزشهای ابتدائی نظامی، بیشتر تبلور مهارت‌ها و تخصص‌های افراد در رابطه با نیازهای ارتش است بطوری که هر یک از نیروهای فعال و یا ذخیره بمحض احضار بتوانند در رابطه با یک شبکه بهم پیوسته در منطقه خود، تحت نظارت و هدایت کادر ثابت ارتش با افرادی که خوب می‌شناسند عمل کنند.
- ۶- ارتش خدمات عمومی مورد نیاز خود را از جامعه دریافت میکند و بنا بر این جز در موارد امنیتی و یا بسیار تخصصی نظامی و آموزشی کادر ثابتی نداشته و در موارد لازم از نیروی فعال و ذخیره استفاده میکند و بدین ترتیب خصلت کاملاً " مردمی بخود گرفته است.
- ۷- خدمات آموزشی و تخصصی و نیروهای فعال ارتش در رابطه با مراکز تجمع جمعیت و نقاط استراتژیک و طبق نیازهای کشور مستقر هستند.

۸ - همه نیروهای مسلح دارای کادر فعال و ذخیره هستند . فعالیت گروههای ذخیره براساس تخصص و تقسیم کار و بیشتر در منطقه اقامت آنها صورت میگیرد . اعضای گروههای ذخیره با هم آشنا بوده و بصورت تیم فعالیت دارند و نقش هریک از آنها در رابطه با نیازهای گروه براساس تقسیم کار و تخصص تعیین گردیده است و با تمرینهایی که دارند قادر هستند در کوتاهترین مدت بصورت یک گروه بهم پیوسته و مؤثر عمل کنند .

۹ - ارتش از لحاظ فنی و تکنولوژیک تا حد ممکن خود کفایت و نیازهای خود را تامین میکند .

۱۰ - سازمان مجهز ضد جاسوسی بوجود آمده است که قادر است بخوبی اقدامات نفوذی نیروهای بیگانه را خنثی کرده و از امنیت ملی پاسداری کند .

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴ - ۵۴۳ - سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

۱ - کلیه فعالیتهای ارتش که صرفاً " و انحصاراً " مرتبط به وظائف ارتشی نیست نظیر صنایع غیر نظامی ، بیمارستانها ، مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی غیر تخصصی به بخشهایی از جامعه واگذار گردد که مسئولیت اداره و انجام این خدمات را دارا هستند .

۲ - بجز آن افرادی که باید مستقیماً " در انجام وظایف اصلی ارتش یعنی آموزش و تخصصهای نظامی مؤثر باشند ، با توجه به توانائی افراد ، بقیه مأمور خدمت در واحدهای دیگر جامعه شوند .

۳ - بررسی و مطالعات لازم در جهت اعمال آموزش نظامی از سن ۱۶ سالگی با در نظر گرفتن مسائل اجتماعی و فرهنگی انجام گیرد .

۴ - مطالعات لازم برای شناسائی نقاط استراتژیک برای استقرار پادگانهای آموزشی و تخصصی در رابطه با نظام مراکز جمعیتی در جامعه شهری و روستائی در پهنه سرزمین انجام گیرد .

۵ - برای بوجود آوردن نهادهای لازم جهت خود کفائی تکنولوژیکی ارتش بررسیهای لازم انجام و اجرای طرحها آغاز گردد .

۶ - نظام ذخیره با استفاده از افرادی که قبلاً " خدمت وظیفه را انجام داده اند در ارتباط با محل اقامت و با توجه به تخصص و حرفه آن مستقر گردد . آموزشهای لازم برای بوجود آوردن تخصصهای مورد نیاز و تقسیم کار در گروههای ذخیره با توجه به نقش استراتژیکی آنها در هر منطقه بوجود آید .

۷ - مطالعات لازم برای بوجود آوردن نهاد مؤثر و مطمئن ضد جاسوسی صرفاً " برای حفظ امنیت دفاعی کشور انجام گردد و اقدامات اولیه برای استقرار آن صورت گیرد .

۸ - نهاد لازم جهت انجام مطالعات مستمر برای مؤثرتر کردن و بهنگام کردن نظام دفاعی کشور بوجود آید .

۹ - مطالعات همه جانبه در جهت ادغام کلیه شعبون ارتش در بافت اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی جامعه بطوری که بیگانگی متقابل میان ارتش و جامعه از بین برود صورت گیرد .

۱۰ - قانون نوع اسلحه مجاز در دست مردم را بر مبنای برد ، قدرت آتش و مورد استفاده معین میکند . از

سلاحهای موجود در دست مردم صورت برداری کامل انجام شده و جواز برای نگهداری و یا حمل اینگونه سلاحها صادر شود. مابقی سلاحهای در دست مردم بکلی جمع آوری گردد.

۵ - ۵۴۳ - سیاست‌های میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

- ۱ - مطالعات مستمر برای مؤثرتر کردن و بهنگام کردن نظام دفاعی کشور انجام گردد.
- ۲ - کلیه شئون ارتشی در بافت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ادغام گردد بطوری که بیگانگی متقابل میان ارتش و جامعه از بین برود.
- ۳ - اقدامات لازم برای تامین و تضمین و مؤثر نمودن خدمات مورد نیاز ارتش توسط جامعه بعمل آید.
- ۴ - آموزش نوین نظامی با توجه به آرمانها و هدفها و مطالعات مقدماتی استقرار یابد.
- ۵ - پادگانهای آموزشی و تخصصی در ارتباط با نظام مراکز جمعیتی در جامعه شهری و روستائی و با توجه به مطالعات انجام شده در نقاط استراتژیک شناسائی شده استقرار یابند.
- ۶ - بر اساس بررسیهای انجام شده نهادهای لازم برای خودکفائی تکنولوژیک ارتش بوجود آمده و اقدامات مؤثر آغاز گردد.
- ۷ - همگام با آغاز آموزش نوین نظامی، نظام ذخیره نیز در رابطه با تخصص و حرفه افراد در منطقه سکونت آنان گسترش یابد.
- ۸ - بر اساس مطالعات انجام شده، نهاد مطمئن و مؤثر ضد جاسوسی برای حفظ امنیت مملکت در مقابل رخنه عمال خارجی و اقدامات ایادی آنان در داخل کشور استقرار یابد.

چگونگی مدیریت و سیاستهای مربوط به منابع مالی در هرکشورند تنها بر کلیه بخشهای تولیدی کشاورزی، صنعت و خدمات اثر میگذارد بلکه در میزان کارآئی و رفاه، قسط و عدالت اجتماعی و اقتصادی در جامعه نیز مؤثر است. در کشورهای جهان سوم که باید حداقل منابع مالی در جهت صنعتی شدن، نوسازی اجتماعی و گسترش مالی بسیج شود این مسئله اهمیت بیشتری پیدا میکند. اهمیت ویژه این مسئله از آنجاست که منابع مالی در همه کشورهای بهر حال محدودند و از این رو نیاز به سیاستهای صحیح و برنامه ریزی اجتناب ناپذیر است. خوشبختانه از میان کشورهای جهان سوم، ایران در زمره محدود کشورهایی است که بخاطر منابع سرشار طبیعی امکانات مالی مورد نیاز را برای برنامههای صنعتی و بازسازی اجتماعی در اختیار دارد که در صورت استفاده صحیح امتیاز عمدهای محسوب خواهد گردید.

در عین حال، با وجود امتیاز بازرسی که صادرات نفت به کشور داده است، در حال حاضر مهمترین مساله کشور در زمینه منابع مالی بین المللی (ارزی)، وابستگی زیاد از حد به صادرات نفت میباشد. در این زمینه علاوه بر تدوین و اجرای سیاستهایی که اهمیت نسبی سایر بخشهای اقتصادی را در تامین منابع ارزی افزایش دهند، باید به سیاست محدود کردن صادرات مواد خام (نفت و یاسا پراستخراج شدنیها) و افزایش صادرات مواد ساخته شده تکیه کرد. از طرف دیگر با بازسازی بخش کشاورزی و توسعه صنایع پایه و واسطهای و تکیه بر سیاست استقلال تکنولوژیک، کشور میتواند نیازهای ارزی خود را در حدی متعادل و متناسب با سلامت اقتصادی جامعه نگهدارد. ایجاد و حفظ یک بازار سرمایه گذاری با بنیادهای مربوط بخود که در تجهیز سرمایه های متفرق جامعه و تخصیص آنها به زمینههایی که مقرون به صرفه است از ضروریات مهم در دستور کار دولت جمهوری اسلامی است.

۲ - ۵۵۱ - ویژگیهای وضع موجود

- ۱ - ناامنی اقتصادی باعث گردیده که منابع عظیمی از ثروت های جامعه منجمد منابع مالی کشور بخارج راه پیدا کند. گرچه قسمتی از این مبالغ در هر حال فرار میگرد ولی چنانچه سیاستهای مربوط به محیط اقتصادی زودتر تدوین و اعلام میگردد بخش عظیمی از این ثروت در کشور میماند.
- ۲ - برای مهار کردن این موج عظیم فرار سرمایه، دولت دست با اقدامات تزییقات ارزی زده است که از طرفی فقط تا حدودی موثر است و از طرف دیگر هزینه های هنگفتی برای دستگاههای اجرائی مربوطه وارد کنندگان و تولید کنندگان ایجاد میکند. این امر کارها را به میزان زیادی کند کرد و مشکلات زیادی در امر بهبود وضع اقتصادی کشور ایجاد میکند.
- ۳ - وضع موجود که در جهت قطع رابطه ریال و دلار حرکت میکند گرچه مشکلات کوتاه مدت چندی ایجاد خواهد کرد ولی بعنوان یک اقدام اساسی در جهت استقلال اقتصادی کشور از طریق رهایی از وابستگی و ارتباط با نوسانهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور خاصی عمل خواهد کرد.

۴ - نامشخص بودن وضع بهره‌در رابطه بایس اندازه‌ها و عدم اعتماد به سیستم بانکی باعث شده است که مبالغ هنگفتی از منابع ریالی کشور بصورت ذخیره‌های شخصی خارج از سیستم بانکی درآید. این امر علاوه بر ایجاد اثرات منفی در بازار سرمایه در کشور، محدودیتهای زیادی نیز برای اجرای سیاستهای مالی و پولی دولت ایجاد میکند.

۳- ۵۵۱- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

- ۱- سازوکارهای مربوط به شناسائی، تهیه آمار و اطلاعات و انجام مطالعات و تدوین برنامه‌ها بنحویه مطلوب فعالیت کرده و دولت را در امر تصمیم‌گیری و اجرای سیاستهای مالی یاری مینماید.
- ۲- سیاست استخراج و پالایش نفت و گاز در رابطه با آن قسمت از سرمایه‌گذاری ملی که در چهارچوب سیاست توسعه اقتصاد دی کشور با پداز بخش نفت و گاز تامین گردد تدوین و اجرا میگردد.
- ۳- محصولات و خدمات تولید شده در کشور قادر بر رقابت جهانی بوده و در زمینه‌های که اقتصاد کشور دارای مزیت نسبی است بازارهای صادراتی خود را یافته، آنها را حفظ کرده و گسترش میدهد.
- ۴- بر در آمد شخصی بالاتر از حداقل تعیین شده برای جلوگیری از تمرکز غیر معقول سرمایه‌سهمالیات تعلق میگیرد.
- ۵- اخذ مالیات از شرکتها، تعاونیها، و سایر مؤسسات تولیدی و خدماتی اعم از آزاد، مختلط و پادولتی مبتنی نه تنها بر ملاحظاتی در آمد دولت است بلکه هدفهای تعادل نسبی در آمد بین قشرهای مختلف جامعه را از طرفی و تشویق سرمایه‌گذاری در چهارچوب سیاستهای توسعه اقتصادی کشور را نیز از طرف دیگر در بر میگیرد.
- ۶- استانها، شهرستانها و بخشهای کشور به موجب قانون و بر حسب اختیارات قانونی شوراها، استان، شهرستان، و بخش، حق وضع برخی عوارض را دارند بشرط آنکه با سیاستهای کلی و با منافع ملی در تضاد نباشند.
- ۷- در تامین بودجه‌های عمرانی اصل مشارکت استانها و دولت مرکزی رعایت میگردد.
- ۸- در آمد حاصل از منابع طبیعی متعلق به عموم مردم ایران است و توسط دولت برای اجرای طرحهای عمرانی و سرمایه‌گذاری استفاده میشود.
- ۹- خدمات بانکی در سطح منطقه گسترش یافته است بطریقی که جوابگوی احتیاجات مردم و فعالیتهای اقتصادی هر منطقه در چهارچوب سیاستهای کل کشور باشد.
- ۱۰- نهادهای لازم برای تجهیز و ترغیب و تخصیص پس‌اندازهای بخشهای بنیادی (آزاد - مختلط - دولتی) ایجاد شده و از کارائی لازم برخوردار است.

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴- ۵۵۱- سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- سازوکارهای موجود در جهت شناسائی، تهیه آمار و اطلاعات و انجام مطالعات و تدوین برنامه‌های میان مدت و دراز مدت مالی تجهیز و آماده گردنند تا کمک آنان دولت مرکزی و استانها بتوانند آگاهی‌های

لازم را برای اتخاذ تدابیر مالی بدست آورند .

۲- مقررات حق وضع مالیاتها و عوارض در سطح ملی و استانها که مورد مربوط به هر یک در یک نظام هماهنگ تعیین میگردد تدوین شود تا در عین دربرگرفتن کلیه بخشهای بنیادی شامل کلیه فعالیتهای تولیدی و خدماتی نیز بشود .

۳- نظام مالیات بردرآمد و ثروت افراد ، شرکتهای ، تعاونیها ، و مؤسسات و مالیات برارث و غیره هماهنگ با برنامههای توسعه و تکامل کشور تدوین گردد .

۴- از طریق از بین بردن محیط عدم اطمینان ، روشن کردن خطوط تصمیم گیری و بوجود آوردن تداوم و استمرار در سیاستها شرایطی ایجاد گردد که فرار منابع مالی از کشور متوقف گردد .

۵- مقررات مربوط به پس انداز ملی و تشویق سرمایه گذاری در جهت تحقق برنامههای توسعه کشور تدوین گردد .

۶- سیاستهایی که از انتقال منابع مالی از حواشی و مناطق به مراکز توسعه یافته میکاهد تدوین و اجرا گردد .

۵- ۵۵۱- سیاستهای میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

۱- نظام مالیاتی بنحوی توسعه و بهبود یابد که دولت بتواند با تصویب مجلس و با توجه به شرایط حاکم بر اقتصاد کشور نرخ مالیاتها را کم و زیاد نموده و از این وسیله برای هدایت اقتصادی کشور استفاده کند .

۲- منابع ارزی بین بخشهای تولیدی بطریقی توزیع و تخصیص یابد که صنایع داخلی تقویت شده و در جهت جایگزینی واردات و گسترش صادرات رشد یابند تا در نتیجه از وابستگی کشور به بخش نفت در زمینه نیازهای ارزی تا حد امکان کاسته شود .

۳- خدمات بانکی منطقه ای بمنظور تامین نیازهای اعتباری مناطق حاشیهای کم درآمد گسترش و توسعه یابد .

۴- قسمت اعظم درآمد حاصله از منابع طبیعی به سرمایه گذاریهای زیربنایی و عمرانی اختصاص یابد .

چنانچه دولت جمهوری اسلامی ایران بخواهد از سازوکار بازار در امر سازماندهی نظام تولیدی جامعه یاری بگیرد حقوق و دستمزد باید عموماً " در نتیجه وضع عرضه و تقاضا در بازار کار تعیین گردد و حتی حقوق و دستمزد کارکنان دولت نیز از این وضع عینی تاثیرپذیر باشد. البته رهنمودهائی در مورد حداقل حقوق و دستمزد بر مبنای اولویتهای رفاهی جامعه در تعدیل این وضع تاثیر خواهد گذارد ولی در هر حال نقش بازار در تعیین آن بسیار اساسی خواهد بود. وجود یک بازار کار پرتحرک که نیروی کار در آن دائماً " در یک روند زنده و دینامیک به نیازهای در حال تغییر و تکامل نظام تولیدی جوابگو باشد از اساسی ترین شروط تحرک و کارآئی اقتصادی است.

دولت باید برای یک اقتصاد پویا و رشد یابنده بر نامهربانی کند والا با تعداد زیاد افرادی که هر ساله وارد بازار کار میگردند مجبور خواهد بود سیاست استخدامهای بی رویه دولتی را که بیکاری پنهان و عواقب وخیم آنرا در جامعه تقریباً " بشکل یک واقعیت همیشگی واجتناب ناپذیر در می آورد اتخاذ نموده عملاً " راه فلج نهائی جامعه را در پیش گیرد.

در برنامه ریزی توسعه و تکامل کشور ضروری است که از طریق اتخاذ یک سیاست عقلانی حقوق و حداقل دستمزد به ایجاد تناسب در رشد بین بخشهای عمده اقتصاد، توزیع فضائی فعالیتها و سهم و نوع فعالیت افراد در بخشهای بنیادی توجه کافی مبذول گردد. در غیر این صورت مهاجرتهای بی رویه کار بین مناطق و بین بخشها مشکلات جبران ناپذیری را ایجاد خواهد کرد.

۲- ۵۵۲- ویژگیهای وضع موجود

- ۱- عدم تناسب بین میزان رشد در بخشهای تولیدی و توزیع نامتعادل امکانات در مناطق مختلف کشور در سالهای قبل از انقلاب باعث شده است که بخش عظیمی از نیروی کار جامعه در تهران و شهرهای بزرگ کشور متمرکز شوند و بخش کشاورزی از نیروی جوان و تازه نفس محروم بماند.
- ۲- کار همیشگی یا فصلی روستائیان در شهر موجب شده است که آنها نیز اسیر فرهنگ مصرف شهر نشینان شده، نیازهای کاذب فرهنگی شهری را به اقصی نقاط کشور تعمیم دهند و بدین ترتیب فاصله بین امکانات و نیازها را در روستاها بیشتر کنند. این خود باعث می شود که اختلاف سطح دستمزدها بین شهر و روستا بیشتر احساس گردد.
- ۳- اتکای بیش از حد اقتصاد کشور در سالهای قبل از انقلاب به درآمد نفت و عدم توجه کافی به کارآئی مدیریت و نیروی کار باعث شده است که توقعاتشان در زمینه حقوق و دستمزد بنحوی بی ارتباط با نقش و کارآئی آنها در امر تولید مطرح گردد. در حالی که ایجاد این رابطه یکی از اساسی ترین اقدامات در جهت سالم کردن اقتصاد کشور است.

۱- تفاوت درآمد حقوقی گروههای مختلف در شهروستان در بخشهای آزاد، مختلط و دولتی بحد معقول و متعادل رسیده است.

۲- افزایش درآمد حقیقی برای افراد، قشرهای اجتماع و کل جامعه مبتنی بر افزایش کارآئی و بازده تولیدی در فعالیتهای اقتصادی بطریقی است که جامعه قادر به تولید و یوارد کردن نیازهای مصرفی خود باشد، و واردات مورد نیاز از طریق صدور تولیدات مستمر جامعه (نه از طریق صادرات ثروت کشور) تامین گردد. ولی در هر حال جامعه موظف است که حداقل نیازهای زیستی و فرهنگی افراد را تامین کند.

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴-۵۵۲- سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

۱- بررسی و پژوهش جامع از طبقه بندی مشاغل در نظام اداری دولت انجام و حقوق و دستمزد در تمام سطوح مختلف اداری و در مناطق بر حسب تخصصها بنحوی پویا تعیین گردد.

۲- اقدامات ضربتی در تغییر میزان حقوق و دستمزد و مالیاتها در جهت ایجاد تعادل در توزیع درآمد در جامعه بعمل آید.

۳- از حقوق و دستمزد در قالب سیاستهای اقتصادی و توسعه کشور بعنوان انگیزه استفاده گردد.

۴- سیاستهای لازم جهت ایجاد اشتغال و درآمد برای گروههای کم درآمد اتخاذ گردد.

۵- برای تخصیص مطلوب نیروی کار در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی، اصل تحرک و جابجاشدن نیروی کار در درون هریک از بخشهای بنیادی و نیز بین این بخشها و همچنین جابجائی در درون نظام اداری دولت از طرفی و بین این نظام و سه بخش بنیادی از طرف دیگر کاملاً " رعایت و موانع موجود حتی الامکان مرتفع گردد.

۶- سیاستهای حقوق و دستمزد ترجیحی در مناطقی که در برنامه های توسعه اقتصادی کشور از اولویت خاصی برخوردار باشند تعیین و اجرا گردد.

۵-۵۵۲- سیاستهای میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

۱- بررسی و پژوهش در زمینه طبقه بندی مشاغل و حقوق و دستمزدها بمنظور بهینه سازی و بهنگام کردن مستمر آنها ادامه یابد.

۲- سیاست دستمزد و حقوق در رابطه با سطح خدمات عمومی رفاهی دولت و با توجه به سیاستها و شرایط اقتصادی - اجتماعی تدوین و اجرا گردد.

۳- سیاستهای لازم برای مهار کردن تورم و تضمین بالارفتن متعادل درآمدهای حقیقی افراد و قشرهای مختلف جامعه اتخاذ و اجرا گردد.

۴- سیاستهای تعیین حقوق و دستمزد ترجیحی در مورد مناطقی که در برنامه های توسعه اقتصادی کشور از اولویت خاصی برخوردار میباشند (از قبیل مناطق حاشیهای و توسعه نیافته) ادامه یابد.

۵- سیاستهای درآمد خانوار بر مبنای حداقل نیازهای زیستی و فرهنگی کلیه خانواده‌های کشور همزمان با تامین خدمات عمومی و بالابردن درآمد هما هنگ بارفاه بیشتر و برخورداري از اوقات فراغت كافي براي كليۀ شاغلين اجرا گردد .

تعریف حدود و ثغور انواع مالکیت در جامعه امری است بسیار اساسی بنحوی که بدون پیشرفت کامل در این زمینه و مشخص نمودن قوانین مربوط به آن نمیتوان انتظار داشت که اقتصاد کشور از سردرگمی بدرآمده و در خدمت انقلاب درآید بلکه برعکس خود یکی از منابع جدی خطر و مزاحمت برای تحقق سایر هدفهای انقلاب خواهد بود .

در اسلام مالکیت واقعی همه چیز در اصل متعلق به خدا است و انسان تنها بر طبق موازینی میتواند به عنوان جانشین خدا در روی زمین نوعی حقوق مالکیت داشته باشد . در عین حال اسلام دینی است که انسان را بشدت به کار و کوشش و اکتساب مادی تشویق میکند و حق اکتساب (بمصداق . . . للرجال نصیب مما اکتسبوا وللنساء نصیب مما اکتسبن . .) نه تنها برای فرد از راههای مشروع محفوظ است و وی میتواند در زمان حیات خویش از ثمرات آن بهره مند گردد بلکه از طریق ارث فرزندان و بازماندگان هم میتواند از دسترنج پدران خویش استفاده کنند . این قویترین تضمین برای پویائی و فعال بودن افراد جامعه اسلامی و تکاثر سرمایه در سطح جامعه است . بنابراین اسلام نه تنها بکارگرفتن انگیزه مادی افراد را در جهت سازماندهی نظام تولید و کارائی در تصمیم گیری ها و فعالیتهای اقتصادی با اهمیت دانسته و حق برداشت از ثمره فعالیت تولیدی جامعه را برای هر کس بمیزان سهم او در این فعالیت توصیه میکند بلکه علاوه بر کار حق مالکیت را از طریق ارث و هبه نیز جایز می داند .

از این رو در نظر اسلام انسان یک موجود اقتصادی دائم در تکاپو و اکتساب است که به هیچوجه به زندگی بخور و نمیر و اقتصاد معیشتی قانع نیست . از دیدگاه اسلام آن برابری که برخی از دیگر مکاتب مدعی آنند که به هر کس به اندازه نیازش داده شود قابل قبول نیست . چون اگر چنین باشد فرد دیگری در جهت تلاش و کوشش نخواهد بود . از این دیدن نیاز انسان آن نیست که به وی داده میشود بلکه چیزی است که وی کسب کرده است . بنابراین همانطور که در خلقت انسانها میان آنها اختلاف است یعنی خداوند بعضی را بر بعضی (در استعداد ، زیبایی ، توانائی و غیره) برتری داده است ، افراد بمیزان کوشش خویش از جامعه پاداش مادی میگیرند . اما از سوی دیگر اصل اساسی زیر بنای فرهنگ جامعه اسلامی انفاق است یعنی فردی که با تمام وجود در جهت اکتساب کوشیده است در جهتی قرار میگیرد که با باز دستی تمام و از دل و جـــــان در راه خدا در کمک به نیازمندان و طرحهای مفید اجتماعی (بمصداق . . . و مما رزقنا کم ینفقون . .) انفاق کند و این همان جهتی است که از بذل مال شروع شده و به بذل جان (ایثار) امتداد می یابد . یعنی این روحیه انقلابی که فرد با تمام وجود کوشش بکند و درآمد داشته باشد اما مدلبستگی بمال نداشته باشد . بنابراین ویژگی اقتصاد در جامعه اسلامی سلب مالکیت از افراد جامعه و دولتی کردن همه چیز نیست بلکه نظارت بر فعالیتهای سالم و مشروع افراد است . در این جهت بمنظور جلوگیری از تمرکز ثروت در سطح فرد علاوه بر بذل داوطلبانه مال توسط افراد (انفاق) ، جامعه اسلامی از ساز و کارهای خمس و زکوة و انواع مالیاتها نیز به عنوان عوامل بنیادی در اقتصاد استفاده میکند .

بدین لحاظ ، همانطور که در توضیح بخشهای بنیادی آمده است ، در جامعه اسلامی که باید دارای اقتصادی پویا باشد تکاثر سرمایه توسط مردم با استفاده از ابزار تولید در واحدهای اقتصادی خصوصی ، مختلط ، یا تعاونی و واحدهای اقتصادی دولتی صورت میگیرد . این تکاثر در سطح جامعه و برای پیشبرد اهداف عموم و فراتر رفتن از اقتصاد معیشتی و بخور و نمیر ، واجب و لازم است . لیکن این بدان معنی نیست که تمرکز سرمایه در سطح فرد نیز قابل قبول است بلکه تمرکز سرمایه در سطح فرد تنها در حدی محدود و مشروع جایز بشمار میآید .

۲- ۵۶۱- ویژگیهای وضع موجود

عدم وجود سیاست روشن در رابطه با انواع مالکیت در جامعه باعث شده است که :

- ۱- محیطی مملو از عدم اطمینان ، تجاوز بحقوق افراد و بی بندوباری بوجود آید . این خود بزرگترین سدرافه برای افتادن چرخهای اقتصادی کشور است .
- ۲- سطح انتظارات قشرهای وسیعی از مردم بخصوص در تملک مسکن و ابزار کار بحدی بالا رفته است که بر آوردن آن حتی اگر بهترین شرایط ممکن هم تحقق یابد مطلقاً "خارج از حد تواناییهای عینی اقتصاد کشور است . این خطر بزرگی برای انقلاب است ، زیرا انتظاراتی که بر آورده نشود همیشه بدنبال خود ناامیدی ، دلسردی ، خشم و بالاخره طغیان میآورد .
- ۳- قشرهای مرفه و نیمه مرفه اجتماع در مقابل انتظارات طبقات محروم احساس عدم امنیت میکنند و حتی افرادی که بازحمات زیاد چندین ساله از راههای مشروع ثروت محدودی اندوخته اند احساس خطر میکنند و فکر میکنند که اسلام بارفاه مخالف است و هدف آن نه عدالت اقتصادی بلکه مساوات در فقر است .
- ۴- روابط ناسالم کارگرو کارفرما کارآئی واحدهای تولیدی را به نازلترین سطح رسانده است و در بسیاری از موارد صاحبان سرمایه بکلی از کار تولیدی دست کشیده بکارهای واسطهای هجوم آورده اند .
- ۵- سرمایه گذاری در کارهای تولیدی و خدمات حتی در سطوح کوچک نیز بخاطر عدم اعتماد به آیندگان متوقف شده است .
- ۶- نظام تولیدی در بخشهای صنعتی و کشاورزی ب میزان زیادی مختل گردیده است .

۳- ۵۶۱- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

- ۱- جامعه پویائی بوجود آید که در آن قویترین انگیزه ها بکار و کوشش و فعالیت اقتصادی در گسترده ترین سطح وجود داشته باشد .
- ۲- در جامعه اسلامی مالکیت در تحلیل نهائی مبتنی است بر کار انسان و ارزش تولید شده در هر فعالیت اقتصادی پس از کسر هزینه های مربوط به مواد خام ، انرژی و استهلاک سرمایه ثابت متعلق است به :
الف - نیروی کار بصورت حقوق ، دستمزد و سهمیم شدن در سود .
ب - عنصر سرمایه بصورت ذخیره ضروری برای توسعه ، نوآوری و بکار انداختن مجدد سرمایه در قبال ریسک و احتمالات .
پ - بیت المال بصورت مالیاتهای مختلف .

- ۳- پاداش معنوی (مانند ارضای حس کنجکاو، خدمت به خلق، کسب شهرت نیک و غیـره) همگام با پادشاهی مادی انگیزه ابتکارات و نوآوریهای مردم میباشد.
- ۴- نیروی کار نسبت به واحدهای تولید و خدماتی که در آن فعالیت میکند احساس تعلق خاطر و مسئولیت میکند و از طریق شوراها، خود در تصمیم گیری و نسبت به مدیریت این واحدها سهیم میباشد.
- ۵- بذل داوطلبانه مال (انفاق) توسط افراد در جامعه به عنوان ارزش حاکم بر فرهنگ جامعه نهادی میگردد، و سازوکارهای اجرایی از قبیل بخشودگی و یا حساب کردن جزو وجوهات شرعی برای این قبیل فعالیتها بوجود آمده است.
- ۶- مکانیسمهای خمس و زکوة و مالیاتهای معقول از تمرکز غیر عقلانی سرمایه نزد فرد جلوگیری میکند.

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴ - ۵۶۱ - سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- دولت موضع و سیاست خود را در رابطه با حفظ و حراست حقوق مالکیت مشروع، محدود و مشروط افراد تعیین و اعلام و امنیت اقتصادی افراد جامعه را تضمین نماید.
- ۲- مطالعات گستردهای می باید در جهت از بین بردن تمرکزهای غیر معقول سرمایه در نزد افراد صورت گیرد، حدود و ثغور میزان تمرکز سرمایه معقول و مشروع در نزد فرد در فعالیتهای مختلف و شرائط و مقاطع زمانی متفاوت باید روشن گردد.
- ۳- دولت موجبات سرمایه گذاری افراد را در انواع واحدهای تولیدی اعم از خصوصی، تعاونی و یا دولتی فراهم نماید.
- ۴- هرگونه برنامه ریزی تعدیل مالکیت در بخشهای صنعتی و به ویژه کشاورزی باید بر اساس مطالعات لازم باشد و از طریق مرحله ای کردن و پیش بینی سازوکارهای لازم برای جلوگیری از بروز اختلالات در نظام تولید انجام شود.

۵ - ۵۶۱ - سیاستهای میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

- امور مربوط به مالکیت از طریق تصحیح قوانین قبلی و وضع قوانین جدید تکامل یافته و ثبات لازم بوجود آید.

موثرترین و پویاترین عامل در تحولات توسعه و تکامل جوامع، انسانها هستند. کیفیت و کمیت نیروی انسانی تاثیر زیادی بر چگونگی استراتژی‌های پیشرفت هر جامعه دارد. از اینرو هر برنامه توسعه‌ای علاوه بر چشم داشت به مشخصات نیروی انسانی و توجه به اشتغال موثر آن باید تدابیری را برای ارتقاء بهداشت، آموزش و پرورش و تغذیه صحیح که لازمه بالابردن کیفیت زندگی و بالمآل کارآئی افراد جامعه است بکارگیرد. علاوه بر این نیروی انسانی کشور نه تنها از مهارت لازم در حرفه‌ها و تخصص‌ها بمیزان کافی برخوردار نیست بلکه بیش از نیمی از جمعیت هنوز سواد ندارند. همگام با نبود امکانات در روستاها، جاذبه‌ای که شهرهای بزرگ برای جلب کارگران در دهه‌های اخیر داشته اند موجب شده است که جامعه روستائی هم از انواع تخصص‌های سنتی خالی شده و بنابراین یک دوگانگی شدید از لحاظ تمرکز مهارت‌ها و تخصص‌ها (هرچند در سطحی پائین) بنبع شهرهای بزرگ بوجود بیاید.

در عین حال بهبود نسبی بهداشت و جلوگیری از امراض مسری در دهه‌های اخیر موجب افزایش شدید جمعیت شده است. بطوری که در حال حاضر در حدود ۴۵ درصد از جمعیت کشور در سنین زیر ۱۵ سال میباشند و این امر در عرضه خدمات آموزشی و بهداشتی و بالاخره ایجاد اشتغال کافی مشکلات بزرگی را برای کشور بوجود آورده است که عمده‌ترین خطر آن در درازمدت احتمال وجود یک جمعیت زیاد یا بازدهی و کارآئی ناچیز در مقابل توقعات و تمنیات فراوان میباشد. مضافاً "نیمی از جمعیت کشور از زنان تشکیل میدهند و روند مشارکت آنان در فعالیتهای اقتصادی روبه ازدیاد است و در آینده نیز ضریب فعالیت و اشتغال آنان چند برابر خواهد شد. علاوه بر آن جمعیت فعال فعلی بار نسبتاً سنگینی از لحاظ تامین هزینه افراد غیر فعال جوان را برعهده دارد. این افزایش جمعیت در عین حال امکانات جالبی را از لحاظ استفاده از نیروی فعال و جوان ارائه میدهد که در صورت آموزش متناسب با نیاز تخصص‌ها و مهارت‌ها و بکارگماری صحیح میتواند کمک بزرگی با اجرای برنامه‌های عمرانی کشور باشد.

در حال حاضر تعداد زیادی از ایرانیان بدلائل مختلف منجمله دامه تحصیلات عالی، کسب تخصص‌های مختلف، سکونت و اشتغال موقت و دائم در کشورهای دیگر بسر میبرند. مخارج تربیت و کسب تجربه معادل چنین نیروی انسانی و زمان لازم برای انجام آن در ابعاد بیست غیر قابل تصور و فوق العاده بالا. با در نظر داشتن اهمیت مثبت و منفی، از اهداف اصلی برنامه‌ریزی کشور فراهم سازی کلیه موجبات و عوامل بازگشت ایرانیان تحصیل کرده و متخصص مقیم خارج کشور و استفاده از این نیروی عظیم در بازسازی کشور است.

جمعیت کشور در آغاز سال ۱۳۵۸ اندکی بیش از ۳۶ میلیون نفر بوده و این جمعیت با توجه به وسعت کشور

تراکمی دز حدود ۲۲ نفر در کیلومتر مربع را بدست میدهد. بیش از نیمی از این جمعیت، در حال حاضر از سواد بی بهره‌اند. در حال حاضر جمعیت بین ۱۵ الی ۶۵ ساله کشور در حدود ۱۹ میلیون نفر برآورد میگردد. چنین نیروی کار بالقوه‌ای بطور همزمان امکانات و مشکلات عدیده‌ای را مطرح میسازد. میزان بیکاری در کشور در حال حاضر در حدی نگران کننده است و از این جهت ایجاد اشتغال اولویت نخست برنامه‌های کوتاه مدت میباید شد. علاوه بر این، در میان شاغلان هم نه تنها بیکاری پنهان در سطح وسیعی گسترده است، بلکه بخاطر پائین بودن سطح مهارت، تخصص و سازماندهی و مدیریت نظام تولید و خدمات کارآئی نیز در سطح پائینی قرار دارد. همچنین باید اضافه کرد که بسیاری از افراد شاغل هم نه بکارهای تولیدی و خدماتی واقعی بلکه بمیزان بیشتر از نیاز بکارهای واسطه‌ای غیر ضروری اشتغال دارند. این افراد بدون اینکه فعالیت تولیدی داشته باشند و یا این که خدمتی را ارائه کنند مزدی دریافت می‌دارند و در بسیاری از موارد سهم آنان از تولید کنندگان هم بیشتر بوده است بدون اینکه خطری (ریسکی) را متحمل شوند.

با در نظر گرفتن روند نزولی رشد طبیعی جمعیت کشور، انتظار می‌رود که در ظرف کمی بیش از ۳۰ سال جمعیت کشور به ۶۰ میلیون نفر برسد. مضافاً در این فاصله بخاطر بهبود وضع تغذیه و بهداشت عمومی و دسترسی وسیعتری از جامعه به درمان، "امید زندگی درید و تولد" در سطح کشور بالا خواهد رفت و همزمان نیروی جوان امروزه نیروی فعال اضافه خواهد شد. علاوه بر این زنان کهنیمی از جمعیت کشور را تشکیل میدهند با ضریب مشارکت فوق العاده بالاتر و بار بار کار می‌شوند. در نتیجه انتظار می‌رود که ایجاد اشتغال در میان مدت نیز یکی از مسائل اساسی کشور باقی بماند، مگر اینکه چاره‌جویی‌های جدی و مستمر اعمال گردد. و در پاسخ به این امر توسعه و گسترش همه‌جانبه صنایع کشور با بستی ستون فقرات سیاست توسعه و تکاملی کشور را تشکیل دهد.

نکته دیگری که در رابطه با نیروی انسانی و اشتغال شایسته توجه است آنست که با توجه به نقش مهمی که دولت در استخدام داشته در بسیاری از موارد مدارک رسمی بجای تخصص و مهارت ملاک استخدام قرار گرفته است و این پدیده مدرک گرایی صدمه فراوانی به بازار آزاد بعنوان تشخیص دهنده میزان تخصص و مهارت وارد آورده است.

پائین بودن سطح بهداشت عمومی و رواج بیماری‌های عفونی و انگلی مزمن و تغذیه ناکافی بخصوص در میان روستائیان و مردم کم درآمد را نیز میتوان عامل مهمی در پائین بودن کارآئی افراد بحساب آورد.

۳- ۵۶۲- آرها و هدفها (وضع مطلوب)

۱- نیروی انسانی از سلامتی برخوردار و بیماری‌های عفونی و انگلی مزمن بخصوص در جامعه روستائی ریشه‌کن شده است.

۲- آموزش و پرورش و تغذیه در جهت بالا بردن خلاقیت و کارآئی افراد جامعه بحدمت مطلوب رسیده است.

۳- اشتغال کامل نیروی فعال در پهنه سرزمین تحقق یافته و اشتغال بطور متناسب در تمام بخشهای اقتصادی و با توزیع متوازن در فضای روستائی و شهری برقرار گردیده و ترکیب اشتغال با توجه به مشارکت فعال زنان شامل کودکان نمیکردد.

- ۴ - ساعات کار بنحوی است که اوقات فراغت بحد مطلوب رسیده است .
- ۵ - عرضه و تقاضا در بازار کار ، بخصوص در سطح ملی و منطقه در اکثر زمینه‌ها و تخصص‌ها بحد متعادل رسیده است .
- ۶ - میزان تخصص و کارآئی نیروی انسانی بحدی بالا رفته که کشور میتواند در بعضی از زمینه‌ها صادر کننده خدمات علمی و فنی به سایر کشورها باشد .

سیاست‌ها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴ - ۵۶۲ - سیاست‌های کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱ - مهمترین اقدام برنامه‌های کوتاه مدت کشور ایجاد اشتغال و از بین بردن بیکاری موجود میباشد .
 - ۲ - بررسی و مطالعه در زمینه ایجاد هماهنگی در نظام آموزش حرفه‌ای در ارتباط با نیازهای اشتغال و ترکیب متوازن و متعادل آن در بخشهای مختلف اقتصادی صورت گیرد .
 - ۳ - زمینه‌سازی برای اشاعه سنت خودیاری و ایجاد توان لازم از طریق اجرای برنامه‌های ضربتی در زمینه‌های مختلف انجام گیرد .
 - ۴ - زمینه‌سازی برای اشاعه هرچه بیشتر بهداشت در سطح فرد و محیط بخصوص در جامعه روستائی و محیط کار انجام شود .
 - ۵ - زمینه‌سازی برای اشاعه اعتقاد به کیفیت ، همزمان با بدست آوردن بازده هرچه بیشتر از کار بصورت یک حرکت همه‌جانبه و " جهاد ملی " صورت گیرد .
 - ۶ - زمینه‌سازی جهت گسترش سریع سواد و آموزش حرفه‌ای در کلیه ابعاد آن فراهم گردد .
 - ۷ - بررسی و پژوهش جهت تعیین اولویتهای مربوط به تعیین مراکز توسعه و تکامل و عمران در هر منطقه و در مقاطع زمانی مختلف برای بوجود آوردن امکانات هرچه بیشتر اشتغال انجام گیرد .
 - ۸ - زمینه‌سازی برای افزایش احترام و ارزش برای کار واقعی و حرفه و تخصص ایجاد گردد .
 - ۹ - ضوابط و معیارهای سنجش کیفی در کنار سنجش کمی ، در جهت ارزیابی واقعی کار افراد تدوین و تنظیم گردد .
- ۱۰ - ساز و کار برنامه‌ریزی ایجاد و تشویق‌های لازم جهت بازگرداندن نیدن ایرانیان تحصیل کرده و متخصص مقیم خارج از کشور جهت بکارگیری آنان در برنامه‌های توسعه و تکامل کشور در ابعاد وسیعی تعیین و اعمال گردد .
- ۱۱ - زمینه‌سازی و برنامه‌ریزی برای انتقال بخش وسیعی از نیروی کار از خدمات دولتی به دیگر بخشهای اقتصادی انجام گردد .
- ۱۲ - انگیزه‌ها و اشاعه روحیه تعلق خاطر به کار و محیط کار و امید به آینده از طریق ایجاد محیط سالم و جالب در انطباق با خصوصیات افراد و تامین اقتصادی و اجتماعی و غیره بوجود آید .

۵ - ۵۶۲ - سیاست‌های میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

- ۱ - برنامه‌های بهداشت فرد و سالم‌سازی محیط کار گسترش یابد .

۲- امکان کار و تولید بیشتر در تمام سطوح و برای کلیه گروه‌های جامعه با در نظر گرفتن اوقات فراغت کافی فراهم گردد .

۳- برنامه‌های گسترش سواد جامعه از طریق یک نظام جامع آموزشی و به هم پیوسته و هماهنگ بعنوان یکی از پایه‌های اساسی توسعه و تکامل جامعه با اولویت استثنائی دقیقاً " اجرا و پی گیری شود .

۴- آموزش حرفه‌ای هماهنگ با توسعه فعالیت‌های اقتصادی کشور و در انطباق با نظام آموزشی و مراکز توسعه و تکاملی و از طریق نزدیکی هر چه بیشتر کار و آموزش با در نظر گرفتن نیازهای آینده جامعه و احتیاج به تکامل فردی هر چه بیشتر توسعه یابد .

۵- برنامه‌های فراهم سازی تعادل و توازن اشتغال در بخشها و مناطق ، همزمان با گسترش تنوع اشتغال بخصوص در جامعه روستائی ، بطرف اشتغال کامل نیروی کار اعم از زن و مرد اجرا گردد .

برای نشان دادن اهمیت کیفیت زندگی و محیط زیست توضیحات زیادی لازم نیست . همه افرادی که در شهرهای بزرگ با هوای آلوده و جویهای کثیف زندگی میکنند و همه افرادی که در دهات بدون آب آشامیدنی و سایر امکانات بهداشتی سکنی دارند از نداشتن محیط زیست سالم و کیفیت زندگی مطلوب در زحمتند .

ابعاد آلودگی محیط زیست در شهرهای بزرگ ایران بخصوص تهران بحدیست که امکان بهبود آن در شرایطی با صرف وقت و هزینه‌های هنگفت نیز ممکنست میسر نباشد .

محدودیتهایی که در زمینه کیفیت زندگی و محیط زیست در ایران وجود دارد یکی مربوط به عوامل طبیعی کشور است مانند محدودیت فضای سبز و پوشش گیاهی زمین که خود به فرسایش خاک کمک میکند و تصفیه هوا و محیط زندگی به واسطه کمبود فضای سبز با اندازه کافی انجام نمیگیرد . دیگری تمرکز بیش از حد جمعیت در چند شهر بزرگ بخصوص تهران می باشد که غیر متمرکز کردن جمعیت شهری کشور را در نظامی عقلائی از شهرهای بزرگ ، متوسط و کوچک برای بهبود شرایط محیط زیست و بالارفتن کیفیت زندگی ضروری مینماید .

امکانات کشور از نظر محیط زیست و کیفیت زندگی یکی وسعت و دیگری تراکم نسبتاً کم جمعیت میباشد . استفاده از منابع انرژی با آلودگی کمتر و بالابردن بازده مبدل‌های انرژی و تأثیری که این عوامل در پاک کردن محیط زیست دارد از امکانات مهم دیگر بشمار میآید . بخاطر منابع سرشار گاز طبیعی در کشور این امکان وجود دارد که با استفاده از این منبع انرژی و تغییر در روند مصرف انرژی در منازل ، وسائل نقلیه و فعالیتهای صنعتی و کشاورزی بتوان آلودگی محیط را از طریق مصرف این سوخت بحد قابل ممکن رسانید . تجهیز منابع خورشیدی ، باد ، آب ، بیوگاز و غیره در پاسخگویی به نیازهای انرژی از امکانات دیگر در محدود کردن آلودگیهای محیط زیست میباشد .

علاوه بر اینها ارزشهای سنتی اخلاقی و دینی در استفاده عقلائی از محصولات کشاورزی ، آب و سایر منابع طبیعی و آلوده نکردن آنها که در مردم این مرز و بوم وجود داشته است میتواند منبع مهمی برای حفظ محیط زیست و صرفه جویی در استفاده از منابع محدود طبیعی و مصنوعی باشد .

- ۱- قوانین و مقررات مربوط به امور حفاظت ، بهبود و بهسازی محیط زیست بسیار پراکنده ، ناهماهنگ و نارسا است .
- ۲- مردم در تنظیم مقررات حفاظت از محیط زیست که میبایستی توسط خود آنها اجراء شود و نیز در تهیه ضوابط اجرائی و نحوه اجرای این مقررات مشارکت ندارند .

- ۳- وسعت دامنه و تنوع تکنولوژی و کالاهای وارداتی موجبات آلودگی و پراکندگی نیرو و سرمایه ملی را فراهم آورده است. بعنوان مثال در تهران همه نوع اتومبیل ساخت کشورهای پیشرفته صنعتی و بتعداد افزون از حد وجود دارد که بهیچوجه استان ندارد و ضوابط کنترل آلودگی کمپانیهای مادر را رعایت نمی نمایند.
- ۴- شهرنشینی برنامه ریزی نشده و خدمات شهری بسیار نارسا است.
- ۵- هوای شهر تهران بطور جدی آلوده شده است و آلودگی هوای بعضی از شهرهای بزرگ مانند اصفهان، اهواز و آبادان نیز دارد و در مرحله جدی میشود. آلودگی هوای تهران ناشی از بافت شهری نارسا و تراکم جمعیت، وسائط نقلیه موتوری و صنعت است که با غلظت های غیر محاز ذرات معلق، مونواکسید کربن، هیدروکربورهای نسوخته و انیدرید سولفور (در پائین وزمستان) سلامت قریب به ۵ میلیون نفر را به مخاطره انداخته بنحویکه سهم سرانه هرتهرانی روزانه ۵/۰ کیلوگرم مواد سمی بصورت دود است.
- ۶- فاضلاب کلیه شهرها (باستثنای اصفهان)، شهرکها، روستاها و خانهها بدون هیچگونه دفع بهداشتی و یا تصفیه ای مستقیماً به آبهای سطحی و یازیرزمینی تخلیه شده و این وضعیت موجبات وقوع امراض عفونی و انتشار انگلهای گوناگون را فراهم آورده است.
- ۷- تالاب انزلی با وسعت قریب به ۱۰۰ کیلومتر مربع که مهمترین پرورشگاه طبیعی ماهی سوف و ماهی سفید ایران است، بشدت در حال تخمیر و فساد می باشد.
- ۸- کیفیت آب دریای خزر در نقاط مختلف ساحل از نظر میکروبیهای دستگاه گوارش در ردیف طبقه بندی "بد" و "خیلی بد" میباشد و اکثر رودخانه های عمده آبریز دریای خزر از نوع "خیلی زیاد" یا "بی نهایت" آلوده میباشند.
- ۹- آلودگی آبهای خلیج فارس به آستانه تحمل آیزیان رسیده است بنحویکه خلیج فارس در حال حاضر بصورت یک اکوسیستم بسیار حساس و نامتعادل درآمدہ است.
- ۱۰- آلودگی آبهای زیرزمینی خصوصاً در تهران و سواحل دریای خزر به حد غیر قابل قبول رسیده است.
- ۱۱- فاضلاب خروجی تقریباً تمام صنایع کشور بدون هیچگونه تصفیه ای بحیث اطراف تخلیه شده و موجبات آلودگی آب ها و زمین را فراهم آورده است.
- ۱۲- امر جمع آوری، حمل و دفع زباله شهرهای ایران حتی در تهران با تولید روزانه حدود ۴۰۰۰ تن زباله بسیار نارسا میباشد و غالباً با ابتدائی ترین روشها جمع آوری و بطرق غیر بهداشتی تخلیه و موجب آلودگی شدید محیط میگردد. یکی از مسائل عمده در کشور ما حمل زباله های مخصوصاً ز قبیل مواد زائد صنعتی، زباله های بیمارستانها، زائدات کشتارگاهها، صنایع ماهیگیری و صنایع گوشت با زباله های شهری است که امری غیر بهداشتی و بسیار خطرناک است.
- ۱۳- مناطق تحت حفاظت اکثراً با وارد آوردن فشار بر مردم بومی نگهداری شده و ساکنین بعضی از مناطق با تهدید و ارعاب از زمین های آب و اجدادیشان کوچ داده شده اند.
- ۱۴- شناخت کافی از موجودی کمی و کیفی منابع طبیعی کشور در دست نیست و فعالیتهای عمرانی عموماً بدون توجه به کاربرد منطقی زمین و مدیریت صحیح منابع طبیعی صورت میگیرد.
- ۱۵- مناطق خشک و نیمه خشک حدود دو سوم خاک ایران را دربر گرفته که در آن آب، پوشش گیاهی و فعالیتهای انسانی بسیار محدود است، در عوض چند شهر ایران بخصوص تهران دارای تمرکز جمعیت بالائی بوده که مجموعاً باعث توزیع ناموزون جمعیت در کشور شده اند.

- ۱۶- بهداشت محیط در روستاها و زاغه ها و نیز در بین سایر گروه‌های بی بضاعت و مستضعف وضعی بسیار مصیبت بار دارد. آمار مرگ و میر کودکان کمتر از یکسال بهترین شاخص برای تشخیص آلودگی شدید محیط و فقر بهداشتی است.
- ۱۷- آموزش همگانی و رسمی محیط زیست در تمام سطوح بسیار نارسا است.

۳- ۵۶۳- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

- ۱- قوانین و مقررات جامع و معقولی مربوط به حفاظت ، بهبود و بهسازی محیط زیست تدوین شده است .
- ۲- مردم در امر حفاظت محیط زیست و جلوگیری از آلودگیهای محیط بطرز مؤثری مشارکت دارند و نهادهای مردمی برای حفاظت محیط زیست بوجود آمده است .
- ۳- منابع اصلی آلودگی آب و خاک و هوا شناخته شده و قوانین و مقررات جلوگیری از آنها بوجود آمده و با مشارکت مردم این آلودگیها بحداقل ممکن تقلیل یافته است .
- ۴- مناطق حفاظت شده طبیعی مشخص شده است و پناهگاههای حیات وحش ، پارک های ملی و آثار طبیعی ملی جزو این مناطق حفاظت شده قرار گرفته اند .
- ۵- شهرها و شهرکها و روستاهای ایران دارای تاسیسات بهداشتی و حفاظت محیط از قبیل دفع بهداشتی فاضلاب و تصفیه خانه فاضلابهای صنعتی و نظایر آن هستند .
- ۶- برنامه‌های آموزشی همگانی برای حفاظت محیط زیست با استفاده از امکانات رسانه‌های همگانی و از طریق مواد درسی اجرا میگردد . در این زمینه برارزشهای سنتی اخلاقی و زیستی در مورد صرفه جوئی در استفاده از منابع طبیعی و آلوده نکردن محیط زیست تاکید بعمل میآید .
- ۷- از منابع انرژی مانند آفتاب و باد و غیره که ضایعات آلوده کننده کمتری دارند استفاده بیشتری شده و آلودگی محیط ناشی از مصرف هیدروکربورها بحداقل ممکن رسیده است .
- ۸- سیاستی در جهت توزیع متناسب جمعیت در شهرها و مناطق روستائی اتخاذ گردیده است به ترتیبی که تراکم جمعیت هما هنگ با شرایط و تضییقات اقلیمی و وفور منابع طبیعی میباشد .

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴- ۵۶۳- سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- در قوانین و مقررات مربوط به حفاظت ، بهبود و بهسازی محیط زیست تجدید نظر بعمل آمده و سازمان یا سازمانهای مسئول در امور پژوهشی ، آموزشی و اجرایی تعیین گردند .
- ۲- بمنظور مشارکت هر چه بیشتر مردم در امر حفاظت از محیط زیست گروههای داوطلب و نهادهای مردمی مانند انجمن مدافعین طبیعت و حفظ محیط زیست تشکیل گردند .
- ۳- در حدود و مناطق حفاظت شده ، پناهگاههای حیات وحش ، پارکهای ملی و آثار طبیعی ملی با توجه به ویژگیهای خاص و منحصر بفرد مناطق مزبور تجدید نظر شده بنحویکه مناطق تحت حفاظت

از نظر کمی و کیفی نماینده کامل نظامات زیستی و میراث طبیعی ایران بوده و بمنظور تأمین نیازهای چند جانبه علمی، فرهنگی، تحقیقاتی و نیز خواسته‌های تفریحاتی نسل حاضر و نسل‌های آینده حراست شوند.

۴- بمنظور شناسائی کامل موجودی کمی و کیفی کلیه منابع طبیعی کشور از قبیل منابع آب و خاک، جنگل، مرتع، معدن، حیات وحش گیاهی و جانوری و آبزیان و به منظور تهیه بیلان این منابع در سطح کشور زمینه‌سازی بشود.

۵- منابع اصلی و عوامل آلوده‌کننده آب و خاک و هوا شناسائی و منابع و عوامل آلوده‌کننده محیط طبقه‌بندی و اولویت برنامه‌های کنترل آلودگی هوا تعیین گردند.

۶- عوامل عمده تخریب محیط زیست شناسائی و اولویت‌ها بمنظور جلوگیری از تخریب محیط تعیین گردند.

۷- برای تهیه برنامه‌های زمان‌بندی شده در میان مدت و درازمدت برای آگوسازی و دفع بهداشتی فاضلاب در شهرها، شهرک‌ها و روستاها زمینه‌سازی و اقدام لازم بعمل آید و تصفیه‌خانه برای فاضلاب‌های صنعتی ایجاد گردد.

۸- ضوابط لازم بمنظور پیشگیری از احداث سکونت‌گاه‌ها و فعالیت‌های انسانی در مناطقی که از نظر محیط زیست حساس بوده و یا از نظر سوانح طبیعی خطرناک هستند نظیر جلگه‌های سیلابی یا جوار تالاب‌ها تهیه گردد.

۹- بمنظور ایجاد محیط زیست سالم برای گروه‌های بی‌بضاعت و کم‌بضاعت خصوصاً "در زمینه تأمین آب سالم، غذای کافی، خدمات بهداشتی، مسکن و آموزش زمینه‌سازی شده و برنامه‌های لازم تهیه گردد.

۱۰- برای تأمین سوخت روستاها بمنظور جلوگیری از بونه‌کنی و قطع درخت زمینه‌سازی شده و برنامه تهیه گردد.

۱۱- یک برنامه مقدم به‌قدم برای حفاظت از مناطق حاشیه‌ای و کم‌توان و بیابان‌زدائی در میان مدت و درازمدت تنظیم گردد.

۱۲- از مطالعات انجام شده در مورد حفاظت از محیط زیست در برنامه‌های عمرانی و تولیدی بخاطر جلوگیری از آلودگی محیط استفاده شود.

۱۳- برنامه‌های ضربتی در جهت پیشگیری از آلودگی‌ها و تخریب محیط قبل از آماده شدن برنامه‌های میان‌مدت و درازمدت تهیه و اجرا گردند.

۱۴- برنامه‌های آموزشی همگانی محیط زیست بمنظور تنویر و هدایت افکار عمومی و ایجاد حس مسئولیت‌های فردی و اجتماعی تهیه و اجرا گردند.

۱۵- برای ایجاد آزمایشگاه‌های کنترل آلودگی‌ها و سنجش مواد آلوده‌کننده آب، خاک و هوا در سراسر کشور برنامه‌های لازم با توجه به ویژگی‌های هر منطقه تهیه گردد.

۵-۵۶۳- سیاست‌های میان مدت و درازمدت (مرحله دوم و سوم)

۱- برنامه‌های دقیق مدیریت صحیح مناطق تحت حفاظت اجرا گردند.

۲- برنامه‌های جلوگیری از پیشروی کویر و بیابان‌زدائی ادامه یابند.

۳- برنامه‌های ارتقاء کیفی و کمی جنگل‌ها، مراتع، حیات وحش و آبزیان اجرا و از فرسایش خاک جلوگیری بعمل آید.

- ۴- برای ایجاد موزه تاریخ طبیعی، باغ‌های وحش، نمایشگاه آبزیان و نمایشگاه گیاهان خشک شده زمین‌سازی بشود.
- ۵- تداوم لازم در تهیه و تدوین ضوابط مربوط به جلوگیری از آلودگیها و تخریب محیط با توجه به ویژگیهای هر منطقه حفظ گردد. این ضوابط با توجه به امکانات فنی در کشور تهیه شده و از تکنولوژی ساده و ارزان و سازگار با محیط استفاده بعمل خواهد آمد.
- ۶- برنامه‌های اساسی کنترل آلودگیهای محیط زیست اجرا گردد.
- ۷- برنامه‌های جمع‌آوری، حمل، دفع یا تبدیل زباله‌های شهری و صنعتی کشور اجرا گردد.
- ۸- مطالعات اولیه شناسائی موجودی کمی و کیفی منابع طبیعی کشور تکمیل گردد.
- ۹- طرحهای عمرانی از نقطه نظر سود و زیان محیطی آنها ارزیابی شده و از این شناسائی در جهت بهبود اقدامات و برنامه‌های بعدی استفاده شود.
- ۱۰- ضوابط مربوط به واردات، تولید، حمل، توزیع و مصرف سموم شیمیائی تدوین و اجرا شده و از مصرف سموم پایدار و خطرناک جلوگیری بعمل آید.
- ۱۱- آزمایشگاههای کنترل آلودگیهای محیط احداث گردد.
- ۱۲- برنامه آموزش همگانی محیط زیست با استفاده از کلیه امکانات رسانه‌های همگانی و تجهیزات و مواد آموزشی ادامه یابد.

میزان و روند رشد و چگونگی پراکندگی جمعیت در پهنه سرزمین از ملاحظات مهم در تعیین سیاستهای توسعه و تکامل هرکشوری است . کشورهایی که در رابطه با وسعت و منابع خود جمعیت کمتری دارند باید طبیعتاً "سیاست‌هایی متفاوت از کشورهای بالنسبه پرجمعیت اتخاذ کنند . علاوه بر این ، نسبت گروه فعال به کل جمعیت ، توزیع نسبی گروههای سنی ، میزان فعالیت زنان و سطح آموزش و مهارت نیز تاثیر مستقیم بر کلیه فعالیت‌های عمرانی دارد .

از محدودیت‌های وضع کشور در این زمینه بالا بودن رشد طبیعی جمعیت و پائین بودن آموزش و مهارت آنست . علاوه بر این در حدود ۴۵ درصد از جمعیت پائین‌تر از پانزده سال بوده که بار زیادی بر شاغلین و فشار زیادی بر خدمات اجتماعی وارد می‌آورد .

این که درصد قابل توجهی از جمعیت کشور در گروه سنی پائین‌تر از ۱۵ سال قرار دارند ، صرف نظر از فشاری که بر خدمات اجتماعی نظیر آموزش و بهداشت و غیره وارد می‌آورد خود امتیازی است . چون به غیر از امکان برخورداری از نیروی فعال جوان در آینده وجود چنین جمعیتی این فرصت را بدست میدهد تا بخش عمده‌ای از نیروی انسانی کشور را در مدتی کوتاه در جهتی هماهنگ با سیاست‌های اجتماعی - اقتصادی آموزش داد ، در صورتی که چنین کاری در جامعه‌ای که میانگین سن افراد آن بالاتر است امکان پذیر نمی باشد . کمی نسبی جمعیت کشور سرمایه‌گذاری در طرح‌های عمرانی و سرمایه بر را بمیزان بیشتری در مقایسه با کشورهای در حال رشد و پر جمعیت ، میسر می‌سازد .

ارزیابی امکان موفقیت سیاست‌های توسعه و تکامل کشورها اساساً "بر مبنای تعداد مناسب افراد متخصص و در مهارت‌های مختلف با کیفیت بالا صورت میگیرد ، دسترسی به نیروی کار مینواند یا از طریق بردن عوامل اشتغال را به محل سکونت افراد صورت گیرد و یا اینکه سیاست‌هایی اتخاذ گردد که افراد به محل استقرار این فعالیت‌ها بصورت ارادی و غیر ارادی انتقال داده شوند .

در مواردی که حرکت های مهاجرتی بدون در نظر گرفتن مبدأ و مقصد از حدی فراتر رفت و بصورتی مستمر درآمد ، در هر دو نقطه مبدأ و مقصد مسائل اساسی بوجود می‌آورد . این گونه مهاجرت‌ها در مبدأ باعث ازدست رفتن منابع میشود که بعلت تهی شدن محدوده‌ها و مناطق از نیروی انسانی جوان و ورزیده و کارآیشان صورت میگیرد . در نقطه مقصد نیز سنگینی بار تازه از راه رسیده‌ها و نیاز به گسترش تاسیسات و زیر بناهای اجتماعی و خدماتی و ایجاد اشتغال برای مهاجرین ، مسائل اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و کالبدی زیاد را باعث می‌گردد . این مسائل به صورت تراکم مدارس ، کمبود مسکن ، ترافیک ، آلودگی محیط زیست ، زاغه نشینی ، فحشا ، اعتیاد و غیره نمایان میگردد .

از این رو توجه به میزان رشد طبیعی جمعیت کشور و نگهداری آن در حدی قابل قبول در مقایسه با قابلیت اجتماع در پاسخگوئی به نیاز زیستی آن از اهمیتی استثنائی برخوردار می باشد و سیاستهای لازم در جهت کنترل، هدایت و استقرار جمعیت میتواند اهرم اساسی در موفقیت و یا عدم موفقیت برنامه های توسعه و تکاملی کشور گردد.

۲-۵۶۴- ویژگیهای وضع موجود

رشد جمعیت کشور در فاصله ۸۰ سال گذشته از رقمی کمتر از ۸ درصد به اندکی کمتر از ۳٪ در سال رسیده است و در همین زمان جمعیت کشور نیز از ۱۰ میلیون به ۳۶ میلیون نفر افزایش یافته است. جهش در رشد جمعیت کشور در دهه ۲۵-۱۳۱۵ شروع گردیده و دهه بعدی بهم خوردگی تعادل جمعیت شهری و روستائی را بهمراه داشت که به شتاب در رشد جامعه شهری در حال حاضر که نزدیک به ۵٪ را نشان میدهد منجر گردیده است.

در فاصله دوسرشماری گذشته رشد متوسط جمعیت کشور از کمی بالاتر از ۳٪ به اندکی پائین تر از ۳٪ در سال تنزل کرده است و در فاصله این دو سرشماری رشد واقعی جمعیت روستائی به نصف و کمی بالاتر از ۱٪ رسیده است. یعنی از رشد طبیعی جمعیت روستاها که در دهه اول یک-سوم به شهرها مهاجرت میکردند در دهه دوم تعداد مهاجرین بیش از ۶۰٪ رشد طبیعی جمعیت جامعه روستائی را شامل گردیده است.

چنانچه سیر نزولی روند کنونی رشد جمعیت ادامه یابد، جمعیت کشور در سال ۱۳۹۰ به حدود ۶۰ میلیون نفر بالغ میگردد. در صورتیکه اگر متوسط رشد جمعیت در این فاصله ۲/۶٪ فرض شود، جمعیت ایران به حدود ۸۵ میلیون نفر خواهد رسید که نزدیک به دو برابر ونیم جمعیت فعلی کشور است. از این رو برای پاسخگوئی به نیازهای جمعیت آینده و جلوگیری از بروز مشکلات غیر قابل حل منتج از رشد بی رویه جمعیت، تعیین سیاست کنترل، هدایت و استقرار جمعیت میباید از اولویتی خاص برخوردار گردد.

آنچه که بعنوان پدیده مهاجرت در کشور صورت میگیرد، در حال حاضر بیشتر شامل تغییر مکان روستائیان به شهرهاست که شرایط حذف و دفع این مهاجرتها در مبداء و مقصد خارج از خواست و کنترل آنان قرار دارد. عواملی که باعث بوجود آمدن شرائط جذب و دفع مهاجر در مبداء و یا مقصد میگردد نتیجه سیاستهای عمرانی کشور میباشد.

در تمام زمینه های مربوط به سیاستهای عمرانی دولت، چه سیاستهای قیمت گذاری کالاهای صنعتی و یا فرآورده های کشاورزی، چه سیاستهای مربوط به رفاه اجتماعی از قبیل بهداشت، بیمه، آموزش وحتی سرمایه گذاری در زیر بناها و بطور خلاصه در جمیع جهات، گروههای بالای جامعه (خصوصاً جامعه

شهری) از نتایج مثبت این سیاستها چه سیاستهای بازدارنده و چه تشویقی برخوردار شده اند. همزمان تمام سیاستهای فوق در جهت منفی اثرات زیادی روی طبقات کم درآمد جامعه (بخصوص جامعه روستائی) داشته است و مجموع این سیاستها بصورت یکی از عوامل اصلی مهاجرت عمل نموده و باعث تمرکز غیر عادی جمعیت در بعضی از مناطق گردیده است. بطوریکه استان مرکز، خراسان و آذربایجان شرقی حدود ۴۰ درصد و ۲۰ استان دیگر مابقی ۶۰ درصد از جمعیت کشور را سکنی میدهند.

نکته‌ای که باید روشن باشد این است که امکان توزیع کاملا "مساوی منابع و امکانات در تمام پهنه سرزمین غیر ممکن است و مضافاً اینکه معیارها و خواسته‌های افراد جامعه متفاوت، و دائماً "در حال تغییر می باشد. از این رو امر مهاجرت بصورت بطئی آن، امری طبیعی و غیر قابل اجتناب است. لیکن آنچه که قابل تامل و تفکر است و میباید برای آن چاره جوئی گردد نبود توزیع فضائی-جغرافیائی عادلانه و تناسب منابع و امکانات است که باعث مهاجرت‌های شتاب زده شده و در مواردی تبدیل به کوچ و جای‌گنی جمعیت روستائی در بعضی از نقاط کشور گردیده و از دست رفتن منابع و میراث ملی را بهمراه داشته است.

۳-۵۶۴- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

- ۱- جمعیت از توزیع و رشد کمی و کیفی متناسب با اهداف توسعه و تکامل ملی برخوردار بوده و در سیستمی بهم پیوسته از شهرها و روستاها سکنی دارند.
- ۲- با توسعه و گسترش کشاورزی و توزیع متناسب فعالیت‌های عمرانی و عوامل محیط ساز علل مهاجرت‌های بی‌رویه از بین رفته و نرخ و جهت مهاجرت بحد مطلوب رسیده است.
- ۳- انجام برنامه‌های توسعه و تکامل در مناطق عقب افتاده و یا مهاجر خیز و دیگر مناطق و اشاعه و دسترسی به خدمات اجتماعی زیربنائی و بازرگانی باعث آبادانی مناطق گردیده و در نتیجه در عین برخورداری نیروی کار از تحرک لازم، مسافت مهاجرت بحد اقل رسیده و مهاجرت‌ها درون منطقه‌ای شده است.

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت- میان مدت و دراز مدت)

۴-۵۶۴- سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- بر مبنای مطالعات موجود و تشخیص به لزوم نگهداری و حتی پائین آوردن روند کنونی رشد طبیعی جمعیت کشور زمینه سازی، اتخاذ و اعمال سیاستهای لازم در تحقق بخشیدن به آن انجام گیرد.
- ۲- با استفاده از مطالعات موجود و بسط و گسترش این بررسیها، سیاست توزیع متعادل فعالیت‌های عمرانی کشور (آمایش سرزمین) تدوین و اعلام گردد. مراکز و در سطح ملی، منطقه و محلی انتخاب و از لحاظ زیربنای لازم آماده گردند، بطوریکه این مناطق برای توسعه و تکامل سریع و ایجاد اشتغال برای بکارگرفتن نیروی کار و تعادل بخشیدن به حرکات جمعیت و جذب مهاجرین تا حد امکان در منطقه شروع آن پذیرا باشند.

- ۳- تصمیمات مالی و مالیاتی مطالعه و سازوکار لازم جهت تشویق بخش آزاد برای سوق دادن فعالیت‌های عمرانی بطرف شهرهای متوسط، کوچک و بعضی از مراکز منطقه‌ای در مناطق توسعه نیافته و مهاجر خیز ایجاد گردد .
- ۴- برنامه‌های مربوط به تنظیم خانواده هماهنگ با سیاست‌های ملی در مورد میزان رشد طبیعی جمعیت کشور تهیه و اعلام گردد. زمینه‌سازی لازم در جهت برنامه‌های تشویقی و یا بازدارنده و سازوکارهای لازم در این زمینه تحقق یابد .

۵- ۵۶۴- سیاست‌های میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

- ۱- روند کنونی رشد طبیعی جمعیت نگهداشته شود و کوشش در کم کردن رشد طبیعی جمعیت کشور از طریق اجرای برنامه‌ها بصورت پیگیر و مستمر اعمال گردد بطوریکه در اواخر مرحله سوم برنامه ریزی رشد طبیعی جمعیت کشور به کمتر از ۲ درصد برسد .
- ۲- سیاست حمایت از مناطق حاشیه‌ای و باتوان کم تولیدی ادامه یافته و در این مناطق اشتغال ایجاد شده و فعالیت‌های تولیدی و خدماتی بحداقتصا دی رسانده شود .
- ۳- سیاست آمایش سرزمین، یعنی توزیع فعالیت‌های عمرانی با اولویت خاص برای مناطق توسعه نیافته و مهاجرت خیز بطور سیستماتیک و مستمر از طریق انتخاب مراکز توسعه و تکامل در جامعه شهری و روستائی بمرحله اجرا درآید و در این مورد با تاکید بر توسعه مراکز بخشها و شهرهای متوسط در مرحله نخست و توجه به شهرهای کوچک و دیگر مراکز خدمت رسانی در جامعه روستائی پائین تر از مراکز بخشها در مرحله دوم بعمل آید و توسعه شهرهای اصلی بخصوص آن گروه از شهرها که در منطقه مورد نظر برای رشد سریع قرار گرفته اند در مرحله بعد ادامه یابد و همزمان با توسعه کیفی خدمات در اینگونه شهرها مجموعه‌ای از زیرساخت‌های لازم برای توسعه و تکامل در کلید زیستگاه‌های کشور تا اواسط مرحله سوم برنامه ریزی بوجود آید .
- ۴- همزمان با بررسی و پژوهش مستمر در شناخت حرکات جمعیتی و مهاجرت، یک رشته سیاست‌های جامع تشویقی برای سوق دادن فعالیت‌های تولیدی خدماتی به طرف مناطق مورد نظر برای رشد سریع و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای و میان منطقه بخصوص در زمینه سطح زندگی و درآمد خانوار، در جهت مهار و هدایت کردن مهاجرت‌های بی‌رویه دقیقاً اجرا گردد .

با گسترش امکانات مسافرت و بالارفتن سطح درآمد مردم امروزه سیاحت در سطح ملی و بین المللی نقش مهمی در اقتصاد بسیاری از کشورها ایفا میکند . در چند دهه اخیر در ایران نیز این بخش بمیزان وسیعی گسترش یافته و مسافرت مردم چه در داخل کشور و چه بخارج از کشور بمیزان بسیار زیادی فزونی یافته است ، بطوری که اگر مسافرت‌هایی را که بمنظور زیارت نیز انجام میگردد در نظر بگیریم مجموعاً " سیاحت یا توریسم در ایران در مقام مقایسه با کشورهای مشابه حجم قابل توجهی را داراست .

اما همگام با توسعه ایرانگردی ، امکانات آن بویژه میهمانخانه‌ها ، هتل‌ها ، رستورانها و مکانهای تفریح و تفریح از جمله گردشگاهها ، پارکها و کمپینگ ها بخصوص برای طبقات متوسط و کم درآمد توسعه نیافته و بیشتر هزینه مصروف ساختن هتل‌های لوکس و گرانقیمت و مکانهای تفریحی اختصاصی گردیده است . حاصل آنکه در فصل‌های مسافرت در نقاط جاذب مسافر اوضاع رقت باری که بخاطر کمبود محل‌های اقامت و امکانات پذیرائی است بروز میکند که بخصوص از لحاظ بهداشت محیط و سلامت فردی خطرات بسیاری را در بردارد .

در عین حال چنین بنظر میرسد که نه تنها از علاقه مردم به ایرانگردی و زیارت میتوان در جهت تقویت اعتقادات و سلامت روح و جسم آنان استفاده موثر کرد بلکه این خود میتواند وسیله موثری برای تشدید علائق ملی و آشنائی ساکنان مناطق مختلف کشور با هم باشد . علاوه بر اینها مناطق و اقلیمهای متنوعی که در کشور وجود دارد ، شرایط مختلفی را ارائه میکند که میتوان از آنها در تمام فصول برای ایرانگردی استفاده کرد .

امکانات و خدمات توریستی در داخل کشور بمیزان نیازهای روبه افزایش مردم توسعه نیافته است . در نتیجه بسیاری از افراد که برای استفاده از تعطیلات ، گردش و زیارت بمسافرت میروند ناچار به استفاده از امکانات با کیفیت پائین و قیمت‌های بالا میباشند و یا در کنار خیابانها مجبور به بیتوته هستند . دولت نقش فعال ، زمینه ساز و هدایت کننده لازم را در نگهداری مکانهای جاذب توریست ، بوجود آوردن مکانهای جدید جذب توریست ، وضع استاندارد و قیمت‌گذاری برای میهمانخانه‌ها ، هتل‌ها و پانسیونهای خصوصی نداشته است و در نتیجه بسیاری از گردشگاهها و مناطق جاذب توریست و استاندارد هتل‌ها روبه زوال گذاشته و رقابت سالم لازم در این زمینه بوجود نیامده است . نیروی انسانی متخصص لازم در کلیه زمینه‌های مربوط به سیاحت از جمله راهنمایی ، هتل داری ، تغذیه ، پارکداری و غیره نه تنها تربیت نشده اند بلکه بخاطر الزامی نکردن رعایت استاندارد در این زمینه‌ها برای افراد متخصص نیز ارجح لازم گذاشته نشده و در تخصص خود بکار مشغول نیستند .

بخاطر عدم وجود امکانات مناسب باقیمت های ارزان برای طبقات متوسط همزمان با وجود امکانات بیشتر و ارزانتر و توریسم در سطح جهانی قسمت قابل توجهی از سرمایه مملکت از طریق مسافرت های این گروه بخارج از کشور منتقل میگردد درحالی که بسیاری از این افراد هنوز به نقاط مختلف داخل کشور مسافرت نکرده اند .

۳- ۵۶۵- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

- ۱- خدمات مربوط به گذراندن اوقات فراغت جامعه درآ خر هفته و یا تعطیلات سالانه ، گردش و شناختن ایران و جوامع ایرانی و جلب سیاح خارجی در ارتباط با ویژگیهای مناطق و هماهنگ با نظام طبقه بندی مراکز جمعیت در جامعه شهری و مراکز خدمات رسانی در جامعه روستائی توسعه یافته است .
- ۲- آثار تاریخی و میراث های فرهنگی و طبیعی بنحوا حسن تجهیز و حراست شده اند .
- ۳- سواحل دریاها ، رودخانه ها ، دریاچه ها و سایر مظاهر طبیعی برای اوقات فراغت جامعه نگاهداری و توسعه یافته و از آنها به بهترین وجه استفاده بعمل می آید .
- ۴- خدمات مورد نیاز گروه های مختلف و توزیع فضائی آن بر اساس عدالت اجتماعی تامین میگردد .
- ۵- بسط و گسترش برنامه های توریستی با توجه به فرهنگ ملی و سنتها و ویژگیهای بومی هر منطقه استوار می باشد .
- ۶- بخش آزاد در تامین خدمات توریستی بخصوص در ارتباط با تامین احتیاجات گروه های متوسط و کم درآمد سهم بسزائی دارد .
- ۷- سیاحت خارجی سهم قابل ملاحظه ای از درآمد ملی را تشکیل میدهد .
- ۸- نیروی انسانی متخصص بحدا لازم و کافی تربیت شده و کمبودی در این زمینه به چشم نمیخورد .
- ۹- ایرانگردی و سیاحت خارجی همزمان با توسعه بخشهای عمده اقتصاد و هماهنگ با بالا رفتن درآمد خانوار ایرانی بسط و گسترش یافته است .

سیاستها و راهبردها (سیاستهای کوتاه مدت- میان مدت و دراز مدت)

۴- ۵۶۵- سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- طرح شناسائی و حراست و استفاده از آثار تاریخی ، میراث های فرهنگی و طبیعی و سایر جاذبه های توریستی تهیه و اجرا گردد .
- ۲- در ارائه خدمات سیاحت و ایرانگردی مربوط به گذراندن اوقات فراغت بنفع گروه های کم درآمد تجدید نظر بعمل آید .
- ۳- طرح های تامین خدمات زیربنائی فعالیت های توریستی در سطح کشور با در نظر گرفتن ویژگیهای هر منطقه تهیه گردد .
- ۴- طرح تشویق بخش آزاد (مردمی) در سرمایه گذاری در فعالیت های توریستی تهیه و اجرا گردد .
- ۵- نقشه و راهنما و اطلاعات ضروری از جاذبه های توریستی تهیه و براحتی در اختیار مصرف-

کنندگان قرار گیرد .

۶- برنامه‌های ایرانگردی و آشنائی با جوامع ایرانی در داخل کشور ترتیب داده شود .

۷- اقدام به تهیه برنامه تقویت و بسط فرهنگهای محلی و حمایت از صنایع مستظرفه در قالب فعالیتهای هر منطقه صورت گیرد .

۵ - ۵۶۵ - سیاستهای میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

۱- اجرای طرحهای توریستی در مناطق توسعه نیافته از اولویت برخوردار بوده و سعی شود تا از امکانات طبیعی و جاذبه‌های توریستی در این نقاط جهت توسعه صنعت توریسم بعنوان یکی از منابع ایجاد شغل استفاده گردد .

۲- تجهیز منابع در جهت تاسیس شبکه خدمات زیربنائی در هماهنگی با نظام طبقه‌بندی مراکز در جامعه شهری و روستائی در سراسر کشور و بویژه در مناطق کم رشد و تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این مناطق در صنعت توریسم صورت گیرد .

۳- زمینه‌های شناسائی و ویژگیهای توریستی مناطق بوسیله گروههای ذیربط تدوین و اجرا گردد .

۴- ظرفیت پذیرائی کلیه مراکز توریستی بالاخص اماکن مقدسه و تاریخی و مذهبی در ارتباط با تکمیل واحدهای بهداشتی مورد نیاز گسترش یابد .

دسترسی به آمار و اطلاعات صحیح از حقوق هر فرد جامعه است و تنها با در دست داشتن اطلاعات صحیح است که تصمیم گیری های فردی و دستجمعی در زمینه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی میتواند با آگاهی و علم کافی انجام گردد.

جمع آوری و نگهداری مستمر اطلاعات و آمار دقیق نقش بزرگ و موثری در برنامه ریزی های کشور و توسعه و تکامل جامعه را ایفا مینماید و میتواند کمک بزرگی به مدیران بخشهای آزاد اقتصادی و دولتی بکند. علاوه بر این اطلاعات و آمار صحیح میتواند پژوهشگران را در جریان تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور قرار داده و بآنان کمک نماید.

به استثنای چند مورد خاص در مقیاس "کلان"، سابقه جمع آوری، نگهداری آمار فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و غیره در جامعه بطور مستمر صورت نگرفته است. از این رو در اغلب موارد یک سری آمار در بعد زمان که بتوان سیر تحول مسائل را بررسی نمود وجود ندارد و آن آمار نیز که جمع آوری گردیده اساساً ناقص، بیمورد و در اغلب اوقات غیر علمی و در نتیجه غیر قابل استفاده است.

نبود آمار و اطلاعات صحیح و مستمر یکی از علل تصمیم گیری های غلط مقامات مسئول و شکست برنامه ها در گذشته بوده و این خود یکی از عوامل بی اعتمادی مردم بدستگاههای دولتی می باشد. همچنین فقدان مدیریت صحیح در برخی از سازمانها و عدم مهارت کافی دست اندرکاران تهیه آمار و اطلاعات سبب پائین بودن کیفیت آمار موجود شده است. آمار و اطلاعات موجود اغلب از طریق روشهای علمی و استانداردهای بین المللی تهیه نشده و این سبب شده که ارزش مقایسه ای خود را از دست بدهند.

امکانات مالی و نیروی انسانی بالقوه توانا و متعهد برای تهیه آمار و اطلاعات در کشور موجود میباشد و امید بر اینست که در جامعه سلامتی بتوان آمار و اطلاعات صحیح را از مردم کسب کرد.

- ۱- وجود مراکز متعدد آمارگیری سبب دوباره کاری و مراجعات مکرر به منابع آماری و در نتیجه کاهش حس همکاری و مساعدت این منابع با آمارگیران میشود.
- ۲- عدم توجه به تعاریف و استانداردهای علمی و بین المللی آماری و فقدان چهارچوب های یکسان در مراکز مختلف آماری کشور سبب اختلاف بین نتایج بدست آمده شده و هر نوع مقایسه را غیر ممکن میسازد.
- ۳- برخی از آمارهای مورد نیاز و ضروری جامعه توسط هیچیک از مراکز آماری کشور تهیه نمیگردد.

- ۴- امکانات مالی و نیروی انسانی و ابزار کار مراکز آماری کشور با کارآئی نسبی آنها متناسب نمی باشد.
- ۵- تهیه آمار و اطلاعات در برخی از مراکز آماری کشور از کیفیت پائینی برخوردار بوده و اغلب بهنگام نمی باشد.
- ۶- فقدان مدیریت صحیح در برخی از سازمانها و عدم مهارت کافی دست اندرکاران تهیه آمارهای کشور سبب شده که آمارهای موجود از کمیت و کیفیت لازم برخوردار نباشد.
- ۷- عدم توجه به اهمیت آمارگیری سبب شده که عامه مردم در پاسخگوئی به پرسشنامهها اعتقاد لازم و کافی نداشته و عملاً "نتایج بدست آمده از صحت و دقت کافی برخوردار نباشد".
- ۸- تقریباً "هیچیک از اصناف چه در بخش تولیدات و چه در بخش خدمات اطلاعات لازم را برای مصرف کنندگان تولیدات و خدمات بطور منظم در اختیار قرار نمیدهند".
- ۹- شناسائی دقیقی از کلیه آمارهای مورد نیاز جامعه چه در بخش دولتی و یا فعالیتهای خصوصی افراد صورت نگرفته است. در بعضی موارد حتی ارقام اساسی آماری از قبیل توزیع درآمد گروههای اجتماعی در استانها، شهرستانها، بخشها و شهرهای کشور ویا آمار صحیح مهاجرت با تفکیکهای مورد نیاز و ابعاد دقیق فعالیتهای اقتصادی در محدوده شهرستانها و بخشها و هماهنگی ارقام مربوط به تبادلات کالا و خدمات بین شهرها و استانها و بخشها وجود ندارد و این کمبودها در موارد زیادی در استمـرار تصمیم گیریهای غلط مؤثر بوده است.

۳- ۵۶۶- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

- ۱- شبکه اطلاعات و آمار ملی بصورت گسترده و بهم پیوسته تا سطح دهستان ایجاد شده و جریان اطلاعات بصورت دائم در سطوح منابع اطلاع و مراکز آماری کامل گردیده است.
- ۲- عادات و روشهای تهیه اطلاعات و اطلاع رسانی در همه بخشهای تولیدی و خدماتی کشور نهادی گردیده اند.
- ۳- سیستم اطلاعات و آمار کشور مستقل از سیستم اجرائی و منعکس کننده واقعیات جامعه است که توسط سازمانهای مختلف و یا مرکز اطلاعات و آمار کشور تهیه و در اختیار متقاضیان قرار میگیرد.
- ۴- در زمینه امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره آمارهای لازم بر مبنای نیاز دستگاههای تولیدی و خدماتی در بخشهای آزاد، مختلط و یا دولتی و استفاده افراد جامعه در تصمیم گیری برای فعالیتهای سیاسی، اقتصادی و ارزیابی عملکرد نهادهای اجتماعی تهیه میگردد.
- ۵- قوانین لازم بمنظور جلوگیری از نشر آمار و اطلاعات ناصحیح وضع گردیده و اقدامات لازم توسط مراجع قضائی کشور برای اجرای آنها بعمل میآید.
- ۶- اطلاعات و آمار و شبکه آمار کشور بعنوان منبع ثروت عمومی فرض گردیده و اطلاعات و آمار بصورت منظم و مستمر چاپ و در دسترس جامعه قرار میگیرد.
- ۷- نیازهای مستمر واحدهای استفاده کننده آمار به آمار و اطلاعات تهیه شده بعنوان یک اصل پذیرفته شده است.
- ۸- کلیه اطلاعات و آمارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره مورد نیاز جامعه بطور مداوم و سیستماتیک تهیه و منتشر میگردد.

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

۴- ۵۶۶ - سیاستهای کوتاه مدت (مرحله اول)

- ۱- طرح تاسیس شبکه اطلاعات و آمار کشور مطالعه و تدوین گردد .
- ۲- شبکه اطلاعات کشور تا سطح شهرستان و مرکز دهستان گسترش یابد .
- ۳- سیاست توجه به تهیه برنامه های توسعه و تکامل کشور براساس اطلاعات واقعی و دوری جوئی از ارائه برنامه های غیر واقعی و تبلیغاتی که از پایه های آماری برخوردار نیست مورد حمایت قرار گیرد .
- ۴- همکاری با مراکز اطلاعات و آمار کشور در کلیه ارکان بخش خصوصی و عمومی در جهت هر چه کامل تر کردن این سیستم مورد توجه قرار گرفته و بصورت فریضه در آید .
- ۵- طرح هماهنگی آمار و اطلاعات در مورد چگونگی تهیه و تطبیق آمار رسیده به مرکز توسط سازمانها و مراجع تهیه کننده آن تهیه گردد .
- ۶- بررسی و مطالعه جهت یکنواخت کردن " پایه های آماری " از جمله تعاریف آماری " واحدهای شمارش " و الگوهای توزیع فضائی آن انجام شود .
- ۷- بودجه کافی بادی دراز مدت در تهیه و نگهداری آمار و اطلاعات و استمرار بخشیدن به جمع آوری و تجزیه و تحلیل آن در اختیار سازمانهای ذیربط قرار داده شود .

۵- ۵۶۶ - سیاستهای میان مدت و دراز مدت (مرحله دوم و سوم)

- ۱- اطلاعات مورد لزوم سازمانها و اتحاد دولتی و مردمی بصورت منظم و ادواری از محل منبع عمومی اطلاعات و آمار کشور چاپ و منتشر گردد .
- ۲- طرحهایی در جهت تکمیل شبکه اطلاعاتی کشور و بمنظور هماهنگی آمار و اطلاعات بصورت بین بخشی و بین منطقه ای پیاده گردد .
- ۳- شبکه های مخازن آماری در سطح استانها تاسیس گردد .

مسکن یک نیاز انسانی و اجتماعی است ، بهمین دلیل تامین آن در یک جامعه باید پابجای تامین کار ، خوراک ، پوشاک و بهداشت از بالاترین اولویت برخوردار شود و علاوه بر آن مسکن یکی از ملزومات مهم و زیربنائی هر نوع فعالیت اقتصادی است .

مسکن در اقتصاد ملی مایک سهم عمده و نسبتا "عظیم دارد . این نقش خصوصا " در رابطه با تولید ناخالص ملی و اشتغال کاملا " چشم گیر است .

تامین مسکن جز در موارد کاملا " استثنائی مستلزم بالاترین سرمایه گذاری هر خانواده میباشد .

سیاست والگوی توزیع مسکن عامل اساسی در الگوی توسعه ملی و استقرار فعالیتهای عمرانی و توزیع و تمرکز جمعیت است .

در بلندمدت ، در کشور محدودیت بالقوه خاصی در زمینه مسکن وجود ندارد . ولی کمبودهای موجود در زمینه مسکن عبارتند از : کمبود نسبی نیروی انسانی ماهر ، فقدان سازمان و تشکیلات جا افتاده برای مدیریت و اجرای سیاستهای مسکن ، نبود مکانیزم های تجربه شده مالی و اقتصادی در زمینه مسکن ، صنعتی نبودن روند تولید مسکن و فقدان معیارهای مسکن در ارتباط با خصوصیات اقلیمی .

اقلیم های متنوع ایران ضمن ارائه نوعی محدودیت از نظر اشاعه صنعت و تکنولوژی مسکن در مقیاس وسیع ، راه حل طبیعی و بالقوه برای غنا بخشیدن به تکنولوژی بومی و معماری محلی است .

برای تامین مسکن در کشور امکانات فوق العاده زیادی وجود دارد . نیروی انسانی کافی را میتوان با حداقل آموزش فنی در خدمت صنعت ساختمان قرارداد . مصالح متنوع محلی را میتوان با یک کوشش پیوسته بصورت مقاوم درآورد و بطریق صنعتی تولید کرد ، کمبودهای موجود در زمینه اقلام خاصی از مصالح ساختمانی نظیر آهن آلات را میتوان در بلندمدت در خود کشور تامین کرد و با شناخت صحیح و عمیق معماری بومی میتوان روشهای ساختمانی مدرن را با خصوصیات منطقه ای تطبیق داده و از هزینه تولید کاست .

۲ - ۵۶۷ - ویژگیهای وضع موجود

بسیاری از نابسامانی های مشهود در امر مسکن نتیجه سیاست ها و برنامه های درهم و متناقض در رژیم گذشته میباشد . بدین ترتیب که :

- ۱ - فقدان سیاست جامع و مدون دراز مدت در زمینه مسکن موجب میگردد که برنامه های دولت ها در گذشته منحصر شود به اقدامات نمایی و تشریفاتی و غالبا " توأم با سوء استفاده های مالی .
- ۲ - بورس بازان و صاحبان صنایع ساختمانی و دلالان اعتبارات وامی تعیین کننده اصلی سیاست های ضد و نقیض مسکن بودند و خود از این رهگذر بیش از مصرف کننده واقعی سود میبردند .
- ۳ - سوددهی بخش مسکن توأم با سوء استفاده های کلان موجب گردیده بود که مقدار معتنا بهی از منابع

به بخش ساختمانی خصوصا " مسکن سرازیر شود . تمرکز منابع انسانی ، مالی و غیره در بخش ساختمان از یک سو موجب بروز کمبودها در سایر بخشهای اقتصادی گردیده بود و از سوی دیگر همین کمبودها همراه با رشد سرسام آور شهرگرایی و شهرنشینی موجب افزایش قیمتتها و تورم در جامعه گردید ، بحدی که هزینه مسکن از قدرت تحمل اکثریت خانوادهای ایرانی خارج گردیده بود .

۴- یکی از مهمترین اثرات انقلاب تغییر چشم گیر در اقتصاد ملی است . بدین ترتیب که به صنعت وابسته و مصرفی که در شهرهای کشور متمرکز است لطمه شدیدی وارد شده است و این نوع سرمایه گذاری کلا "وسریعا" سیر نزولی را می پیماید .

۵- اهمیت دادن به بخش کشاورزی در اقتصاد ملی پس از انقلاب و تجهیز منابع در جهت عمده ران روستاهای کشور از اهمیت نسبی مسکن شهری در مجموع سیاست های مسکن ملی کاسته است و بدین ترتیب اهمیت مسکن در ارتباط با بخش کشاورزی و جامعه روستایی کشور کاملا " نمایان شده است .

۶- جلوگیری از بورس بازی زمین و تعدیل قیمت زمین ، حذف بهره بانکی و تغییر نسبی محاسبات اقتصاد مسکن از حالت انتفاعی به غیرانتفاعی و رفاهی موجب تغییر ماهیت صنعت مسکن میشود . به همین دلیل استفاده از جدولهای متداول در محاسبات مسکن و صرفا " توجه به جنبه های کمی سنجش مسکن اعتبار خود را از دست داده است و نیاز توجه به جنبه های کیفی بیش از هر زمانی مشهود است .

۷- در عین حال اقدامات ضد و نقیض و بظاهر امیدوارکننده و برنامه های ضربتی و حساب نشده دولت و تعدد مراکز تصمیم گیری از یک طرف موجب رکود کامل فعالیتهای ساختمانی گردیده و از طرف دیگر موجب تشدید مهاجرت به تهران و برخی از شهرهای بزرگ دیگر شده است . معهذنا نباید از نظر دور داشت که رکود در امر فعالیتهای ساختمانی موجب تعدیل مهاجرت های فصلی به شهرها شده است .

۸- کوچک جلوه دادن مسئله مسکن توسط مسئولین امر و دادن وعده های توخالی که امکان برآوردن آنها برای دولت میسر نبوده است موجب بالا رفتن سطح توقع در مردم شده است . فشار ناشی از این جو غیر واقعی دولت را در جهت انجام برنامه های ضربتی و غالبا " حساب نشده سوق داده است .

۹- رکود صنایع ، مسائل ناشی از کم کاری ، مسائل اقتصادی و وارداتی و ارزی کشور و نامشخص بودن وضع مالکیت از یک طرف باعث کمبود مصالح و تولیدات صنعتی مورد مصرف در صنایع ساختمان گردید و از طرف دیگر سازندگان از فعالیت خود کاسته و یا اصلا " فعالیت نمیکنند . بنابراین بدون تغییرات اساسی نمیتوان به حل مسئله مسکن در مقیاس وسیع و مورد نیاز جامعه امیدوار بود .

۳- ۵۶۷- آرمانها و هدفها (وضع مطلوب)

۱- مسکن یک نیاز انسانی و اجتماعی است و برخورداری از آن یکی از حقوق اولیه هریرانی است . هر خانواده ایرانی صرف نظر از محل سکنی از سرپناه مناسب و بهداشتی متناسب با مقتضیات و نیازهای خود برخوردار میباشد .

۲- مسکن آنجا بوجود آمده است که امکانات بالفعل و بالقوه فعالیتهای تولیدی وجود دارد . هر خانواده ایرانی مستقل از محل زندگی از حقوق مساوی مسکن برخوردار میباشد .

۳- مسکن فقط به چهار دیواری و سرپناه خاص یک خانوار محدود نمیشود بلکه مجموعه ایست شامل وسائل لازم برای رشد و تعالی شخصیت انسان . بنابراین هرکجا که از مسکن صحبت میشود باید مجموعه

تسهیلات مورد نیاز و مربوط به آن نظیر تسهیلات بهداشتی، آموزشی و پرورشی و تفریحی و خدمات اولیه مانند برق و آب و غیره مورد نظر باشد. بنابراین ارزشیابی کمی و کیفی سیاست‌ها و برنامه‌های تامین مسکن مبتنی بر نیازهای مردم میباشد.

۴- تامین مسکن بدلیل هزینه آن به اقتصاد خانواده فشار وارد نمیاورد. عبارت دیگر هر خانوار میتواند با هزینه متناسب با درآمدش مسکن مورد نیاز خود را تامین نماید.

۵- تامین مسکن و مالکیت آن دو مقوله متفاوت است. آنچه در سیاست‌های تامین مسکن در سرلوحه اقدامات قرار گرفته است ایجاد ضمانت و اطمینان از دارا بودن امکان استفاده مداوم از مسکن است، نه مالکیت آن.

۶- نقش اساسی دولت محدود به امور ارشادی و زیربنائی و مدیریت و هماهنگی فعالیت‌های مسکن میگردد. اقدامات اساسی دولت متوجه سه زمینه عمده زیر میباشد که عبارتند از:

اول- ایجاد زمینه به منظور تجهیز کلیه امکانات.

دوم- فراهم آوردن زمینه مشارکت و دخالت مستقیم مردم در خانه‌سازی.

سوم- اقدامات مستقیم دولت در تامین مسکن که محدود به موارد کاملاً استثنائی و ضروری میباشد.

سیاستها و راهبردها (کوتاه مدت - میان مدت و دراز مدت)

تامین مسکن یک برنامه تجریدی نیست بلکه باید در یک شبکه پیوسته و هماهنگ با سایر فعالیت‌های نوسازی و عمرانی صورت گیرد. از این رو تجهیز کلیه عوامل در جهت مطالعه و تدوین سیاست‌های ملی مسکن باید در سرلوحه اقدامات دولت قرار گیرد. علاوه بر آن دولت باید ترتیبی اتخاذ کند که تعیین سیاست و اجرای آن از حالت پراکنده و نابسامان کنونی درآمده و از یک نظام مشخص تبعیت کند تا تغییرات سیاسی باعث توقف در امر ساختمانی نگردد و از بی نظمی و ندانم‌کاری اجتناب شود.

از نظر کلی نیاز به مسکن در سه قسمت عمده باید مورد بررسی و محاسبه قرار گیرد که عبارتند از:

اول- تامین کمبودهای موجود.

دوم- تجدید بنای تدریجی ساختمانهای فرسوده موجود.

سوم- تامین نیاز مربوط به رشد طبیعی جمعیت.

جمعیت کشور در سال ۱۳۵۹ حدوداً ۳۷ میلیون نفر پیش بینی میشود که تخمیناً " بطور مساوی بین جوامع شهری و روستائی تقسیم شده است. این جمعیت با رشد متوسطی معادل ۲/۷ درصد در سال افزایش می‌یابد. با فرض بر اینکه بعد از نوار در جامعه شهری ۴/۵ نفر و در جامعه روستائی ۵/۵ نفر است و با محاسبه یک سرپناه برای هر خانوار تهیسه یکصد هزار سرپناه برای هر یک از جوامع شهری و روستائی فقط بمنظور تامین نیاز به مسکن برای رشد جمعیت در هر سال مورد نیاز خواهد بود. اگر باین رقم نیازهای مربوط به تجدید بنا و تامین کمبود موجود را بیافزائیم ابعاد کلی مسئله تا حدی نمایان میگردد.

مسئله دیگر در محاسبه مسکن عبارتست از الگوی توزیع جمعیت و عوامل تعیین کننده آن، از جمله

محدودیت‌ها و استعدادهای بالقوه مناطق مختلف کشور از نظر تولید اشتغال، بعثت محدودیت‌های مربوط به منابع طبیعی و بخش کشاورزی و عدم امکان استقرار همه صنایع در روستاها نمیتوان بی‌شکاز ظرفیت واقعی روستاها در آنها اشتغال بوجود آورد. بنابراین حرکت مهاجرت کماکان از روستا به شهر خواهد بود. تامین هدفهای انقلاب در زمینه‌های رفاه و عدالت اجتماعی و اقتصادی حکم میکند که جامعه روستائی بیش از حد معینی از جمعیت کشور را در خود نگاه ندارد (این جمعیت حدوداً ۲ تا ۳ میلیون خانوار تخمین زده میشود که نیمی از آنها در کشاورزی و بقیه در صنایع و خدمات فعالیت خواهند داشت).

تحلیل‌های علمی و آماری و تجربه سایر کشورها نشان میدهد که حرکت مهاجرت از روستا به شهر و یا شهر شدن روستاها امریست اجتناب ناپذیر. آنچه امکان پذیرمینماید اینست که میتوان با اتخاذ سیاستهای مناسب تا حدودی روند ورود و بعداً مهاجرت را کنترل و هدایت نمود، لیکن نمیتوان جلوی مهاجرت را گرفت. اصولاً "مهاجرت مشروط بر اینکه بر مبنای صحیحی صورت گیرد لازمه توسعه اجتماعی و اقتصادی است. بنابراین میتوان سیاست مسکن را در جوامع شهری و روستائی با در نظر گرفتن امکانات استقرار فعالیتهای عمرانی و توزیع جمعیت آینده کشور و مبتنی بر اولویت‌های تامین مسکن برای کشاورزان و گروههای کم درآمد شهری و روستائی تنظیم نمود. لازم به یادآوری است که نمیتوان سیاست مسکن را در تهیه مسکن برای روستاهای مملکت خلاصه نمود. آنچه مسلم است جمعیت کنونی روستائی اگر از میزان فعلی کمتر نشود زیادتر نخواهد شد. و راه حل امر مهمی مانند مسکن نمیتواند برپایه احساسات شکل گیرد، بلکه مستلزم واقع بینی و آینده نگری است.

حل مسئله مسکن باید از جامعیت کافی برخوردار باشد زیرا علاوه بر اینکه مسکن بزرگترین سرمایه گذاری هر خانوار به حساب میآید، در کلیه شئون زندگی انسان مؤثر بوده و پایگاه رشد عقلانی و اجتماعی است. دیگر اینکه مسکن با تمام بخشهای اجتماعی، رفاهی و اقتصادی مربوط است. نقش دولت باید بر زمینه‌های زیر تاکید داشته باشد:

۱- اقدام مستقیم دولت در تامین مسکن باید محدود به موارد کاملاً "ضروری" باشد. دولت باید بجای خانه سازی به ایجاد زمینه و برقراری هماهنگی و برنامه ریزی و هدایت و کنترل برنامه‌های خانه سازی و تجهیز منابع و تدوین و اعمال ضوابط فنی بپردازد.

۲- اقدامات دولت بر پایه تجزیه و تحلیل علمی و آماری از نیازهای جامعه استوار گردد و در این مسیر شناسائی دقیقی از وضع موجود مسکن در شهرها و روستاهای کشور و متکی بر خصوصیات هر منطقه بعمل آورد. دولت بر مبنای پیش بینی‌های متفاوت از جمعیت آینده کشور بطور حداقل و حداکثر تخمینی از احتیاجات آینده در مقاطع زمانی مختلف بعمل آورد و بر مبنای نیاز خانواده‌ها و روشهای مختلف سکنی و پاسخگویی به ویژگیهای اقلیمی و شرائط زیستی شهر و روستا با استفاده از معیارهای کمی و کیفی برآوردی از احتیاجات ساختمانی، اعتبارات لازم و نیروی کار، مصالح مورد نیاز و کلیه عوامل وابسته بعمل آورده و بصورت سیاستی ملی، مدون و مشخص به تفکیک مناطق و جامعه شهری و روستائی ارائه دهد.

۳- اقدامات زیربنائی در زمینه تامین مسکن در شهر و روستا بدلائل سابقه خاص ایران با یکدیگر متفاوتند. اهم این اقدامات بقرار زیر میباشد:

الف - شناخت مصالح ساختمانی و ایجاد زمینه برای مقاوم کردن آنها. این امر باید در ارتباط مستقیم با امکانات و محدودیتهای محلی هر منطقه صورت گیرد. مثلاً "اگر فراوانترین مصالح بنائی در ۶۰ درصد روستاهای ایران خاکرس است، دولت باید بجای ایجاد ساختمانهای نمایشی، کورههای کوچک آجرپزی بوجود آورد و سوخت آنها را برایگان تأمین و اداره و بهره برداری آنها را در اختیار مردم روستاها قرار دهد.

ب - استانداردارد کردن مسکن. از یک طرف باید بازتابی از شرایط اقلیمی، معماری و وضع مصالح موجود در محل باشد و از طرف دیگر انعکاسی از آخرین تحولات ساختمان سازی و علوم و تجربیات مربوطه. استانداردارد کردن باید در سطح اجتماع و در مقیاس وسیع عرضه شود. استانداردارد کردن در بلندمدت هزینه مسکن را کاهش میدهد و مهمترین نکته روشهای صحیح را جانشین روشهای متداول نادرست میکند. در استانداردارد کردن باید به معماری و خصوصیات بومی توجه شود و فقط به تهیه نقشه‌های یکنواخت اکتفا نگردد، بلکه اصول بدست آمده در زمینه تولید و صنعت مصالح ساختمان و روشهای اجرا و بازار عرضه اجزاء ساختمان منعکس شود.

پ - دولت باید به تجهیز مردم و آموزش خودیاری در ساختمان مسکن بپردازد.

ت - از پرداخت وام نقدی در سطح روستاها میبایست خودداری شود و بجای آن کمکها بصورت فنی و یادراختیار نهادن مصالح ارائه شود و در ایجاد تسهیلات عمومی و خدمات و فضاهای عمومی، سرمایه گذاری گردد.

۴- در سطح شهرها اقدامات زیر باید اساس سیاستهای دولت را تشکیل دهد:

الف - تقویت بنیه مالی و فنی شهرداریها بمنظور ایجاد توان لازم در عرضه خدمات بیشتر و بهتر شهری. حداقل اقدامات لازم در این زمینه عبارتست از:

اول - افزایش نسبی سهم عمران شهری از اعتبارات عمرانی.

دوم - برنامه ریزی صحیح و هماهنگ آموزشی و تربیت نیروی انسانی در زمینه معماری و شهرسازی و مهندسی تاسیسات.

سوم - کمک مستقیم به استانها و شهرها جهت تهیه طرحهای هدایت کننده رشد و توسعه شهرها.

ب - در ارتباط با اقدامات فوق، دولت باید از طریق شهرداریها (و نه از طریق وزارتخانه‌ها) به تهیه و آماده سازی زمین و اراضی شهری بپردازد. آماده سازی زمین شامل تسطیح و شیب سازی، ایجاد تاسیسات دفع فاضلاب، تامین برق و بهداشت و خدمات عمومی است. هزینه زمینی که در اختیار مصرف کننده قرار میگیرد باید بازتابی از این نوع هزینه‌ها باشد.

پ - دولت باید در جهت صنعتی کردن ساختمان و خانه سازی بکوشد. صنعتی کردن الزاماً اشاعه روشهای پیش ساخته نیست، بلکه عبارتست از تهیه و انتشار نقشه‌های صحیح تیپ، استانداردارد کردن مصالح ساختمانی و اجزاء ساختمان در ارتباط با امکانات و وضع اقلیمی مناطق مختلف، هدایت فرآورده و مصالح ساختمانی، اشاعه استانداردهای اجزاء ساختمانی نظیر در، پنجره، یزاق آلات، لوازم بهداشتی و غیره.

ت - دولت باید از ایجاد سروصدا و دادن وعده وعید در امر مسکن خودداری کند تا موجبات هجوم مهاجرین به شهرها فراهم نشود. در تدوین و اعلام سیاستهای مسکن باید بین ارگانهای مسئول هماهنگی بوجود آید.

ث - دولت باید سیاستهای اقتصادی و تشخیص های فقهی مراجع رسمی را در زمینه مالکیت بطور عام و مالکیت مسکن را بصورت اخص هماهنگ و برای یکبار اعلام نماید تا حرکات اقتصادی مربوط به عرضه و تقاضای مسکن در بخش خصوصی براساس آن تنظیم شود.

ج - دولت باید از تسهیلات اعتباری خاص و بر سروصدا در ایام قبل از انتخابات که جنبه تبلیغاتی دارد و تورم زاست و موجب گرانی مسکن میشود خودداری نماید. سیاست اعتباری دولت باید بر مبنای هدفهای بلند مدت تدوین و اعلام شود و اقدامات پراکنده و ضد و نقیض خودداری شود.

چ - تهیه آمار مسکن و خصوصا "آمار کمی و کیفی مسکن و توزیع آن از بالاترین اولویست در آمارگیری و نمونه گیری برخوردار شود.

ح - محاسبات نیاز به مسکن در سطح شهرها در یک قالب محاسباتی معین و در ارتباط با کیفیت برنامه های تولیدی در شهر و روستا صورت گیرد و در این محاسبات به تفاوت های چشم گیر و اساسی در ضوابط قبل و بعد از انقلاب (نظیر ماهیت ساخت اقتصاد ملی، الگوی توزیع فعالیتها و سرمایه گذاری ها، توزیع ثروت و درآمد و لزوم تقویت بخش روستائی به قیمت کاهش حجم فعالیت های بخش خدمات) توجه خاص مبذول گردد.

خ - بر مبنای محاسبات فوق دولت باید زمینه تهیه و تامین مصالح ساختمانی مورد نیاز در هر دوره برنامه ریزی را بوجود آورد و در سیاست تامین مصالح ساختمانی به کیفیت و شیکه توزیع و امکانات دسترسی مراکز فعالیت (چه شهروچه روستا) توجه شود. این سیاست ضمناً باید بازتابی از امکانات منطقه ای باشد.

د - دولت باید مقررات و آئین نامه های ساختمانی را در ارتباط با ویژگیهای اقلیمی و مسائل و محدودیت های هر منطقه از کشور تدوین نماید. زیرا اعمال استانداردهای ملی و تقلید شده از کشورهای دیگر به گسترش شکاف بین شهر و روستا کمک میکند و بعلمت تنوع و محدودیتهائی که در اقلیم و مصالح ساختمانی در نقاط مختلف کشور وجود دارد کاربرد یک آئین نامه سرتاسری عملی نیست.

۵- سیاست ملی مسکن، در عین حال که تا اندازه ای هادی و تعیین کننده چگونگی توزیع جمعیت است باید در رابطه مستقیم و هماهنگ با نظام مراکز جمعیتی جوامع شهری و روستائی باشد. در مقاطع زمانی مختلف هم اولویتهای ایجاد مسکن می باید در ارتباط با اولویتهای سیاست توسعه و عمران این مراکز هماهنگ گردد. بدین منظور اولویت ساختمان مسکن در چهارچوب سیاستی جامع و هماهنگ با فعالیت دیگر بخشهای عمرانی در مرحله نخست "مراکز بخشها" در جامعه روستائی و "شهرهای متوسط" در جامعه شهری را شامل گردیده و در مرحله بعدی "مراکز خدمت رسانی" پائین تراز "مراکز بخشها" در جامعه روستائی و در جامعه شهری "شهرهای کوچک" را در برگیرد.



صورت اسامی افرادی که در انجام مطالعات از شهریور ماه ۱۳۵۸ تا اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ همکاری نموده اند *

- | | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| ۱- آقای مهندس رضا آصفی | ۲۳- آقای دکتر جهانگیر صالح |
| ۲- آقای دکتر تقی ابتکار | ۲۴- آقای دکتر کاظم صدر |
| ۳- آقای دکتر احمد اشرف | ۳۵- آقای دکتر عطاءاله صفائی |
| ۴- آقای دکتر سیروس اوصیاء | ۳۶- آقای مهندس اکبر طاهری |
| ۵- آقای دکتر حمیدالیا سی | ۳۷- آقای دکتر منوچهر طبیبیان |
| ۶- آقای مهندس پداله بحر به | ۳۸- آقای میرمصطفی عالی نسب |
| ۷- آقای دکتر علی برزگر | ۳۹- آقای دکتر احمد عظیمی |
| ۸- آقای دکتر محمدبرهان منش | ۴۰- آقای مهندس محمدرضا فرخیان |
| ۹- آقای دکتر محسن بلور فروش | ۴۱- آقای دکتر محسن فردی |
| ۱۰- آقای مهندس فرهاد بهبهانی | ۴۲- آقای دکتر داریوش فضل‌اللهی |
| ۱۱- آقای دکتر بهرام بهرامیان | ۴۳- آقای مهندس عنایت‌الله قطب |
| ۱۲- آقای دکتر پرویز توفیقی | ۴۴- آقای مهندس مرتضی مانیان |
| ۱۳- آقای مهندس سیاوش تیموری | ۴۵- آقای دکتر فرج‌الله مجاب |
| ۱۴- آقای دکتر ایرج جواندل | ۴۶- آقای دکتر محمدجعفر مجرد |
| ۱۵- آقای دکتر عباس چمران | ۴۷- آقای مهندس حسن محمدی |
| ۱۶- آقای دکتر حسینعلی حجازی | ۴۸- آقای مهندس با یزید مردوخی |
| ۱۷- آقای مهندس مجتبی حجازی | ۴۹- آقای دکتر جلیل مستشاری |
| ۱۸- آقای دکتر خسرو خسروی | ۵۰- آقای دکتر ابوالقاسم مصدق |
| ۱۹- آقای مهندس محسن خلیلی | ۵۱- آقای مهندس حسین مظفریان |
| ۲۰- آقای دکتر حسن دبیری | ۵۲- آقای دکتر اصغر معنوی |
| ۲۱- آقای دکتر فرخ درویش | ۵۳- آقای فریدون معنوی |
| ۲۲- آقای مهندس عنایت‌الله ربانی | ۵۴- آقای دکتر مصطفی معینی عراقی |
| ۲۳- آقای مهندس مرتضی رحیمی | ۵۵- آقای مهندس مصطفی مهاجرانی |
| ۲۴- آقای مهندس احمد رهجو | ۵۶- آقای دکتر عباس میراخور |
| ۲۵- آقای دکتر عباسعلی زالی | ۵۷- آقای مهندس مجتبی میربهاء |
| ۲۶- آقای دکتر منوچهر زیبرک زاده | ۵۸- آقای دکتر علی میرعارفی |
| ۲۷- آقای دکتر علی ستاری پور | ۵۹- آقای دکتر رحیم نادراصفهانی |
| ۲۸- آقای دکتر ناصر شرافت | ۶۰- آقای دکتر محمود نظامی |
| ۲۹- آقای مهندس حبیب‌الله شفاپی | ۶۱- آقای مهندس محسن وحدانی |
| ۳۰- آقای مسعود شفیق | ۶۲- آقای دکتر رضاهاشمیان |
| ۳۱- آقای مهندس حسن شهیاری | ۶۳- آقای دکتر اسماعیل یزدی |
| ۳۲- آقای مهندس علی اکبر صابری | ۶۴- آقای دکتر بهمن یزدی صمدی |

* نام ۱۹۵ نفر که از فروردین تا مرداد ماه ۱۳۵۸ در تدوین گزارش مقدماتی سیاستهای اقتصادی-اجتماعی همکاری داشته‌اند در آن گزارش ذکر شده است.